

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله و بعد؛

درین شماره فوق العاده مجله علمی پوهنتون کابل مجموعه مقالاتی است که در کنفرانس ملی تقویت تحصیلات عالی که به تاریخ های دوم، سوم و چهارم حوت سال ۱۴۰۱ ه.ش به همکاری وزارت محترم تحصیلات عالی برگزار شده بود. این مقالات که تعداد آنها به ۱۸ عنوان مقاله می رسد در کنفرانس متذکره تنها به چاپ قبول شده بود. قابل یادآور است که ده ها عنوان مقاله که درین کنفرانس مواصلت ورزیده بودند از آن جمله به تعداد ۲۴ عنوان مقاله در کنفرانس متذکره هم به ارائه و هم به چاپ قبول شده بود که در شماره دیگر این مجله اقبال چاپ یافته است.

بورد کنفرانس



پوهنتون کابل

مجله ی علمی - تحقیقی پوهنتون کابل

شماره فوق العاده ۱۴۰۲ هـ.ش

(مجموعه مقالات قابل چاپ کنفرانس ملی تقویت تحصیلات عالی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونیت تحقیقات و نوآوری پوهنتون کابل
مجله ی علمی-تحقیقی پوهنتون کابل
شماره فوق العاده ۱۴۰۲ هـ.ش

مجله‌ی علمی-تحقیقی پوهنتون کابل

شماره فوق‌العاده ۱۴۰۲ ه.ش (مجموعه مقالات قابل چاپ کنفرانس ملی تقویت تحصیلات عالی)

صاحب امتیاز	پوهنتون کابل
مدیر مسوول	پوهندوی دکتور محمدولی سالاری
مهتمم	پوهندوی دکتور محمدولی سالاری
ویراستار دری و انگلیسی	پوهندوی دکتور محمدولی سالاری
ویراستار پشتو	پوهنوال محمدشفيق وردک
لیتوگرافی	محمدحسین راسخ
صحافت	خان محمدعطایی، مهدی، محمد اصغر، علی جان رحیمی و نورالحق امینی

آراء و نظریه‌های مندرج در این مجله الزاماً نظر مجله‌ی علمی-تحقیقی پوهنتون کابل نبوده و آمریت مجله و ژورنال‌های علمی پوهنتون کابل در حکم، بازنگری، اصلاح و ویرایش مقاله‌ها برحسب معیارهای پذیرفته شده آزاد است. نقل قول مطالب این مجله با ذکر مآخذ آن آزاد است.

اعضای هیأت تحریر مجله علمی و تحقیقی علوم اجتماعی

پوهنوال محمدشفيق وردک

پوهنوال دکتور گل محمد باسل

پوهنوال دکتور عبدالقاهر عابد

پوهنمل مجیب الرحمن رحمانی

پوهنمل محمدحسین احمدزی

پوهنمل احسان‌الله فیصل

پوهنمل دکتور همایون غفورزی

اعضای هیأت تحریر مجله علمی و تحقیقی علوم طبیعی

پوهاند محمدسلیم رحیمی

پوهاند دکتور سیدشیرشاه سادات

پوهاند دکتور عبدالقیوم کریم

پوهاند عبدالغیاث صافی

پوهنوال آقامحمد ژکفر

پوهنوال امیرکروړ شهیدزی

پوهندوی دکتور احمدمسعود منصوری

پوهندوی محمدداود شیرزاد

پوهندوی دکتور محمدولی سالاری

پوهندوی احمدفواد احساس

پوهندوی عبدالرحمان عثمانی

پوهنمل صفی‌الله جوهر

رهنمود نگارش مقاله‌ی علمی-تحقیقی در مجله‌های علمی پوهنتون کابل

استادان فرهیخته و محققان ورجاوند، نکات کلیدی زیر را در تدوین و نگارش مقالات علمی-تحقیقی شان رعایت فرمایند. بنابراین مقاله‌های که فاقد رهنمود نگارش ذیل باشند، نشر نخواهند شد.

- [۱]. مقاله‌ی علمی باید اثر بکر استاد و محقق بوده و در جای دیگر نشر نشده باشد.
- [۲]. مقاله‌ی علمی باید عاری از هر نوع انتحال و سرقت ادبی باشد.
- [۳]. سبک و نگارش مقاله‌ی علمی معیاری بوده و از اغلاط املائی و انشایی عاری باشد.
- [۴]. در نگارش مقاله‌های علمی به‌طور عمده از منابع و مآخذ معتبر علمی استفاده شده باشد.
- [۵]. مقاله‌های علمی-تحقیقی باید دارای بخش‌های چکیده، اصطلاحات کلیدی، مقدمه، بیان مسأله، سؤالات تحقیق، فرضیه‌های تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق، روش تحقیق، داده‌ها، تحلیل داده‌ها، یافته‌های تحقیق، مناقشه، نتیجه‌گیری با ذکر منابع و مآخذ باشند.
- [۶]. چکیده‌ی درجی، پشتو و انگلیسی مقاله‌ی علمی میان ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه باشد. در صورت تجاوز کلمات چکیده از معیار تعیین شده، ممکن است منجر به عدم نشر مقاله در مجله‌های علمی پوهنتون کابل گردد.
- [۷]. اصطلاحات کلیدی مقاله‌ی علمی میان ۵ تا ۷ اصطلاح باشند.
- [۸]. حجم مقاله‌ی علمی نباید بیش‌تر از ۱۰۰۰۰ ده هزار کلمه باشد.
- [۹]. نوع خط مقاله‌ها به زبان دری و پشتو قرار Bahij Zar و به زبان انگلیسی به نوع خط Times New Roman باشد.
- [۱۰]. اندازه‌ی عنوان مقاله: ۱۴ بولد، عناوین اصلی بخش‌های مقاله: ۱۲ بولد، عناوین فرعی: ۱۲ نرمال و در نهایت، اندازه‌ی متن مقاله ۱۲ نرمال باشد.
- [۱۱]. اندازه‌ی خط جدول‌ها و گراف‌ها قرار ۲ اندازه کوچک‌تر از متن اصلی مقاله باشند.
- [۱۲]. اندازه‌ی فهرست منابع باید قرار ۲ اندازه کوچک‌تر از متن اصلی مقاله باشند.
- [۱۳]. اندازه‌ی خط پاورقی‌ها باید ۲ اندازه کوچک‌تر از متن اصلی مقاله باشند.
- [۱۴]. ارجاع درون‌متنی و تدوین فهرست منابع و مآخذ برای علوم اجتماعی از روش انجمن روان‌شناسی امریکا (APA) و برای علوم طبیعی از روش (Vancouver) و برای علوم شرعی از روش شیکاگو (پاورقی) استفاده و تنظیم گردد. هر نوع روش دیگر، قابل پذیرش نبوده و در صورتی که نویسنده آن را رعایت نکند، مقاله‌اش مورد نشر قرار نخواهد گرفت.
- [۱۵]. جدول‌ها باید به‌شکل معیاری (APA) یعنی شکل سه‌خطی ترسیم گردند (برای معلومات بیش‌تر به جدول‌های مقاله‌ها در این مجله مراجعه شود).
- [۱۶]. گراف‌ها با کیفیت چاپی پایین قابل قبول نبوده و ممکن است از اثر آن، مقاله از نشر بازماند. گراف‌های برداشته شده از وب‌سایت‌ها که از کیفیت پایین برخوردار اند، قابل پذیرش نیست و توصیه می‌شود که با ذکر مجوز، تولید مجدد گردد.
- [۱۷]. گراف‌ها و جدول‌ها باید قابلیت ویرایش و تصحیح را داشته باشد.
- [۱۸]. اندازه‌ی صفحه در محیط ورد قرار ۶،۵ اینچ عرض و ۹،۵ اینچ طول داشته باشند. حاشیه‌های بالا و پایین راست و چپ همه قرار ۰،۷۹ اینچ باشند.
- [۱۹]. مسوولیت محتوای مطالب مقاله به‌عهده‌ی نویسنده است و الزاماً مربوط آمريت مجله و ژورنال‌های علمی پوهنتون کابل نیست.
- [۲۰]. آمريت مجله و ژورنال‌های علمی پوهنتون کابل در ویرایش و اصلاح شکلی مقاله‌ها دست آزاد دارد.

نویسندگان این شماره

شماره	نام نویسنده
[۱].	پوهندوی دکتور محمد ولی حنیف
[۲].	پوهندوی دکتور محمد ظاهر فهمی
[۳].	پوهنمل دکتور محمدشاه صدیق
[۴].	پوهنمل دکتور احمدشعيب مسلم‌یار
[۵].	پوهنمل حزب‌الله رحمانی
[۶].	پوهنمل عبدالسیحان صدیقی
[۷].	پوهندوی همایون رهیاب
[۸].	پوهنیار عبدالسمیع رحمانی
[۹].	پوهنیار الله محمد هڅاند
[۱۰].	پوهنمل محمد طالب طارق
[۱۱].	پوهنیار عبدالله حبیبی، پوهنیار حبیب الرحمن ستانکزی
[۱۲].	پوهنیار خلیل احمد احدی
[۱۳].	پوهنمل ضیال‌الدین رحیمی، پوهنمل میراحمد فیض‌مند، پوهنمل ملاجان رحمانی
[۱۴].	پوهنیار حبیب‌الله پویا، پوهنیار نصرالله نصرت، پوهنیار محمدصادق میرزایی و نامزد پوهنیار سکندر مهدوی
[۱۵].	پوهنمل فریده سروری، زلمی سروری
[۱۶].	پوهنمل محمد مسعود نیک‌نام
[۱۷].	پوهنیار امان‌الله توتاخیل
[۱۸].	پوهنیار عنایت‌الله اکبری، پوهنیار نجیب‌الله مجددی

فهرست مطالب

۱۳	بررسی چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی کشور و راه‌های حل آن	پوهندوی دکتور محمد ولی حنیف
۲۹	وضعیت و چالش‌های تضمین کیفیت و اعتباردهی در تحصیلات عالی	پوهندوی دکتور محمد ظاهر فهمی
۴۳	چالش‌ها و فرصت‌های یادگیری الکترونیکی در تحصیلات عالی افغانستان	پوهنمل دکتور محمدشاه صدیق
۶۵	اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی و راهکارهای تقویت آن	پوهنمل دکتور احمدشعیب مسلم‌یار
۸۳	د محصل محوري زده کړو اهمیت او اغېزې: په پکتیکا پوهنتون کې د یوه حالت څېړنه	پوهنمل حزب‌الله رحمانی
۹۳	چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی در کشور	پوهنمل عبدالسیحان صدیقی
۱۰۷	آسیب‌شناسی بازنگری نصاب تحصیلی افغانستان	پوهندوی همایون رهیاب
۱۲۱	اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی و راهکارهای تقویت آن	پوهنیار عبدالسمیع رحمانی
۱۳۳	آموزش محصل محور و چالش‌های آن در تحصیلات عالی افغانستان	پوهنیار الله محمد هڅاند
۱۵۱	جایگاه تحقیقات علمی در پوهنتون‌ها و نقش آن در بهبود کیفیت تحصیلات عالی	پوهنمل محمد طالب طارق
۱۶۳	په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې د تدریس په کیفیت د اغېزناکو عواملو درجه بندي	پوهنیار عبدالله حبیبی، پوهنیار حبیب الرحمن ستانکزی
۱۷۷	اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت آن در نظام تحصیلی افغانستان	پوهنیار خلیل احمد احدی
	بررسی چالش‌های تدریس از راه دور در نظام تحصیلات عالی افغانستان در طول شیوع کووید ۱۹: با مطالعه موردی پوهنتون پروان	پوهنمل ضیاءالدین رحیمی، پوهنمل میراحمد فیض‌مند، پوهنمل ملاجان رحمانی
۲۰۵	بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی	پوهنیار حبیب‌الله پویا، پوهنیار نصرالله نصرت، پوهنیار محمدصادق میرزایی و نامزد پوهنیار سکندر مهدوی
۲۱۷	نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور	پوهنمل فریده سروری، زلمی سروری

درآمدی بر تقویت نظام تحصیلات عالی افغانستان ۲۲۹

پوهنمل محمد مسعود نیکنام

په سید جمال الدین افغان پوهنتون-کونړ کې د بریښنايي زده کړو د تطبیق پر وړاندې ستونزې او فرصتونه ۲۴۱

پوهنیار امان الله توتاخېل

تحصیلات عالی و نقش آن در تحقق اهداف انکشاف پایدار ۲۵۳

پوهنیار عنایت الله اکبری ، پوهنیار نجیب الله مجددی

بررسی چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی کشور و راه‌های حل آن

پوهندوی دکتور محمد ولی حنیف

دیپارتمنت فقه و عقیده، پوهنځی علوم اسلامی، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: m.wali2010@yahoo.com

چکیده

تحصیلات عالی باکیفیت در هر کشوری نقش اساسی را در توسعه و پیشرفت علمی و اقتصادی آن کشور دارد؛ اما در نبود رهبری سالم، مدیریت قوی، بودجه کافی و پشتوانه محکم و قابل اعتماد، نمی‌توان برنامه‌ریزی دقیق در این زمینه انجام داد و مهم‌تر از همه این‌که عدم درک درست از چالش‌ها و مشکلات این عرصه و همین‌طور فرصت‌های موجود در این زمینه خود مانع جدی فرا راه توانمندسازی و تقویت نظام تحصیلات عالی در هر جامعه‌ی است. بنابراین لازم است ابتدا شناخت درستی از چالش‌ها و مشکلات موجود در این زمینه داشته باشیم تا با رفع این مشکلات، بتوان به تقویت و توسعه تحصیلات عالی در کشور همت نمود. تحقیق حاضر به روش تحلیلی در زمینه چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی انجام شده است. نتایج تحقیق به دست آمده نشان‌دهنده چالش‌های عمده‌ای است که نظام تحصیلات عالی با آن مواجه است. با اتخاذ راهبردهای آموزشی مناسب و مؤثر که در این مقاله به آن اشاره شده است، می‌توان بر چالش‌های موجود فائق آمد.

اصطلاحات کلیدی: تحصیلات عالی؛ چالش؛ کیفیت؛ پالیسی؛ پلان استراتژیک

Examining the Challenges Facing Higher Education in the Country and its Solutions

Asistant Prof. Mohammad wali Hanif

Professor of the College of Islamic Sciences, Department of Jurisprudence and Doctrine,
University of Education, Kabul, Afghanistan.

Email: m.wali2010@yahoo.com

Abstract

High-quality higher education is vital to a country's development, scientific progress, and economic advancement. Nevertheless, the lack of strong leadership, effective management, adequate funding, and reliable support hinders detailed planning in this field. A comprehensive understanding of higher education's challenges, problems, and opportunities is equally crucial. The inherent complexities in this domain pose substantial obstacles to strengthening and improving higher education within any society. Consequently, it is imperative to grasp the challenges and issues within this realm, enabling their resolution and the subsequent enhancement of the country's higher education system. This study's findings elucidate the significant challenges the higher education system faces, and this article offers pertinent and effective educational strategies to address these obstacles.

Keywords: Higher Education; Challenge; Quality; Policy and Strategic Plan

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على نبينا محمد سيد المرسلين و على آله و أصحابه أجمعين اما بعد :

الله متعال فرموده است: فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (سوره الزمر، ۱۷-۱۸) ترجمه: پس بندگان مرا بشارت ده ﴿۱۷﴾. (همان) کسانی که سخن ها را می شنوند؛ پس از نیکوترین آن پیروی می کنند؛ آن ها کسانی هستند که الله هدایت شان کرده است و آن ها خردمندانند. هم چنان پیامبر اسلام در حدیثی فرموده است: (عن أبي رقية تميم بن أوس الداري رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (الدين النصيحة، قالوا: لمن يا رسول الله؟ قال: لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم) (رواه مسلم، حديث شماره ۵۵).

ترجمه: از تمیم بن اوس روایت است که پیامبر اسلام فرموده است: دین اسلام دین نصیحت و خیرخواهی است گفتند برای چه اشخاصی؟ ایشان فرمودند: برای الله متعال، برای کتاب او و برای پیامبر او، امرای مسلمین و عامه مسلمانان.

برای معیاری شدن نظام تحصیلات عالی در کشور نخستین گام های مؤثر، آسیب شناسی آن است. برخی از آسیب ها و چالش های تهدیدکننده که در این زمینه وجود دارد به مهم ترین آنان در این تحقیق اشاره گردیده است و مطالب این تحقیق در دو گفتار جداگانه و در قید (۱۲) صفحات ترتیب گردیده است که در گفتار اول آن روی چالش های فراراه وزارت تحصیلات عالی در بخش های پالیسی، پلان استراتژیک، هماهنگی ها، اسناد تقنینی و امور علمی و در گفتار دوم آن روی چالش های فرا راه وزارت تحصیلات عالی در بخش امور محصلان و امور مالی و اداری به بحث گرفته شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

واقعیت این است که چالش های فراوانی فرا راه وزارت تحصیلات عالی کشور از گذشته تا کنون وجود داشته و نیاز است که درین بخش تحقیقات لازم صورت گیرد تا تمام چالش های اساسی فرا راه تحصیلات عالی در سطح وزارت و نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی صورت گیرد و نیز از نتایج این تحقیق و سایر تحقیق های علمی که توسط نویسندگان گرامی تحریر یافته و درین کنفرانس ملی که تحت عنوان «تقویت تحصیلات عالی کشور» ارائه می گردد. هیأت محترم رهبری وزارت تحصیلات عالی در بازنگری پالیسی ها، استراتژی ها و اسناد تقنینی مربوط وزارت تحصیلات عالی از آن استفاده بهتر و در زمینه اقدامات لازم نمایند.

اهداف تحقیق

الف. هدف اصلی

بررسی و شناخت چالش‌های اساسی فرا راه تحصیلات عالی کشور در بخش‌های پالیسی، پلان استراتژیک، هماهنگی‌ها، اسناد تقنینی، امور علمی، محصلان، مالی و اداری در سطح وزارت و نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی و راه‌های حل آن.

ب. اهداف فرعی

۱. بررسی و شناخت چالش‌های اساسی تحصیلات عالی کشور در بخش‌های پالیسی، پلان استراتژیک، هماهنگی‌ها و اسناد تقنینی؛
۲. بررسی چالش‌های اساسی تحصیلات عالی کشور در بخش‌های امور علمی، محصلان و مالی و اداری؛
۳. ارائه راهبردهای مناسب و مؤثر برای برخورد با این چالش‌ها.

سؤالات تحقیق

الف. سؤال اصلی

چالش‌های اساسی فرا راه تحصیلات عالی کشور کدام‌ها اند؟

سؤالات فرعی

۱. چالش‌های اساسی فرا راه تحصیلات عالی کشور در بخش‌های پالیسی، پلان استراتژیک و اسناد تقنینی کدام‌ها اند؟
۲. چالش‌های اساسی فرا راه تحصیلات عالی کشور در بخش‌های امور علمی، محصلان، مالی و اداری کدام‌ها اند؟

پیشینه تحقیق

در خصوص بررسی چالش‌ها فرا راه تحصیلات عالی کشور مقالات علمی زیاد توسط دانش‌مندان تحریر یافته و به‌طور کلی و عمومی روی تحصیلات عالی بحث نمودند، مانند مقالات ذیل:

تیرنی، ویلیام، (۱۳۹۷)، نگاهی به وضعیت تحصیلات عالی در افغانستان، مترجم، رضا محتشم، چهارشنبه ۲۹ فروردین، برگرفته از سایت: vista News Hub، حسن‌یار، سید امیرشاه، (۱۳۸۶)، بحران تحصیلات عالی در افغانستان، مجله مدنی، سال پنجم، شماره ۱۲، برگرفته از سایت: مجما، مسعودی، عصمت (۱۳۸۲)، تحلیل دسترسی به فرصت‌های برابر در توسعه تحصیلات عالی در کشور، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در تحصیلات عالی، شماره ۲۷ و ۲۸، فرصت‌ها و چالش‌های فراروی تحصیلات عالی در

افغانستان یک شنبه ۶ حمل ۱۳۹۱ رها. نیک آئین، داکتر فضاییلی، معیارهای «معیاری شدن تحصیلات عالی» در افغانستان ۲۸ سرطان ۱۳۹۶، حضرتی، عباس (۱۳۹۵). واکاوی موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ تحقیق در آموزش و پرورش ایران. کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی مدیریت و معارف اسلامی، قم. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی - انجمن علمی ارتباطات و تبلیغ حوزه علمیه، صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۸). آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش ها و راهبردهای مواجهه با آن. مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، قاضی زاده فرد، سید ضیاء الدین (۱۳۹۰). چالش های نظام تحقیقی کشور و راهکارهای برای آن ها. دومین همایش ملی مدیریت تحقیق و فن آوری، تهران، مرکز تحقیق سیاست گذاری علم، فن آوری و صنعت، گروه نویسندگان (۱۳۹۴)، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی علوم انسانی و اسلامی، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، چاپ اول، حسن روشنی و همکاران آن (۱۳۹۳)، چالش های جهانی شدن آموزش عالی و عملکرد مدیران پوهنتون ها، محل انتشار: تهران اولین سمپوزیوم بین المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه پایدار.

اما تحقیق حاضر یک تحقیق جدید جامع، کامل و تمام عرصه های مختلف تحصیلات عالی کشور را مورد بحث قرار داده که قبلاً چنین تحقیقی خاصی انجام نشده است.

روش تحقیق

این تحقیق با روش تحلیلی به بررسی چالش های فرا راه تحصیلات عالی کشور پرداخته است و میتود جمع آوری معلومات آن کتابخانه ای و با استفاده از تحلیل گزارش های رسمی ریاست های نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت تحصیلات عالی، مقالات علمی ملی و بین المللی و توزیع پرسش نامه برای ۸۰ تن از محصلان پوهنخی علوم اسلامی پوهنتون تعلیم و تربیه کابل که در زمینه چالش های فرا راه تحصیلات عالی انجام شده است، می باشد و نیز به منظور تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده در تحقیق از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

ساختار تحقیق

این مقاله مشتمل از یک مقدمه، دو گفتار و یک خاتمه می باشد که در گفتار اول آن روی چالش های فرا راه وزارت تحصیلات عالی در بخش های پالیسی، پلان استراتژیک، هماهنگی ها، اسناد تقنینی و امور علمی و در گفتار دوم آن روی چالش های فرا راه وزارت تحصیلات عالی در بخش های امور محصلان و امور مالی و اداری بحث شده و در اخیر مقاله نتایج تحقیق، پیشنهادات اصلاحی جهت بهبود وضعیت تحصیلات عالی کشور و فهرست منابع تحریر یافته است.

چالش‌های اساسی موجود فرا راه تحصیلات عالی کشور

یکی از الزامات غیرقابل انکار برای دستیابی به اولویت‌های اساسی حکومت امارت اسلامی افغانستان در برنامه‌ریزی برای نظام تحصیلات عالی کشور، بررسی وضعیت موجود و آگاهی از چالش‌هایی است که نظام تحصیلات عالی را با اختلال‌هایی مواجه ساخته‌اند. درین گفتار به‌طور فشرده به برخی ازین چالش‌ها توضیح داده شده است.

گفتار اول: چالش‌های اساسی وزارت تحصیلات عالی در بخش‌های پالیسی، پلان استراتژیک، هماهنگی‌ها و اسناد تقنینی و امور علمی

چالش‌های اساسی وزارت تحصیلات عالی در بخش‌های پالیسی، پلان استراتژیک، هماهنگی‌ها و اسناد تقنینی می‌باشد قرار ذیل است:

۱. نبود پالیسی واضح و پلان استراتژیک (حد اقل سه یا پنج ساله) مدون، تطبیقی و تأیید شده در سطح وزارت و پوهنتون‌ها (وزارت اقتصاد، ۱۳۹۸، ص ۱۴).
۲. بطلی بودن پروسه بازنگری، تعدیل و طی مراحل اسناد تقنینی (قانون تحصیلات عالی و سایر مقرره‌های) که قبلاً پروسه تعدیل و بازنگری آن در سطح وزارت به اساس هدایت کتبی وزیر تحصیلات عالی امارت اسلامی آغاز گردیده بود.
۳. نبود هماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و نیازسنجی‌های ملی است. در واقع نبود هماهنگی لازم و عدم کار مشترک بین وزارت‌ها و ارگان‌های متصدی تعلیم و تحصیل به‌گونه‌ای است که طبق گفته خود مقامات وزارت‌های تحصیلات عالی و معارف تاکنون حتی هماهنگی‌های لازم بین دو وزارت معارف و تحصیلات عالی کم‌رنگ بوده است.
۴. هم‌چنین بین وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها از یک طرف و وزارت‌های متصدی انکشاف اقتصادی و بازار کار مانند وزارت‌های اقتصاد، معادن، زراعت، انرژی و آب، ترانسپورت، فواید عامه، صحت عامه، کار و امور اجتماعی از طرف دیگر ارتباط و هماهنگی‌های لازم در زمینه نیازسنجی ملی رشته‌ها و تخصص‌های مورد نیاز کشور وجود ندارد (ریاست نظارت، ۱۳۹۹، ص ۱).
۵. عدم تطبیق اصلاحات در وزارت تحصیلات عالی، پایین بودن معاشات، تشکیل و ساختار نامناسب و ناکافی، طولانی بودن مراحل اداری و بروکراسی‌ها از مشکلات دیگر این اداره می‌باشد. این نبود هماهنگی‌های لازم میان وزارت‌خانه‌های کشور حاکی از ضعف مدیریت کلان در سطح ملی است (تیرنی، ۱۳۹۷).

۶. عدم تدویر به موقع شورای عالی وزارت، شورای رهبری وزارت، شورای معینیت های وزارت و کمیسیون عالی مؤسسات خصوصی و نیز نظارت، کنترل و تعقیب چگونه گی تطبیق فیصله ها و تصاویر مجالس یاد شده کم تر صورت می گیرد (اداره عالی تفتیش، ۱۳۹۹، صص ۱، ۱۶).

چالش های اساسی وزارت تحصیلات عالی در بخش امور علمی

۱. عدم موجودیت میکانیزم خاص، معقول، منطقی و تطبیقی برای چگونه گی جذب اعضای کادر علمی دایمی (داخلی و خارجی) در نهادهای تحصیلات عالی خصوصی (ریاست نظارت، ۱۳۹۹، ص ۱).
۲. کندی و بطی بودن پروسه اعتباردهی نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی و عدم تطبیق پلان های کاری سالانه این ریاست.
۳. آغاز نکردن پروسه اعتباردهی در سطح برنامه ها و نیز بطی بودن پروسه نظارت سالانه و مرور دوره بی برنامه در سطح نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی.
۴. نبود نظارت کامل و سیستم گزارش دهی از فعالیت های کمیسیون ها و کمیته های مختلف که در وزارت و پوهنتون ها فعالیت دارند.
۵. وجود مشکلات در معرفی هیأت آئین و هیأت اداری اکثر نهادهای تحصیلات عالی خصوصی.
۶. عدم توجه به نیازسنجی های بازار کار در کشور و طرح پلان گذاری مطابق به آن.
۷. نبود متون و نصاب درسی معیاری، مطابق با ارزش های اسلامی و معیارهای بین المللی برای تمام رشته ها مقاطع لیسانس و فوق لیسانس.
۸. عدم موجودیت پالیسی و میکانیزم خاص، معقول، منطقی و پاسخ گو و شفاف برای چگونه گی نظارت و ارزیابی از امور علمی و اداری نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی (دکتر نادرقلی قورچیان، ۱۳۸۹).
۹. کم بود و نبود استادان مسلکی در پوهنتون های دولتی و خصوصی.
۱۰. شریک نه نمودن نتایج تحقیقات علمی استادان نهادهای تحصیلات عالی جهت انکشاف تقویت سیستم های ادارات دولتی و سکتورهای خصوصی کشور (حضرتی، ۱۳۹۵).
۱۱. نبود تحقیقات مشترک محققین افغانی و پوهنتون های بین المللی (قم شاهی، ۱۳۹۵).
۱۲. پایین بودن کیفیت مجلات علمی داخلی پوهنتون های دولتی و خصوصی و عدم راجستر مجلات علمی در ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه وزارت تحصیلات عالی.
۱۳. نبود ژورنال های معتبر بین المللی در رشته های مختلف در نهادهای تحصیلات عالی کشور.

۱۴. مهاجرت استادان مجرب و رفتن آن‌ها به سکتور غیر تحصیلی و به خارج از کشور چالش دیگری است (هداوند، ۱۳۸۹).
۱۵. نبود برنامه‌های تحصیلی دکتورا و تأثیرات آن بالای همه‌ی استادان به‌خصوص استادان قشر جوان.
۱۶. پروسه‌ی اعتلای کیفیت - برنامه موجود اعتلای کیفیت و ارزیابی کیفیت تحصیلات عالی نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی، یک پروسه نمایشی و غیر مؤثر است.
۱۷. مشکلات اساسی نهادهای تحصیلات عالی خصوصی عبارت‌اند از: نبود مصئونیت و وظیفوی، مداخله مؤسسين در امور علمی، مالی و اداری، عدم موجودیت برنامه‌ریزی دقیق، عدم موجودیت امکانات مالی، عدم موجودیت تناسب کارمند با محصل، پایین بودن ظرفیت‌های تخصصی و مسلکی آموزگاران و متأسفانه اکثر این مؤسسات با دید تجاری تأسیس گردیده است (ایلی، ۱۳۷۵).
۱۸. مسئولیت جهانی شدن: متأسفانه ما در وزارت تحصیلات عالی خویش یک واحد یا اداره‌یی را نتوانسته‌ایم که ایجاد نماییم تا مسئولیت جهانی شدن و تسهیل دراین راستا را به عهده گیرد.
۱۹. پائین بودن کیفیت امکانات و تحصیلات عالی در پوهنتون‌های کشور است از نظر کیفی چه به لحاظ نصاب درسی، استادان مسلکی با تجربه و از نظر اعتبارسنجی و تضمین کیفیت و دسترسی به وسایل و تجهیزات لازم، ضعف‌ها و مشکلات جدی وجود دارد. همین نبود کیفیت مناسب در تحصیلات عالی کشور است که فارغان پوهنتون‌های کشور نمی‌توانند جذب کارگردند؛ زیرا آنان مهارت‌های لازم را در زمینه کسب نمی‌توانند (ریاست تضمین کیفیت، ۱۳۹۷، ص ۲).
۲۰. مأموریت‌گرا و نیاز محور نبودن تحقیق‌های پوهنتون‌ها، نبود نظام نیازسنجی تحقیق در کشور، نبود نهادهای واسطه برای برقراری ارتباط میان پوهنتون‌ها و بازار و صنعت.
۲۱. ضعف ارزیابی و نظارت در نظام تحصیلات عالی، غیرمسلکی بودن کارمندان ریاست نظارت در نظام تحصیلات عالی کشور، مبتنی نبودن تصمیمات و سیاست‌ها بر ارزیابی‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها (بازرگان، ۱۳۷۴، شماره ۳ و ۴).
۲۲. نبود ارتباط مناسب میان پوهنتون با جامعه (صنعت، خدمات، کشاورزی)، سازوکار نامناسب تعریف تحقیق‌ها (پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها)، روشن نبودن مسایل، نیازها و اولویت‌های مراکز خدماتی، صنعتی، کشاورزی برای پوهنتون‌ها و مراکز علمی، بی‌اعتمادی جامعه و صنعت به پوهنتون برای انجام پروژه‌ها (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۸).

چالش‌های اساسی وزارت تحصیلات عالی در بخش امور محصلان و امور مالی و اداری

الف. چالش‌های اساسی وزارت تحصیلات عالی در بخش امور محصلان

موجودیت مشکلات در چگونگی جذب محصلان جدیدالشمول در نهادهای تحصیلات عالی خصوصی.

۱. عدم موجودیت سند و لایحه در مورد مقدار فیس از محصلان در برنامه‌های لیسانس و فوق لیسانس نهادهای تحصیلات عالی خصوصی.

۲. نبود آرشیف منظم و کامل (الکترونیکی / هاردکپی) برای نتایج و اسناد فراغت محصلان پوهنتون‌ها در ریاست‌های امور محصلان دولتی و خصوصی وزارت تحصیلات عالی.

۳. عدم توازن بین تقاضا و ظرفیت موجود، در مورد ثبت‌نام‌کنندگان و جذب آنان در پوهنتون‌ها.

۴. افزایش سطح تقاضا و نبود ظرفیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به تقاضای مردم است. در شرایط فعلی بخش عمده از کسانی که در کشور علاقه‌مند و داوطلب تحصیلات تکمیلی هستند به تحصیلات عالی دسترسی ندارند.

۵. خلاء آموزش‌های حرفه‌یی و رشته‌بندی نه‌شدن متعلمین در دوره مکتب در وزارت معارف کشور.

۶. بیکاری فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌ها (مسعودی، ۱۳۸۲، شماره ۲۷ و ۲۸).

چالش‌های اساسی وزارت تحصیلات عالی در بخش امور مالی و اداری

۱. پروسه تقرر و استخدام کارمندان به اساس حکم مقام وزارت نه به اساس معیارهای اصلاحات اداری و رقابت سالم و آزاد (اصل تخصص، شایسته‌گی، تجربه، تعهد و داشتن تقوای اداری).

۲. ضعیف بودن هیأت رهبری بعضی نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در بخش رهبری و مدیریت و نیز عدم نظارت دقیق از فعالیت‌های شان توسط وزارت.

۳. عدم موجودیت تشکیل مناسب و مسلکی برای تحقیقات علمی در سطح وزارت و پوهنتون‌ها.

۴. عدم موجودیت بودجه مشخص برای تحقیقات علمی و تضمین کیفیت در سطح وزارت و پوهنتون‌ها.

۵. عدم موجودیت بودجه مشخص برای تدویر برنامه‌های علمی جهت ارتقای ظرفیت اعضای کادر علمی و کارمندان اداری نهادهای تحصیلی.

۶. توجه کم‌تر به استخدام و تقرر افراد مسلکی و متخصص و متعهد در ریاست‌های اکادمیک و علمی وزارت و پوهنتون‌ها.

۷. عدم موجودیت سیستم گزارش دهی طور منظم طبق پلان کاری و عملیاتی سالانه وزارت ربع وار در سطح معینیت ها و ارائه آن در شورای رهبری وزارت و نشر آن در سایت اصلی وزارت.
۸. مشخص نبودن بودجه سالانه هر واحد اداری در سطح مرکز وزارت و پوهنتون ها و ضعیف بودن سیستم حساب دهی و گزارش دهی طور ربع وار از طریق بخش های مالی و حسابی وزارت و پوهنتون ها به شورای رهبری وزارت و شورای رهبری پوهنتون ها.
۹. موجودیت بروکراسی و کاغذپرانی در پروسه تدارکات و خریداری اموال و اجناس برای نهادهای تحصیلات عالی.
۱۰. تنوع در بودجه پوهنتون های دولتی افغانستان متکی به بودجه ملی است و بودجه ملی نیز محدودیت های خویش را دارد که در راستا جهانی شدن تحصیلات عالی تنوع بودجه و تمویل بعضی برنامه ها کمک می نماید.
۱۱. عدم استقلال مالی پوهنتون های دولتی.
۱۲. کم بود زیربنای آموزشی، اداری و تحقیقاتی و تکنالوژی معلوماتی.
۱۳. ضعیف بودن سیستم مکافات و مجازات در سطح وزارت و نهادهای تحصیلی (ریاست نظارت، ۱۳۹۹، ص ۱).

نتیجه گیری

تحصیلات عالی به عنوان عالی ترین نهاد تولید دانش از اهمیت بنیادی در هر جامعه برخوردار است. چرا که نقش آن، تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و توسعه مرزهای دانش، فراهم کردن زمینه های رشد و توسعه و در یک کلمه، ایجاد شرایط مناسب برای شکل گیری زیست جهان انسانی و عادلانه است. تحقق این اهداف وقتی امکان پذیر می گردد که نهادهای تحصیلات عالی به عنوان عالی ترین مرجع تولید علم، دارای ساختار پویا و مکانیسم های کارآمد و تکررگرا باشد. توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بهبود سطح زندگی در هر جامعه به توسعه تحصیلات عالی با کیفیت آن وابسته است و توسعه تحصیلات عالی نیز مستلزم وجود برنامه های راهبردی مدون و اتخاذ سیاست های اندیشه شده و مطابق واقعیت های عینی جامعه می باشد. هرچند در سال های اخیر در عرصه های گوناگون از جمله در عرصه تحصیلات عالی و تعمیم ظرفیت های آن قدم هایی برداشته شده؛ اما متأسفانه هنوز نظام تحصیلات عالی کشور از کاستی ها و بحران های زیادی رنج می برد. رهایی از بحران های یاد شده منوط به ایجاد تحولات اساسی و مثبت در رویکردها، برنامه ها، سیاست ها و راهبردهای مطلوب و مؤثر آموزشی است. در جامعه چندقومی افغانستان، تحصیلات عالی وقتی به اهداف ذاتی خود که همانا تربیت انسان مسلمان،

متعهد و اندیشه‌ورز و آزاد و تحقق جامعه عادلانه و آباد باشد دست می‌یابد که بر اساس ارزش‌های اسلامی و اصول عدالت، منافع ملی استوار گردد. توسعه اخلاقیات، شایسته‌سالاری، مدنظر قرار دادن اقدامات حمایتی از اقشار محروم، توسعه کمی و کیفی آموزش از جمله راهبردهایی‌اند که می‌تواند در جهت کارایی نظام تحصیلات عالی مؤثر واقع گردند.

پیشنهادهای اصلاحی جهت بهبود وضعیت تحصیلات عالی در کشور

الف: طرح‌های پیشنهادی در بخش پالیسی، استراتژی، هماهنگی و اسناد تقنینی

۱. اول‌تر از همه، تحصیلات عالی باید ساختار و برنامه‌های خود را مطابق به ضرورت‌های یک نهاد پالیسی‌ساز عیار ساخته، بالای آن‌ها تمرکز داشته و روی بهبود مؤثریت آن کوشش کند. بنا بر کم بود ظرفیت تخنیکی در وزارت و اصل تضاد منافع، نهاد سومی (کمسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی) باید مسئولیت بازنگری ساختار این نهاد ملی را برعهده بگیرد (یونسکو، ۱۳۶۹).
۲. چون تحصیلات عالی یکی از نهادهای ملی و بی‌نهایت مؤثر برای آینده کشور است. بنابراین دخیل بودن اشخاص مسلکی، متخصص، متعهد و متدین اقشار مختلف جامعه در طرح قوانین، پالیسی‌ها، لوایح و تصمیم‌گیری‌های بزرگ ضروری است (حسن روشنی و همکاران آن، ۱۳۹۳).
۳. رهبری محترم وزارت تحصیلات عالی نباید در مسایل کوچکی چون مدیریت تحقیقات، پیش‌برد پروژه‌ها، افتتاح پروژه‌ها، بازدید از بعضی نهادهای تحصیلی و کارهای کوچک دیگر خود را دخیل ساخته و وقت خود را ضایع سازد.
۴. وزارت تحصیلات عالی نهادی پالیسی‌ساز بوده و بیش‌تر روی طرح دیدگاه‌های وسیع، هم‌آهنگی با نهادهای ذیدخل در تحصیلات عالی، ایجاد چهارچوب قانونی برای تحصیلات عالی در کشور، راه‌اندازی تحقیقات برای طرح اهداف و برنامه‌های بهتر و مؤثرتر برای تحصیلات عالی در کشور تهیه و تحلیل ارقام و تهیه گزارش‌های مرتبط به تحصیلات عالی مصروف و دخیل باشد.
۵. وزارت باید از سیستم کلاسیک و معمول خود یعنی مایکرومنجمنت و همه‌کاره بودن در تحصیلات عالی، اعمال نفوذ و ایجاد موانع و مشکلات فرا راه نهادهای تحصیلی بیرون شده و نقش تسهیل‌کننده برای رشد تحصیلات عالی در کشور را بازی کند.
۶. تحلیل از وضعیت موجوده وزارت تحصیلات عالی (شناسایی نکات قوت، ضعف، فرصت‌ها و تشخیص مشکلات، چالش‌های موجود و راه‌های حل آن).
۷. ترتیب و تدوین پالیسی و پلان استراتژیک حداقل (سه یا پنج ساله) برای وزارت تحصیلات عالی کشور (وزارت اقتصاد، ۱۳۹۸، ص ۱۴).

۸. سرعت دادن و تکمیل نمودن پروسه بازنگری، تعدیل و طی مراحل اسناد تقنینی (قانون تحصیلات عالی و سایر مقرره‌ها و لوایح) مربوط وزارت تحصیلات عالی و در این کار از اعضای کادر علمی پوهنتون‌های دولتی و خصوصی کمک و همکاری خواسته شود.

۹. به‌منظور بهتر شدن خدمات، بخش‌های ارائه خدمات از چوکات وزارت تحصیلات عالی خارج شده و به نهادهای مستقل دیگری واگذار شود (و یا هم ادارات مستقلی چون اداره کانون‌کور) تا از یک طرف وزارت به کارهای اصلی خود رسیده‌گی کرده بتواند و از طرف دیگر کیفیت خدمات برای مردم بهتر و شفاف‌تر شود.

۱۰. بایسته آن است که در تحصیلات عالی به ایجاد یک سیستم تحصیلات عالی دولتی و خصوصی با کیفیت که جواب‌گوی نیازهای رشد و انکشاف افغانستان باشد و به بهبود و رفاه عامه کمک کند؛ توجه شود. این سیستم باید به‌گونه‌یی طراحی گردد که با ارزش‌ها و باروهای اسلامی و دینی و سنت‌های ملی مردم افغانستان مطابقت داشته و مجهز به دانش پیش‌رفته و مدیریت عالی بوده و در سطح بین‌المللی دارای اعتبار باشد. نباید برنامه‌ها و پلان‌های کلان کشور به‌گونه‌یی عملی گردد که فارغ‌التحصیلاتی پوهنتون‌های کشور توان رقابت با دیگران را نداشته باشند و تحصیلات آنان در رشد اقتصادی و انکشاف اجتماعی، وحدت و ثبات پایداری افغانستان کمک نکند.

۱۱. تقویت و تشویق سکتور خصوصی برای سرمایه‌گذاری در تحصیلات عالی می‌تواند بخش عمده از مشکلات را حل نماید.

۱۲. اصلاحات اداری در تمامی بخش‌ها یک ضرورت اساسی در کشور است و در این زمینه باید در وزارت تحصیلات عالی نیز اقدامات جدی صورت بگیرد.

۱۳. وزارت تحصیلات عالی کشور ارتقای ظرفیت‌ها برای تحصیلات عالی را باید اولویت کاری خویش قرار داده و در این زمینه باید اقدامات جدی و فوری را روی دست بگیرد. برداشتن مشکلات یاد شده نیز نیازمند همت بلند و هم‌یاری سایر وزارت‌خانه‌ها با این وزارت است.

۱۴. ساختن پالیسی مشخص برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی.

۱۵. داشتن روابط خوب با سایر کشورهای اسلامی، همسایه و جلب کمک‌های مادی و تخنیکی آن‌ها برای انکشاف و رشد تحصیلات عالی باکیفیت در کشور (وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۹، ص ۸۳).

ب: طرح‌های پیشنهادی در بخش امور علمی

۱. بازنگری و ایجاد نصاب تحصیلی تمام رشته‌های مختلف علمی متناسب با شرایط کشور، ارزش‌های اسلامی و منافع ملی.

۲. بازنگری در مقررہ فرایند تحقیقات و کلیہ امور تحقیقاتی.
۳. ارتقای ظرفیت سوییہ تحصیلی استادان و کارمندان از طریق بورس های تحصیلی.
۴. ایجاد مراکز تربیت مسلکی کادر علمی در تمام پوهنتون ها.
۵. سیر علمی استادان به کشورهای پیشرفته جهان جهت دریافت عوامل و راه های انکشاف در عرصه تحصیلات عالی
۶. هماهنگی فعالیت های اداری و امور اکادمیک پوهنتون های دولتی و خصوصی.
۷. توجه زیاد به کیفیت تحصیلات عالی در کشور.
۸. توجه زیاد به استفاده مؤثر از تکنالوژی معاصر در عرصه تحصیلات عالی.
۹. استقلال مالی پوهنتون ها از طریق ایجاد مراکز آموزشی، تحقیقاتی و خدماتی.
۱۰. ایجاد سیستم علم سنجی (Scientometrics) در نظام تحصیلات عالی.
۱۱. ایجاد سیستم ارزیابی عملکرد معیاری در بخش های اداری و اکادمیک.
۱۲. مساعد ساختن زمینه دسترسی استادان پوهنتون، به منابع علمی و اکادمیک بین المللی از طریق لینک های آنلاین منابع پوهنتون های معتبر.
۱۳. عطف توجه به معیاری سازی کورس ها و برنامه های تحصیلی از طریق همکاری پوهنتون های بین المللی.
۱۴. ایجاد زمینه و فرصت های بیش تر برای استادان در جهت ارتقای سطح تحصیلی و دانش آن ها مخصوصاً تشکیل دوره دکتورا در داخل کشور.
۱۵. ایجاد لینک ها و توسعه همکاری های علمی میان پوهنتون های داخلی اعم از مرکز و ولایات.
۱۶. اعتلای کیفیت تهیه گزارش نه بلکه یک پروسه دوام دار، از قبل پلان شده و استراتژیک است.
- ارزیابی اعتلای کیفیت به مقایسه پیشرفت های یک نهاد اکادمیک در دو زمان متفاوت گفته می شود.
۱۷. عطف توجه از کمیت به کیفیت وزارت تحصیلات عالی افغانستان به قدر کافی در بخش کمیت و تعدد پوهنتون های دولتی و خصوصی اقدام و به جذب محصل پرداخته است؛ اما از نظر کیفیت توجه کافی صورت نگرفته است. اکنون تلاش ها به کیفیت نیز توجه صورت گیرد.
۱۸. رقابت های ملی و بین المللی در عرصه جهانی سازی تحصیلات عالی تشدید یابد.
۱۹. به تحصیلات دوام دار و مسلکی اولویت داده شود.
۲۰. به منظور تنظیم فعالیت های نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی، اعم از کنترل کیفیت و اعتباردهی این نهادها، ضرورت است تا اول تر از همه مقررہ تضمین کیفیت و اعتباردهی اصلاح شده و اداره

مستقل تنظیم‌کننده (Regulatory) تحصیلات عالی در کشور ایجاد شود تا تمام فعالیت‌های تحصیلات عالی دولتی و خصوصی را با در نظر داشت معیارهای علمی، عادلانه و منطقی ارزیابی و نظارت کند.

۲۱. جذب کادرهای علمی متخصص بدون در نظر داشت مسایل قومی و سمتی.
۲۲. تقویت کادرهای علمی پوهنتون‌های کشور فقط از طریق اعزام استادان به بورسیه‌های خارج از کشور در دوره‌های ماستری و دکتورا ممکن است که در آن صرف لیاقت و شایسته‌گی افراد مد نظر باشد نه مسایلی دیگر.
۲۳. باید یک بازنگری جدی در نصاب‌ها و مواد درسی در هماهنگی با وزارت‌ها و ادارات سکتوری و بازار کار و با نیازسنجی ملی صورت بگیرد.
۲۴. تأسیس و توسعه شبکه اینترنت پر سرعت در مراکز علمی کشور می‌تواند به تقویت تحصیلات عالی در کشور کمک نماید. در این زمینه باید از ظرفیت‌های بخش‌های خصوصی در کشور کمک گرفته شود.
۲۵. برای این که وزارت تحصیلات عالی توانسته باشد میزان کیفی تحصیلات عالی را بالا ببرد و هم چنین افراد شایسته‌یی را به جامعه تحویل دهد، لازم است از چگونگی جذب متقاضیان، مواد آموزشی و چگونگی تطبیق نصاب درسی در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی توسط افراد مسلکی و تخنیکی ازین نهادهای تحصیلی نظارت، ارزیابی و بررسی منظم و جدی داشته باشد (گروه نویسندگان، ۱۳۹۴).

ج. طرح‌های پیشنهادی در بخش امور محصلان

۱. افزایش خدمات رفاهی محصلان.
۲. توسعه و بهبود تحصیلات برای اشخاص دارای معلولیت.
۳. ایجاد سیستم دیتابیس منظم برای محصلان داخلی و خارجی.
۴. ایجاد دیتابیس ملی ثبت دست‌آوردهای تحقیقاتی، پایان‌نامه‌های تحصیلی و امور کانکور (اداره عالی تفتیش، ۱۳۹۹، صص ۱، ۱۶).

د: طرح‌های پیشنهادی در بخش امور مالی و اداری

۱. ایجاد و انکشاف مدیریت معلوماتی منابع بشری (HRMIS)
۲. ریفورم اداری در سطوح مختلف وزارت و پوهنتون‌ها.
۳. توجه به تأمین امنیت پوهنتون‌ها در مرکز و ولایات.

۴. انکشاف و تعمیر زیربناهای اداری، آموزشی و تحقیقاتی.
۵. مساعد شدن زمینه بیش‌تر همکاری‌ها و امضای توامیت‌ها با پوهنتون‌های پیشرفته.
۶. تهیه بودجه جداگانه برای بین‌المللی شدن پوهنتون‌ها.
۷. مدیریت تأمین روابط میان پوهنتون‌ها در هر پوهنتون ایجاد گردد.
۸. تخصیص بودجه انکشافی برای ایجاد زیربناهای آموزشی، اداری و تحقیقاتی و تکنالوژی معلوماتی در نهادهای تحصیلات عالی (قاضی زاده فرد، ۱۳۹۰).
۹. استخدام افراد مسلکی، متخصص، مخلص، با تقوا و متعهد به ارزش‌های اسلامی و منافع ملی کشور در پست‌های علمی و اداری این وزارت و پوهنتون‌ها.
۱۰. ایجاد یک‌بورد علمی مشورتی همکار با مقام وزارت غرض انجام بهتر فعالیت‌ها و نظارت از تمام امور علمی، اداری و امور محصلان وزارت و از فعالیت‌های پوهنتون‌ها مرکزی و ولایات کشور.
۱۱. توسط بورد علمی مشورتی فوق باید در داخل وزارت تحصیلات عالی و در پوهنتون‌های مرکز و ولایات افراد واجد شرایط (مسلمان، مجاهد، مخلص، صادق و متعهد به ارزش‌های اسلامی و منافع ملی) شناسایی گردند و در پست‌های مهم علمی و اداری در مرکز وزارت و پوهنتون‌ها استخدام گردد.
۱۲. شناسایی افراد بی‌کفایت و فرصت‌طلب و سبک دوش آن‌ها از وظایف شان.
۱۳. کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی به‌منظور از بین بردن انارشی و جلوگیری از خودکامه‌گی رهبری وزارت‌خانه‌ها و کم ساختن نفوذ مقامات و زورمندان در پروسه جذب، تغییر و تبدیل و انفکاک مأموران خدمات ملکی باید طرزالعمل‌های واضح و مبتنی بر اصول و ضوابط را تهیه کرده و به دست‌رس وزارت‌خانه‌ها قرار دهد (وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۹، ص ۸۳).

منابع

قرآن کریم

- قشیری نیساپوری، حسین مسلم بن حجاج. (۱۴۳۵ق). صحیح مسلم، کراچی، مکتبه رشیدیہ.
- وزارت اقتصاد. (۱۳۹۸). اهداف انکشاف پایدار افغانستان ۲۰۳۰ - ۲۰۱۵ (سکتور معارف).
- وزارت تحصیلات عالی، پلان استراتژیک. (۱۳۹۵-۱۳۹۹). برگرفته از سایت وزارت تحصیلات عالی.
- ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی وزارت تحصیلات عالی، گزارش ارزیابی ۴۵ برنامه‌ی طبی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی از بابت سال ۱۳۹۷.
- ریاست نظارت و ارزیابی امور اکادمیک وزارت تحصیلات عالی، گزارش ارزیابی ۴۰ برنامه‌ی انجینری مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی از بابت سال ۱۳۹۹.
- تیرنی، ویلیام. (۱۳۹۷). نگاهی به وضعیت آموزش عالی در افغانستان، مترجم، رضا محتشم، چهارشنبه ۲۹ فروردین، برگرفته از سایت vista News Hub.
- مسعودی، عصمت. (۱۳۸۲). تحلیل دسترسی به فرصت‌های برابر در توسعه آموزش عالی در کشور، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۷ و ۲۸.
- اداره عالی تفتیش اداره امور ریاست جمهوری حکومت قبلی، گزارش بررسی چگونگی ایجاد پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در سال ۱۳۹۹.
- حضرتی، عباس. (۱۳۹۵). واکاوی موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ تحقیق در آموزش و پرورش ایران، کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی مدیریت و معارف اسلامی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی - انجمن علمی ارتباطات و تبلیغ حوزه علمیه.
- صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۸). آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی.
- قاضی زاده فرد، سیدضیاءالدین. (۱۳۹۰). چالش‌های نظام تحقیقی کشور و راهکارهای برای آن‌ها، دومین همایش ملی مدیریت تحقیق و فن‌آوری، تهران، تحقیق‌گاه سیاست‌گذاری علم، فن‌آوری و صنعت.
- قمشاهی، مؤگان، اخوت، محمدعلی. (۱۳۹۵). شناسایی موانع و مشکلات انجام تحقیق در آموزش و پرورش و ارائه راهکار، نخستین همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران، پوهنتون آزاد اسلامی واحد اردکان.
- هداوند، سعید. (۱۳۸۹). چالش‌های تحقیقی کشور و تأثیر آن بر مهاجرت نخبگان، فصل‌نامه تدبیر، شماره ۲۱۶.
- گروه نویسندگان؛ (۱۳۹۴)، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی و اسلامی، تهران: انتشارات آفتاب توسعه، چاپ اول.
- حسن روشنی و همکاران آن. (۱۳۹۳). چالش‌های جهانی شدن آموزش عالی و عملکرد مدیران پوهنتون‌ها، محل انتشار: تهران، اولین سمپوزیوم بین‌المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه پایدار.
- دکتر نادرقلی قورچیان. (۱۳۸۹). بررسی نظام‌های ارزیابی آموزش عالی در جهان به‌منظور ارائه مدل مناسب برای آموزش عالی کشور، مجله تحقیق‌های مدیریت واحد علوم و تحقیقات شماره ۸۵.

ایلی، خدایار. (۱۳۷۵). ارزیابی ماهیت نظارت و ارزیابی جاری در آموزش عالی کشور، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران به کوشش محسن خلیجی و محمد مهدی فرقانی؛ جلد ۲، تهران: انتشارات پوهنتون علامه طباطبایی.

گروه مشاوران یونسکو. (۱۳۶۹). فرایند برنامه‌ریزی آموزشی، ترجمه فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه. بازرگان، عباس. (۱۳۷۴). ارزیابی درونی پوهنتون‌ها و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی؛ فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی شماره ۳ و ۴، سال سوم، شماره مسلسل ۱۱ و ۱۲، پائیز و زمستان ۱۳۷۴.

وضعیت و چالش‌های تضمین کیفیت و اعتباردهی در تحصیلات عالی

پوهندوی دکتور محمد ظاهر فهیمی

دیارتمت تعلیم و تربیه، پوهنځی علوم تربیتی و مسلکی، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: mfahimi310@gmail.com

چکیده

در این تحقیق که از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت موضوع توصیفی - تحلیلی و از نظر چگونگی گردآوری معلومات، کیفی ترکیبی است، سعی شده وضعیت و چالش‌های مهم ارزیابی کیفی تحصیلات عالی در کشور بررسی و گزارش شود. در مدل تحلیلی، چالش‌های «پروژه تضمین کیفیت تحصیلات عالی» متغیر واحد آن است. جامعه آماری آن، استادان، محصلان و کارمندان دو پوهنتون کابل، یکی خصوصی و دیگری دولتی بوده است. در نمونه‌گیری از روش غیر احتمالی یا در دسترس طبقه‌بندی و برای گردآوری معلومات از روش‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه آزاد استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه و مشاهده روش کدگذاری به کار رفته است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که پروژه تضمین کیفیت در دو بخش پالسی و پلان‌گذاری و نیز سازوکار اجرایی گرفتار مشکلات جدی است که با توجه به چالش‌های شناسایی شده باید در هر دو بخش تجدیدنظر اساسی صورت گیرد.

اصطلاحات کلیدی: اعتباردهی؛ تحصیلات عالی؛ نظارت؛ ارزیابی؛ تضمین کیفیت

Status and Challenges of Quality Assurance and Accreditation in Higher Education

Assistant Prof. Mohammad Zahir Fahimi

Department of Education, Faculty of Educational and Professional Sciences, Kabul University of Education, Kabul, Afghanistan
Email: mfahimi310@gmail.com

Abstract

This research has a practical purpose, adopting a descriptive-analytical approach to gather qualitative-combined information. The study investigates and reports the current status and significant challenges within Afghanistan's higher education quality assessment. The research singles out the "higher education quality assurance process" as its analytical variable. The research population encompasses professors, students, and employees from two Kabul-based universities, one private and one public. Non-probability or available stratified sampling methods were employed, and data collection utilized participatory observation and open interviews. Data analysis involved coding of interview data and observational findings. The results underscore serious problems in the quality assurance process, particularly within policy and planning departments and the execution mechanism, calling for revisions based on the identified challenges.

Keywords: Accreditation; Higher Education; Monitoring; Evaluation; Quality Assurance

مقدمه

بحث تضمین کیفیت در تحصیلات عالی اگرچه در سطح جهان به خصوص کشور امریکا (اواخر قرن ۱۹) سابقه نسبتاً طولانی دارد (بازرگان، ۱۳۸۳)؛ ولی در افغانستان، سابقه آن از حدود یک دهه بیش تر نمی گذرد. با این حال؛ به نظر می رسد این پروسه، گرفتار مشکلات و چالش های می باشد که شاید از برخی جهات، در سایر کشورها تجربه نشده باشد. این چالش ها شامل معیارهای موضوعه پروسه، جریان نظارت و دست آورد می شود.

نگارنده به عنوان عضو اولین گروپ نظارتی ریاست تضمین کیفیت وزارت تحصیلات عالی که علاوه بر آموزش های ضروری در زمینه تضمین کیفیت، عملاً در پروسه نظارت از مؤسسات و مراکز تعلیمی ریاست مزبور شرکت داشته است؛ مشکلات متعددی را از نزدیک شاهد بوده که در نهایت به تحقیق حاضر انجامیده است.

این تحقیق؛ در شهر کابل انجام گرفته و در آن علاوه بر نظرات استادان و محصلان، نظرات کارمندان اداری و سازمانی نیز اخذ شده است.

بیان مسأله

اعتبارسنجی یا تضمین کیفیت تحصیلات عالی، فرایندی است که جهت ارزیابی در باره چگونگی فعالیت سازمان های تعلیمی مربوط این جریان انجام می گیرد. در ارزیابی های تضمین کیفیت معمولاً مجموعه ای از عوامل تشکیل دهنده نظام یک واحد سازمانی مدنظر قرار می گیرد و برای چگونگی فعالیت های آنها استانداردهای طراحی و تدوین می شود. این استانداردها به اطلاع واحدهای ذی ربط می رسد و سپس در فرصت مناسب به منظور میزان عملیاتی سازی استانداردها بعد از دریافت گزارش های اجرایی، توسط هیأت مؤظف از عملکرد آن واحدها، ارزیابی صورت می گیرد. در این ارزیابی تمام زیر مجموعه ها مانند: بخش های اداری، مالی، خدماتی، تعلیمی، تحقیقی و نشرات بازدید شده؛ نتایج بازدید به واحد مرکزی سازمان مربوطه ارائه می شود. مهم ترین هدف های که برای این کار شمرده می شود؛ عبارتند از:

۱. پاسخ گو شدن مراکز تعلیمی تحصیلات عالی در قبال امتیازات مادی و معنوی که از آن برخوردار می شوند؛

۲. کارآمد شدن و بهبود جریان تحصیلات عالی؛

۳. جلب اعتماد عمومی و کسب اعتبار ملی و بین المللی تحصیلات عالی کشور.

ارزیابی های تضمین کیفیت به صورت اصولی به دو حوزه اصلی فعالیت های تحصیلات عالی مربوط می شود:

۱. پلان‌ها و استندردهای طراحی شده آموزشی، اداری، تحقیقی و خدماتی تحصیلات عالی

۲. میزان و چگونگی تطبیق پلان‌ها و استندردهای تحصیلات عالی در مراکز تعلیمی در افغانستان، همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، حدود کمی بیش از یک دهه (۲۰۱۱) از فعالیت واحد سازمانی تحت عنوان ریاست تضمین کیفیت می‌گذرد که از آن زمان تا کنون پروسه نظارت و ارزیابی مراکز تعلیمی دولتی و غیر دولتی (پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی) دوام داشته و تلاش‌های بسیاری نیز صورت گرفته است. به‌طور طبیعی، سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که آیا این پروسه به اهداف مورد نظر خود دست یافته است؟ آیا فرایند مزبور توانسته است، مراکز تعلیمی تحصیلات عالی را، وادار به پاسخ‌گویی نماید؟ آیا جریان تحصیلات عالی کشور بهبود یافته است؟ آیا اعتماد عمومی جلب شده است؟ آیا تحصیلات عالی کشور از اعتبار ملی و بین‌المللی برخوردار شده است؟ شواهد و نشانه‌های این جلب اعتماد و کسب اعتبار چیست؟ آیا اگر پروسه تضمین کیفیت در کشور جریان نمی‌داشت، وضعیت تحصیلات عالی و مراکز عالی تعلیمی آن، در شرایط بدتر از وضعیت کنونی قرار می‌داشت؟ کمک‌های ملموس و مشخص پروسه تضمین کیفیت به فرایند تحصیلات عالی کشور چیست؟ آیا بهتر نبود به‌جای هزینه‌های بسیاری که برای طراحی و تطبیق پروسه تضمین کیفیت انجام گرفته، طرح دیگری برای بهبود تحصیلات عالی ارائه و تطبیق می‌شد؟ دست‌آوردهای مطلوب و عوارض نامطلوب اجرای پروسه تضمین کیفیت در کشور چیست؟ چالش‌های طراحی و اجرای پروسه تضمین کیفیت کدام‌اند؟ چگونه می‌توان با این چالش‌ها مواجهه مناسب و مؤثر داشت؟ به‌طور کلی آیا الگوی جاری نظارتی تضمین کیفیت، مناسب‌ترین الگوی بهبود وضعیت تحصیلات عالی در کشور است؟

این سؤالات و پرسش‌های مشابه، دغدغه‌های اصلی محقق را در این تحقیق شکل داده است که در جریان آن تلاش گردیده تا دست کم بخشی از سؤالات مزبور به‌گونه‌ی روش‌مند پاسخ داده شود.

اهداف تحقیق

الف. هدف اصلی

شناسایی چالش‌های اساسی نظارت و ارزیابی کیفی تحصیلات عالی در افغانستان.

ب. اهداف فرعی

۱. شناسایی چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان

۲. شناسایی چالش‌های اجرایی تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان.

سؤالات تحقیق

الف. سؤال اصلی: چالش‌های اساسی تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان چیست؟

ب. سؤالات فرعی

۱. چالش‌های تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان از نظر پالیسی و پلان‌گذاری چیست؟
۲. چالش‌های تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان از نظر عوامل اجرایی چیست؟

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع تحقیق؛ تا آن‌جا که محقق اطلاع دارد؛ متأسفانه تا کنون تحقیق داخلی استندرد و روش مند انجام نگرفته است. شاید از جهتی نسبت به سایر کشورها، نظام ارزیابی کیفی تحصیلات عالی در کشور ما نوپا و جدید به حساب می‌آید اما مدت بیش از دهه زمانی کمی برای این کار نیست و انتظار می‌رفت که در طول این مدت باید تحقیقات متعددی در این زمینه از سوی خود واحد مسئول انجام می‌گرفت.

در میان تحقیقات خارجی، البته تحقیقات زیادی انجام گرفته که اگرچه از نظر تئوری تا حدودی می‌تواند به موضوع این تحقیق مربوط باشد؛ اما در حقیقت خارج از موضوع بوده با چالش‌های تضمین کیفیت کشور افغانستان تماس نداشته‌اند. به‌عنوان مثال در ایران از سال ۲۰۱۴ تا کنون (۲۰۲۲) شانزده «همایش ملی و بین‌المللی در موضوع ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام‌های پوهنتونی» برگزار شده که در جریان هر کدام ده‌ها مقاله علمی-تحقیقی ارائه شده است. مقالات و نتایج این تحقیقات در بخش نظری می‌تواند به مسایل و موضوعات تضمین کیفیت ما کمک نماید؛ اما مربوط به موضوع تحقیق حاضر نمی‌شود (سایت همایش‌های ملی و بین‌المللی در موضوع ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام‌های پوهنتونی).

مبانی نظری تحقیق

کیفیت در تحصیلات عالی

کیفیت در تحصیلات عالی اگرچه در بسیاری از کشورها مورد توجه و اهتمام قرار گرفته؛ اما در عین حال دارای یک مفهومی که مورد توافق همگان قرار داشته باشد، ندارد (یار محمدیان، ۱۳۸۳، ص ۷۱). لذا برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران تحصیلات عالی، از حوزه مطالعاتی اقتصادی کمک گرفته؛ کیفیت را براساس الگوی اقتصادی معنا کرده‌اند.

در حوزه اقتصاد، کیفیت، به مجموعه ویژگی‌های یک محصول تولید شده یا خدمات ارائه شده گفته می‌شود که با خواسته‌ها، توقعات و ارزش‌های ادراک شده دریافت‌کنندگان محصول یا خدمات مطابقت داشته باشد (سازمان جهانی استاندارد). بنابراین یک محصول تولید شده زمانی با کیفیت گفته می‌شود که

دارای خصوصیت‌ها و ویژگی‌های پذیرفته شده مصرف‌کنندگان باشد و توقع تعریف شده مشتریان را برآورده سازد.

این تعریف؛ به تعبیر قورچیان تعریفی مناسب با نگرش مصرف‌مدار می‌باشد (قورچیان، ۱۳۷۳). قورچیان، نگرش‌های عمومی معطوف به کیفیت نظام تحصیلات عالی را در چهار دسته: نگرش تعالی‌مدار، نگرش تولیدمدار، نگرش مصرف‌مدار و نگرش استندردمدار قرار می‌دهد.

منظورش از نگرش تعالی‌مدار آن است که قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها براساس اعتلای درونی، ذاتی و ارزش‌های عالی و الهی صورت می‌گیرد. این نگرش کیفیت در تحصیلات عالی آرمانی محسوب می‌شود. نگرش کیفیت تولیدمدار: قضاوت در خصوص کیفیت براساس میزان نتایج برون‌دادی تحصیلات عالی می‌باشد (مانند تعداد فارغ‌التحصیلان یک پوهنتون). این نگرش نگاه کمی دارد و در واقع از ماهیت کار تضمین کیفیت دور می‌ماند.

نگرش مصرف‌مدار نگرشی است که در آن نظر ذی‌نفعان اهمیت دارد؛ مانند استادان، محصلان، خانواده‌های آنان، شرکت‌ها و کمپنی‌ها و تمام کارگاه‌های که به‌نحوی با محصولات تحصیلات عالی سر و کار دارند.

نگرش استندردمدار نگرشی است که معیارها و استندردها از قبل تدوین می‌شود و جریان عمل و فعالیت‌های سازمان‌های آموزشی براساس آن‌ها قضاوت می‌شود (قورچیان، ۱۳۷۳).

هاروی و گرین (۲۰۰۶) برای شناسایی و تعریف کیفیت در تحصیلات عالی از پنج رویکرد نام می‌برد که عبارت‌اند از: دیدگاه استثنایی، دیدگاه ثبات و قوام، دیدگاه تناسب با اهداف، دیدگاه ارزش افزوده و دیدگاه تغییر و دگرگونی. هرکدام از این دیدگاه‌ها در بیان هاروی و گرین مفهوم خاص دارد که در جای خودش توضیح داده شده است (جعفری ثانی، ۱۳۹۷).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که اولاً مفهوم کیفیت در تحصیلات عالی یک موضوع خیلی روشن و شفافی نیست. ثانیاً کیفیت، یک مفهوم نسبی است و از زوایه‌های مختلف قابل توضیح می‌باشد. با این حال در یک جمع‌بندی می‌توان گفت کیفیت در تحصیلات عالی عبارت است از: انطباق خصوصیات تحصیلات عالی با نرم‌ها و انتظارات پذیرفته شده ملی و بین‌المللی. در این مفهوم علاوه بر این که نگاه ذی‌نفعان مطرح است به‌گونه‌ی معیارها نیز مد نظر قرار می‌گیرد. این معنا، همان مفهومی است که شبکه بین‌المللی تضمین کیفیت تحصیلات عالی، نیز ارائه کرده است. در تعریف شبکه مزبور، کیفیت در تحصیلات عالی عبارت است از: انطباق خصوصیات تحصیلات عالی با نرم‌ها، معیارها، اهداف و انتظارات تعریف شده بین‌المللی (Ziegler, 1994).

بنابراین یک جریان تحصیلی و آموزشی، زمانی تحصیلات عالی با کیفیت تلقی می‌شود که دارای ویژگی‌ها و کارکردهای پذیرفته شده ملی و بین‌المللی باشد. در غیر این صورت؛ قطع نظر از این که این جریان با چه عنوانی شناخته می‌شود یا نگاه ارزش‌یابانه عمومی یا جمعی نسبت به آن چگونه شکل گرفته است، تحصیلات عالی با کیفیت محسوب نخواهد شد.

خصوصیات تحصیلات عالی

طبق تعریف یونسکو، تحصیلات عالی به کلیه آموزش‌های گفته می‌شود که پس از تحصیلات دوره لیسه، توسط پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی ارائه می‌شود (یونسکو، ۱۹۹۵). این آموزش‌ها، قوای مسلکی کار کشور را تربیت و ظرفیت تولید دانش و نوآوری را تقویت کرده موجب بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. این جریان مریانی را در اختیار دارد که در بالاترین سطح ظرفیت ذهنی و جسمی خود قرار دارند؛ از عمیق‌ترین احساس استقلال و آزادی برخوردار اند؛ در معرض متنوع‌ترین تجربه زندگی هستند و در حساس‌ترین دوران زندگی بشری خود به سر می‌برند. معمولاً کسانی که اداره و هدایت کشورها را به‌عنوان حکم‌روا در دست می‌گیرند؛ به‌طور مستقیم از کانال تحصیلات عالی عبور می‌کنند و به شدت تحت تأثیر آموزه‌ها و تجربیات بدون واسطه همین جریان می‌باشند. بنابراین انتظار می‌رود که تحصیلات عالی در زندگی فردی و اجتماعی انسان به‌طور مطلوب نقش عمیق، گسترده و مستقیم داشته و به‌گونه‌ی سیستماتیک و مطلوب اثرگذاری نماید. در زندگی فردی باید دانش تخصصی و مسلکی افراد را افزایش دهد، آن‌ها را با روش‌های تحقیق علمی، و مهارت‌های ضروری آن آشنا کند؛ سواد اطلاعاتی، رسانه‌یی و فضای مجازی و استفاده صحیح از تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطاتی را در اختیار افراد قرار دهد و ظرفیت مهارت‌پذیری، اشتغال‌پذیری، خود-اشتغالی و کارآفرینی را تقویت کند. هم‌چنین، تحصیلات عالی زمینه‌های بالا رفتن اعتماد به نفس، جدیت و استقامت در کار و فعالیت را فراهم نموده به بهبود اخلاق حرفه‌یی و کسب و کار کمک کند.

هم‌چنین، تحصیلات عالی معمولاً بر میزان درآمدهای فردی و تغییر پایگاه اجتماعی افراد، نقش تعیین کننده دارد و الگوی علایق و شبکه ارتباطاتی اشخاص را تعیین می‌کند.

در زندگی اجتماعی، تحصیلات عالی باید به استقرار عدالت اجتماعی؛ تقویت روحیه شهروندی و مدنیت در افراد، خانواده‌ها و سطح جامعه؛ کاهش معضلات اجتماعی و خشونت مبتنی بر فاکتورهای غیر منطقی و غیر اختیاری مانند: قومیت، ملیت، جنسیت، حفظ، انکشاف و انتقال میراث علمی، کمک کند. تنظیم و هدایت قوای بشری مسلکی و متخصص؛ هماهنگ‌سازی جامعه با تحولات ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی؛ بسترسازی مناسب برای ارائه نوآوری و ابتکار؛ فرهنگ‌سازی و توسعه فرهنگی؛ انکشاف و

توسعه اقتصادی؛ پیشبرد منافع ملی از طریق نوآوری و تحقیق، بخشی دیگر از کارکردها و خصوصیات است که توقع می‌رود تحصیلات عالی باید داشته باشد.

تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

تضمین کیفیت یا اعتبارسنجی در تحصیلات عالی فرایندی است که طی آن مجموعه‌یی از استانداردهای از قبل تعیین شده، در یک سازمان یا نهاد آموزشی عالی مورد بررسی قرار می‌گیرد و میزان تطابق وضعیت موجود سازمان با آن استانداردها تعیین می‌شود.

بدین ترتیب؛ هدف اصلی پروسه تضمین کیفیت اطمینان یافتن از موجودیت شرایط و ساز و کار تحقق هدف یا اهداف تعیین شده آموزشی، تحقیقی، خدمات علمی، فرهنگی و اقتصادی متوقعه، می‌باشد. مهم‌ترین کارکردهای این پروسه عبارتند از: تسهیل دستیابی به مأموریت و اهداف سازمان، جهت‌دهی برنامه‌های پوهنتونها، نظارت بر تطبیق استانداردها و رعایت معیارها، پالیسی‌سازی برای بهبود کیفیت ساختاری، آموزشی و تحقیقی نهادها و سازمان‌های تعلیمی، هدایت برنامه‌ها و پروگرام‌های ادواری و فوق برنامه، کمک به انجام ارزیابی‌های مختلف آموزشی و تحقیقاتی، زمینه‌سازی تبادل تجربه بین سازمان‌های مختلف تحصیلات عالی، کمک به طراحی و اجرای برنامه‌های استراتژیک و عملیاتی سازمان‌های آموزشی.

جمع‌بندی مبانی نظری

با توجه به مفاهیم کیفیت در تحصیلات عالی، خصوصیات و کارکردهای مورد انتظار تحصیلات عالی و نیز مفهوم تضمین کیفیت در تحصیلات عالی، می‌توان گفت که مهم‌ترین رسالت و وظیفه پروسه تضمین کیفیت در یک کشور آن است که از طریق تعیین استانداردها، نظارت مستمر بر رعایت آنها، اطمینان ملی و بین‌المللی را به وجود آورد که تحصیلات عالی آن کشور، از کارکردها و خصوصیات مورد انتظار برخوردار است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت موضوع توصیفی - تحلیلی و از نظر چگونگی گردآوری معلومات، کیفی ترکیبی است. در تحقیقات توصیفی - تحلیلی در باره خصوصیات یک پدیده یا موضوع بدون هیچ‌گونه دخالت در وضعیت آن، توصیف و نتیجه‌گیری می‌شود (نوبخت، ۱۳۹۲، ص ۴۴). هم‌چنین، کیفی ترکیبی بودن جمع‌آوری معلومات به این معنا است که در آن از دو روش مشاهده و مصاحبه استفاده شده و داده‌ها با توجه به اصول تحقیقات کیفی براساس میزان تأکید و تصریح مفهومی تجزیه و تحلیل می‌شود. در مدل تحلیلی، چالش‌های پروسه تضمین کیفیت تحصیلات عالی افغانستان

متغیر واحدی است که برای توصیف و تحلیل مورد توجه قرار داشته است. جامعه آماری این تحقیق استادان (۱۰ تن)، محصلان (۲۰ تن) و کارمندان (۱۵ تن) دو پوهنتون کابل، یکی خصوصی و دیگری دولتی است. در نمونه‌گیری از روش غیر احتمالی یا در دسترس طبقه‌بندی، و برای گردآوری معلومات از روش‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه آزاد استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه و مشاهده روش کدگذاری به کار گرفته شده است. یعنی این‌که پس از مشاهده و مصاحبه معطوف به چالش‌های مربوط به تضمین کیفیت، محتوای مشاهده و مصاحبه تحلیل و مفاهیم به دست آمده کدگذاری گردید. سپس محتوای یادداشت شده مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها به دقت مطالعه و بررسی گردید و شواهد و مفاهیم لازم از میان آن‌ها اخذ شد. در ادامه، این مفاهیم و شواهد مورد بررسی مجدد قرار گرفت و از میان آن‌ها مقوله‌های مشخص شناسایی، دسته‌بندی و ادغام گردید. تا این‌که مفاهیم و مقوله‌های اصلی در دو مرحله و در دو بخش ذیل استخراج و نهایی شد.

۱. چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

۲. چالش‌های اجرایی و عملیاتی تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

یافته‌های تحقیق

آنچه از تحقیق حاضر در مرحله اول به دست آمد، مفاهیم اولیه‌یی بود که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده از مشاهدات و مصاحبه‌ها

شماره	مفاهیم اولیه	بخش	فراوانی
۱.	نبود پالیسی واضح و شفاف حکومتی	۱	۴۷
۲.	واضح نبودن معیارهای ارزیابی کیفی	۱	۳۸
۳.	دخالت علایق و سلايق شخصی کارمندان بخش مدیریتی پروسه	۲	۳۳
۴.	تغییرات پیاپی معیارهای فرعی و گاهی اصلی	۱	۴۴
۵.	تغییرات مکرر مسئولین کارمندان ریاست تضمین کیفیت وزارت تحصیلات عالی	۲	۶۰
۶.	دخالت علایق شخصی و فردی بازنگران	۲	۷۰
۷.	مناسب نبودن معیارهای اصلی و فرعی ارزیابی کیفی با شرایط و وضعیت کشور	۱	۴۸
۸.	نامناسب بودن الگوهای ارزیابی با شرایط بومی افغانستان	۱	۲۸
۹.	فقدان رویکرد قطعی و واضح نسبت به وضعیت تحصیلات عالی	۱	۳۰
۱۰.	نبود امکانات لازم برای تطبیق معیارهای ارزیابی کیفی	۲	۶۰
۱۱.	حاکمیت رویه‌های سخت سابق بر مراکز تحصیلات عالی	۲	۷۰
۱۲.	عدم اعتقاد مسئولین پوهنتون‌ها نسبت به پروسه تضمین کیفیت	۲	۷۶
۱۳.	عدم اعتقاد و انگیزه واحد اداری موظف تضمین کیفیت	۲	۴۸
۱۴.	نبود اهرم‌های عملیاتی لازم برای تطبیق معیارهای تضمین کیفیت	۲	۷۰
۱۵.	مسایل فرهنگ عمومی نسبت به تضمین کیفیت	۲	۶۳
۱۶.	عدم هماهنگی بخش‌های مختلف سازمانی نسبت به تضمین کیفیت	۲	۴۶
۱۷.	فراهم نبودن زمینه‌های تطبیق معیارهای تضمین کیفیت	۲	۶۸
۱۸.	مفهوم نبودن معیارهای اصلی و فرعی تضمین کیفیت	۲	۶۲
۱۹.	نبود قوانین مؤثر حمایتی لازم	۱	۲۳
۲۰.	تعصبات مختلف	۲	۲۱
۲۱.	افکار عمومی ضعیف و بی‌جایگاه	۲	۲۴
۲۲.	عدم رویکردهای انگیزشی مناسب	۲	۳۳
۲۳.	مقاومت در برابر تغییر	۲	۳۳
۲۴.	نبود مشوق‌های لازم برای تطبیق معیارهای تضمین کیفیت	۲	۱۶
۲۵.	عدم شایسته‌سالاری	۲	۲۴

در مرحله دوم، جدول ۱ با دقت بیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت و برخی مفاهیم آن ادغام شده مقوله‌ها و مفاهیم جامع‌تر و سازمان‌یافته‌تری به دست آمد که حاصل آن شکل‌گیری جدول ۲، مربوط به مقوله‌ها و

چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری و جدول ۳، مربوط به مقوله‌ها و مفاهیم چالش‌های اجرایی و عملیاتی می‌باشد.

جدول ۲: مقوله‌ها و چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری

شماره ردیف	مقوله‌ها و مفاهیم
۱.	نبود یک پالیسی واضح و شفاف
۲.	واضح نبودن معیارهای ارزیابی کیفی
۳.	تغییرات پیاپی معیارهای فرعی و گاهی اصلی
۴.	مناسب نبودن الگوهای ارزیابی تضمین کیفیت با شرایط اقتصادی و فرهنگی افغانستان
۵.	فقدان رویکرد قطعی و واضح نسبت به وضعیت تحصیلات عالی
۶.	فقدان قوانین مؤثر حمایتی برای تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

جدول ۳: مقوله‌ها و مفاهیم چالش‌های اجرایی و عملیاتی

شماره	مقوله‌ها و مفاهیم
۱.	دخالت علایق و سلائیق شخصی مدیران و مسئولان مربوطه
۲.	تغییر مکرر مسئولین کارمندان ریاست تضمین کیفیت
۳.	دخالت علایق شخصی و فردی بازنظران
۴.	نبود امکانات لازم برای تطبیق معیارهای ارزیابی کیفی
۵.	عدم اعتقاد مسئولین پوهنتون‌ها نسبت به پروسه تضمین کیفیت
۶.	عدم اعتقاد و انگیزه واحد اداری موظف تضمین کیفیت
۷.	نبود اهرم‌های لازم برای مواجهه با تطبیق یا عدم تطبیق معیارهای تضمین کیفیت
۸.	فرهنگ عمومی و انتظارات شکل گرفته جامعه نسبت به تحصیلات عالی
۹.	عدم هماهنگی و اراده جدی بخش‌های مختلف سازمانی وزارت تحصیلات عالی در قبال موضوع تضمین کیفیت
۱۰.	فراهم نبودن زمینه‌ها و امکانات عمومی تطبیق معیارهای تضمین کیفیت
۱۱.	مفهوم نبودن معیارها و استندهای تضمین کیفیت
۱۲.	ضعف افکار عمومی و بی‌تفاوت در قبال مسایل تحصیلات عالی
۱۳.	عدم رویکردهای انگیزشی مناسب
۱۴.	مقاومت در برابر تغییر
۱۵.	نبود مشوق‌های لازم برای تطبیق معیارهای تضمین کیفیت
۱۶.	عدم شایسته سالاری

بحث و مناقشه

آنچه از جریان این بررسی به دست می‌آید این است که تحصیلات عالی کشور ما گرفتار مشکلات و معضلات متعددی در سطح پلان‌گذاری و اجرایی می‌باشد. از مجموع مفاهیم و شواهد به دست آمده چنین استنباط می‌شود که پروسه تضمین کیفیت تحصیلات عالی ما در هر دو سطح پلان‌گذاری و پالیسی‌سازی و نیز سطح اجرایی دچار مشکلات متعدد است. در بخش پلان‌گذاری کم‌تر اما مهم‌تر و در بخش اجرایی بیش‌تر و مؤثرتر.

در بخش پلان‌گذاری و طراحی مشکل اساسی این است که این پروسه مانند بسیاری از مسایل دیگر یک طرح وارداتی است که زمینه‌سازی لازم برای طراحی آن انجام نگرفته و دست‌اندرکاران بدون مطالعه کافی و بسترسازی مورد نیاز الگوی بومی نشده و غیر مناسبی را انتخاب کرده‌اند. این درحالی است که کیفیت و معیارهای عینی آن یک امر نسبی است و نسخه جهان‌شمول ندارد. البته در سطح عنوان و تئوری، ممکن است نسخه جهان‌شمولی برای آن تصور شود؛ اما در واقعیت‌های عینی و عملی یک جامعه ممکن است شرایط و وضعیت بسیار متفاوت باشد. کیفیت در هر جامعه و برای هر کالا متفاوت است، چون تعریف آن وابسته به فرهنگ و شرایط عینی جامعه است. تعریفی که در بخش مبانی نظری تحقیق از کیفیت ارائه شده عبارت است از انطباق خصوصیات تحصیلات عالی با نرم‌ها و انتظارات پذیرفته شده ملی و بین‌المللی.

این نرم‌ها و انتظارات بیش از آن‌که بر فرایند تأکید نماید محصولات و نتایج را هدف قرار می‌دهد. این معنا همان چیزی است که در خصوصیات و کارکردهای تحصیلات عالی ذکر شده‌اند. به عنوان مثال در خصوصیات تحصیلات عالی گفته شده که در زندگی فردی باید: دانش تخصصی و مسلکی افراد را افزایش دهد، آن‌ها را با روش‌های تحقیق علمی و مهارت‌های ضروری آن آشنا کند، سواد اطلاعاتی، ظرفیت مهارت‌پذیری، اشتغال‌پذیری، خود-اشتغالی و کارآفرینی را تقویت کند. هم‌چنین، در زندگی اجتماعی، تحصیلات عالی باید به استقرار عدالت اجتماعی کمک کند، روحیه شهروندی و مدنیت را در افراد بالا ببرد و قوای بشری مسلکی و متخصص را تنظیم و هدایت کرده جامعه را با تحولات ملی و بین‌المللی هماهنگ کند. این امر می‌طلبد که پروسه تضمین کیفیت بیش‌تر بر نتایج و دست‌آوردهای تحصیلات عالی تمرکز کند و کیفیت تحصیلات عالی را از زاویه نتایج و دست‌آوردها مورد ارزیابی قرار دهد. طرح و پلانی را روی دست بگیرد که متناسب با قد و قواره کشور کیفیت‌سنجی شود. متأسفانه در این زمینه طرح تضمین کیفیت تحصیلات عالی ما بیش‌تر به فرایند و جریان تکیه داشته است. در طول بیش از یک دهه فعالیت کم‌تر به این نکته توجه شده که آیا معیارهای روی دست تضمین کیفیت و پلان

عملیاتی آن با شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور ما متناسب است یا نه؟ آیا منابع و امکانات لازم در سطح کشور وجود دارد که از یک پوهنتون خصوصی داشتن آمبولانس را توقع داشت یا نه؟ آیا محصولات پوهنتون‌ها و مؤسسات تضمین کیفیت شده با محصولات پوهنتون‌ها و مؤسسات تضمین نشده متفاوت است؟ این تفاوت‌ها چیست؟ اگر تفاوتی در برابری ندارد پس باید در اصل طرح و پلان تضمین کیفیت، پالسی‌ها و رویکردهای آن تجدیدنظر شود.

بخش اجرایی تضمین کیفیت گرفتاری بیش‌تر داشته است. واقعیت این است که در افغانستان همیشه و در تمام عرصه‌ها مشکلات جدی و مهم در بخش اجرایی است. در مجموع، بسیاری از قوانین در افغانستان به صورت جامع و کامل تقنین شده است؛ اما در اجرا تقریباً همه قوانین دچار مشکل می‌باشد. پروسه تضمین کیفیت تحصیلات عالی نیز از این قاعده مستثنا نیست و چنان‌که تحقیق حاضر نشان می‌دهد مشکلات و چالش‌های بخش اجرایی و عملیاتی سه برابر مشکلات بخش پالیسی و پلان‌گذاری است. در این بخش که برخی ناشی از مشکلات پالیسی و پلان‌گذاری پروسه تضمین کیفیت، برخی ناشی از وضعیت فرهنگی، برخی ناشی از وضعیت سیاسی - امنیتی و بسیاری ناشی از وضعیت اقتصادی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحصیلات عالی افغانستان در طول تاریخ پس از تأسیس گرفتار مشکلات و چالش‌های مختلفی بوده است. نبود زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تکنالوژیکی لازم برای توسعه و انکشاف بخش مهمی از این چالش‌ها را تشکیل می‌داده است. این درحالی است که موجودیت چنین زمینه‌ها شرط لازم و اساسی فعالیت یک نهادی مانند نهاد تحصیلات عالی می‌باشد. شاید اساسی‌ترین مشکل در این زمینه عدم موجودیت درک درست نسبت به تحصیلات عالی، پیش‌زمینه‌ها، فرایندها و کارکردهای آن بوده است. در حقیقت درک نادرست عمومی که حتی گاهی شامل برخی مسئولین و دست‌اندرکاران این جریان نیز می‌شده، مبنای بسیاری از مشکلات و چالش‌های را تشکیل می‌داده که در طول زمان گذشته این نهاد با آن‌ها دست و پنجه نرم کرده و رنج می‌برده است.

در سال‌های اخیر این وضعیت اندکی تغییر یافته و دست کم در سطح مدیریتی و رهبری این نهاد، نگاه مثبت‌تری نسبت به ماهیت، خصوصیات و کارکردها به وجود آمده است. با این حال هنوز هم چالش‌ها و مشکلاتی بسیاری وجود دارد که تحصیلات عالی کشور مانند بخش معارف گرفتار آن‌ها بوده؛ این نهاد را از درجه اعتبار لازم برای کارآمدی و مؤثریت ساقط کرده است.

نتیجه‌ی که از تحقیق حاضر می‌توان گرفت این است که پروسه تضمین کیفیت باید در هر دو بخش پالیسی‌سازی و سازوکار اجرایی مورد بازبینی قرار گیرد و با توجه به چالش‌های شناسایی شده تجدیدنظر شود. در بخش پالیسی‌سازی و پلان‌گذاری باید شرایط و وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی در نظر گرفته شود و به‌خصوص معیارهای فرعی به‌صورت اساسی و تخصصی اصلاح شود. در بخش اجرایی نیز باید شرایط مزبور در نظر گرفته شود و با توجه به این شرایط معیارهای کیفیت و تضمین کیفیت وضع شود. به‌طور مشخص موارد ذیل جزو پیشنهادات این تحقیق می‌باشد:

۱. پالیسی‌های تضمین کیفیت مشخص و قطعی شود؛
۲. اهداف کاربردی و عملی و عینی تشخیص و تعیین شود؛
۳. معیارهای اصلی کم‌تر شود؛
۴. معیارهای فرعی متناسب شود؛
۵. مشوق‌ها و تنبیهات عملی و متناسب در نظر گرفته شود؛
۶. بخش‌های اداری وزارت خانه‌های دولتی، معطوف به بهبود کیفیت تعلیمی تحصیلات عالی هماهنگ شوند؛
۷. از طریق رسانه‌های جمعی فرهنگ‌سازی کلی و عمومی انجام شود؛
۸. سیستم عینی و عملیاتی مناسب در نظر گرفته شود؛
۹. برای وضع قانون و ایجاد شرایط حقوقی مناسب و ضروری اقدام شود؛
۱۰. امکانات بیش‌تری در اختیار پروسه تضمین کیفیت قرار گیرد.

منابع

- بازرگان، عباس. (۱۳۸۳). اعتبارسنجی در آموزش عالی، دایره‌المعارف آموزش عالی، زیر نظر نادرقلی قورچیان و همکاران، بنیاد دانش‌نامه بزرگ فارسی، تهران.
- بازرگان، عباس، فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۶). نظارت و ارزش‌یابی در آموزش عالی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون‌ها (سمت)، تهران.
- قورچیان، نادرقلی. (۱۳۷۳). تحلیلی بر مکعب کیفیت در نظام آموزش عالی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸.
- جعفری ثانی، حسین و همکاران. (۱۳۹۷). مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی و دوازدهمین همایش ملی ارزیابی کیفیت در نظام‌های پوهنتونی، چالش‌ها و مشکلات تضمین کیفیت آموزش عالی با تأکید بر پوهنتون‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی ایران، تهران.
- زراعت‌کار، سمیه و همکاران. (۱۳۹۹). شناسایی چالش‌های مدیریت منابع انسانی در بخش دولتی و تأثیر آن بر بهره‌وری، فصل‌نامه تحقیق‌های مدیریت منابع انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون‌ها (سمت)، تهران.
- برینان، جان و شا، تارلا. (۱۳۹۰). مدیریت کیفیت در آموزش عالی، چشم‌اندازی بین‌المللی به سنجش و تغییر سازمانی، ترجمه کیوان صالحی، حسن رضا زین‌آبادی و کورش پرند، مرکز نشر پوهنتونی، تهران.
- فتاحی، پرویز. (۱۳۹۰). مدیریت کیفیت و بهره‌وری، پوهنتون پیام نور، تهران.
- نویخت، محمد باقر. (۱۳۹۲). روش تحقیق پیشرفته، تحقیق‌کده تحقیقات راهبردی، تهران.
- یارمحمدیان، محمدحسین، یارمحمدیان. (۱۳۸۳). کیفیت در آموزش عالی، دایره‌المعارف آموزش عالی، بنیاد دانش‌نامه فارسی، زیر نظر نادرقلی قورچیان و همکاران، تهران.
- Ziegler, H. (1994). International Development Assuring Quality in Higher Education, Quality in Education, vol. 4, n. 2
- Harvey, I., & Green, D. (2006). Defining Quality. Assessment & Evaluation in higher education. Quality Assurance in education, 18(1), 9- 34.



چالش‌ها و فرصت‌های یادگیری الکترونیکی در تحصیلات عالی افغانستان

پوهنمل دکتور محمدشاه صديق

ديپارتمنت تاريخ، پوهنځی تعليم و تربيه، پوهنتون بلخ، بلخ، افغانستان

ایمیل: m.sediq700@gmail.com

چکیده

تکامل فن آوری اطلاعات، همه بخش‌های جامعه، به‌ویژه آموزش را تحت تأثیر قرار داده است. میزان این تأثیر از لحاظ اقتصادی و علمی بین جوامع مختلف، به عرصه بهره‌مندی از فن آوری اطلاعات و ارتباطات هم کشیده شده است. مزایای فن آوری‌های نوین برای جبران نارسای کشورهای مانند افغانستان قابل چشم‌پوشی نبوده و بی‌مهری به آن، موجب محرومیت مضاعف، مخصوصاً با فراهم شدن استقرار نسبی در دو دهه پسین گردیده است. این سهل‌انگاری، تبعات زیان‌باری بر پیکر آموزش عالی وارد نموده، به‌ویژه در سال‌های اخیر. یافته‌های این تحقیق شامل چالش‌های آن‌د که هنوز آموزش عالی افغانستان با آن مواجه است. مانند نحوه ورود به جامعه اطلاعاتی، پیوند جامعه و پوهنتون، ضعف کارایی زیرساخت‌های توسعه علمی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، جهانی‌شدن و تحولات آن در آموزش عالی، آموزش کارآفرینی در هزاره جدید و بی‌مهری با آموزش‌های الکترونیکی.

اصطلاحات کلیدی: یادگیری الکترونیکی؛ پوهنتون مجازی؛ آموزش از راه دور؛ چالش‌ها و فرصت‌های آموزشی؛ پوهنتون

e-learning Challenges and Oppartunities in Afghnistan Higher Education System

Sr. Teaching Asstt. Mohammad Shah Sediq

Department of History, Faculty of Education, Balkh University, Balkh, Afghanistan

Email: m.sediq700@gmail.com

Abstract

The global information technology revolution has profoundly influenced society, notably higher education. However, the extent of this impact varies across regions and societies, resulting in economic and scientific disparities. The strategic use of Information and Communication Technology (ICT) has played a pivotal role in bridging these disparities. Modern technologies present significant opportunities to address deficits, particularly in countries like Afghanistan, where underutilizing their potential exacerbates deprivation. Unfortunately, recent years have seen detrimental consequences for Afghanistan's higher education system due to neglecting these opportunities. This paper addresses key aspects, including the transition to an information society, the symbiotic relationship between society and academia, weaknesses in scientific development infrastructure, educational, social, and cultural factors, globalization, entrepreneurship education in the new millennium, and the significance of embracing electronic education.

Keywords: e-learning; Virtual University; Distance Education; Educational Challenges; Afghanistan

مقدمه

توسعه فن آوری اطلاعات منجر به تغییرات زیادی در زمینه‌های مختلف من جمله آموزش شده است. تحت تأثیر همین شرایط، آموزش و فن آوری در هم ادغام شده‌اند و یادگیری الکترونیکی به عنوان یک وسیله قدرت مند برای آموزش و یادگیری ظهور کرده و با انواع فن آوری‌های هوش مند امروزی، جهت دستیابی به منابع یادگیری، گسترش یافته و تأثیراتی بر یادگیری و روش‌های تدریس داشته است (رزاقی و همکاران، ۱۴۰۱). فن آوری نوین فرصت‌های آموزشی منحصری ارائه کرده که باعث بهبود فرایند آموزش، یادگیری و نوآوری برای افراد و سازمان‌ها می‌شوند و نهادهای آموزشی را به توسعه سیاست خلاق و نوآور تشویق می‌کند (عبدالسلام و همکاران، ۲۰۲۲).

دیدگاه وزارت تحصیلات عالی افغانستان منتشره وبسایت آن وزارت، استفاده از نیروی انسانی کارآمد و تکنولوژی‌های نوین نظام تحصیلی پیشرفته و اداره‌ی شفاف و پویا؛ جایگاه ممتاز در تربیت نیروی انسانی متعهد، متخصص، کارآفرین و پیشرو در تولید علم در سطح منطقه را از اولویت‌های کار آن وزارت اذعان نموده و راه رسیدن به آن‌ها، برخورداری از سیستم مدیریت معلوماتی مؤثر، کارآمد، شفاف و ساده؛ بیان گردیده است. چون در سال‌های اخیر استفاده از فن آوری‌های نوین، یادگیری‌های سنتی را به سمت و سوی یادگیری الکترونیک سوق داده و ابزار یادگیری گسترش یافته است (بومی پور و خطاط، ۱۴۰۰، ص ۱).

در عصر انفجار اطلاعات نقش تکنولوژی در آموزش و پیامدهای آن در توسعه و تسهیل فرایند یاددهی یادگیری، نگاه مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی را به خود معطوف و بر استفاده بی‌چون وچرای آن مٌهر تأیید و سنگ تمام گذاشته‌اند؛ زیرا حجم عظیم تقاضا برای علم و دانش، محدودیت‌های نظام آموزش سنتی و نیاز به تحول در روش‌های یاددهی یادگیری، جهان را به سوی روش‌هایی سوق داده است (پورتوکللی، علی نژاد و دانش مند، ۲۰۲۰)؛ که منجر به توسعه فرایند یادگیری با رویکرد جدید و سهولت در فراگیری دانش و مهارت در سطح جهان گردیده است. در این میان نهادهای آموزشی افغانستان به صورت عام و آموزش عالی آن به صورت خاص از پیامدهای مثبت تکنولوژی آموزشی و یادگیری الکترونیکی نسبت بی‌مهری برنامه‌ریزان و مدیران سطوح رهبری و نیز فقر مُمتد نتوانسته است زمینه‌های راه‌اندازی آموزش الکترونیک را مساعد نماید.

بیان مسأله

در شرایط کنونی و با سرعت روزافزون ابزارهای تکنولوژی و به دنبال آن گسترش سرسام‌آور اطلاعات، سطوح رهبری نهادهای آموزشی دنیا با تغییر رویکردهای آموزشی اقدام نموده و سهولت‌های بی‌شماری

در عرصه آموزش و یادگیری به ارمغان آورده‌اند. در این میان آموزش عالی افغانستان با وصف هم‌زمانی با این شتاب، التفاتی به این رویکرد جدید آموزشی نکرده است؛ این تحقیق در پی تبیین و توضیح دلایل عدم استفاده از آموزش الکترونیکی در توسعه آموزشی عالی افغانستان می‌باشد.

اهداف تحقیق

۱. شناخت جایگاه و کاربرد یادگیری الکترونیکی در تحصیلات عالی افغانستان.
۲. آگاهی از سابقه استفاده آموزش الکترونیکی در پوهنتون‌های افغانستان.
۳. شناخت زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی وزارت تحصیلات عالی.
۴. شناخت نیروی انسانی و افراد ماهر بر کاربرد فن‌آوری‌های نوین در فرایند آموزش.
۵. شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های یادگیری الکترونیکی در نظام آموزش عالی افغانستان.

سؤالات تحقیق

۱. پیشینه آموزش الکترونیکی در افغانستان به کدام سال می‌رسد؟
۲. ظرفیت زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی تحصیلات عالی در تطبیق آموزش الکترونیکی در کدام حد است؟
۳. نیروی انسانی و حمایت اقتصادی جهت کاربرد فن‌آوری‌های نوین در برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی افغانستان تا کدام حد جواب‌گوی نیاز جامعه علمی است؟
۴. استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در پوهنتون‌های افغانستان در چه سطحی قرار دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد آموزش الکترونیکی در افغانستان دارای پیشینه‌ی اندکی باشد.
۲. ظرفیت‌های موجود اطلاعاتی و ارتباطی پوهنتون‌های افغانستان جواب‌گوی راه‌اندازی آموزش الکترونیکی نیستند.
۳. نیروی انسانی و کادر علمی پوهنتون‌ها توانایی راه‌اندازی آموزش الکترونیکی را دارند.
۴. کاربرد تکنولوژی مدرن در پوهنتون‌های افغانستان در سطح پایین قرار دارد و تنها منبع اطلاع‌رسانی است.

روش تحقیق: این تحقیق مروری، مبتنی بر جستجوهای اینترنتی، کتب، مجله‌ها، مقاله‌ها و روزنامه‌های دیجیتال انجام گردید.

پیشینه تحقیق

با توجه به ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی در افغانستان متأثر از جنگ و ناآرامی در دهه‌های اخیر، راه‌اندازی آموزش الکترونیکی در دستور کار سطح رهبری مراکز آموزشی-به‌جز در سه سال پسین و بسته شدن مراکز آموزشی به دلایل شرایط کرونا نبوده است. بناً اگر گزارش و مقاله‌ای مرتبط به آموزش الکترونیکی وجود دارد، هم‌زمان با شیوع کرونا و بعد از آن است. چنان‌چه روزنامه دیجیتالی (شفقنا، ۱۳۹۹ با کد خبر ۳۷۰۱۵۱) ضمن نگاهی اجمالی به پیشینه آموزش الکترونیکی در جهان، وضعیت آموزش عالی افغانستان را بررسی نموده؛ مشکلات موجود را مانع راه‌اندازی آموزش الکترونیکی دانسته و از جانبی بسته بودن درب مراکز آموزشی را خسارت جبران‌ناپذیر عنوان کرده است (فروزان، ۱۳۹۹). همه‌گیری کرونا را آغاز یک انقلاب دیجیتالی در افغانستان خوانده و بر نارسایی‌ها در ناتوانی راه‌اندازی آموزش الکترونیک اشاره کرده است.

همین‌گونه، (ظفری، ۱۳۹۹)، با بررسی کوتاه تاریخچه آموزش الکترونیکی در جهان به چالش‌های فرا راه آموزش از راه دور در افغانستان تمرکز نموده است. (کریمی، ۱۳۹۹) اقدام وزارت معارف را در تدریس از راه دور به‌وسیله تلویزیون نوید خوشی برای آغاز این رویکرد آموزش دانسته و از آن به‌عنوان «نواخته شدن زنگ مدارس خانه‌ها» یاد کرده است (بیضاء، ۱۳۹۹). از بسته شدن مراکز آموزشی در همه‌گیری کرونا نوشته و ضمناً، به بیان تهدیدهای آموزش از راه دور و شکاف‌های اجتماعی و آموزشی افغانستان پرداخته است (حیدری، ۱۳۹۹). به چالش‌های طرح تبدیل ارائه خدمات آموزشی در حالت اضطرار وزارت معارف و غیرعملی بودن آن تمرکز کرده است؛ (سیغانی، ۱۳۹۹)، از تأثیرات کرونا بر نظام آموزشی و نگرانی‌های آن صحبت نموده است؛ (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹) پیرامون افغانستان و آموزش از راه دور، چالش‌ها و راه‌حل‌ها سخن گفته‌اند؛ و یافته‌های (شیرزاد و فاروق حیدری، ۱۳۹۹) نشان داد که بین بُعد تکنولوژی، بُعد محتوا، بُعد استاد و بُعد کیفیت آموزش الکترونیکی در پوهنتون خصوصی آریا رابطه مثبت و معنادار وجود داشته و از دیدگاه محصلان مهم‌ترین عامل بر میزان رضایت ایشان به‌شمار می‌رود.

درحالی‌که تحقیق‌های (قاسمی و محمودی، ۱۳۹۹)، (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸)، (سرفرازی و همکاران، ۱۳۹۹)، (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹)، (فروزان، ۱۳۹۹)، (الهام، ۱۳۹۹)، (صفری، ۱۳۹۸)، (مقدسی، ۱۳۹۸)، (سالار جابینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (لاله رئیسی و همکاران، ۱۴۰۰) نشان می‌دهند که استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه‌های درسی نظام‌های آموزش عالی کشورها از

تطبیق، راه اندازی و بهره‌گیری نسل‌های متعدد آن به سطح فرهنگ یادگیری الکترونیکی ارتقاء نموده است.

مبانی نظری

آموزش عالی، یکی از زیرساخت‌های مهم نظام آموزشی هست که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در زمینه‌های مختلف تحقیق، ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فن آوری به جامعه می‌باشد. در عصر حاضر، جوامع پیوند بیش‌تر بین آموزش عالی و برنامه‌های پیشرفت ملی و ارتقای دانش و فن آوری را در دستور کار خود دارند. زیرا؛ توسعه ملی نیازمند حرکت به سوی علم و فن آوری، در تدریس و تحقیق پوهنتونی است. اخیراً نقش پوهنتون‌ها در مدیریت و برنامه‌ریزی تغییر کرده است. هدف پوهنتون‌های نسل اول بر آموزش مستقیم استوار بود، پوهنتون‌های نسل دوم بر مبنای آموزش مبتنی بر تحقیق و آموزش برای انجام تحقیق تغییر یافت.

در نسل سوم هم‌زمان با آموزش نیروی انسانی برای تولید علم و توسعه فن آوری در حل مسائل و مشکلات رایج، هم‌چنین تولید کار و ثروت آفرینی در اهداف و برنامه‌های پوهنتون گنجانیده شده است و در نسل چهارم پوهنتون‌ها علاوه بر وظایف نسل سوم باید به سمت تربیت خلاق و نوآور حرکت کنند. لذا سرمایه‌گذاری در آموزش عالی یکی از راه‌های اساسی برای دستیابی به نیروی ماهر و توسعه اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شود (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷). کارکردهای متنوع آموزش عالی اعم از آموزش، تحقیق و تربیت نیروی انسانی متخصص باعث شده است که جوامع این قلب تپنده را هر روز بیش از گذشته در حالت پویایی نگهداشته و هزینه‌های هنگفتی را در سطح ملی و خصوصی برای پیش‌برد این بخش از نظام آموزشی اختصاص دهند.

ضرورت تجدیدنظر در فلسفه نظام آموزش عالی

رشد و تعالی آموزش عالی از جمله عوامل بنیادین در توسعه پایدار و رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. کیفیت آموزش عالی همواره اهمیت به‌سزایی در میان دولت‌مردان و اقشار جامعه داشته است (رضائیان، ۱۴۰۱). با ورود به دهه سوم قرن بیست و یکم جوامع بشری با تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رشد روزافزون دانش و فن آوری مواجه‌اند. با مرور این تحولات بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان در سطح جهان اظهار داشته‌اند که این تحولات خواستار تبدیل شدن جوامع انسانی به جامعه یادگیری هستند. جوامعی که در آن افراد می‌توانند به یادگیری خود ادامه دهند و این فرصت برای آن‌ها مهیاست.

این نهاد باید از یک سو فرصت‌های عالی یادگیری را گسترش دهد و از سوی دیگر از طریق برنامه‌های درسی متناسب با اصول یادگیری مادام‌العمر کیفیت این فرصت‌ها را تضمین نماید. شرط موفقیت در طراحی این برنامه را مواردی مانند تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی درسی، مشارکتی بودن، نیازسنجی، پذیرش رویکرد یادگیری به آموزش، پیش‌بینی انعطاف در برنامه درسی و ارتباط آن با برنامه‌های درسی مقاطع قبلی را شامل می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹).

اهداف پوهنتون‌ها در قرن ۲۱

آموزش عالی به‌عنوان یک سیستم اجتماعی باز به‌منظور نقش‌آفرینی پربازده و تأمین الزامات محیطی می‌بایست فرایندهای خود را به‌صورت هدف‌دار و متناسب با تغییرات و تحولات محیطی تنظیم و تعدیل نماید. بنابراین استقرار سیستمی که منجر به تناسب محیطی و انسجام سازمانی پوهنتون‌های قرن حاضر شود با پاسخ‌گوی شرایط و الزامات محیطی ضرورت دارد. امروزه یکی از چالش‌های پوهنتون‌های جدید مفهوم پوهنتون نو و شناسایی ویژگی‌های آن می‌باشد. مسایلی چون ظهور تفکرات مدرن، مدیریت دانش محور، پیشتازی در فعالیت‌ها، توسعه فضای رقابتی، دسترسی آسان به منابع آموزشی بدون محدودیت، یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده باعث شده که دستگاه‌های آموزش عالی متحول گردیده و ساختارهای سنتی و ناکارآمد تغییر یابند (هاشمی و عباسی، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

اهداف کلان آموزش عالی افغانستان

اهداف کلان برنامه‌ی راهبردی براساس مأموریت دیدگاه و ارزش‌ها تدوین می‌شود. وزارت تحصیلات عالی با توجه به ضرورت هم‌زیستی دانش و ارزش برای تکامل و ترقی واقعی جامعه و این‌که انسان در کانون توسعه پایدار هم‌چنان که محور توسعه است؛ هدف توسعه و به‌منزله‌ی مهم‌ترین عامل توسعه نیز می‌باشد. وزارت تحصیلات عالی باور به نقش بلامنازع آموزش و علم‌آفرینی در فرایند توسعه جامعه دارد و براساس مأموریت، دیدگاه و ارزش‌ها، اهداف کلان و اساسی خود را به شرح زیر دنبال می‌کند:

۱. توسعه و بازنگری در فرایند تحقیقات؛
۲. بهبود آموزش و بازنگری نصاب تحصیلی؛
۳. تقویت برنامه‌های ارتقای ظرفیت؛
۴. تطبیق سیستم مدیریت اطلاعات وزارت تحصیلات عالی و محو فساد اداری؛
۵. بازنگری اسناد تقنینی و بازنگری در فرایند رفاهی محصلان؛
۶. بهبود و تجدیدنظر در ساختارها و فرایندها؛
۷. ایجاد مراکز عایداتی و توسعه همکاری با نهادهای داخلی و خارجی؛

۸. ایجاد اداره مستقل ارتقای کیفیت و اعتبار دهی مراکز علمی (www. Mohe.gov.af).

انواع روش‌های آموزش

رویکردهای متعدد یاددهی و یادگیری، مسئولیت‌های گوناگون و جدیدی را برای مدیران، مدرسان و محصلان در نظام آموزشی ایجاد نموده است. یکی از محورهای اصلی آن انتخاب مناسب‌ترین روش یاددهی و یادگیری است (پرینس و دیگران، ۲۰۱۷، ص ۱۱). انتخاب روش تدریس از مراحل مهم آموزش است تمام مدرسین در تلاش‌اند تا با توجه به شرایط موجود، برای رسیدن به نتیجه شیوه‌های آموزش مناسب را انتخاب و به‌کارگیری آن یادگیری مؤثر محصلان را ارتقاء بخشند.

آموزش به روش حضوری

براساس این روش اطلاعات به‌گونه شفاهی از جانب معلم ارائه و شاگردان از طریق گوش‌دادن و یادداشت برداشتن یاد می‌گیرند. در این روش معلم فعال و شاگرد غیرفعال است. مراحل اجرایی این روش عبارت است از: آمادگی معلم برای سخنرانی، مقدمه، ارائه مطالب و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است. با توجه به فرایند آموزش‌های سنتی، این نوع آموزش جواب‌گوی نیازهای عصر فوران اطلاعات و به‌کارگیری فن‌آوری‌های گوناگون در آموزش نیست و مورد بازنگری دانش‌مندان قرار گرفته و معتقدند با رفع نواقص آن، می‌تواند در کنار روش‌های نوین، موجب یادگیری عمیق و فعال شود (عمرانی ساروی و همتی، ۱۳۹۹، ص ۴۰).

آموزش از راه دور

پیدایش برنامه‌های آموزش از راه دور، به قرن ۱۹ بر می‌گردد. اسحاق پتمن نخستین آموزش‌دهنده از راه دور تدریس تندنویسی را از راه پُست در شهر انگلیسی، بت در سال ۱۸۴۰م شروع کرد. فن‌آوری این سیستم، خدمات پستی بود؛ یک روش ارتباطی کم‌هزینه به‌سرعت مورد استفاده قرار گرفت. برای افزایش تعامل بین آموزگار و شاگرد، روش‌های سریع‌تری توسعه یافت. مؤسسه‌های آموزشی با استفاده از ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی شروع به ارائه آموزش کردند. در سال ۱۹۲۱م مجوز به پوهنتون سالت لیک سیتی، ویسکونسنو پوهنتون می‌نستا صادر شد؛ این مؤسسه‌ها به ارائه دوره‌های آموزشی با استفاده از رادیو کردند. از سال ۱۹۰۰م نخستین تدریس مجازی در پوهنتون شیکاگو مستقر شد. در ایالات متحده دوره‌های مکاتبه‌ای موفقیت‌آمیز بود و در سال ۱۹۱۰ مدرسه بین‌المللی مکاتبه‌ای در ایالات متحده آغاز به کار کرد تا (۲۰۰۸) بیش از ۱۸۴۰۰ محصل داشت (بابائی، ۱۳۹۹، صص ۳۹-۴۱).

فن‌آوری‌های نوین از قرن بیستم در علوم مورد استفاده قرار گرفت. سابقه استفاده از فن‌آوری‌ها از راه دور در غنی‌سازی فعالیت‌های آموزشی در حدود کم‌تر از یک قرن پیش و زمان عرضه اولین فیلم

آموزشی بر می‌گردد (عطاران، ۱۳۹۴، ص ۳۵۵). فیلم‌های آموزشی از سال ۱۹۱۰ پدیدار شدند. جنگ جهانی دوم استفاده از تلویزیون را در آموزش گُند کرد. در دهه ۱۹۴۰م مریدان توجه زیادی به تلویزیون کردند. گرایش به کاربرد تلویزیون آموزشی به آهستگی تداوم یافت؛ اما در سال ۱۹۶۳م تعداد ۵۳ ایستگاه به هدف اشتراک گذاشتن برنامه‌ها و فیلم‌های شان به شبکه تلویزیون آموزش ملی پیوستند. در دهه ۱۹۶۰م فن‌آوری میکرو توسعه یافت و پوهنتون‌ها شبکه‌های آن را نصب کردند و قادر به خدمات تلویزیون آموزشی شدند. در دهه ۱۹۷۰ استفاده از ماهواره در پخش تلویزیون رایج شد و برای کنفرانس از راه دور نیز مطرح شد. کامپیوتر شخصی به عنوان چند رسانه رشد و مورد استفاده قرار گرفت. ظهور لوح فشرده با گنجایش بالا توانست مقدار زیادی صوت، تصویر و متن را در خود جای داده و به هزینه کم به دست‌رس یادگیرندگان قرار گیرد. سپس اینترنت تسهیل‌کننده یادگیری از راه دور شد (رسولی، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

پیشینه آموزش از راه دور در افغانستان

افغانستان با توجه به پیشینه چندین دهه جنگ، نخستین بار در سال‌های ۸-۱۹۹۷م با همکاری اداره سازمان توسعه‌ی ملل متحد در کابل از طریق ماهواره به اینترنت وصل شد و در سال ۲۰۰۲ استفاده اینترنت با هزینه نه‌چندان ارزان به دست‌رس عام مردم قرار گرفت. از همگانی شدن اینترنت در افغانستان بیش از ۲۰ سال می‌گذرد و طی چند سال اخیر با افزایش شبکه‌های مخابراتی در کشور فرهنگ استفاده از اینترنت بیش‌تر شده است (شفقنا، ۱۳۹۹).

با شیوع ویروس کرونا نهادهای آموزشی افغانستان طرح آموزش از راه دور را برای تأیید به ریاست جمهوری فرستادند ولی با این طرح بعضی از نمایندگان مجلس، استادان و آگاهان حوزه آموزش و پرورش مخالفت نموده و آن را غیرعملی خواندند. برخی از نمایندگان با انتقاد بر طرح بدیل خدمات آموزشی گفتند که وزارت معارف بدون درک درست از وضعیت جامعه و بدون مشورت با نمایندگان طرح غیر مؤثر را به ریاست جمهوری فرستاده است. به باور آنان، این طرح قابل استفاده نیست چون بیش‌تر مردم افغانستان به برق، اینترنت و تلویزیون دسترسی ندارند و معتقد بودند که این طرح با توجه به وضعیت اقتصادی و عدم دسترسی دانش‌آموزان به امکانات نمی‌تواند سراسر کشور را تحت پوشش قرار دهد. آگاهان تعلیم و تربیت نیز این طرح را باعث نقض حقوق دانش‌آموزان مناطق محروم کشور دانسته‌اند. طرح بدیل آموزش حضوری به شیوه الکترونیک به کمک سیستم مدیریت اطلاعات تحصیلات عالی از سوی کابینه به عنوان برنامه ممد درسی تصویب شد. پوهنتون‌های دولتی وزارت تحصیلات عالی نیز در

سطح خیلی پائین آموزش الکترونیکی را شروع کرد، متأسفانه به دلایل ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی، کم‌بود امکانات اقتصادی محصلان و نیروی بشری متخصص موفق نشد (فروزان، ۱۳۹۹).

یادگیری الکترونیکی

یادگیری الکترونیکی، یک تلاش در ملاقات با چالش‌های فن‌آوری است و یک رویکرد برای حفظ موانع محدود به مطالعات در سطح پوهنتون متناسب بودن برنامه‌ها با نیازهای محلی و افزایش برابر فرصت‌های آموزشی برای یادگیرندگان است. به هر حال پیش‌شرط‌هایی برای رسیدن به موفقیت در برنامه‌های یادگیری الکترونیکی وجود دارد که شامل طراحی آموزشی براساس نیازهای اساسی، فن‌آوری مناسب، حمایت متقابل یادگیرنده نسبت معلم به دانش‌آموز و حمایت محلی و نظام‌های مدیریت کارآمد می‌باشد. آموزش الکترونیکی استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی مبتنی بر وبسایت در سطح اینترنت برای مقاصد آموزشی است.

در سال‌های اخیر یادگیری الکترونیکی به‌عنوان بخشی اساسی از تجربه یادگیری محصل در آموزش عالی معرفی شده است. به‌طوری‌که طبق گزارش‌های گروه اطلاعات گیگا، حدود ۷۵٪ از ۱۲۹ پوهنتون برتر آمریکا از سیستم‌های یادگیری الکترونیکی استفاده می‌کنند. ارقام بالا در سال ۲۰۲۰م در حدود بالای ۹۰٪ در سراسر جهان بالغ گردیده است. درحالی‌که آخرین برآوردهای اتحادیه بین‌المللی مخابرات نشان می‌دهد، از هر ۱۰۰ نفر در سال ۲۰۱۹، تنها ۵۴ نفر به اینترنت دسترسی داشته‌اند؛ هرچند در مناطقی چون شمال آمریکا و اروپا، اینترنت به یک کالای اساسی تبدیل شده است؛ در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته دسترسی چندان به آن‌چه از آن تحت عنوان بزرگ‌ترین منبع اطلاعات یاد می‌شود ندارند. براساس آخرین گزارش‌ها درحالی‌که ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای توسعه‌یافته ۸۶٫۶٪ گزارش شده در کشورهای درحال توسعه و فقیر به ترتیب ۵۳٫۶٪ و ۲۰٪ است (میرمحمدی، ۱۳۹۹، ص ۲).

یادگیری آنلاین روزبه‌روز محبوب‌تر می‌شود، به‌طوری‌که انتظار می‌رود ارزش صنعت جهانی آن تا سال ۲۰۲۷م به یک تریلیون دالر برسد. محصلان بیش‌تر درحال انتقال به پلتفرم‌های یادگیری آنلاین هستند. حتی آن‌هایی که دانش‌آموخته شده‌اند و یا محصلان بزرگ‌سال که به دنبال مهارت هستند. ثبت‌نام در پلتفرم‌های یادگیری آنلاین به‌طور مداوم در دهه گذشته هر سال افزایش یافته است و به دلیل همه‌گیری کرونا شاهد افزایش زیادی بوده است. ۷۰٪ از محصلان موافق هستند که کلاس‌های آنلاین بهتر از کلاس‌های سنتی هستند (پوهنتون پوتوماک، نوامبر ۲۰۲۲). یادگیری الکترونیکی می‌تواند به محصلان کمک کند از ۲۵٪ تا ۶۰٪ اطلاعات بیش‌تری را حفظ کنند (موسسه تحقیقاتی شیفت آمریکا، نوامبر

۲۰۲۲). آموزش از راه دور ۹۰٪ انرژی کم تر و ۸۵٪ انتشار گاز کربنیک کم تر به ازای هر محصل در مقایسه با آموزش مبتنی بر پوهنتون مصرف می کند (پوهنتون آزاد بریتانیا، نوامبر ۲۰۲۲).

نظریه های یادگیری در آموزش الکترونیکی

در ابتدا سیستم های یادگیری کامپیوتری، براساس رویکردهای نظریه رفتارگرایی طراحی می شد. در این مکتب یادگیری به عنوان تغییر در رفتار قابل مشاهده است که به سبب محرک خارجی در محیط، تلقی می شود. شناخت گرایان مدعی هستند که یادگیری با استفاده از حافظه انگیزشی و تفکر مربوط می شود و بازتاب یک بخش مهم از یادگیری است. از دید نظریه سازنده گرایان، یادگیرندگان اطلاعات و جهان پیرامون خود را مطابق واقعیت شخصی تفسیر می کنند و یادگیری با مشاهده، پردازش و تفسیر انجام می شود و سپس با دانش خود به اطلاعات جنبه شخصی می دهد. از نظر ارتباط گرایی، یادگیری عبارت از فرایند خلق ارتباطات جدید یا یادگیری عبارت از شکل دهی و شکل گیری شبکه هاست. ارتباط گرایی دیدگاهی است که دانش و شناخت را توزیع شده در سطح شبکه ای از افراد و فن آوری ها می بیند و یادگیری را فرایند ارتباط رشد و راه یابی آن شبکه ها می داند (زارعی، ۱۳۹۳، ص ۵).

الگوهای آموزش الکترونیکی

در عصر جدید آموزش الکترونیک به سمت تبدیل شدن به یک پارادایم آموزشی در حرکت است. در این زمینه الگوهای زیادی در سازمان های آموزشی طراحی و به بهره برداری سپرده شده است. برخی از آن ها به ترتیب تاریخی عبارت اند از:

۱. الگوی عامل تأییدی (تقویتی): یادگیری الکترونیکی از دید طراح این الگو عوامل کلیدی موفقیت در یادگیری الکترونیکی عبارتند از: یاد دهنده، یادگیرنده، فن آوری اطلاعات و پشتیبانی پوهنتون در همه فعالیت های آموزشی.

۲. الگوی سه لایه پوهنتون مجازی: در این الگو هر لایه همبستگی خاصی با الگو و دیگر لایه ها دارد و هم چنین الگو دارای حوزه هایی است که در هر پوهنتون مجازی پیدا می شود، این لایه ها شامل سازمانی، زیربنایی و محتوا است (هارتویگ، ۲۰۱۷، ص ۱۳).

۳. الگوی نظام یادگیری الکترونیکی، هدف این مدل کمک به طراحان برنامه های یادگیری الکترونیکی برای برنامه ریزان و اجرای یک وضعیت مشخص یادگیری با تمرکز روی احتیاجات شخص و اجتماع است که از چند لایه عناصر تشکیل شده است.

۴. الگوی ارزیابی هوشمند در آموزش راه دور: این الگو جهت تقویه تأثیر عناصر آگاهی از طریق شبکه ارتباطی در آموزش مجازی با معیارهای مدیریت، حضور و معیار ارزیابی طرح شده است (چیا، ۲۰۰۲، صص ۷۱۵-۷۰۹).

۵. چارچوب عمومی یادگیری الکترونیکی (الگوی خان): این چارچوب به شرح زیر است: بعد سازمانی، مدیریت، فن آوری آموزشی، اخلاقی، طراحی واسطه کاربری، پشتیبانی منابع و ارزیابی. هر یک از موضوعات مطرح شده دارای ابعاد زیر است: آموزش گاهی، مدیریتی- فن آوری، روش تربیتی اخلاقی (خان، ۲۰۰۵ ترجمه قائی و عبدالحق، ۱۳۹۰، صص ۳۵، ۳۴).

۶. الگوی استمرار یادگیری الکترونیکی: این الگو براساس نظریه عدم تأیید انتظار شکل گرفته است. از نظر این الگو عوامل قابلیت استفاده، کیفیت و ارزش سه عنصر وابسته هستند (چیو و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۱۲).

۷. الگوی آموزش مجازی شامل: زیرساخت‌های تکنولوژی، ارتباطات، برنامه‌ریزی، فرهنگ، معیارها، مسایل مالی و انسانی.

۸. الگوی جدید ارزیابی پیشرفت یادگیری الکترونیکی: این الگو دارای سه سطح و هر سطح دارای عناصری هست. پیش‌پردازش، شباهت فیلتری، دارای عناصر و قوانین نسلی و دقت ارزیابی (چینگ، ۲۰۱۱، ص ۹).

۹. الگوی آمادگی تکنولوژیکی برای یادگیری الکترونیکی: این الگو با اتکا بر عوامل آتی است: نرم‌افزار، سخت‌افزار، ارتباط، امنیت، انعطاف‌پذیری سیستم، مهارت‌های فنی و پشتیبانی، رایانش ابری و مرکز داده (موسی العربی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۰).

۱۰. الگوی پذیرش تکنولوژی: این الگو بر سه متغیر خارجی (مفید و قابل استفاده بودن تکنولوژی، قابل‌دست‌رس بودن تکنولوژی و دارای اهداف معیاری بودن تکنولوژی) باعث درک مفیدیت و استفاده آسان از تکنولوژی می‌گردد (قسیم، ۲۰۲۰، ص ۱۳).

۱۱. الگوی یادگیری شیرل و شیفمن: شامل مراحل ارزیابی نیازها، تعیین اهداف کلی، تحلیل محتوا، تعیین اهداف رفتاری، تعیین ارزیابی‌ها، تعیین رسانه، آماده‌سازی مواد آموزشی، ارزش‌یابی تکوینی انجام اصلاحات موردنیاز، ارزیابی پایانی.

۱۲. الگوی کرک و گوستافسون: شامل سطح تعیین مسئله، سطح طراحی و سطح تکوین (آتشک، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

اهداف آموزش الکترونیکی

هدف از آموزش الکترونیکی ترکیب، تنوع و انسجام در محیط یادگیری پویایی است که از نظر فکری نیز چالش برانگیز هست. سطح تعامل فراتر از انتقال یک طرفه محتواست. هدف اصلی گسترش تفکر با توجه به ارتباطات میان افراد مشارکت کننده است. این رویکرد جدید آموزشی به انتقال دانش محدود نمی شود، بلکه مقصد آن تبدیل فراگیرندگان به آفرینش گران دانایی و آگاهی است. اهداف آموزش الکترونیکی به طور فشرده شامل:

۱. کاهش هزینه های آموزشی و آموزش از هر جا و در هر زمان؛
۲. تحت پوشش قرار دادن تعداد زیادی از داوطلبان و آموزش محصل محور؛
۳. پرورش مهارت های حل مسئله و پرورش قدرت تصمیم گیری؛
۴. پرورش خلاقیت و پرورش اراده و حس اعتماد به نفس و پرورش تفکر انتقادی.

مزیت های آموزش الکترونیکی

یادگیری الکترونیکی توانسته است بر محدودیت های یادگیری سنتی از برخی جهات غلبه کند و موجب ارتقای تعامل و تضمین کیفیت در یادگیری شود برخی از مزیت های آموزش الکترونیکی قرار ذیل است:

۱. نیازی به صرف وقت و حضور در صنف ندارد و می توان بیش از یک درس و یا رشته را فراگرفت؛
۲. برخورداری از روش مطالعه انعطاف پذیر مطابق نیاز محصل با سرعت بالا؛
۳. مانند صنف های درسی برنامه آموزشی، راهنمایی درس، دروس مرجع و ... دارد؛
۴. کنجکاوی و ابتکار بیش تر و دسترسی به تکنولوژی های جدید؛ اطلاعات به روز و استفاده و ارزیابی به صورت آنلاین از آن؛

۵. آموزش الکترونیک را با استفاده از هر فراهم کننده خدمات اینترنتی می توان به کاربرد؛
۶. در هر زمان می توان دریافت کرد و در هر مکان یادگیری وجود دارد؛
۷. هزینه های یادگیری کاهش می یابد و دانش و اطلاعات را عموم مردم می توانند به دست آورند؛
۸. نتیجه آموزش و یادگیری سریع تر مشخص می شود و با استفاده از امکانات چندرسانه ای مطالب بیش تر در ذهن می ماند؛
۹. تبعیض و پارتی بازی کم تر اتفاق می افتد (کیا، ۱۳۹۸، ص ۳).

معایب آموزش الکترونیکی

نظام آموزش الکترونیکی برخی نارسایی های دارد:

۱. عدم تعامل مستقیم بین محصل و استاد و پایین بودن سرعت اینترنت و هزینه بالای آن؛

۲. عدم دسترسی همه محصلان به کامپیوتر به‌طور شخصی؛
۳. فراهم نبودن منابع انسانی متخصص به‌ویژه مدیران در کاربرد فن آوری اطلاعات و ارتباطات؛
۴. کم‌بود زیرساخت‌های فرهنگی لازم و محدودیت منابع مالی به‌ویژه در اطلاع‌رسانی؛
۵. کم‌تجربه‌گی اساتید در استفاده مؤثر از فن آوری‌های جدید و ابزارهای نوین اطلاعاتی؛
۶. کم بودن تعامل اجتماعی و وجود فاصله زمانی میان استاد و محصل؛
۷. بالا بودن هزینه‌های مقدماتی تهیه و تدارک مواد آموزشی و ضعف توسعه مهارت‌های گفتمان بین یادگیرندگان؛
۸. نیاز به داشتن انگیزه قوی و مهارت‌های مدیریت زمان و فقدان نشانه‌های کلامی و غیرکلامی؛
۹. امکان تقلب در آزمون و ارزیابی در محیط یادگیری الکترونیکی (احمدی و نخستین روحی، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

چالش‌های تحصیلات عالی در افغانستان

به هر پیمانه که سرعت تغییرات بیش‌تر و محتوای آن پیچیده‌تر باشد، امکان مدیریت آن برای استفاده بهتر کاهش می‌یابد و ضرورت تدوین چشم‌انداز و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت افزون‌تر می‌گردد، زیرا که هر چقدر سرعت بالاتر باشد، نیاز به نورافکن‌های قوی‌تر بیش‌تر احساس می‌شود. در این راستا آموزش عالی به‌عنوان بالاترین و آخرین مرحله نظام آموزشی که در رأس هرم آموزش قرار دارد و نقش آن در رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. بیش‌تر از چهار دهه است، آموزش عالی در افغانستان به‌جای تحول و پیشرفت از ابعاد مختلف صدمه‌دیده، هنوز هم چالش‌های زیر دامن‌گیر آن است:

ورود به جامعه اطلاعاتی در شرایط انقلاب دیجیتال، عصر پست‌مدرن و در طلیعه‌ی دنیای فرایپچدهی هزاره سوم تغییر ماهیت بازار اقتصاد، اشتغال و دانش، تنوع نیازهای آموزش، گسترش انفجارگونه عصر فن آوری و نیاز به بازآموزی و یادگیری مادام‌العمر به دلیل انفجار اطلاعات، محدودیت منابع در مقایسه با رشد روزافزون جمعیت و تقاضای فزاینده جهت برخورداری از فرصت آموزش انعطاف‌پذیرتر به علت عدم امکان حضور منظم و مداوم در کلاس‌های فیزیکی و سنتی، گسترش فرصت‌های آموزش را به یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها و دولت‌ها تبدیل کرده است. آموزش عالی در افغانستان ناگزیر است با تغییرات و سرعت شتابان علم و فن آوری و پوهنتون روز، همراه و هم‌گام شود؛ ولی نیازمند امکانات، دولت قوی و خودکفا، منابع بشری آموزش‌دیده و آگاه با فن آوری جدید، زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی است.

پیوند جامعه و پوهنتون

یکی از بزرگ‌ترین بحران‌ها در آموزش عالی افغانستان ضعف رابطه بین پوهنتون و جامعه می‌باشد. در چنین شرایطی هم پوهنتون و هم جامعه به یک تعامل ساختارمند و سازمان‌مند نمی‌رسند. جامعه هنوز نقش پوهنتون را به‌طور کامل نپذیرفته و پوهنتون هم نقش خود را برای جامعه به‌صورت روشن تعریف نکرده است. این ضعف ارتباط موجب شده که دانش بومی براساس خواسته‌های جامعه ارائه نشود، برای مثال، سالانه هزاران محصل از رشته‌های مختلف پوهنتون‌های افغانستان از مقطع لیسانس دانش آموخته می‌شوند، ولی به دلایل نارسایی در نصاب تحصیلی پوهنتون‌ها، ضعف در شیوه‌های تدریس، عدم استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی و نیز مشکل در ساختار آزمون استخدام کارمندان، محصلان استخدام نمی‌شوند.

ضعف کارایی زیرساخت‌های توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی

برای تحقق برنامه‌های توسعه ساختارهای سازمانی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. هرگاه این ساختارها، کارآمد و دارای توان لازم در اجرای هماهنگی برنامه‌های توسعه باشند، برنامه‌های مؤفق خواهند بود و در چنین وضعیتی از نیروها، منابع، سرمایه‌ها و زمان صرف شده نتیجه درخور حاصل می‌شود (طوطیا اصفهانی، ۱۳۹۵، ص ۲).

واقعیت آن است که بین نظام آموزشی و سایر بخش‌های افغانستان رابطه سازمان‌یافته وجود ندارد و نظام آموزش عالی در مسیر مستقل بدون در نظر داشت نیازهای عینی کشور در حرکت است و جزء تورم فارغان در مقطع لیسانس و برخی هم ماستری دیگر دست‌آورد قابل ملاحظه‌ای ندارد و هماهنگی بین آموزش عالی با سایر نهادهای دیگر در سطح کلان ساختاری صورت نگرفته است. به‌عنوان مثال در تمامی پوهنتون‌های خصوصی پوهنشی‌های حقوق و علوم سیاسی بلااستثناء در مقاطع لیسانس و قسملاً ماستری فعالیت دارند و سالانه محصلان زیادی دانش آموخته می‌شوند از طرفی در این پوهنتون‌های حتی یک پوهنشی زراعت جواز فعالیت ندارد.

جهانی‌شدن و تحولات آن در آموزش عالی

امروزه پوهنتون‌ها در محیط ویژه عمل می‌کنند که اصلی‌ترین ویژگی‌های آن عبارت است از: وابستگی متقابل اقتصادی در سطح جهانی، دموکراسی سیاسی، اقتصاد بازار آزاد، مصرف‌گرایی، روش‌های جدید مدیریتی، موضوعات محیط‌زیست، ارزش‌های چند فرهنگی و به‌هم‌پیوستگی‌های بین‌المللی از طریق فن‌آوری‌های اطلاعاتی به‌ویژه از طریق اینترنت فراهم آمده است. پوهنتون‌های که اصولاً ارائه‌کننده دانش هستند، در چنین محیط پیچیده‌ای دیگر نمی‌توانند منفعلانه فعالیت کنند، آن‌ها تأثیرگذاری‌ها و

تأثیرپذیری‌های متقابلی دارند که اصلی‌ترین ویژگی آن گسترش ارتباطات است (خداوردی، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

آموزش کارآفرین در هزاره جدید

آموزش کارآفرینی یکی از ضروریات هزاره جدید است. عصری که در آن جامعه اطلاعاتی هنگام جهانی‌شدن است و پیامدهای هم‌چون فراگیری فن‌آوری‌های نوظهور، تغییر و تحولات شتاب‌ناک در عرصه مبادلات بشری و رقابت در عالم کسب‌وکار است. در چنین فضای کارآفرینی به‌مثابه عامل رشد و توسعه در رصد کردن چشم‌انداز مطلوب هر جامعه می‌باشد که این تأثیرات گسترده هر لحظه انسان‌های عصر پست‌مدرن را به چالش می‌کشد (طوطیا اصفهانی، ۱۳۹۵، ص ۴).

فرهنگ یادگیری الکترونیکی

نظریات مختلفی مسأله ارتباط فرهنگ و یادگیری را مورد توجه قرار داده. توجه به فرایند یاددهی-یادگیری از منظر فرهنگ بحثی است که برونر مطرح کرد. فرهنگ، عنصر جدا ناشدنی طراحی آموزشی است. ضرورت است که در فراهم کردن آموزش پرورش، به تفاوت‌ها و تأثیرات اجتماعی-فرهنگی توجه شود. تحقیق‌های انجام‌شده اوزونر (۲۰۰۹)؛ تاپانس و همکاران، (۲۰۰۹)، سوی دونی و همکاران (۲۰۱۴)، نشان می‌دهد فرهنگ یادگیری الکترونیکی در جوامع غربی بر ویژگی‌های نظیر فردگرایی، توجه به نیاز و علاقه شخصی، خود راهبری، استقلال و خودارزیابی استوار است و در جوامع شرقی مبتنی بر جمع‌گرایی، استاد محوری، تمایل کم‌تر به اشتراک گذاشتن اطلاعات یادگیری مطابق معیارهای اخلاقی، امنیتی، ارتباطات نزدیک و صمیمی، متمایل به استفاده از موقعیت‌های ساختاربندی شده یادگیری، متن محوری و استفاده کم‌تر از ابزارهای به‌روز آموزشی است.

فرصت‌های تحصیلات عالی افغانستان

در کنار چالش‌های موجود فرا راه وزارت تحصیلات عالی افغانستان در قسمت راه‌اندازی یادگیری الکترونیکی، برخی فرصت‌های نیز وجود دارد که بازنگری کلی می‌شود راهی به‌سوی توسعه، تعالی و پیشرفت گشود.

۱. تجدیدنظر و تغییر برخی از قوانین و لوایح وزارت تحصیلات عالی جهت اجازه فعالیت آموزش الکترونیکی برای پوهنتون‌های دولتی و خصوصی با داشتن ظرفیت‌های مقتضی، با توجه به گسترش این نوع رویکرد آموزشی در سطح جهان و ایجاد منابع علمی مانند کتابخانه‌های دیجیتال و امکان دسترسی به استادان و محصلان.

۲. استخدام و توظیف افراد نخبه برای نیازسنجی در سطح ریاست تقنین وزارت تحصیلات عالی، برای ایجاد رشته‌ها و گرایش‌های علمی و تربیت نیروی کار مطابق ظرفیت و نیازهای محیطی (راه‌اندازی رویکرد تعلیم و تربیت مبتنی بر محل)، چنان‌چه از پنج سال بدین سو برنامه تجدید نصاب تحصیلی رشته‌های مختلفی پوهنتونی به ابتکار معاونیت امور علمی آن وزارت آغاز به کار نموده است.
۳. بازنگری ساختارهای سازمانی موجود پوهنتونی و تمرکز بر ایجاد مراکز یادگیری الکترونیکی، هم‌چنان استفاده از ابزارهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند آموزش و پرورش حضوری.
۴. تمدید، تجدید و تمرکز بر توأمیت‌های علمی بین پوهنتون‌های کشور با پوهنتون‌ها، مراکز تحقیقات و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات خارجی طبق کارهای انجام‌شده در اوایل ۱۳۹۰ خورشیدی.
۵. رفتن به سمت نهادهای سازای فرهنگ یادگیری الکترونیکی، این مأمول زمانی امکان‌پذیر می‌شود که هر پوهنتون توسط اعضای هیئت علمی دانش آموخته خارج از کشور، برخی از کلاس‌ها را به رویکرد آموزش تلفیقی برگزار کنند.

انواع پوهنتون‌های الکترونیکی

پوهنتون مجازی به عنوان عامل تحقق یادگیری الکترونیکی و رویکرد نو در ارائه محیط یادگیری خوش طرح، تعاملی و یادگیرنده محور برای هر کس، در هر مکان و زمان با به کارگیری منابع و امکانات فن‌آوری‌های گوناگون دیجیتالی در محیط آزاد، انعطاف‌پذیر و پخش‌شده تعریف می‌شود (فقیه، ۱۳۹۴، ص ۷۵). یادگیری الکترونیکی در قرن ۲۱ سطوح مختلف آموزشی را تسخیر کرده و در عرصه آموزش عالی موجب گسترش پوهنتون‌های مجازی شده است. انواع مختلفی از پوهنتون‌های مجازی قرار ذیل است:

۱. پوهنتون دوحالته یا ترکیبی؛
 ۲. مرکز آموزش مجازی در درون پوهنتون‌های معمولی؛
 ۳. پوهنتون باز و از راه دور و پوهنتون‌های کاملاً مجازی؛
 ۴. مدل کنسرسیوم صدور مدرک و مدلی کنسرسیوم ارائه خدمات آموزش مجازی؛
 ۵. الگوی آموزش مجازی انتفاعی و آموزش مجازی خاص شرکت‌ها.
- به‌طور کلی پوهنتون‌های الکترونیکی با استفاده از ابزارها و فن‌آوری‌های محیط اینترنت و با داشتن ویژگی‌های هم‌چون سازگاری با شرایط محصل، هم‌سوی با ساختار بازار کار، انعطاف‌پذیری سریع و تأکید بر یادگیری واقعی به‌طور مداوم درحال توسعه‌اند و شکل‌های جدیدی از آن در آینده نیز به وجود خواهد آمد (فقیه، ۱۳۹۴، ص ۸۶).

مناقشه و نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط کشور و استناد به منابع مکتوب مرتبط به نظام آموزش عالی افغانستان چنین استنباط می‌شود که در چهل سال اخیر آموزش عالی از ابعاد مختلف صدمه دیده است. هرچند در دو دهه پسین شاهد رشد کمی بوده، ولی نتوانست بر چالش‌های موجود فائق آید و از نظر رشد کیفی با کشورهای درحال توسعه هم‌سطح گردد. با درنظرداشت نقش و تأثیرگذاری نظریه‌های یادگیری بر نتایج آموزش از حیث کاربرد ابزار و امکانات، برنامه‌ریزان نظام آموزش عالی در افغانستان نسبت کم بود ابزار و وسایل تکنولوژی، بیش‌تر اتکا بر نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی و شناخت‌گرایی نموده‌اند که نتایج این‌گونه برنامه‌ریزی درسی نه تنها گره‌گشا مشکلات موجود نبوده، بلکه سبب عقب ماندن از قافله‌ی سریع‌السير آموزش در عصر انقلاب دیجیتال شده است.

درحالی‌که تأثیر تکنولوژی بر آموزش، توجه برنامه‌ریزان را به نظریه سازنده‌گرایی که یادگیری را از طریق مشاهده، پردازش و تفسیر اطلاعات و جهان پیرامون خود می‌داند و نیز نظریه ارتباط‌گرایی، که یادگیری را عبارت از فرایند خلق ارتباطات جدید می‌داند؛ از طریق شکل‌دهی و شکل‌گیری شبکه‌ها به‌دست می‌آید. هم‌چنان دانش و شناخت را «توزیع‌شده» و در سطح شبکه‌ای از افراد و فن‌آوری‌ها می‌بیند و یادگیری را فرایند ارتباط رشد و راهیابی آن شبکه‌ها می‌داند (زارعی، ۱۳۹۸، ص ۵) جلب نموده است. پوهنتون نهادی همواره رو به تحول و دگرگونی بوده است و هم‌سو با تحول در سایر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تحول‌یافته است. پویایی‌ها و تحولات روزافزون محیطی، ضرورت برنامه‌ریزی برای رویارویی با این تحولات را بیش از پیش برای نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهادهای آموزشی نمایان ساخته است. در این راستا آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و سازنده‌ترین نهاد اجتماعی که باید به اعتلای خلاقیت، توان‌مندی و توسعه همه‌جانبه اجتماعی بی‌اندیشد؛ در دهه‌های اخیر با تحولات بسیاری روبرو بوده است (منتظری و عباسپور دشتکی، ۱۴۰۱). استفاده از رویکرد جدید آموزش الکترونیکی یکی از راه‌های پویایی پوهنتون‌های افغانستان در قرن ۲۱ می‌باشد و هم‌چنین رمز ورود به جهانی شدن به‌شمار می‌رود. زیرا فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ویژگی جهانی دارد و مرزهای جغرافیایی، علمی و فرهنگی را درنوردیده است.

آموزش الکترونیک از جمله مفاهیم برآمده از کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه آموزش است که امروزه در سراسر دنیا به‌ویژه پس از همه‌گیری بیماری کرونا به‌شکل جدی مورد توجه مکاتب و پوهنتون‌ها قرار گرفته است (جلالیان، ۱۴۰۱). نظام آموزش عالی افغانستان به دلایل مختلف از جمله درگیر بودن کشور در جنگ‌های تحمیلی بیش از چهار دهه، کم‌بود زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی،

کم بود نیروی متخصص، نبود سیاست معقول، منطقی و مستقل (یعنی برنامه‌های راهبردی) بر خواسته از نیازهای محیطی، ضعف اقتصادی، قوانین محدوده‌کنند و... نتوانسته در عصر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، از ابزارهای نوین تکنولوژی در توسعه و تکامل فرایند آموزش و یادگیری استفاده مطلوب نمایند.

پوهنتون افغانستان در حالی وارد دهه سوم قرن ۲۱ می‌شود که دست‌آورد و تجربه‌ی ملموس و مرتبط با آموزش الکترونیکی ندارد، به‌جز در دو سه ماه نخست همه‌گیری کرونا آن‌هم بصورت ناموفق آموزش الکترونیکی صورت گرفت، درحالی‌که که راه‌اندازی آموزش الکترونیکی و استفاده از ابزار تکنولوژی‌های نوین در عصر اطلاعات بخشی از اولویت‌های طراحان برنامه درسی اکثر کشورها، جهت تسهیل و کارایی آن به حساب می‌رود و نیز تحقیق‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه‌های درسی نظام‌های آموزش عالی کشورها از تطبیق، راه‌اندازی و بهره‌گیری نسل‌های متعدد آن به سطح فرهنگ یادگیری الکترونیکی ارتقاء نموده است.

از طرفی قرن ۲۱ را قرن تکنولوژی می‌نامند از این جهت که تکنولوژی بخش از زندگی ما شده است و در تمامی امور زندگی ما نفوذ کرده است که آموزش و یادگیری یکی از این بخش‌ها است و امروزه سهم مهمی از آموزش مکاتب و پوهنتون‌ها توسط این تکنولوژی انجام می‌شود که به آن آموزش الکترونیکی می‌گویند (بلوچ و همکاران، ۱۴۰۱). متأسفانه با مساعد شدن استقرار نسبی در دو دهه پسین، و فراهم بودن زمینه‌ها جهت تقویت و توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی نهادهای آموزشی به‌ویژه پوهنتون‌ها در افغانستان، توجه چندانی حتی در استانداردسازی آموزش سنتی صورت نگرفته‌اند.

یادگیری بهتر زمانی میسر می‌شود که در سطح رهبری نظام آموزش عالی افغانستان نسبت به یادگیری الکترونیکی یک ذهنیت مثبت به‌وجود آید و آموزش آنلاین را به‌عنوان یک حقیقت جهانی و وسیله رشد و توسعه بپذیرند و شیوه‌های مدیریتی را براساس آن تغییر دهند. نتایج تحقیقات علمی نشان داده که حواس مختلف در یادگیری نقش یک‌سانی ندارند. اما تکنولوژی آموزشی می‌تواند چند حس را باهم درگیر و تأثیرگذاری را بیش‌تر کند. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که امروزه با پیشرفت علم و زیاد شدن مباحث یادگیری، دیگر شیوه‌های قدیمی و سنتی آموزش، جواب‌گوی جامعه ما نیست (خنیگر، ۱۳۹۸). یکی از موانعی که پوهنتون افغانستان را تا هنوز از کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (راه‌اندازی آموزش الکترونیکی) محروم ساخته، قوانین سخت‌گیرانه نظام آموزش عالی آن است. شاید این امر ناشی از ضعف آگاهی و نبود ذهنیت مثبت قانون‌گذاران در پیوند به آموزش الکترونیکی باشد. از طرفی در دست‌رس نبودن ابزار و وسایل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مزید بر علت به حساب می‌آید. تا زمانی‌که

قوانین آموزش عالی انعطاف‌پذیر ساخته نشوند، راه‌اندازی یادگیری الکترونیکی هم‌چنان مشکل خواهد بود.

علت‌العلل عدم راه‌اندازی یادگیری الکترونیکی در نظام آموزش عالی افغانستان، ضعف اقتصادی است. در این مقطع از زمانی‌که پوهنتون‌های افغانستان به کم‌بود استاد مواجه است. فرستادن اعضای هیئت علمی به مقاطع ماستری و دکتورا خارج از کشور هم هزینه هنگفت می‌خواهد و هم مشکل کم‌بود استاد را دوچند می‌سازد. برای رهایی از این بن‌بست توأمیت علمی با پوهنتون‌ها و مراکز تحقیقی کشورهای بیرونی، از طریق تجویز آموزش الکترونیک، به نتایج مثمری دست خواهد رسید. مثلاً، ارتقاء ظرفیت علمی استادان، کاهش هزینه‌های تحصیلی، رفع مشکل دوری از خانواده، رفع مشکل کم‌بود استاد، رفع مشکل کم‌بود بورسیه دولتی، زمینه‌آشنایی بیش‌تر با تجارب علمی و شناخت فرهنگ‌های دیگر و آموزش با معیارهای بین‌المللی.

فرجامین سخن این‌که آموزش عالی در افغانستان باید یادگیری الکترونیکی را در رأس برنامه راهبردی آن‌گونه‌که در اهداف کلان آموزشی خویش درج نموده توأم با تغییرات و سرعت شتابان علم و فن‌آوری و پوهنتون روز، همراه و هم‌گام سازد و از مزیت‌های این رویکرد آموزشی در گسترش دانش و پرورش نیروی خلاق و نوآور جهت شکوفایی و پیشرفت کشور استفاده اعظمی نماید.

منابع

- آتشک، محمد. (۱۳۹۵). مدل‌های طراحی آموزش مجازی. تهران: دومین کنفرانس شهر الکترونیکی.
- السون، میتو. ا.ج. هرگنهان، جیولیوچی رامیرز بی آر. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. مترجم: علی اکبر سیف. ویرایش دهم. تهران: نشر دوران.
- ایسنا، سایت خبرگزاری. (۱۴۰۰). معرفی برترین سیستم‌های آموزش الکترونیکی آموزش عالی جهان در سال ۲۰۲۱. دسته‌بندی: خراسان رضوی. کد خبر: ۱۴۰۰۲۱۳۰۸۸۶۰، دوشنبه، ۱۳ اردیبهشت.
- بابائی، محمود. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر یادگیری الکترونیکی، تهران: چاپار، چاپ اول.
- بلوچ، سلیم. کردی تمندانی، سلیمه. جدیدی محمدآبادی، اکبر. (قرن بیست و یکم و تسلط تکنولوژی بر آموزش: یادگیری الکترونیکی و آنلاین. شانزدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی. تیرماه ۱۴۰۱. بومی پور، سپیده؛ خطاط، محدثه. (۱۴۰۰). فرصت‌ها و چالش‌های تعاملات یادگیری در آموزش عالی. چهاردهمین کنفرانس ملی و هشتمین کنفرانس بین‌المللی یادگیری و یاددهی الکترونیکی، ناشر: انجمن یادگیری الکترونیکی ایران
- جلالیان، مرضیه. (۱۴۰۱). بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت برنامه درسی آموزش الکترونیکی مبتنی بر نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی، شناخت گرایی و سازنده گرایی. پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم بهداشتی، روانشناسی، مدیریت و علوم تربیتی.
- خان، بدر الحق. (۲۰۰۵). مدیریت یادگیری الکترونیکی، مترجم: عماد قاننی و بابک عبد الحق (۱۳۹۰)، تهران: سازمان مدیریت صنعتی
- خداوردی، حسن. (۱۳۹۷). جهانی‌شدن آموزش عالی در هزاره سوم: مؤلفه‌ها و ابعاد. فصل‌نامه تحقیق‌های روابط بین‌الملل، دور نخست، شماره پنجم.
- خیاگر، اعظم. (۱۳۹۸). تکنولوژی آموزشی و نقش آن در یادگیری. چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین تحقیقی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی، اصفهان.
- رسولی، آتوسا. (۱۳۹۴). طراحی الگوی مطلوب آموزش مجازی هنر در پوهنتون‌های ایران. رساله دکتورا. تهران: پوهنتون الزهراء.
- رضائیان، نیلوفر. (۱۴۰۱). ارائه مدلی در تعالی آموزش عالی با روش فراترکیب. ششمین کنفرانس بین‌المللی تحقیق‌های کاربردی در علوم و مهندسی.
- رمضان پور، انسبه. (۱۳۹۴). یادگیری الکترونیکی (الگوها)، تهران: دیبا-طنین، چاپ اول
- زارعی، عیسی. (۱۳۹۳). دانش و یادگیری: مبانی نظریه یادگیری. فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، سال اول شماره ۳ و ۴ پاییز و زمستان.
- طوطیا اصفهانی، صدیقه. (۱۳۹۵). شناسایی چالش‌های آموزش عالی در قرن ۲۱. کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی.
- فقیه، محمدباقر. (۱۳۹۴). طراحی و تبیین مدل پوهنتون الکترونیک (مجازی) از منظر عوامل و ارکان سازمانی. رساله دکتورا، پوهنتون پیام نور.

عبدی، حمید و همکاران. (۱۳۹۶). تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. سال ۸، شماره ۱۶، ۵۹-۸۸.

عمرانی ساروی، بهاره و همتی، ناصر. (۱۳۹۹). یادگیری ترکیبی، آموزش به کمک کامپیوتر. تهران: تحفه.

کریمی، احمد. (۱۳۹۸). بررسی تأثیرگذاری فضای مجازی بر آموزش. فصلنامه فن آوری آموزش و یادگیری.

کریمی و همکاران. (۱۳۹۲). الزامات و چالش‌های طراحی برنامه درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه یادگیری. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۴، شماره ۸، ۸۹-۱۲۶.

کیا، علی‌اصغر. (۱۳۹۸). نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیکی). فصلنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۴.

کیانی، مریم. محمد، عطاران؛ و فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۵). واکاوی فرهنگ یادگیری الکترونیکی در پوهنتون‌های ایران (یک تحقیق نظریه‌مبنای) سایت اینترنتی، نسخه پی‌دی‌اف: www.SID.ir

میرمحمدی، الهام. (۱۳۹۹). درصد دسترسی مردم جهان به اینترنت. تجارب نیوز. ۲۳ خرداد. کد مطلب: ۴۵۵۶۴۳.

نویخت، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی در پوهنتون ارومیه، سال تحصیلی ۸۹-۱۳۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پوهنتون ارومیه.

هاشمی، زینب و عباسی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). مقایسه‌ی میزان انطباق پوهنتون‌های آزاد اسلامی استان فارس با ویژگی‌های پوهنتون هزاره سوم از دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران. فصلنامه علمی-تحقیقی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. سال هشتم، شماره ۴.

پوهنتون قرن ۲۱ و نگاهی به نظام آموزش مجازی افغانستان، اول حمل ۱۳۹۹، کد خبر ۳۷۰۱۵۱، شفقنا افغانستان، لینک

موضوع <https://af.shafaqna.com/FA/370151>

- Abuelsalam, M. Maatukl. Ebutisam K. Elberkawil. Shadi Aljamarneh. Hasan Rashaideh. Hadeel Alharbi. (2022). The COVID-19 pandemic and E-learning: challenges and opportunities from the perspective of students and instructors. Journal of Computing in Higher Education (2022) 34:21-38
- Brandusa, R. (2019). An E-learning Model In A Systems Theory Approach. The 15th International Scientific Conference E-learning and Software for Education, Bucharest, April 11-12, 2019
- Ching, HSUE Ching. (2011). A New E-learning Achievement Evaluation Model Based Or Rough Set and Similarity Filter. Journal computational Intelligence, volume 27, number 2
- Geogieva, G. Todorov, G. & Smrikarov, A. (2003). A Model of Virtual University-Some problems During its Development. Proceeding of the path. International Conference on Computer Systems and Technologies: E- learning. PP 709-715
- Mashburn, A.J. Justice, L. M. Downer, J.T. & Pianta, R.C. (2009). Peer Effects On Children's Language Achievement During Prekindergarten. Child Development, 80, 686-702.
- Mosa Al-araibi, A.A. & others. (2019). Model for Technological Aspect Of E-learning Readness In Higher Education. Educational and Information Technologies, Journal. 34
- Prince KJ, Van Mameren. Others. (2017). Does Problembased Learning Lead To Dificiencies In Basic Science Knowledge? An empirical case on Anatomy". Med Educ. 37(1), 15-21.
- Qasim, A, M, A. (2020). Acceptance Of E-learning Among University In UAE: A Practical syudy. International Journal of Electrical & Computer Engineering (IJECE). Vol:10.No:4

اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی و راهکارهای تقویت آن

پوهنمل دکتور احمدشعیب مسلم یار

دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان، سمنگان، افغانستان

ایمیل: muslimyar.786@gamil.com

چکیده

یکی از وظایف مهم اعضای کادر علمی پوهنتون‌ها، انجام تحقیقات علمی به منظور رشد و توسعه علمی است. علی‌رغم اهمیت تحقیق علمی، طرح‌های تحقیق علمی پوهنتون‌های کشور از شاخص‌های کم‌تر علمی برخوردار است. بنابراین هدف از مقاله‌ی حاضر شناسایی جایگاه و اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی و شناخت موانع تحقیق علمی و ارائه راهکارهای مناسب جهت مرفوع کردن آن‌ها به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی تحقیق علمی در تحصیلات عالی افغانستان است. این تحقیق یک تحقیق توصیفی بوده که اطلاعات آن با استفاده از روش میدانی، از طریق پرسش‌نامه و منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری تصادفی، واقعیت‌های میدانی وضعیت کنونی تحقیقات علمی را در تحصیلات عالی افغانستان شناسایی نموده؛ سپس براساس یافته‌های این تحقیق، راهکارهای دقیق علمی از موانع و مشکلات موجوده را با اتکاء به یافته‌ها، تحلیل نموده است.

اصطلاحات کلیدی: تحقیقات؛ تحصیلات عالی افغانستان؛ پوهنتون‌ها؛ کادر علمی؛ افغانستان؛ موانع و راهکارها

The Importance of Research in Higher Education and Ways to Strengthen It

Sr. Teaching Asstt. Ahmad Shoaib Moslimyar

Department of History, Faculty of Education, Samangan Higher Education Institute,
Samangan, Afghanistan

Email: muslimyar.786@gamil.com

Abstract

Academic staff members of universities bear a crucial responsibility for scientific research, which is pivotal to growth and development. Yet, despite the paramount significance of scientific research, universities in our country often fall short of achieving substantial milestones. This article seeks to illuminate the role and significance of research in higher education, identify prevailing impediments to scientific research, and propose viable solutions to surmount these challenges. Ultimately, the goal is to enhance the quantity and quality of scientific research within Afghanistan's higher education institutions. Using a descriptive research methodology and a qualitative approach involving questionnaires and library sources, this study analyzes the current state of scientific research in Afghanistan's higher education. The findings of this research are leveraged to derive concrete solutions to the existing obstacles and issues, thereby bolstering the scientific research endeavors in our higher education institutions.

Keywords: Research; Higher Education in Afghanistan; Universities; Academic Staff; Afghanistan; Obstacles and Solutions

مقدمه

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابر اند، تنها خردمندانند که پندپذیرند» (زمرآیه ۹). از ویژگی‌های عصر حاضر که آن‌را از سایر اعصار و قرون گذشته متمایز می‌کند، موضوع تحقیق علمی است. هرچند تحقیق علمی از جمله مفاهیمی است که بشریت از ابتدا تلاش کرده تا با پدیده‌های ناشناخته‌اش آشنایی پیدا کند و همواره به‌عنوان مؤلفه‌ی مؤثر بر زندگی بشری شناخته شده است. در واقع؛ امروزه تحقیق یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد و تعالی کشورها در سطح بین‌المللی محسوب می‌گردد و سبب شده تا کشورها بتوانند نقش مهم‌تری را در تحولات جامعه جهانی داشته و تأثیر بیش‌تری بر سایر کشورها بگذارد و بدین ترتیب با شتاب و سهولت بیش‌تری به مقاصد و اهداف خود برسند. هرگاه در تحقیق علمی تحولی رخ داده، در جامعه انسانی رشد چشم‌گیری حاصل شده است؛ هم‌چنین روش‌های علمی نیز دچار تحول شده‌اند؛ زیرا تحقیق علمی هویت آکادمیک و پوهنتونی دارد و کاروان آن نیز، حلقه‌های به هم پیوسته یک زنجیر هستند، از طرفی، توجه به محتوای تحقیق بدون در نظر گرفتن زمینه‌ی روش‌مند آن، تولید علم را با مشکل روبه‌رو می‌سازد؛ از این‌رو، محتوای تحقیق علمی باید به دنبال روش‌ها باشد. با در نظر داشت اوضاع کنونی ضرورت برخورداری از تحقیق علمی گسترده بیش از پیش بدیهی است و این امر محقق نمی‌شود، مگر این‌که فضای تحقیق علمی در کشور آماده باشد؛ زیرا دنیای کنونی ما بسیار پیچیده و با گذشته بسیار متفاوت است، زندگی در چنین دنیایی بدون تحقیق علمی ممکن نیست. بنابراین اهمیت و ضرورت این مقاله از این‌جا ناشی می‌شود که فرایند تحقیق علمی بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان انتظار داشت. مجموعه‌ی از یافته‌های علمی ناظر بر روابط دخیل آن، به‌عنوان یک سند مکتوب مورد استفاده قرار گیرد. نتیجه این‌که، در ایفای موفقیت‌آمیز تحقیق علمی، اعضای کادر علمی مکلف‌اند خود دست به تحقیق علمی بزنند. مسئله‌ی اصلی این مقاله، شناسایی جایگاه و اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی و دریافت راهکارهای علمی و عملی جهت تقویت تحقیق علمی در تحصیلات عالی افغانستان است. تحقیق علمی در تحصیلات عالی افغانستان چه جایگاهی دارد؟ سؤال اصلی این تحقیق بوده و سؤالات فرعی آن عبارت از: مهم‌ترین موانع و مشکلات تحقیق علمی در تحصیلات عالی افغانستان چیست؟ و مهم‌ترین راهکارهای تقویت تحقیق علمی برای اعضای کادر علمی کدامند؟

پیشینه تحقیق

اگرچه در بررسی پیشینه‌ی تحقیق، با این عنوان مشخص (اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی افغانستان و راهکارهای تقویت آن) آن‌هم با بهره‌گیری از علوم تربیتی اثری یافت نشد^۱، با وجود این برخی تحقیقی صرفاً در خصوص روش تحقیق و نقش پوهنتون‌ها در تولید علم وجود دارند که بخشی از آن‌ها به موضوع این مقاله شباهت دارند. کتاب‌های مانند: «تکوین و توسعه‌ای پوهنتون‌های غرب، پوهنتون و سرمایه گذاری منابع انسانی، روش تحقیق در علم حقوق با تأکید بر پایان‌نامه‌نویسی، درآمدی بر روش تحقیق در تاریخ، نحوه انجام تحقیق اجتماعی» از نویسندگان و محققان چون ژوزف ترجمه و هاب کریمی و وورمال ترجمه یوسف نراقی، حسین آل کجباف و ترزال بیکر با ترجمه هوشنگ نایی و علی‌رضا ملائی توانی، از تحقیق‌های معتبر در ارتباط با موضوع تحقیق است. نویسندگان این آثار سعی کردند از جایگاه و اهمیت تحقیق در نهادهای علمی به‌ویژه پوهنتون‌ها صحبت نمایند. هم‌چنین مقالات: «پوهنتون و تعریف آن، تحقیق و اهمیت آن، جایگاه ارزش‌ها در آموزش و تحقیق‌های علمی و راه‌های ترغیب معلمان به تحقیق‌های علمی» از علی‌ابوالقاسی، نظام‌الدین فقیه و منصوری رضا را می‌توان از برجسته‌ترین تحقیق‌های نامید که تاکنون در ارتباط با موضوع تحقیق و اهمیت آن در نهادهای علمی نگاشته شده است. در مجموع همان‌گونه که گذشت باید گفت تا آن‌جایی که نویسنده بررسی نموده است، به نظر می‌رسد که تاکنون تحقیق مستقلی در ارتباط با عنوان این مقاله یعنی اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی و راهکارهای تقویت آن هم از منظر تحصیلات عالی افغانستان و با بهره‌گیری از رویکرد نظری صورت نگرفته است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق روش تبیینی - تحلیلی است، البته شیوه گردآوری اطلاعات در این تحقیق از طریق (مصاحبه و پرسش‌نامه) بوده که به شکل کیفی تحلیل گردیده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل اعضای کادر علمی (۱۷۱ نفر استاد) ۹ پوهنتون دولتی^۲ مشخصاً پوهن‌های تعلیم و تربیه، انجیری، حقوق و شرعیات اند؛ هم‌چنین مصاحبه با دو کارشناس در حوزه علوم انسانی می‌باشد.

^۱. ممکن آثاری در این خصوص نگاشته شده باشد مانند پایان نامه ماستری پوهنتون تعلیم و تربیه کابل- که بخشی از آن پایان نامه به صورت عموم اختصاص به چالش‌ها و مسائل مربوط به تحصیلات عالی افغانستان دارد که نگارنده نسبت عدم وقت کافی به آن دست نیافته است.

^۲. پوهنتون‌های کابل، تعلیم و تربیه کابل، بلخ، پکتیا، فاریاب، تخار، جوزجان، کندز و سمنگان.

روش و تعیین حجم نمونه‌گیری

براساس فرمول کوکران از میان ۱۷۱ نفر استاد که دارای سویه علمی دکتورا، ماستر و رتبه‌های علمی پوهاند، پوهنوال، پوهندوی و پوهنمل بوده‌اند. به‌صورت تصادفی، ۳۱ نفر استاد به‌عنوان حجم نمونه‌گیری انتخاب گردیده‌اند. درین تحقیق ضریب اطمینان در سطح ۹۵ فیصد در نظر گرفته شده است که مقدار آن معادل ۱/۹۶ است، دقت احتمالی مطلوب که بیان‌گر میزان تفاوت حد اوسط نمونه از حد اوسط جامعه آماری می‌باشد نیز محاسبه گردیده است. به تمامی آن‌ها پرسش‌نامه‌های کیفی ارسال گردید و نظریات شان مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفت.^۳

مفاهیم تحقیق

تحقیق علمی در هر رشته قبل از هرچیز نیازمند ارائه تعریفی دقیق از آن علم است. تعریفی که نشان دهندهٔ رهیافت‌ها، انتظارات و برداشت‌های ما از آن علم و ترسیم‌کنندهٔ حدود و قلمرو آن باشد، طبیعتاً این امر مستلزم آشنایی کافی با مفاهیم بنیادین آن علم و شناخت کامل آن، مؤلفه‌های اصلی و شکل دهندهٔ آن است (ملائی، ۱۳۸۶، ص ۱۷). بدین سبب در این بخش سعی شده مفاهیم کلیدی این نوشتار به معرفی گرفته شود. کلمهٔ تحقیق از زبان عربی گرفته شده که در لغت به معنای بررسی، مطالعه و جستجو کردن آمده است و کلمهٔ تحقیق در فارسی هم معنی و مترادف تحقیق است (آل کجباف، ۱۳۹۸، ص ۲۷). از نظر روش‌شناسی ارائه تعریف دقیق تحقیق، کاری بسیار دشوار است، به همین دلیل میان صاحب‌نظران و اندیش‌مندان اختلاف نظر وجود دارد و نمی‌توان تعریفی جامع و کامل که مورد اتفاق تمام اندیش‌مندان باشد، ارائه نمود. با این وصف برخی از تعاریف تحقیق را متذکر می‌شویم: «تحقیق عبارت است از بررسی علمی از پدیده‌ای که شامل جمع‌آوری اطلاعات، ارائه، تجزیه و تحلیل داده‌های که همراه با تعقل و تفکر باشد» (Calmorin.L.1993: 1). به باور جان دیویی «تحقیق عبارت است از تغییر کنترل و هدایت شده یک موقعیت غیر ثابت یا نامعین به موقعیتی که از لحاظ مشخصات و روابط کاملاً معین و ثابت است و در وضعی قرار دارد که عناصر موقعیت اصلی یا اولی به‌صورت کل متحد تغییر یافته‌اند» (شریعت‌مداری، ۱۳۷۴، ص ۶۷). کرلینجر در تعریف تحقیق معتقد است: «تحقیق علمی، بررسی نظام‌یافته، کنترل شده‌ی تجربی و انتقادی در مورد پدیده‌های طبیعی است که روابط احتمالی بین پدیده‌ها به‌وسیله نظریه و فرضیه هدایت می‌شوند» (فرد، ۱۳۷۴، ص ۳۱). کلمه تحقیق در لاتین (Research) در قالب معنای لغوی جستجو، تفحص و در مفهوم علمی به معنای استفاده از روش‌های

^۳ محقق درنخست، پرسش‌نامه‌ها و سوالات مصاحبه را به شماره‌های واتس‌اپ اساتید ارسال نموده و سپس پاسخ‌ها را طی ۴۸ ساعت به‌صورت کتبی و صوتی دریافت نموده است.

نظام‌مند برای ارزیابی عقاید کشف تازه به کار گرفته شده است (شاوون و جاهد، ۱۳۹۱، ص ۵۰). از دیدگاه حجازی تحقیق (اسم مصدر پژوهیدن) در معانی عمل پژوهیدن، پی‌جویی، جویایی، بازجستی، جستجو، بازجویی، بازجست، تفحص، بحث، رسیدگی و تحقیق است. تحقیق علمی عبارت از بررسی نظام‌یافته، کنترل شده، تجربی و انتقادی پدیده‌های طبیعی است که روابط احتمالی بین این پدیده‌ها به وسیله نظریه و فرضیه هدایت می‌شود (حجازی، ۱۳۷۴، ص ۶۵). هم‌چنین ورما و برد؛ تحقیق را جستجوی سیستماتیک به منظور کشف دانش قابل پذیرش تعریف کرده‌اند (کرلینجر، ۱۳۹۰، ص ۶۰).

واژه‌ی پوهنتون

پوهنتون را در فرهنگ‌های لغت این‌گونه تعریف کرده‌اند: نهادی برای آموزش عالی که سه ویژگی اصلی دارد: پوهنخی‌ها در رشته‌های گوناگون دانش، تسهیلاتی برای تحقیق استادان و محصلان و رتبه‌های آموزشی که به محصلان و استادان داده می‌شود. به باور دکتور معین پوهنتون جای دانش، محل تعلیم و تعلم و دانش یا مؤسسه علمی وسیع شامل چند پوهنخی و مؤسسه باشد (فرهنگ فارسی معین واژه پوهنتون).

پیشینه پوهنتون در جهان

پیشینه تاریخی پوهنتون در معنای عام آن به آکادمی (فرهنگستان) افلاطون در یونان باستان و حتی کالج‌های برای تربیت مدیران حکومتی در چین باستان بر می‌گردد. در سده‌های میانه میلادی، نهادهای آموزش عالی به صورت نهادهای صنفی و حرفه‌ای از تحولات جدید شهرنشینی، اقتصاد بازرگانی و آفاق معرفتی آن دوره ناشی شدند. نخستین پوهنتون‌ها در قرون وسطا مانند بولونیا، پاریس، تولوز، آکسفورد، کیمبریج، سالامانکا، لیسبون، اوپسالا، کپنهاگ، گلاسکو و آبردین در پی چنین روندی و پس از آشنایی با مساجد و مدارس جامع جهان اسلام، به‌ویژه در غرب آن به وجود آمدند. درواقع؛ شکوفایی مراکز تحصیلات عالی در جهان اسلام علاوه بر آن‌که اندیشه تأسیس نهاد پوهنتون را در جهان غرب به وجود آورد، سنت‌های آن نیز الهام‌بخش پوهنتون‌های اروپا بود. افزون بر آن، سازمان‌دهی مدارس عالی و پوهنتون‌ها در جهان اسلام، مانند تقسیم‌بندی پوهنخی‌ها و نیز شیوه تدریس و برنامه‌های درسی آن سرمشق اروپائیان قرار گرفت (منصوری، ۱۳۸۰).

پیشینه پوهنتون در جهان اسلام

دانش در جهان اسلام سه دوره تاریخی داشته است: دوره طلایی، دوره انحطاط و دوره بیداری. در دوره طلایی و شکوفایی دانش (دوره رونق آن سده چهارم تا هفتم)، به دلیل رقابت ناشی از تعارض قدرت‌های مختلف، فرصتی ولو مستعجل به نفع علم در جهان اسلام پدیدار شد که دانش‌مندان غیرمسلمان هم بر

آن تأثیرگذار بودند؛ اما در این دوران به رغم شکوفایی علم و دست‌آورد‌های علمی متفکران مسلمان به‌ویژه در شهرهای بغداد، دمشق، قاهره و قرطبه، نهادهای علمی چندان مستقل و پایداری به‌وجود نیامدند و نهادهای اندک موجود نیز ضعیف و آسیب‌پذیر باقی ماندند. به‌نظر برخی محققان، شکوفایی علم در این دوره از سطح نخبگان برجسته به سطح نهادهای علمی و پوهنتونی قوی، مستقل و پایدار توسعه پیدا نکرد (منصوری، ۱۳۸۰).

پیشینه پوهنتون در افغانستان

با کسب استقلال افغانستان از امپراتوری بریتانیا در سال ۱۹۱۹م نهضت علمی و ادبی مدرن آغاز شد و افغانستان روابط فرهنگی خود را با دنیای جدید برقرار کرد (آهنگ، ۱۳۴۹، ص ۳). برای نخستین‌بار انجمن‌های ادبی، تاریخی، جراید و پوهنخی‌ها تأسیس شد، بر همین اساس پوهنتون کابل به‌عنوان اولین نهاد آموزش عالی در افغانستان، در نوامبر ۱۹۳۲ با تأسیس پوهنخی طب ایجاد شد و به تدریج با پوهنخی‌های جدید توسعه یافت. پوهنتون کابل در طی سال‌های (۱۹۳۲ - ۱۹۷۸) پیشرفت‌های خوبی داشته و تغییرات مهمی را شاهد بوده است. در این دوره، سیستم آموزش عالی مدرن افغانستان در هسته پوهنتون کابل ایجاد شد. به دنبال تأسیس پوهنخی طب (۱۹۳۲) و توسعه ساختاری پوهنتون کابل گسترش یافت. پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل در سال (۱۹۳۸)، پوهنخی علوم (۱۹۴۲)، پوهنخی ادبیات (۱۹۴۴)، پوهنخی حقوق و شرع (اسلامی) (۱۹۵۱)، پوهنخی زراعت و مهندسی (۱۹۵۶)، پوهنخی اقتصاد (۱۹۵۸)، پوهنخی فارمسی (۱۹۵۹) و پوهنخی هنر در سال (۱۹۶۶) تأسیس شدند. با تأسیس این پوهنخی‌ها، زیرساخت‌های لازم نیز ایجاد شد و تقریباً ۵۰٪ زیرساخت‌های موجود پوهنتون کابل در این دوره ایجاد شد، به مرور زمان تأسیس کتابخانه‌ها، لابراتوارها و مراکز تحقیقی، توسعه جامع بین‌المللی‌سازی، ظرفیت‌سازی اساتید، رشد تحقیق علمی، ایجاد نشریه‌ها و... در این دوره صورت گرفت. در سال‌های نخست، پوهنتون از جایگاه بالایی در منطقه برخوردار بوده است، تا جایی‌که محصلان خارجی از خاور میانه، آسیای میانه، اروپای شرقی و ایالات متحده در این پوهنتون مصروف تحصیل بوده اند (<https://ku.edu.af/dr>).

یافته‌های تحقیق

با تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌های اعضای کادر علمی پوهنتون‌ها و پیاده‌سازی متن مصاحبه با کارشناسان حوزه تحقیق، براساس یک نظم منطقی در نخست موانع و چالش‌های موجود در تحصیلات عالی افغانستان شناسایی و بعد عوامل آن به‌صورت شماره‌وار بیان گردیده است که به شرح ذیل‌اند:

۱. عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد، عوامل داخلی در پوهنتون‌ها و عوامل بیرون از پوهنتون (مردم و جامعه) اشتراک‌کنندگان، بدون تفکیک مرز این دو عامل به آن اشاره کرده‌اند، تقریباً ۸۵٪ پاسخ‌دهندگان بدین باور هستند که عوامل فرهنگی نقش اساسی در رشد و تکامل جامعه علمی افغانستان دارد. به ادعای آن‌ها، بی‌ارزش شمردن تحقیق به مثابه یک کار حیاتی و مفید سبب کندی روند تحقیق علمی میان اعضای کادر علمی گردیده است. در ضمن مشکلات عمومی جامعه (فقر، پایین بودن سطح دانش جامعه، جنگ، بیکاری و...) سبب شده تا مردم به مطالعه و دریافت آثار تحقیقی علاقه نگیرند، هم‌چنان برخی از پاسخ‌دهندگان عدم فرهنگ تحقیق (به دلیل سنتی بودن جامعه و طرز فکر مردم) و نبود امنیت صلح و ثبات پایدار در طی چهار دهه گذشته را بزرگ‌ترین مانع برای برنامه‌های تحقیقی تحصیلات عالی افغانستان دانسته‌اند، آنان عدم توجه به زندگی نخبگان و محققان و عدم ارج‌گذاری به محصولات تحقیقی را سبب فرار نخبگان از افغانستان می‌دانند.

۲. عوامل اقتصادی

در حدود ۹۹ فیصد پاسخ‌دهندگان به‌طور عموم به این موضوع اذعان نمودند که مشکلات اقتصادی از جمله، نبود بودجه‌ی کافی جهت انجام تحقیق علمی را از موانع اساسی تحقیق در میان اعضای کادر علمی دانسته‌اند، به باور ایشان نبود مراجع حامی و تمویل‌کننده برای انجام برنامه‌های تحقیقی، عدم حمایت‌های مادی و معنوی از محققان، عدم ارج‌گذاری به محقق و کارهای تحقیقی، از همه بزرگ‌تر و خطرناک‌تر، حاکمیت مطلق فقر سبب کندی و ضعف روند تحقیق علمی گردیده است، برخی ایشان عدم پرداختن امتیازات مادی برای مقالات علمی و ناچیز بودن معاشات استادان را سبب کندی تحقیق علمی دانسته و ادعا کرده‌اند که معاش استادان خیلی ناچیز بوده و کفاف زندگی اعضای کادر علمی را نمی‌کند، بدین سبب از لحاظ ذهنی استادان آمادگی تحقیق علمی نمی‌باشند، چون بسیار از آنان توان خرید یک پایه کامپیوتر لب‌تاپ و فعال‌سازی یک بسته اینترنتی را ندارند، علاوه بر این موارد، پاسخ‌دهندگان عدم لابراتورهای مجهز، کتابخانه‌های تخصصی، برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های علمی را نیز کم‌بود منابع اقتصادی دانسته‌اند.

۳. عوامل اداری

حدوداً ۸۰ فیصد پاسخ‌دهندگان بروکراسی حاکم در تحصیلات عالی افغانستان را به‌عنوان یک عامل بازدارنده در تحقیق علمی می‌دانند، محدودیت‌های اداری به‌ویژه در جذب استادان همکار، زمان‌گیر بودن طی مراحل دوسیه‌های کادری، عدم هماهنگی میان پوهنتون‌ها، عدم همکاری پوهنتون‌های بزرگ

و قدیمی با پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی جدید، برخی پاسخ‌دهندگان اذعان داشتند که پوهنتون‌های قدیمی کارهای تحقیقاتی پوهنتون‌ها و مؤسسات جدید را به چالش می‌کشند، به‌عنوان مثال: اکثر اوقات مقالاتی را که برای تقریظ می‌فرستند، آن‌ها تلاش می‌کنند مقالات شان را به گروگان بگیرند و سعی می‌نمایند تا اسم شان را در کنار نویسنده اصلی بنویسند، این موارد به شدت استادان نوکار را نسبت به تحقیقات علمی بی‌انگیزه کرده است.

۴. عوامل روشی

به عقیده ۸۵ فیصد پاسخ‌دهندگان، یکی از عوامل و چالش‌های عمده فراراه تحقیق علمی در اعضای کادر علمی مشکلات روشی می‌باشد: آنان مدعی‌اند، نبود یک راهکاری واضح که استادان بتوانند در مطابقت به آن تحقیق علمی خویش را انجام دهند، سبب شده تا کم‌تر به مسایل تحقیقی علاقه گیرند، هم‌چنین ادعا کردند، آنچه امروزه به‌عنوان روش تحقیق در تحصیلات عالی افغانستان رایج است، مختص روش علوم تجربی است نه سایر علوم، به باور آنان، روش کنونی در تحصیلات عالی به‌صورت سلیقه انتخاب شده است و یک اشتباه بزرگ است؛ زیرا با توسل به این روش، بسیاری محققان از کارهای علمی خویش نتیجه مثبت به‌دست نمی‌آورند؛ اما دکتور میرویس بلخی وزیر اسبق معارف افغانستان بدین باور است: «در افغانستان، اعضای کادر علمی متأسفانه روش‌شناسی و روش تحقیق را به‌عنوان علم و مهارت دست کم گرفته‌اند و توجه نمی‌کنند. هم‌چنین روش‌شناس در کلیات علوم اجتماعی و سایر رشته‌ها نداریم. این موضوع سبب شده که تحقیق و روش تحقیق را در پوهنتون‌ها به‌صورت خوب و درست درک نکنیم. به ادعای دکتور بلخی: تمام پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های که در افغانستان نوشته می‌شود اساس روش‌شناسی‌اش مشکل داشته است. بنابراین در افغانستان ادبیات تحقیق، مباحث هستی‌شناختی، مباحث معرفت‌شناختی، مباحث روان‌شناختی، انسان‌شناختی و حجت‌های اساسی تحقیق را نمی‌دانیم، بلکه به مضمون تحقیق به‌عنوان یک کار تجربی با یک فارمت مشخصی از تحقیق و پایان‌نامه‌نویسی که وجود دارد، نگاه می‌کنیم و برای محصلین انتقال می‌دهیم، به همین سبب (فقر روشی) کلان‌ترین مشکل در حوزه تحقیق علمی است»^۴.

۵. عوامل کیفی

در حدود ۷۰ فیصد پاسخ‌دهندگان به این باور اند که یکی از عوامل مهم در روند کندی تحقیق علمی میان اعضای کادر علمی، ناشی از مشکلات کیفی است؛ مصروفیت بیش از حد استادان علاوه بر تدریس، حجم بالای کارهای اداری مانند: شقه نویسی، ترتیب و تهیه نتایج و عضویت در ده‌ها کمیته

^۴. متن مصاحبه با دکتور میرویس بلخی در ضمیمه شماره دوم گنجینه شده است.

داخلی در سه سطح (پوهنتون، پوهنځی و دیپارتمنت) سبب سرگردانی و تلف اوقات استادان گردیده و فرصت تحقیق را از ایشان گرفته است، درحالی که می توان برای هر دیپارتمنت مدیر یا مدیران تعیین کرد و وظیفه استاد را به تدریس و تحقیق محدود ساخت، حدوداً ۷۵ فیصد پاسخ دهندگان از ریاست تضمین کیفیت و اعتباردهی شاکی بودند و ادعا نمودند که این اداره هدف را قربانی وسیله کرده است. در حدود ۶۰ فیصد پاسخ دهندگان ادعا نموده اند که اعضای بوردهای علمی در ریاست تحقیق و تألیف وزارت تحصیلات عالی، تنها شکلیات را لحاظ می نمایند، مانند چکیده، هدف، سؤالات تحقیق و یافته ها، آنان هیچ گاهی محتوای را به صورت دقیق بررسی نمی کنند که آیا اهداف مطابق سؤالات طراحی شده، آیا تحقیق دارای مفاهیم جدید علمی است، آیا بین مسئله تحقیق و اهداف و سؤالات تحقیق کدام ارتباط مفهومی و معنای وجود دارد. اکثر پاسخ دهندگان بدین باور بودند که به تحقیقات انجام داده شان ترتیب اثر داده نمی شود.

۶. رسانه های اجتماعی

محمد عبدالقاهر بغلاتی، مدرس و محقق علوم دینی یکی از عوامل در روند تحقیقات علمی را مشغولیت بیش از حد برخی اعضای کادر علمی، نخبگان و محصلان در رسانه های اجتماعی به ویژه فیسبوک، توئیتر و سایر برنامه های سرگرم کننده در فضای مجازی می داند و معتقد است که سرگرمی بیش از حد در فضای مجازی سبب کندی در روند تحقیقات علمی در تحصیلات عالی و کشور گردیده است^۵، در ضمن به باور بغلاتی، اختلاط بدون قید و شرط میان زنان و مردان در مؤسسات تحصیلات عالی نیز سبب کندی تحقیق علمی بوده است، هم چنین ایشان تحولات سیاسی از جمله تغییر رژیم ها را نیز یکی از عوامل آسیب زا در عرصه تحقیق علمی در کشور دانسته اند.

۷. اصلاح نگرش

۵۰ فیصد پاسخ دهندگان بدین باور بودند که مشکل و مانع اصلی فراراه تحقیقات علمی در افغانستان، نگرش حاکم در تحصیلات عالی افغانستان است؛ به عنوان مثال: ساختار کنونی تحصیلات عالی آموزش محور است نه تحقیق محور، درحالی که امروز از ویژگی پوهنتون های مدرن، آموزش و تحقیق است، نه محض تدریس، حتی برخی پیشنهاد داده اند که اسم وزارت تحصیلات عالی افغانستان به «وزارت تحصیلات و تحقیقات» تغییر نام یابد.

^۵. متن مصاحبه با محمد عبدالقاهر بغلاتی در ضمیمه شماره سوم گنجینه شده است.

۸. عدم مهارت در انجام تحقیقات علمی

۷۵ فیصد پاسخ‌دهندگان باور شان این است که کمیت قابل توجهی از اعضای کادر علمی، مهارت انجام تحقیقات علمی را ندارند، هم‌چنین عدم تسلط به زبان‌های معتبر خارجی و عدم آشنایی فراگیر و جامع با روش‌های جدید تحقیق را نیز از جمله موانع انجام تحقیقات علمی می‌دانند.

راهکارها

مرکز اصلی تحقیق علمی، پوهنتون‌ها و نهادهای آکادمیک است، در پوهنتون‌ها با استعانت میتودولوژی می‌توان راه صد ساله را یک‌شبه پیمود و سرعت دست‌آوردهای بشری در چندین دهه‌ی اخیر نیز مؤید همین ادعا است (غلامرضا، بی‌تا، ص ۸۷). حمایت همه‌جانبه از تحقیقات علمی از مجرای قانون (تخصیص بودجه، فراهم‌سازی امکانات و حمایت از امتیازات مادی و معنوی تحقیق و محققان) آزادی کامل رأی و اندیشه در ارائه تحقیقات، مکلف‌ساختن کادر علمی برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی و رونمایی و بزرگ‌نمایی از دست‌آوردهای آن‌ها، ایجاد مراکز علمی تحقیقاتی در حوزه‌های مختلف، تشویق و تقدیر محققین تا زمانی که ما به انسان‌های آگاه که در پوهنتون‌ها و مراکز علمی پرورش می‌یابند، دست پیدا نکنیم، جامعه ما به توسعه مطلوب دست نخواهد یافت (ژوزف، بی‌تا، ص ۶۵). استادان علاوه بر تدریس، نقش مؤثری در تحقیق علمی دارند. در دنیای امروز در مقایسه به گذشته پوهنتون‌ها دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشند: آزادی در بخش‌گوناگون آموزشی و تحقیقی؛ استاد محوری؛ استقلال مالی و دست‌باز در هزینه‌کردن درآمدها و مصارف و استقلال اداری، آزادی در انتخاب رهبری و استادان از مشخصه‌های پوهنتون‌های دنیای مدرن است. حالا در مقایسه با دنیای مدرن در افغانستان برای این‌که تحقیق علمی به یکی از ویژگی‌های مورد نیاز پوهنتون‌ها رایج شود، به اقدامات بیش‌تری نیاز است؛ ما نیازمند تعامل گسترده‌تر میان دانش‌مندان و محققین، نقد و بررسی آرا و تبادل افکار، حرفه‌یی شدن و توجه به اخلاقیات در اجتماعات علمی هستیم (قانع‌ی راد، ۱۳۸۱، ص ۵۵). ارزش‌مندترین اندیشه، سرمایه‌ای است که برای انسان‌ها سرمایه‌گذاری شود (عماد زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۳). فیلسوفان یا مردان متفکر، مردانی که حرفه آن‌ها انجام کاری نیست به‌جز تحقیق در باره همه موضوعات علمی می‌باشد (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۴). حالا جهت رشد تحقیق علمی در تحصیلات افغانستان به‌صورت مشخص موارد زیر به‌گونه پیشنهاد ارائه می‌گردد:

۱. اولویت‌بندی در تحقیق علمی؛
۲. ایجاد هماهنگی بین محققین و پوهنتون‌ها در سطح کشور و بیرون از کشور؛
۳. مرتبط ساختن صنعت با تحقیق؛

۴. هم‌چنین ایجاد مراکز علمی تحقیقاتی مجهز در سطح پوهنتون‌ها و زون‌ها در حوزه‌های مختلف علوم و فراهم‌سازی امکانات زیربنایی؛ زیرا تسهیلات ناکافی و عدم دانش کافی در مورد روش‌های تحقیق، باعث کم‌توجهی اعضای کادر علمی نسبت به امر تحقیق است (بکرانی، ۱۳۷۳). برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های تحقیقی منطقه‌ای و بین‌المللی؛
۵. محدود ساختن موضوعات تحقیقی به محورهای تکراری از دیگر شیوه‌های کنار گذاشتن و نه پرداختن به مسائل مبتلا به تحقیق علمی است (شفیعی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۹).
۶. فراهم نمودن منابع تحقیق و ایجاد کتابخانه‌ها در سطح کشور؛
۷. ایجاد یک مرکز ملی تحقیقات علمی معیاری در مرکز که حداقل توانایی رقابت با کشورهای همسایه را داشته باشد؛
۸. با نگاهی به کشورهای پیشرفته‌ای مانند جاپان می‌بینیم که در گزینش و انتخاب استادان نهایت سعی و اهتمام را به عمل می‌آورد. در این کشور «استادان بر حسب یک سنت دیرین از میان افراد با صلاحیت از نظر اخلاقی، شخصیت و دانش انتخاب می‌شوند و جامعه جاپان استادان را مظهر تقوا و فضایل اخلاقی و کمالات انسانی می‌داند و او را «سن سی» یعنی فردی قابل احترام که از نظر اخلاق از دیگران برتر است، می‌نامد (آقا زاده، ۱۳۸۲، صص ۱۸۰ - ۱۷۹). بر این اساس باید به دنبال کسانی رفت که صلاحیت و شایستگی لازم علمی را داشته باشند؛
۹. یک هفته یا یک روز به عنوان تحقیق انتخاب شود، مانند هفته مبارزه با مواد مخدر یا روز استقلال ... و در این هفته محققان تشویق مادی و معنوی شوند و آثار محققان به نمایش گذاشته شود؛
۱۰. تدوین متون درسی مورد نیاز رشته‌های تحصیلی در معارف با همکاری وزارت معارف و سایر نهادهای مرتبط؛
۱۱. چاپ و نشر آثار تحقیقی اعضای کادر علمی پوهنتون‌ها؛
۱۲. رهبران تحصیلات عالی افغانستان لازم است در بخش فعالیت خود از توانایی‌های ممتازی برخوردار باشند تا بتوانند پوهنتون‌ها را به شکلی بهتر رهبری نمایند (علاقه بند، ۱۳۸۸، ص ۹۴) رعایت اصل شایسته سالاری در تحصیلات عالی افغانستان، انجام تحقیق علمی گسترده را تضمین می‌کند؛
۱۳. حمایت از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های علمی محصلان و ارزیابی فعالیت‌های تحقیقی اعضای کادر علمی بر مبنای معیارهای جهانی تحقیق؛
۱۴. اتخاذ تدابیر رسمی برای حمایت از استادان محقق، مانند ایجاد شهرک استادان و اعطای بورس‌های تحقیقی؛

۱۵. برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی برای اعضای کادر علمی و محصلان و ترغیب آن‌ها به انجام فعالیت‌های تحقیقی و نشر کتب علمی و فعالیت‌های تحقیقی استادان. شفيعی مطهر معتقد است، ملتی که تحقیق را قدر می‌داند و محقق را به صدر می‌نشاند و جامعه‌ای که فکر و فرهنگ را پاس می‌دارد، و فرهیختگان را پاس می‌گذارد، اگر کالای فکری و فرهنگی در جامعه ما غریب نبود، فرهنگ آفرینان متفکر نیز نبودند و اگر ارزش عنصر تحقیق شناخته شده بود، محققان نیز عزت و کرامت می‌یافتند؛ زیرا تا فرهنگ تحقیق در عمق باور نهادینه نشود، اعتبارات تخصیص یافته هم صرف تشریفات زاید می‌شوند (شفيعی مطهر، ۱۳۸۱، ص ۳۴).

مناقشه

براساس یافته‌های این تحقیق به چند عامل مهم اشاره شد، اول عوامل فرهنگی از جمله بی‌ارزش شمردن تحقیق به مثابه یک کار حیاتی و مفید که سبب کندی در روند تحقیق علمی میان اعضای کادر علمی گردیده است. تحقیقات مشابه در کشور همسایه نیز این امر را می‌رساند، در جامعه‌ای که تفکر و اندیشه علمی جایگاه شایسته خود را نداشته باشد، متفکران و اندیش‌مندان از متن به حاشیه رانده شده و راه انزوا و خاموشی یا مهاجرت و گریز را بر می‌گزینند و عرصه را به افراد سطحی‌نگر و می‌گذارند (شفيعی مطهر، ۱۳۸۱، ص ۵۳). هم‌چنین دومین عامل نشان می‌دهد که عامل اقتصادی نقش کلیدی در کندی روند تحقیق میان اعضای کادر علمی داشته. عدم حمایت‌های مادی و معنوی از محققان، عدم ارج گذاری به محقق و کارهای تحقیقی و مطلق فقر سبب ضعف روند تحقیق علمی گردیده است. در ضمن به عوامل چون اداری، روشی، کیفی، رسانه‌های اجتماعی، اصلاح نگرش و عدم مهارت برخی اعضای کادر علمی در انجام تحقیق علمی اشاره شده است. تحقیقات همانند در منطقه از چنین وضعیتی حکایت دارد، توجه به شاخص‌های مالی، نیروی انسانی، شاخص‌های عملکردی، شاخص‌های بهره‌وری نتایج تحقیقات، شاخص‌های تحقیقی و نسبت‌های آن (نسبت اعتبارات تحقیقاتی به بودجه تحقیق، تعداد محققان، تعداد کتب منتشره و نسبت اعتبارات تحقیق) از وضعیت ناخوشایندی حکایت دارد (قورچیان، ۱۳۸۳، ص ۴)، سالانه هزاران پایان‌نامه و مقاله در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی به رشته‌ی تحریر در می‌آید و پس از اتمام در قفسه‌های کتابخانه‌ها یا بانک‌های اطلاعاتی خاک می‌خورند (مرادیان، ۱۴۰۰، ص ۲۵۴)، درحالی‌که برای بهره‌جستن از آن‌چه تحقیق نامیده می‌شود، لازم است در نخست کاربرد تحقیق انجام گرفته را در سطح پوهنتون‌ها و نهادهای آکادمیک بازشناسی و موانع موجود بر سر راه تحقیق زیربنایی را نشانه‌گذاری کنیم، بدون تردید آن‌چه امیدواری پوهنتون‌ها و نهادهای تحصیلی را برای گرایش به تحقیق قوت می‌بخشد، گذار از دوره بحران کنونی است، فعل و انفعالاتی که می‌تواند به این روحیه خاتمه

بخشد، نتایج مستند و مستدل تحقیق کاربردی استادان است، شمار تحقیق انجام گرفته در بخش‌های نظری و تجربی نشان می‌دهد که خوشبختانه اعضای کادر علمی پوهنتون‌های افغانستان در راستای این مسیر گام‌های مؤثری برداشته‌اند و دست‌آوردهای درخشانی به‌دست آورده‌اند. علاقه‌مندی برخی استادان جوان به انجام طرح‌های تحقیقی در بخش تألیف و ترجمه سایت وزارت تحصیلات عالی بیان‌گر این ادعا است که در صورت مهیا بودن زمینه رشد و بالندگی در عرصه‌های علمی و صنعتی در آینده‌ای نه چندان دور شاهد پیروزی‌های چشم‌گیری در این بخش‌ها خواهیم بود، با این همه به همان نسبت که از مقوله طرح‌های تحقیقی دور می‌شویم و به وادی مطالعات نظری و تحلیلی پا می‌نهم، شاهد تحرکی نه چندان دل‌گرم‌کننده و صعودی‌کند هستیم، کندروی ما در عرصه تحقیق نظری موجب شده است که بسیاری از تصمیمات اتخاذ شده در مقولات علوم بشری و به تبع آن مباحث فرهنگی با پیچیدگی و ابهام همراه باشد. برخی بر این باورند که ضعف در این بخش از تحقیق، از این واقعیت نشأت می‌گیرد که موضوع‌های تحقیق در راستای مقتضیات پوهنتون‌ها و نهادهای آکادمیک گزینش نشده و در نتیجه از ارزش کاربردی قابل انتظار، بی‌بهره است، عده‌ای نیز می‌پندارند که توجه جلدی در امر تحقیق علمی معطوف به بخش‌های تجربی است و علاقه‌مندی در این بخش به مراتب بیش‌تر نسبت به رشته‌های تخصصی علوم نظری، به‌ویژه علوم بشری است؛ اگرچه هر دو نظریه بخشی از واقعیت را بازگو می‌کنند؛ اما یکی از واقعیت‌هایی که نیاز به تشریح بیش‌تری دارد، این است که بسیاری از موضوع‌های گزینش شده برای تحقیق در چهارچوب یک برنامه‌ی مدون، برگزیده نشده و همین سبب شده است که گزینه‌های تحقیق سلیقه‌ای و در محدوده ترفیع استادان به رتب علمی باشد، افزون بر آن، به دلیل این‌که هیچ نهاد تحصیلات عالی در افغانستان معاصر تاکنون، کار نیازسنجی تحقیق علمی را عهده‌دار نبوده، مصارف مالی در انجام این‌گونه تحقیقات نه تنها نیازی از مسائل موجود در آن پوهنتون‌ها را در کوتاه مدت حل نمی‌کند، بلکه هر موضوع چندبار بیهوده بررسی و تحقیق می‌شود. گذشته از نبود یک مرکز منسجم کنترل‌کننده تحقیق علمی در افغانستان، عامل دیگری که متأسفانه مانع عمده‌یی در راه پیش‌برد امر تحقیق در کشور است و آن عبارت است از حضور برخی محقق‌نماهای که به‌جای فهم عمیق مسایل و درک اهداف متعالی، تحقیق علمی را به تجارت شخصی تبدیل کرده‌اند. در این شرایط ضروری است برای بهره‌برداری بهتر از توان تحقیقی پوهنتون‌ها در کشور، به اعضای کادر علمی و استادان نوکار میدان عمل داده شود و ناهمواری‌های موجود از سر راه برداشته شود. این امر شدنی نیست؛ مگر این‌که رهبری وزارت تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان با تمرکز اجرایی در یک مرکز مشخص از پراکندگی طرح‌های

تحقیقی و صرف هزینه‌های موازی ممانعت به عمل آورند و با تعیین اولویت‌های کاربردی، به تشخیص استادان محقق و متعهد، از انجام تحقیق خام پرهیز کنند.

نتیجه‌گیری

نگاهی دقیق و عمیق به اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی به‌عنوان نهاد مرجع در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افغانستان، ایجاب می‌نماید که به‌طور جدی به مقوله تحقیقی علمی ارائه شده در تحصیلات عالی افغانستان پرداخته شود. تحقیق علمی مهم‌ترین معیار برای توسعه تحصیلات عالی افغانستان است، موضوع تحقیق علمی در اکثر نهادهای علمی جهان به یکی از مفاهیم اساسی در سیاست‌گذاری‌های کلان تحصیلی تبدیل شده است و از این‌رو تحقیق علمی به منزله مرحله مهمی از تاریخ تحولات تحصیلات عالی مطرح شده است. تحقیق علمی در حال حاضر یکی از محورهای اصلی همه مباحث تحصیلات عالی است و ارتقای آن مهم‌ترین وظیفه وزارت تحصیلات عالی افغانستان است. مفهوم تحقیق در تحصیلات عالی مفهومی چندپهلوی است، به همین دلیل معیارهای متفاوتی برای قضاوت درباره تحقیق علمی در پوهنتون‌های کشور معرفی شده است. انجام تحقیق علمی تغییرات مطلوب و موفقیت‌آمیز در پوهنتون‌های افغانستان مساعد می‌گرداند، درحالی‌که تحقیق معیاری شامل ابعاد بررسی و جستجو، آمارگیری، انجام تجارب لابراتوری توسط اعضای کادر علمی پوهنتون‌های افغانستان جهت رشد و توسعه دانش می‌باشد. در حال حاضر مشکلات اساسی تحقیق علمی را می‌توان در دو بخش، بیرونی و درونی طبقه‌بندی کرد که مانع ارتقای تحقیق علمی در نهادها و پوهنتون‌های کشور می‌شوند. مسائلی مانند، توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم و تحولات روزافزون علوم و فن آوری جوامع پیشرفته و در حال توسعه، متکی بودن هزینه‌های تحصیلات عالی به دولت و افزایش سطح توقعات مردم برای مطالبه آن، کمبود منابع مالی برای ساخت، تجهیز و اداره پوهنتون‌ها، پیچیدگی روش‌های جلب مشارکت مردم در امور تحصیلات عالی را می‌توان بخشی از مشکلات بیرونی بر شمرده و مسایلی از جمله روش‌های فعلی گزینش، جذب و تربیت کادر علمی در پوهنتون‌ها، ناکارآمدی شیوه انتخاب آمران و رؤسای ناکارآمدی نظام تفتیش و تضمین کیفیت، نظارت و ارزشیابی علمی از برنامه‌ها، طرح‌ها، روش‌ها و عملکردها، کم‌ارزش بودن برنامه‌های درسی موجود، به علت مبتنی نبودن بر نتایج تحقیق علمی و عدم انطباق با دانش روز، پایین بودن سواد علمی برخی اعضای کادر علمی و عدم انگیزه و علاقه آن‌ها برای تحقیق علمی از مهم‌ترین مشکلات بخش درونی تحصیلات عالی است. نگارنده در حد و سطح علمی و تجربی خویش راهکارهایی را جهت بهتر شدن تحقیق علمی پیشنهاد کرده است. از جمله راهکارهایی هم‌چون تجهیز لابراتوارها و مکان‌های تحصیلات عالی به امکانات و تجهیزات متنوع از

جمله مواد ممد درسی؛ فراهم کردن امکانات تحقیق علمی، مشاوره و راهنمایی استادان نوکار و محصلان و تدوین سیاست‌های پیشرفت و ترقی آنان؛ به حداقل رساندن تراکم ساعت درسی بیش از حد لوايح و مقررات استادان، در پوهنتون‌ها علی‌الخصوص برای استادان نوکار؛ برنامه‌ریزی در جهت تقویت همکاری و مشارکت شرکت‌ها و نهادهای صنعتی برای کمک به ارتقای کیفیت تحقیق علمی، از جمله برگزاری متواتر ورکشاپ‌های آموزشی؛ توجه و تأکید عملی به اجرای کامل تحقیق علمی توسط اعضای کادر با توجه به نیازهای جامعه را در زمره راهکارهای جهت بهتر شدن کیفیت تحقیق علمی ارائه کرده است که تحصیلات عالی افغانستان می‌تواند با مدیریت کارآمد و مؤثر، موارد پیشنهادی را جهت ارتقای کیفیت تحقیق علمی اجرا نماید. هم‌چنین راهکارهایی هم‌چون: تخصیص بودجه و منابع مالی کافی جهت انجام تحقیق علمی از طرف دولت؛ تعیین اهداف تحقیقی مختلف براساس نیازهای جامعه، علوم معاصر و واقعیت‌های حاضر و پرهیز از هرگونه آرمان‌گرایی تخیلی در انتخاب اهداف تحقیقی؛ استفاده از تجارب تحقیقی سایر نهادهای علمی و ادارات جهت کیفیت بخشی به تحقیق علمی، از جمله استفاده از تجارب محققان در فرایند تدریس تحقیق؛ تأمین معیشت مالی استادان و نیازهای آنان و نیز اعتباربخشی به شغل استادی موازی با سایر مشاغل رسمی؛ تغییر نگاه مصرفی به تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها به نگاه سرمایه ملی؛ توجه به اصل تمرکززدایی نظام‌های تحصیلات عالی و تعیین اهداف و سیاست‌های منطقه‌یی نظام تحصیلات عالی هم‌سو با سیاست‌های کلی امارت اسلامی افغانستان در زمره راهکارهای بیرون سازمانی ارائه شده است که تحصیلات عالی افغانستان می‌تواند با تعامل سازنده و مؤثر با سایر نهادهای اجتماعی، نقش مهمی در اجرای آن‌ها داشته باشد.

پیشنهادهات

- نگارنده با توجه به یافته‌های تحقیق، مناقشه و نتیجه‌گیری موارد ذیل را به گونه ویژه پیشنهاد می‌کند:
۱. اصلاح ساختار روش‌های تحقیق: برای هر علم روش‌های خاصی ابداع گردد: روش تحقیق در علوم تجربی، در علوم اجتماعی، علوم شرعی، علوم سیاسی در روابط بین‌الملل و منطقه‌ای.
 ۲. چاپ آثار علمی و تجاری‌سازی نتایج تحقیقات علمی اعضای کادر علمی.
 ۳. تقدیر از محققان برتر؛ اعضای کادر علمی که موفق به انجام تحقیقات بکر و ناب علمی شدند. درمرحله نخست براساس معیارهای مشخص آکادمیک، آثار علمی شان در سطح دیپارتمنت‌ها، پوهنځی‌ها، پوهنتون‌ها، وزارت تحصیلات عالی و بالاخره در سطح کشور شناسایی شود.
 ۴. اعطای جوایز مشخص (علایم و مدال‌های ویژه) به محقق برتر افغانستان، مترجم و مؤلف برتر افغانستان.

۵. ایجاد سامانه (سایت) مشترک و معتبر علمی که جایگاه خود را در منطقه و جهان داشته باشد تا آثار تحقیقی استادان در آن آرشیف شود.
۶. ایجاد پارک‌های تحقیقاتی از طریق فراهم‌سازی تأسیسات زیربنایی، آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی از طریق تسهیلات قانونی تا بتوان عوامل تحقیقات علمی را از تحقیق تا تولید در یک حلقه جمع کرد^۶.

^۶. امروزه اکثر کشورهای جهان صنعتی جهان دارای پارک‌های معتبر علمی هستند. مانند انگلستان پارک علمی استون، چین پارک علمی هایدن پکن، سوئد پارک علمی چالمرز، اتریش پارک علمی هیگن برگ و برزیل پارک علمی ریودوژانیرو.

منابع

قرآن کریم

- آهنگ، کاظم. (۱۳۴۹). سیر ژورنالیزم در افغانستان، کابل: انجمن تاریخ و ادب.
- آل کجاف، حسین. (۱۳۹۸). روش تحقیق در علم حقوق، تهران: انتشارات جنگل.
- آقا زاده، احمد. (۱۳۸۲). آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: انتشارات سمت.
- بکرانی، فریدون. (۱۳۷۳). بررسی نگرش علمی اعضای هیأت علمی پوهنتون در خصوص موانع پیشرفت فعالیت‌های تحقیقی در پوهنتون صنعتی اصفهان «پایان‌نامه ماستری، پوهنخی علوم تربیتی و روان‌شناسی پوهنتون علامه طباطبائی.
- بیکر، ترزل. (۱۳۸۶). نحوه انجام تحقیق اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: انتشارات نی.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۴). مختصری درباره کلمات علم و دانش، تحقیق و تحقیق در ادب فارسی، تهران: فصل‌نامه رهیافت ژوزف، تکوین و توسعه پوهنتون‌های غرب، ترجمه وهاب کریمی، ناشر: دفتر دانش.
- شاه آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۰). بررسی فعالیت‌های R-D داخلی و خارجی بر بهروری کل عوامل تولید، رساله دکتورا، پوهنتون تربیت مدرس تهران.
- شریعت‌مداری، علی. (۱۳۶۸). روان‌شناسی تربیتی، اصفهان: انتشارات مشعل.
- شاوون، امین حسینی، جاهد، حسینعلی. "شناسایی موانع انجام فعالیت‌های آموزشی". (فصل‌نامه علمی و تحقیقی سیاست علم و فن‌آوری). تهران: مرکز تحقیق سیاست علمی کشور.
- شفیعی مطهر، سیدعلی رضا. (۱۳۸۱). سیمای تحقیق در قاب فرهنگی، تهران: تحقیق‌نامه آموزشی.
- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۵). اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان: انتشارات جهاد پوهنتونی.
- علاقه بند، علی. (۱۳۸۸). مقدمات مدیریت آموزشی، تهران: انتشارات پیام نور.
- فرد، ان کرلینجر. (۱۳۷۴). ترجمه حسن پاشا و جعفر نجفی زند، مبانی تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آوای نور.
- فقیه، نظام الدین. (۱۳۷۲). جایگاه ارزش‌ها در آموزش و تحقیق‌های علمی، مجله علوم اجتماعی و انسانی پوهنتون شیراز.
- قورچیان، نادر قلی، آراسته، حمید رضا و جعفری، پریش. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی تحقیقی کشور، دایره المعارف آموزش عالی، جلد اول، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری.
- ملائتی توانی، علیرضا. (۱۳۸۶). درآمدی بر روش تحقیق در تاریخ، تهران: انتشارات نی.
- منصوری، رضا. (۱۳۸۰). نشریه رهیافت، پوهنتون و تعریف آن. تهران: انتشارات وزارت علوم، تحقیق و فن‌آوری.
- مرادیان، مصطفی. (۱۴۰۰). مطالعات هنرهای زیبا، نیم‌نگاهی به چالش‌های انتخاب رویکرد در تحقیق. تهران: تحقیق‌گاه علوم انسانی.

د محصل محوري زده کړو اهميت او اغېزې: په پکتیکا پوهنتون کې د يوه حالت څېړنه

پوهنمل حزب الله رحمانی

بیولوژي څانګه، ښوونې او روزنې پوهنځی، پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه، پکتیکا، افغانستان

ایمیل: hezbollah.rahmani@gmail.com

لنډيز

د افغانستان له پوهنتونو څخه اکثره فارغ شوي محصلین په ډیرو اکاډمیکو برخو کې مسلکي وړتیاوې نه لري، چې د حکومت او ګمارونکو اړتیاوې نشي پوره کولای. همدې ستونزې ته په کتو سره دا څېړنه په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې چې د بیولوژي څانګې ۶۴ محصلینو او فارغانو پکې برخه اخیستې وه تر سره شوې ده. دا یوه کمي، ساحوي او تحلیلي څېړنه ده، چې لومړني معلومات یې د پوښتنپاڼو او ساحوي مشاهدې په وسیله راټول شوې دي. د څېړنې پایلې دا روښانه کوي چې استاد محوري میتود د محصلینو د مسلکي وړتیا نه لرلو ستر لامل دی. برعکس محصل محوري زده کړې په محصلینو کې د نظر شریکولو، مفاهمې، پر ځان باور، انتقادي تفکر، ابتکارانه او د ستونزو د حل مهارتو په انکشاف کې مهم او اساسي رول تر سره کوي.

کلیدي اصطلاحات: محصل محوري زده کړې؛ استاد محوري میتود؛ مسلکي وړتیا؛ مهارتونه

The Importance and Effects of Student-Centered Learning: A Case Study in Paktika University

Sr. Teaching Asstt. Hizbullah Rahmani

Biology Department, Faculty of Education, Paktika Higher Education Institute, Paktika, Afghanistan

Email: hezbollah.rahmani@gmail.Com

Abstract

Many Afghan university graduates lack professional qualifications in their respective fields, rendering them ineligible for government positions and many private-sector jobs. This study examines this issue, involving 64 current and former biology department students from Paktika Higher Education Institute. The study employs quantitative empirical research methods, gathering data through questionnaires and on-the-ground observations. The findings point to a teacher-centered approach as the primary cause of students' lack of professional ability, highlighting the critical importance of student-centered learning in developing students' communication, understanding, self-confidence, critical thinking, initiative, and problem-solving skills.

Keywords: Professional ability; Student-centered learning; Skills; Teacher-centered methods

سریزه

د افغانستان له پوهنتونو څخه اکثره فارغان په زیاتره علمي برخو کې مسلکي وړتیا نه لري او د گومارونکو اړتیاوې نه شي پوره کولای. همدې ستونزې ته په کتو سره دا څېړنه د پکتیکا لوړو زده کړو په مؤسسه کې د محصل محوري زده کړو د اهمیت او اغېزو د معلومولو په خاطر شوي ده. همدارنگه دغه څېړنه دې پوښتونو ته ځواب وایې چې، اوس مهال د افغانستان په پوهنتونو کې د محصل محوري زده کړو په وړاندې کوم خنډونه وجود لري او کوم عوامل دي چې د محصل محوري زده کړو له انکشاف سره مرسته کولای شي؟

د څېړنې مخینه

په افغانستان کې له پوهنتونو څخه فارغان په ډیرو اکاډمیکو برخو کې د حکومت، سوداګرۍ او نورو گومارونکو اړتیاوې نه شي پوره کولای. د بیلګې په توګه د انجنیري په برخه کې د نړیوال بانک او USAID د لویې پانګونې سره سره گومارونکي شکایت کوي چې اوسط فارغان د اړتیا وړ معیارونه نه شي پوره کولای (Babury & Hayward, 2014). پوهنتونونه باید مسلک لپاره چمتو فارغان تولید کړي، داسې چې راتلونکي یې منعکس کړي چې دا زده کونکي به ورسره مخ شي. همدا شان باید د وسیلو له لارې زده کړې اسانه کړي چې د زده کونکو د دې نسل له ټاکلو ځانګړتیاو سره سمون ولري (Glowa & Goodell, 2016). اوس مهال په نړیواله کچه محصل محوري زده کړو (SCL) د څېړنې خورا لوی پام ځانته راجلب کړی دی (Osman, et al, 2015). پخوانۍ تدریسي او د زده کړې پروسې په فعال ډول د استاد له خوا تر سره کیدلې چې اوس مهال دا میتود له محصل محوري میتود سره عوض شوی دی. محصل محوري میتود یو داسې چاپیریال رامنځ ته کوي چې په هغه کې محصل اساسي مواد او منابعو ته د لاس رسې په وسیله د پوهې په تر لاسه کولو کې زیات فعال وي (Judia & Saharia, 2013). محصل محوري زده کړو د دودیزه زده کړې او د تدریس مسلک بدل کړی دی. په محصل محوري زده کړو کې د منځګړیتوب وسایل لکه د همکارۍ زده کړه، د ستونزې پر بنسټ زده کړه، د کوچني ګروپ زده کړه او د پروژې پر بنسټ زده کړه شامل دي (Abdigapbarova & Zhiyenbayeva, 2022). استاد محوري زده کړې د محصلینو هڅونه او خپلواکي راکموي. په زده کړه کې د زده کونکو ښکېلتیا څلور اړخه لري چې عبارت دي له: مهارت ښکېلتیا، احساساتي ښکېلتیا، د ګډون ښکېلتیا او د فعالیت ښکېلتیا (Gaffney, and Rogers, 2022). محصل محوري زده کړې د زده کړو په ټولو کچو کې خورا مهم رول تر سره کوي، دا ځکه چې دا د زده کونکو د هڅونې او ښکېلتیا کچه زیاتوي (Benlahcene, et al, 2020). په استاد محوري میتود کې استادان د تدریس په پروسه کې مهم رول تر سره کوي. استادان د معلوماتو چمتو کونکي یا

ارزونکي دي ترڅو زده کونکي وڅاري او ځوابونه ترلاسه کړي (Ho, 2017). محصل محوري زده کړې په اوسني عصر کې تعليم د پايداره پرمختګ (Education for sustainable development (ESD) لپاره تر ټولو اساسي او مهم عنصر ګڼل کيږي. له بله طرفه په ښکاره توګه د تعليم لپاره د SDG اهدافو د يوې مهمې برخې په توګه پېژندل شوي (هدف ۷.۴) او د ټولو ۱۷ SDGs لاسته راوړلو لپاره اصلي چلونکي ESD ګڼل کيږي. له بله طرفه، په ښکاره توګه د تعليم لپاره د SDG اهدافو د يوې مهمې برخې په توګه پېژندل شوي (هدف ۷.۴) او د ټولو ۱۷ SDGs لاسته راوړلو لپاره اصلي چلونکي عامل ګڼل کيږي، دا يو مرکزي تمرين دی چې "افرادو ته وړتيا ورکوي چې پايداره پرمختګ سره د ټولنيز، اقتصادي او سياسي بدلون او همدارنګه د خپل چلند په بدللو سره مرسته وکړي (Komatsu et al, 2021). محصل محوري زده کړې په لوړو زده کړو کې د زده کونکو سره په ځواکمن کيدلو، په ځان باور پيدا کولو او په خودي ډول هڅول کيدو کې مرسته کوي. همداشان په زده کونکو کې د مطالعې مهارتونو لکه د وخت مدیریت، مفاهيمي، انتقادي تفکر، او د ستونزې حل کولو مهارتونو ته وده ورکوي (Krishnan, 2015). څېړنې وړاندیز کوي چې ډيري وختونه محصلين د استاد په نسبت له خپلو ملګرو څخه ښه زده کړه کولای شي. هغه محصلين چې ځانګړي اړتياوي لري، له تکړه محصلينو سره په ګروپ کې د يو ځاي کولو په وسيله د دوي وړتياوي لوړ والی شو (Overby, 2011). په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې اکثره استادان د استاد محوري ميتود په اساس تدريس کوي. لکه څرنګه چې په انځور (۱) کې ليدل کيږي استاد محوري ميتود کې يوازي استاد فعال وي او محصلين تنها اوريدل کوي. پدې ميتود کې استاد د زده کړې په پروسه کې مرکزي رول تر سره کوي او محصلين غيري فعال وي.



لومړی انځور: د پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسې، ښوونې او روزنې پوهنځی په بیولوژي څانګه کې د استاد محوري میتود په اساس تدريس

په (۲) انځور کې لیدل کیږي چې یو بل استاد په همدې څانګه کې له محصل محوري میتود څخه استفاده کوي. لکه څرنګه چې په دویم انځور کې لیدل کیږي ټول محصلین د زده کړې په پروسه کې رانښکېل شوي دي او یو د بل په مرسته زده کړه کوي. پدې ټولګې کې استاد د یوه لارښود او د ټولګې د تنظیمونکې په حیث رول تر سره کوي. په انځور (۲)، کې لیدل کیږي چې محصلین په ګروپونو کې تنظیم شوي دي او ټولو محصلینو د زده کړې په پروسه کې په فعال ډول برخه اخیسته ده.



دویم انځور: د پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسي، ښوونې او روزنې پوهنځي په بیولوژي څانګه کې د محصل محوري زده کړو په اساس تدریس.

مواد او کړنلاره

ددې څېړنې د سرته رسولو لپاره کمي (Quantitative) میتود د څېړنې د میتودولوژي په حیث انتخاب شوی دی. د څېړنې لومړني معلومات د مشاهدې او د پوښتنې په وسیله چې په ګوګل فورم کې ترتیب او په انلاین بڼه محصلینو ته لیږل شوي وه تر لاسه شويدي او دویمې معلومات تر لاسه کولو لپاره له بیلابیلو علمي منابعو لکه کتابونو، ژورنالونو او د کنفرانسونو له نشریو څخه ګټه اخستل شويده. پدې څېړنه کې د پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسې د ښوونې او روزنې پوهنځي د بیولوژي څانګې د ۹۸ برخه او په ۱۴۰۰ او ۱۴۰۱ ل. ل کالو کې د ۱۰۸ فارغیو شویو محصلینو له جملې څخه ۶۴ تنو محصلینو برخه اخستې وه. لاسته راغلې نتایج د SPSS ۲۴ په وسیله تحلیل شوي دي. د څېړنې د تحلیل میتود Frequency او Percentage وه. ځکه دا میتود د پوښتن پانود د تحلیل لپاره تر ټولو غوره او مناسب میتود دی. په جدول (۱)، کې د څېړنې موندنې وړاندې شوي دي:

لومړۍ جدول: د څېړنې موندنې

سوالونه		پارامیترونه	په سروې کې د برخه اخیستونکو ځوابونه
Percentage	Frequency		
۱۵.۸	۱۰	دویم ټولگی	د زده کړو کچه.
۲۸.۱	۱۸	درېم ټولگی	
۱۷.۲	۱۱	څلورم ټولگی	
۳۹	۲۵	له بیولوژي څانګې څخه فارغ	
۱۰۰.۰	۶۴	مجموعه	
۶.۱	۱	دیر زیات مخالف یم	استاد محوري میتود کې یوازي استاد
۹.۴۶	۳۰	زیات موافق	فعال وي او محصل یوازي اوریدل
۱.۱۴	۹	مخالف یم	کوي.
۷.۴	۳	مطمین نه یم	
۸.۳۲	۲۱	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۶.۶۵	۴۲	زیات موافق یم	محصل محوري میتود کې محصل
۶.۱	۱	مخالف	فعال وي او استاد د یو لارښود په
۱.۳	۲	مطمین نه یم	حيث فعالیت تر سره کوي.
۷.۲۹	۱۹	موافق	
۰.۱۰۰	64	مجموعه	
۶.۶۵	۴۲	دیر زیات موافق	تاسو هغه وخت ښه زده کړه کولای
۱.۳	۲	مطمین نه یم	شي چي کله په یوه ګروپي فعالیت
۳.۶	۴	مخالف	کې برخه واخلي.
۰.۲۵	۱۶	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۶.۱	۱	دیر زیات مخالف	تر ټولو ښه ازموینه هغه ده چي په هغه
۱.۱۴	۹	دیر زیات موافق	کې د محصل ازموینې پارچې ته
۲.۴۲	۲۷	مخالف	زیاتي نمرې او صنفی فعالیت ته یې
۱.۲۸	۱۸	مطمین نه یم	لږ یا هیڅ نمرې ور نه کړل شي.
۱.۱۴	۹	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۴.۳۴	۲۲	دیر زیات موافق	تر ټولو ښه ازموینه هغه ده چي په هغه
۹.۲۱	۱۴	مخالف	کې د محصلینو فعالیتونو ته زیاتي او
۸.۱۸	۱۲	مطمین نه یم	د ازموینې پارچې ته کمی نمرې
۰.۲۵	۱۶	موافق	ورکړل شي.
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۳.۴۵	۲۹	دیر زیات موافق	ګروپي کار په زړه کړه کې مرکزي
۴.۹	۶	مطمین نه یم	رول تر سره کوي.

۳.۴۵	۲۹	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۷.۵۴	۳۵	دیر زیات موافق	محصل محوري میتودونه له
۷.۴	۳	مطمین نه یم	محصلینو سره د نظر په شریکولو کې
۶.۴۰	۲۶	موافق	مرسته کوي.
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۴.۴۸	۳۱	دیر زیات موافق	محصل محوري میتودونه د محصلینو
۶.۱	۱	مخالف	د مفاهمي مهارتونه لوړوي.
۵.۱۲	۸	مطمین نه یم	
۵.۳۷	۲۴	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۳.۴۵	۲۹	دیر زیات موافق	محصل محوري میتودونه په
۶.۱	۱	مخالف	محصلینو کې ابتکارنه مهارتونو ته
۸.۷	۵	مطمین نه یم	انکشاف ورکوي.
۳.۴۵	۲۹	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۹.۳۵	۲۳	دیر زیات موافق	محصل محوري زده کړې د
۶.۱	۱	مخالف	محصلینو ټولنیز ژوند اصلاح کوي.
۲.۱۷	۱۱	مطمین نه یم	
۳.۴۵	۲۹	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
۹.۴۶	۳۰	دیر زیات موافق	محصلین په محصل محوري
۱.۳	۲	مخالف	میتودونو کې نسبت استاد محوري
۸.۷	۵	مطمین نه یم	میتودونو ته زیاته زده کړه کوي.
۲.۴۲	۲۷	موافق	
۰.۱۰۰	۶۴	مجموعه	
	۲۶	۱. غیری معیاري ټولګي	ستاسو په نظر له لاندنیو څخه د
	۳۵	۲. له محصل محوري میتود سره د	محصل محوري زده کړو په وړاندې
		استادانو نه بلدتیا	جدي گواښونه گټل کیږي؟ له یو
	۲۰	۳. ددي میتود اړوند د محصلینو	څخه زیات ځوابونه په نښه کولای
	۱۴	منفي نظریات.	شي.
		۴. د بودیجی کموالی	
	۱۱	۵. د محصل محوري میتود اړوند د	
	۱۱	څېړنو نشتوالی.	
	۹	۶. د ارزیابی پخوانی تګلارې	
		۷. د محصلینو غیری مناسبه برخه	
	۱۲	اخیستنه.	

۸. د استادانو او محصلینو تر منځ په
ټیټه کچه د همکاري موجودیت.

- ستاسو په نظر کوم یو له لاندینو څخه ۱. استادانو ته ددې میتود اړوند
د محصل محوري میتود په انکشاف ۳۵ روزنیز ورکشاپونه دایرول او د هغوي
کې مهم رول تر سره کولای شي؟ له له تدریس څخه نظارت کول.
یو څخه زیات ځوابونه په نښه کولای ۲. د معیاري ټولگیو، او نورو ۳۲
شي. ضرورت وړ امکاناتو اماده کول. ۱۷
۳. په پالیسو کې تغیرات راوستل.
۴. د کیفیت لوړاوي په برخه کې ۱۳
محصل محوري میتود ته زیات
ارزښت ورکول. ۳۳
۵. محصلینو ته د محصل محوري
زده کړو د اهمیت اړوند معلومات
ورکول.

موندنې

په دې څېړنه کې چې کومه پوښتنپاڼه کارول شوی وه د مختلفو برخو لکه د گډونوالو د زده کړو د کچې اړوند، د استاد محوري میتود، محصل محوري زده کړو، د محصل محوري زده کړو د اهمیت، د محصل محوري زده کړو په وړاندې د جدي گواښونو او د انکشاف اړوند معلوماتو لرونکې ده. ددې څېړنې په سروې کې د برخه اخیستونکو ۸،۷۹ سلنه پدې باور دي چې په استاد محوري میتود کې یوازي استاد فعال وي. همدارنگه ۳،۹۵ سلنه محصلینو د نظر په اساس محصل محوري زده کړو کې محصلین فعال وي او استاد د یوه لارښود په حیث دنده تر سره کوي. ددې څېړنې ۳،۹۵ سلنه برخه وال پدې باور دي چې محصل محوري زده کړې له محصلینو سره د نظر په شریکولو، ۹،۸۵ سلنه د مفهامې مهارتونو او ۶،۹۰ سلنه ابتکارانه مهارتونو په انکشاف کې مرسته کوي او ۲،۸۱ سلنه محصلین وايي چې محصل محوري زده کړې ټولنیز ژوند اصلاح کوي. همدارنگه د ۱،۸۹ سلنه محصلینو د نظر په اساس محصلین په محصل محوري زده کړو کې نسبت استاد محوري میتود ته زیات فعال وي او هم ښه زده کړه کولای شي. د محصلینو د نظر په اساس د محصل محوري زده کړو په وړاندې غیری معیاري ټولگی، د محصل محوري زده کړو سره د استادانو نه بلدتیا، ددې میتود اړوند د محصلینو منفي نظریات، د بودجې کموالی، د محصل محوري میتود اړوند د څېړنو نشتوالی، د ارزیابي زړې تگلارې، د محصلینو غیری مناسبه برخه اخیستنه او د استادانو او محصلینو تر منځ په ټیټه کچه د همکاري موجودیت جدي گواښونه گڼل کيږي.

مناقشه

د څېړنې موندنو ته په کتو سره په افغانستان کې له پوهنتونو څخه د فارغ شویو محصلینو مسلکي وړتیا نه لرلو ستر لامل د استاد محوري میتود په اساس تدریس دی. ددې څېړنې په سروې کې د برخه اخیستونکو ۸،۷۹ سلنه پدې باور دي چې په استاد محوري میتود کې یوازي استاد فعال وي. همدارنگه ۳،۹۵ سلنه محصلینو د نظر په اساس محصل محوري زده کړو کې محصلین فعال وي او استاد د یوه لارښود په حیث دنده تر سره کوي. د افغانستان په ډیرو پوهنتونو کې په تدریس کې له استاد محوري میتود څخه ګټه اخیستل کیږي. په همدې خاطر اکثره محصلین د نوي عصر د کار د بازار معیارونه نه شي پوره کولای. استاد محوري یا غیري فعاله زده کړه هغه ده چې په هغې کې استاد اساسي رول تر سره کوي (Zohrabi, Torabi, & Baybourdiani, 2012). لکه څرنګه چې په جدول (۱)، کې لیدل کیږي ۶،۹۰ سلنه محصلین هغه وخت ښه زده کړه کولای شي چې کله یو ګروپي فعالیت تر سره کړي. ددې څېړنې ۶،۹۰ سلنه برخه وال پدې نظر دي چې په محصل محوري زده کړو کې محصلین د تدریس په پروسه کې مرکزي رول تر سره کوي. په محصل محوري زده کړو کې استاد د یو تسهیل کونکي او منځګړي رول تر سره کوي او محصل د زده کړې د پروسې په مرکز کې قرار نیسي. په محصل محوري زده کړو کې محصلین د زده کړې د پروسې جوړونکي ګڼل کیږي. پداسې حال کې چې استاد پکې د معلوماتو د چمتو کونکي او سمونکي رول اچړا کوي (Abdigapbarova & Zhiyenbayeva, 2022). ددې څېړنې ۳،۹۵ سلنه برخه وال پدې باور دي چې محصل محوري زده کړې له محصلینو سره د نظر په شریکولو، ۹،۸۵ سلنه د مفهامي مهارتونو او ۲،۹۰ سلنه ابتکارانه مهارتونو په انکشاف کې مرسته کوي او ۲،۸۱ سلنه محصلین وایي چې محصل محوري زده کړې ټولنیز ژوند اصلاح کوي. همدارنگه د ۱،۸۹ سلنه محصلینو د نظر په اساس محصلین په محصل محوري زده کړو کې نسبت استاد محوري میتود ته زیات فعال وي او هم ښه زده کړه کولای شي. په لوړو زده کړو کې محصلین د محصل محوري زده کړو په وسیله خودمختاره، په ځان اعتماد لرونکي او په خودي ډول-تحریک کیږي. همدا شان محصل محوري زده کړې په محصلینو کې د مطالعې مهارتونو لکه د وخت مدیریت، افهام او تفهم، انتقادي تفکر او ستونزې-حلونکي مهارتونو (problem solving) ته انکشاف ورکوي (Krishnan, 2015). د محصل محوري زده کړو په چاپیریال کې د محصلینو د برخې نه اخیستل او د استاد له خوا د یوه تسهیل کونکي په حیث د رهنمایي او هڅونې نه شتون د محصل محوري زده کړو اغېزمنتیا له منځه وړي (Krishnan, 2015). دودیزې زده کړې پورې تړلي د ارزونې طریقې د محصل محوري زده کړو لپاره مناسبې ندي (Pedersen & Williams, 2004).

استادانو ته ددې میتود اړوند روزنیز ورکشاپونه دایرول او د هغوي له تدریس څخه نظارت کول، د معیاري ټولگیو، او نورو ضرورت وړ امکاناتو آماده کول، په پالیسو کې تغیرات راوستل د کیفیت لوړاوي په برخه کې محصل محوري زده کړو ته زیات ارزښت ورکول او محصلینو ته د محصل محوري زده کړو د اهمیت اړوند معلومات ورکول هغه مهم او اساسي عوامل دي کوم چې په پوهنتونو کې د محصل محوري زده کړو له انکشاف سره مرسته کولای شي. په لوړو زده کړو کې د محصل محوري زده کړو د انکشاف لپاره تضمین کیفیت، قانوني کړنلارې او د محصل د برخي اخیستنې اړوند پالیسوي تر ټولو مهم عناصر دي چې باید جدي پاملرنه ورته وشي (Geven, & Santa, 2010).

پایله اخیستنه

ددې څېړنې د پایلو پر بنسټ ۸.۷۹ سلنه محصلین پدې باور دي چې په استاد محوري میتود کې یوازي استاد فعال وي او ۳.۹۵ سلنه محصلینو د نظر په اساس محصل محوري زده کړو کې محصلین فعال وي او استاد د یوه لارښود په حیث دنده تر سره کوي. په محصل محوري زده کړو کې محصلین نسبت استاد محوري میتود ته زیاته زده کړه کولای شي. محصل محوري زده کړې په محصلینو کې د مفاهمې، په ځان باور، د وخت مدیریت، د ستونزو د حل، د نظر شریکولو او انتقادي تفکر مهارتونو په انکشاف کې مرسته کوي. د افغانستان په پوهنتونو کې د محصل محوري زده کړو د تطبیق په وړاندې غیري معیاري ټولگي، ددې میتود اړوند د محصلینو منفي نظریات، د بودیجې کموالی، د محصل محوري زده کړو اړوند د څېړنو نه شتوالی، د د ارزیايي پخواني تگلارې، د محصلینو غیري مناسبه برخه اخیستنه اود استادانو او محصلینو تر منځ په ټیټه کچه د همکاري موجودیت جدي گواښونه گڼل کیږي. استادانو ته ددې میتود اړوند روزنیز ورکشاپونه دایرول او د هغوي له تدریس څخه نظارت کول، د معیاري ټولگیو، او نورو ضرورت وړ امکاناتو آماده کول، په پالیسو کې تغیرات راوستل د کیفیت لوړاوي په برخه کې محصل محوري زده کړو ته زیات ارزښت ورکول او محصلینو ته د محصل محوري زده کړو د اهمیت اړوند معلومات ورکول هغه مهم او اساسي عوامل دي کوم چې په پوهنتونو کې د محصل محوري زده کړو له انکشاف سره مرسته کولای شي.

سرچینې

- Abdigapbarova, U. , & Zhiyenbayeva, N. (2022). Organization of Student-Centered learning within the Professional Training of a future teacher in a Digital Environment. Education and Information Technologies. doi:doi. org/10. 1007/s10639-022-11159-5
- Babury, M. , & Hayward, F. (2014). Afghanistan Higher Education:The Struggle for Quality, Merit, and Transformation. Planning for Higher Education Journal, 1-32.
- Benlahcene, A. , Lashari, S. A. , Lashari, T. A. , Shehzad, M. W. , & Deli, W. (2020). Exploring the Perception of Students Using Student-Centered Learning Approach in a Malaysian Public University . International Journal of Higher Education, 9(1), 204-217.
- Geven,, K. , & Santa, R. (2010). Student Centered Learning:A survey on the views of national unions of students and higher education staff. European Comission.
- Gaffney, and Rogers, S. (2022). Examining the Impact of a Student-Centered Learning and Assessment Strategy on Engagement among Nursing Students. Journal of Quality in Health Care & Economics, 5(4), 1–4. <https://doi.org/10.23880/jqhe-16000293>
- Glowa, L. , & Goodell, J. (2016). Student-Centered Learning: Functional Requirements for Integrated Systems to Optimize Learning. International Association for K-12 Online Learning.
- Ho, K. &. (2017). Teacher-centered or Student-centered Learning Approach to Promote Learning ? Jurnal Sosial Humaniora, 10, 59–70.
- Judia, H. , & Saharia, N. (2013). Student Centered Learning in Statistics: Analysis of Systematic Review. 13thInternational Educational Technology Conference (pp. 844-851). Social and Behavioral Sciences.
- Komatsu, H. , Rappleye, J. , & Silova, I. (2021). Student-centered learning and sustainability: Solution or problem? Comparative Education Review, 65(1), 6–33. <https://doi.org/10.1086/711829>
- Krishnan, S. (2015). Student-Centered Learning in a First Year Undergraduate Course. International Journal of Learning, Teaching and Educational Research, 11(2), 88–95.
- Osman, S. Z. M. , Jamaludin, R. , & Iranmanesh, M. (2015). Student Centered Learning at USM: What Lecturer and Students Think of This New Approach? Journal of Education and Practice, 6(19), 264-277.
- Overby, Kimberly (2011) "Student-Centered Learning," ESSAI: Vol. 9, Article 32. Available at: <http://dc.cod.edu/essai/vol9/iss1/32>
- Pedersen, S. & Williams, D. (2004). A Comparison of Assessment Practices and Their Effects on Learning and Motivation in a Student-Centered Learning Environment. Journal of Educational Multimedia and Hypermedia, 13(3), 283-306. Norfolk, VA: Association for the Advancement of Computing in Education (AACE).
- Zohrabi, M. , Torabi, M. , & Baybourdiani, P. (2012). Teacher-centered and/or Student-centered Learning:English Language in Iran. English Language and Literature Studies, 18-30. doi:10.5539/ells.v2n3p18

چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی در کشور

پوهنمل عبدالسبحان صدیقی

دیپارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، پوهنځی تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان، سمنگان، افغانستان

ایمیل آدرس: subhansaddiqi1@gmail.com

چکیده

دیدگاه‌های متفاوتی در ارتباط به موانع و چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی وجود دارد که اکثریت متخصصان تعلیم و تربیه ریشه‌های آن را در مسایل تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و مدیریتی می‌دانند. عمده‌ترین چالش‌های موجود فرا راه نهاد‌های تحصیلات عالی (پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی) در افغانستان را می‌توان چنین بیان کرد: کم‌بود کادر علمی دارای تحصیلات عالی (ماستری و دکتورا)، روش‌های سنتی تدریس، کم‌اعتبار بودن مواد درسی از نظر معیارهای جدید علمی، کم‌بود رشته‌های تحصیلی مورد نیاز در بازار کار و نیازهای کنونی افغانستان، انتخاب نسبتاً اجباری رشته تحصیلی برای برخی از محصلان جدیدالشمول، نامتوازن بودن تقسیم رشته‌های تحصیلی، عدم دقت لازم در سیاست‌گذاری‌های تحصیلی و رهبری در نهاد‌های تحصیلی، نارسایی‌های قوانین حاکم بر نظام تحصیلات عالی کشور، اداره برخی نهاد‌های علمی توسط افراد غیر متخصص، عدم توجه به جایگاه اجتماعی استادان و دانش‌مندان، ناکافی بودن حقوق و امتیازات مادی استادان، نبود فرهنگ انتقادی و غیره می‌باشد. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش تبیینی تحلیلی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در این تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

اصطلاحات کلیدی: چالش‌ها؛ تحصیلات عالی؛ افغانستان؛ دانش؛ پوهنتون

Challenges Beyond Higher Education in the Country

Senior Teaching Assistant Abdul Sabhan Sediqi

Department of Islamic Sciences and Culture, Faculty of Education, Samangan Higher Education Institute, Samangan, Afghanistan
Email: subhansaddiqi1@gmail.com

Abstract

Higher education in Afghanistan is subject to various perspectives regarding its many challenges. Education experts commonly attribute these challenges to historical, political, cultural, social, administrative, and managerial factors. These challenges include a shortage of academic staff with advanced degrees, reliance on traditional teaching methods, credibility issues with teaching materials in light of modern scientific standards, an inadequate range of academic disciplines aligned with labor market needs and societal demands, imposition of predefined academic fields on new students, disparities in academic discipline distribution, imprecise educational policies and leadership, legislative inadequacies governing higher education, mismanagement of scientific institutions, inadequate recognition of professors and scientists, insufficient material rights and privileges for professors, and a shortage of critical thinking and inquiry culture. This research adopts an explanatory-analytical approach to examine these multifaceted challenges confronting higher education in Afghanistan comprehensively.

Keywords: Challenges; Higher Education; Afghanistan; Knowledge; University

مقدمه

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی خاتم النبیین سیدنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین. چالش‌های موجود در بسیاری از نهادهای تعلیمی و تحصیلی افغانستان به‌خصوص در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی کشور، با معیارهای علمی ملی و بین‌المللی قابل سنجش نیستند. این مشکلات باعث شده است که نتوانیم با نهادهای تحصیلی منطقه و فرا منطقه رقابت نماییم. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که عمدتاً چه چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی در افغانستان وجود دارد؟

بدیهی است که مشکلات و چالش‌ها چشم‌گیر اند؛ شمار زیادی از این چالش‌ها که فعلاً دامن‌گیر نهادهای تحصیلی است شامل مواردی هم‌چون: ترک وظیفه‌ی استادان، جوانان و متخصصین در این اواخر؛ کم‌بود کادر علمی و متعهد در اکثریت پوهنتون‌ها که دارای تحصیلات عالی (ماستری و دکتورا) باشند؛ عدم روش‌های نوین در تدریس، نبودن مواد درسی از نظر معیارهای جدید علمی جهانی؛ کثرت برخی از رشته‌های نظری به‌خصوص در علوم طبیعی؛ عدم کفایت بودن برخی از رشته‌های تحصیلی مورد نیاز در شرایط کنونی افغانستان؛ محدودیت در انتخاب رشته‌های تحصیلی برای محصلان و نبود فارم‌های تحقیقاتی در رشته‌های زراعتی، عدم لابراتوارهای مجهز و معیاری با مواد آن و غیره موارد. تحقیق حاضر سعی دارد که چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی در کشور را با توجه به معیارهای علمی مورد بررسی و مذاقه نظر قرار دهد.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی موضوع (چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی در کشور) تاکنون تحقیقاتی که از جانب محققان صورت گرفته به‌صورت فشرده به بررسی و معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

محمد عبدالسلام (۱۳۹۵)، در کتاب خود تحت عنوان (شکوفایی علم در جهان اسلام، موانع و راهبردها) که توسط اصغر افتخاری و غلام‌رضا خواجه سروری ترجمه شده است؛ بدین باور است که فقدان چارچوب بنیادی و قانونی، اداره فعالیت‌های علمی توسط دیوان‌سالاران و نه دانش‌مندان و عدم توجه به منزلت اجتماعی دانش‌مندان از جمله موانع توسعه دانش است. احمد حیدری عبدی (۱۳۸۹)، در کتاب خود زیر عنوان (موانع توسعه علمی در دوران معاصر)، به این عقیده است که عوامل خارجی و داخلی مانند عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره دلیل این چالش‌ها می‌باشد. هم‌چنین همایون همتی در کتاب خود که عنوان آن (آسیب‌شناسی فرهنگی توسعه علمی) است؛ معتقد است که عدم یک پلان جامع و عقب‌ماندگی فقدان استراتژی کلان تولید علم از جمله آسیب‌های فرهنگی توسعه علمی می‌باشد.

نویسندگان این آثار شکوفایی علم در جهان اسلام، موانع توسعه علمی در دوران معاصر و آسیب‌شناسی فرهنگی توسعه علمی را به‌طور عموم با رویکرد خاص خود مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما نوآوری تحقیق حاضر، این است که در این تحقیق نگارنده ضمن بیان چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی در کشور، راه‌حل‌های را نیز ذکر کرده است. در مجموع می‌توان گفت؛ تا آن‌جای‌که نویسنده بررسی نموده است، به‌نظر می‌رسد که تاکنون تحقیق مستقلی در ارتباط به عنوان (چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی در کشور) با در نظر داشت چالش‌های کنونی صورت نگرفته است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش تبیینی تحلیلی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در این تحقیق، به‌صورت کتابخانه‌ای بوده؛ طوری‌که موضوع مورد بررسی خلاصه‌نویسی شده و در نهایت، نگارنده نتیجه‌گیری خود را براساس توصیفات و تحلیل‌های ارائه شده، انجام داده و بعد در یک مجموعه جمع‌آوری شده است.

ساختار تحقیق

تحقیق حاضر به‌صورت کل دو بخش دارد که بخش اول آن شامل کلیات و بخش دیگری آن یافته‌های تحقیق می‌باشد.

کلیات

تعلیم، تحصیل و اهمیت آن از منظر اسلام

ملل متمدن امروز برای تعلیم و تحصیل اهمیت به‌سزایی قائل‌اند؛ در حدی‌که مسائل تعلیم و تربیه به‌ویژه تحصیلات عالی را در صدر پالیسی‌های دولتی خویش قرار می‌دهند و از امور زیربنایی و حیاتی به حساب می‌آورند.

در دنیای کنونی مردم به این واقعیت پی برده‌اند که امکانات رشد به طبقه خاصی از اجتماع بشری اختصاص ندارد و بلکه از طریق تعلیم و تعلم می‌توان آن‌چه را که در زمانه‌ای گذشته به طبقه خاصی از جامعه تعلق داشت، برای همه فراهم کرد. اهمیت دادن اسلام به تعلیم و تحصیل بود که پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) آخرین برنامه کمال و سعادت بشر را چهارده قرن قبل بر انسان عرضه داشت، هنگامی‌که مردم در جهالت و فساد، غرق بودند و مسیر کمال و سعادت راه گم کرده بودند و از تعلیم و تحصیل بی‌خبر بودند مردم را به فراگیری علم و دانش و کسب فضایل و آداب نیکو فرا خواند و فراگرفتن دانش را بر هر مسلمانی واجب دانست، از نظر اسلام کسی‌که از تعلیم و تحصیل بی‌بهره است؛ هم چون کسی است که در بیابان خشکی سرگردان و متحیر است و نمی‌داند از کدام راه برود تا به سرمنزل

مقصود برسد و سرانجام چنین فردی را هلاکت و بدبختی می‌داند. اما فراتر از آن تربیت دینی بیدار کردن محبت و ستایش خداوند متعال در انسان و عشق به ارزش‌های الهی و نیاز به عبودیت و پرستش حضرت حق تعالی است (ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

الله متعال در قرآن کریم در چندین آیات از جمله فرموده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲). ترجمه: اوست که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آن‌ها را رشد و پرورش داده (از آلودگی شرك و تفرقه پاك سازد) و کتاب آسمانی و حکمت به آنان بیاموزد و همانا پیش از این در انحراف و گمراهی آشکار بودند.

در رابطه به اهمیت تعلیم و تحصیل همین کافی است که شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او در گرو آن است. تعلیم و تربیه صحیح، شرط لازم جهت رسیدن به کمال است. اگر انسان مطابق منهج الهی تربیت شود، فرشته‌خو می‌گردد و گاهی هم منزلت و قدر وی از فرشته‌گان فراتر می‌رود؛ وگرنه به قهقرا رفته، به مرتبه‌ی حیوانات و فروتر از آن تنزل خواهد کرد. رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی، منوط به تعلیم و تربیت سالم است. نظر به اهمیت تعلیم و تربیت، بزرگان علم اخلاق، تعلیم و تربیت را (اشرف صناعات) و برترین دانش‌ها دانسته‌اند. ثمره‌ی تعلیم و تحصیل صحیح، به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود؛ بلکه جامعه را هم متحول می‌کند. با نگرش دقیق به ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تعلیم و تحصیل صحیح رخ می‌نماید؛ زیرا هر چند در نفس آدمی گرایش به خیر و شر وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم، فجور و تقوا به او الهام گردیده است؛ اما گرایش یا آگاهی فطری به خیر و شر و سعادت و کمال، کفایت نمی‌کند؛ زیرا کمال و سعادت در پرتو تلاش و حرکت، تعلیم و تربیه به‌دست می‌آید. تعلیم و تربیه قرآنی سبب، رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می‌شود و آن‌ها را تحقق می‌بخشد و جهت می‌دهد. انسان ناگزیر است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم، بدون تربیت صحیح غیر ممکن است. فرهنگ انسان، محصول نتیجه‌ی تربیت یا آموزش و پرورش است و بین کیفیت فرهنگ هر جامعه و کیفیت تربیت آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. برخورداری از شخصیت سالم و در نتیجه احساس آرامش و امنیت خاطر بدون تربیت سودمند امکان ندارد (جهید، ۱۳۹۵، صص ۱۴-۱۵). با تدبیر در قرآن و مفاهیم اخلاقی آن در حوزه‌ی انسان‌شناسی به این نکته‌ی بسیار مهم می‌رسیم که اسلام برای تکامل انسان تا سرحد انسان کامل، از روش‌های گوناگون تعلیمی و تربیتی، هم‌چون پرورش اندیشه، گزینش برترین‌ها در رفتار، خودشناسی و خودسازی، الگوپذیری، تهذیب و تطهیر درون و انتخاب حالات روحی و روانی آدمیان بهره‌گرفته است.

در پرورش اندیشه الله متعال، انسان‌ها را به تعقل، تفکر، تدبیر، فهم، علم و حکمت دعوت نموده است. در این مورد خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۲). ترجمه: خدای شما کسی است که زمین را برای تان بگسترد (و آن را در خور اقامت و سکونت کرد) و آسمان را (با تمام اجرام و ستارگان، بسان) کاخی بی‌آفرید و از آسمان آب فرو فرستاد و با آن، انواع (گیاهان و درختان و) ثمرات را به وجود آورد تا روزی شما گردند. پس شرکاء و همانندهایی برای خدا به وجود نیاورید، درحالی‌که شما (از روی فطرت) می‌دانید (که چنین کاری درست نیست) (خرم‌دل، ۱۳۸۴، ص ۶). در جای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ، وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ، قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتَكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (زخرف: ۲۲-۲۴). ترجمه: بلکه ایشان می‌گویند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم و ما نیز در پی آنان می‌رویم (و راه بت‌پرستی را در پیش می‌گیریم). همین‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو (پیغمبر) بیم‌دهنده‌ای مبعوث نکرده‌ایم مگر این که منتعمان (خوشگذران و مغرور از ثروت و قدرت) آن‌جا گفته‌اند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم (که بت‌پرستی را بر همگان واجب کرده است) و ما هم قطعاً (بر شیوه ایشان ماندگار می‌شویم) و به دنبال آنان می‌رویم. (پیغمبر شان به آنها) می‌گفت: آیا اگر من آئینی را هم برای شما آورده باشم که از آئینی هدایت‌بخش‌تر باشد که پدران و نیاکان خود را بر آن یافته‌اید (باز هم از گذشتگان خود پیروی می‌کنید و بر بت‌پرستی خویش می‌روید و دست به دامان تقلید می‌شوید؟) می‌گفتند: (آری! چنین است) و اصلاً ما به چیزی که (با خود آورده‌اید) و بدان مأمور و مبعوث شده‌اید، باور نداریم (همان، ۱۰۳۹).

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تحصیلات عالی افغانستان با موانع و مشکلات عدیده گرفتار است که عمده‌ترین موانع و چالش‌ها به شرح ذیل است.

درآمد

درخصوص موانع توسعه علمی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. عده‌ی عوامل خارجی و عده‌ی عوامل داخلی مانند عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مناسبات توسعه را دلیل این چالش‌ها می‌دانند و هر کدام دلایلی را برای اثبات مدعای خود می‌آورند. هرچند تمام این عوامل در عدم توسعه علمی کشور نقش دارند؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت که علت اصلی عدم توسعه علمی و چالش‌های فرا راه تحصیلات

عالی در بطن جامعه نهفته است. گروهی از اندیش‌مندان و صاحب‌نظران در مورد چالش‌ها و عدم توسعه علمی مطالبی را عنوان کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان چنین بر شمرد (حیدری عبدی، ۱۳۸۹)

الف- ریشه‌های تاریخی

با نگاه عمیق‌تر به موضوع به این نتیجه می‌رسیم که نظام‌های قبلی نسبت وابستگی شدید به استعمار غرب و شرق کم‌ترین توجه را به تعلیم و تربیه داشته‌اند. هم‌چنین یافته‌های تاریخی می‌رساند که حمله مغول به رهبری چنگیز خان سبب نابودی همه نهادهای علمی در کشور شده که آثار و خسارت ناشی از آن تاکنون در جهان اسلام به‌ویژه در افغانستان قابل مشاهده است. در ضمن یکی دیگر از عوامل رکود فکری در دوران معاصر افغانستان، حضور استعماری غرب، عدم آزادی و امنیت فکری دانش‌مندان بوده است. به‌طوری‌که همواره مکاتب فکری مخالف سیاست‌های دولت حاکم، فرصت رشد و توسعه داده نشده است و برعکس، نظریات مخالفان را سرکوب کرده‌اند و اندیش‌مندان همواره مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. این بی‌مهری و نزاع میان مدرسه و پوهنتون‌ها که پیوسته از سوی جریانات انحرافی دامن زده شده سبب یک نوع درماندگی فکری و دوری از کاروان علم و تمدن شده است.

ب- موانع سیاسی

برخی از صاحب‌نظران، عوامل سیاسی را از موانع و چالش‌های عمده توسعه علمی در تحصیلات عالی می‌دانند و معتقدند که عامل اصلی عدم توسعه علمی کشور عبارتند از: فرار مغزها، عدم حمایت سیاسی از نخبگان علمی، دانش‌مندان، متخصصان با تجربه، عدم حمایت مالی و معنوی بدون حب و بغض، تعدد مراجع تصمیم‌گیری در باره تحصیلات عالی، تصمیم‌گیری‌های گاه متناقض برای پوهنتون‌ها و تبدیلی زود هنگام رژیم‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌دانند (رفیع‌پور، ۱۳۸۱).

برخی نیز، موانع تولید علم را ناشی از عدم هماهنگی نهادها تحصیلی و برخورد سیاسی با نهادهای علمی می‌دانند. به باور برخی کارشناسان، افزایش آگاهی جامعه سبب دردسره‌های فراوان برای سیاست‌مداران خواهند شد. بدین سبب در دوران معاصر همیشه با نهادهای علمی برخورد سیاسی صورت گرفته است. درحالی‌که کارشناسان تحصیلات عالی معتقدند: اگر به استادان فرصت‌های مناسب و امکانات لازم داده شود، به‌خوبی می‌توانند در جریان فعالیت‌های حرفه‌ای خود نقش سازنده‌ی را ایفا کنند (مهرمحمدی، ۱۳۷۶، ص ۴۴).

ج- موانع فرهنگی و اجتماعی

برخی معتقدند که از نظر فرهنگی موانع متعددی در برابر تحصیلات عالی قرار دارد. از جمله این موانع می‌توان به حکام مستبد، فرهنگ استبدادی به جای علم‌گرایی، فردگرایی، روحیه غرور، خودنمایی و

تضاد اشاره کرد. چنین فرهنگی باعث شده است که افراد تنها به فکر نمایش خود، تأکید بر علم و رشته‌های علمی خود و مقابله با دیگران و دیگر رشته‌های علمی باشند و این مسئله، آنان را از انجام یک کار علمی که نیازمند فروتنی، گذشت، صبر در برابر اشتباهات و خطاهای دیگران و تعاون همکاری است، باز می‌دارد (رفیع‌پور، ۱۳۸۱).

د- موانع اداری و مدیریتی

از دیگر موانع و چالش‌های رشد و انکشاف علمی می‌توان به ساختارهای علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور اشاره کرد که عبارت است از عدم توسعه کشور و عقب‌ماندگی ساختارهای اداری آن می‌باشد. به عقیده‌ی آن‌ها، چون ساختارهای کهنه و ناکارآمد، علم و تکنالوژی را محلی‌سازی کرده نمی‌توانند و به همین دلیل، هم‌چنان این ساختارها عقب‌مانده باقی می‌مانند و این دور باطل کماکان ادامه می‌یابد (صالحی، ۱۳۸۴).

چالش‌های کنونی تحصیلات عالی

سرمایه انسانی مهم‌ترین دارایی یک ملت است و همه باید از هر فرصتی ممکن برای رشد و شکوفایی فردی آنان بهرمند شود. فارغ از هر نوع چالش‌ها و دلایل ایجاد آن‌ها، در این بخش به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. بحث نارسایی‌های کمی و چالش‌های موجود در تحصیلات عالی، به علت اثر متقابل کم‌بود در بازار کار بر روی تحصیلات عالی نمی‌تواند جامع و کامل باشد. بدین جهت در این جاکوشش می‌شود که حتی‌المقدور به آن دسته از چالش‌های پرداخته شود که از عملکرد تحصیلات عالی کشور نشأت گرفته‌اند و از بیرون بر آن تحمیل نشده‌اند.

۱. رشد کمی تحصیلات در سال‌های اخیر

این‌که تحصیلات عالی کشور در سال‌های اخیر از طریق پوهنتون‌ها و مؤسسات عالی و نیمه عالی دولتی و خصوصی گسترش بی‌وقفه داشته است. با توجه به دشواری‌های موجود عده‌ی شدیداً تحت تأثیر آشفتگی‌های جنگ و عده‌ی دیگر با محدودیت‌های مالی روبرو هستند؛ این خود نشانگر رشد کمی در تحصیلات عالی است.

۲. نا متعادل بودن جذب استادان در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی

بی‌برنامه‌گی و نگاه پروژه‌ای در سطوح بالایی مقامات محترم وزارت تحصیلات عالی از حکومت‌های قبلی نسبت به نامتوازن بودن سطح تحصیلی استادان در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در پوهنتون‌های مختلف کشور نوع دیگری از چالشی است که فرا راه نهادهای تحصیلی کشور قرار دارد. به‌طور مثال می‌توان گفت در پوهنتون‌های مرکز بیش‌تر از ده‌ها استاد دکتور تشریف دارند. در

عین حال در برخی پوهنتون‌های ولایات یک دکتور هم حضور ندارد. همین ترتیب در برخی از دیپارتمنت‌های مرکز به تعداد تمام استادان یک مؤسسه تحصیلات عالی ولایات استاد وجود دارد و در برخی از نهادهای دیگر قضیه معکوس است. این نابرابری مشکلی بزرگی است که باید مقامات محترم وزارت در زمینه، تدابیر لازم را با توجه به نیازهای مؤسسات تحصیلات عالی در نظر بگیرد.

۳. ناکارآمدی برخی رشته‌ها و مضامین تحصیلی

هرچند که برای متوازن بودن محصلان در رشته‌های تحصیلی، لازم است که جذب مطابق با نیازهای اداری و بازار کار باشد و باید رشته‌های تحصیلی و مضامین درسی با آینده کاری محصلان به عنوان مبنای قضاوت در اختیار باشد؛ اما متأسفانه که چنین نیست. گاهی برخی جذب شده‌ها در رشته‌های اندک بعد از فراغت مطلقاً بیکار اند.

۴. وضعیت سیاست‌گذاری و رهبری در نهادهای تحصیلی

نکات زیر به عنوان نارسایی‌های قابل تأمل لازم به ذکر است:

تعدد مراکز تصمیم‌گیری نسبت به تحصیل و مسیرهای موازی تصمیم‌گیری به‌ویژه تداخل در وظایف که سبب بروز تضاد و تعارض در جهت‌گیری‌های علمی می‌شود.

حضور غیر مؤثر برخی از شعبات و افراد غیر متخصص در چوکات و رده‌های بلند نهادهای تحصیلات عالی. اتکا نداشتن سطوح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری به نهادهای تحقیقی و هم‌چنان عدم تشویق و ترغیب رهبری وزارت و پوهنتون از تحقیقات برتر و نویسندگان.

۵. نارسایی‌های قوانین حاکم بر نظام تحصیلات عالی کشور

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که مجموعه قوانین تحصیلات عالی با نارسایی‌های عمده زیر همراه است: عدم آگاهی لازم استادان از نسخ قوانین پیشین، یکی از مسائل مهم و مورد ابهام و تردید در قوانین رژیم گذشته است. یعنی بی‌اعتبار کردن قانون قبلی از سوی بزرگان و رهبری امارت اسلامی افغانستان این موضوع به درستی تاکنون مشخص نشده است؛ عدم نظم منطقی و انسجام قوانین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در پاره‌ای از قوانین و مقررات تحصیلات عالی کشور از جهت ارتباط آن‌ها با قوانین عمومی، اداری، مالی و محاسباتی کشور از مقتضیات سلسله مراتب قوانین تبعیت نشده است. از نظر معیارهای حقوقی اداری نیز چالش‌ها وجود دارد که می‌شود به چند نکته زیر اشاره کرد: متناسب نبودن اختیارات و مسئولیت‌ها، ناهماهنگی لوایح و مقررات اداری با قوانین تحصیلات عالی در نهادهای تحصیلی و تمرکز اختیارات جذب اعضای کادر علمی در وزارت و وجود مسیر طولانی‌گزینه‌ش استادان

باتوجه به وضعیت کنونی پوهنتون‌ها که نیازمندی شدید به کادر علمی دارند سبب کندی در راه رسیدن به اهداف علمی می‌باشد.

۶. نارسایی‌های مرتبط به منابع مالی و تخصیص بودجه در پوهنتون‌ها

با وجود بهبود نسبی وضع مالی کشور، تخصیص بودجه لازم مناسب با نیازها در پوهنتون‌ها وجود ندارد؛ هم‌چنین عدم توجه مقامات محترم وزارت تحصیلات عالی به زیرساخت‌ها در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلی در ضمن شاکی بودن عموم استادان از عدم اکتفا نمودن حقوق ماهانه‌ی شان که این نیز در جمع چالش‌های بزرگ محسوب می‌شود.

۷. عدم پلان جامع

عدم یک پلان جامع را می‌توان از دلایل رکود علمی و چالش‌های عدم توسعه در تحصیلات کشور برشمرد، درحالی‌که منابع نظری تأکید فراوان به داشتن پلان جامع برای توسعه تحصیلات عالی دارند، یکی از عوامل مهم رکود علمی و عقب‌ماندگی فقدان استراتژی کلان تولید علم است (همتی، ۱۳۸۶). دراین مقاله منظور از پلان جامع عبارت از پلانی است که نیازمندی‌ها و مزیت‌های علمی کشور را با در نظر گرفتن اولویت‌ها برشمارد. در ضمن یکی دیگر از بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه تحصیلات عالی را نبود یک مرکز رهبری ملی به منظور برنامه‌ریزی درازمدت و کلان برای توسعه تحصیلات و درگیر کردن همه طرف‌های تأثیرگذار در این خصوص می‌دانند. پروفسور محمد عبدالسلام فزیک‌دان شهیر جهان اسلام در کتاب خود تحت عنوان (شکوفایی علم در جهان اسلام، موانع و راهبردها)، تأکید خاصی بر توسعه علمی کشورهای درحال توسعه مقدمه‌ی بر آموزش علوم و تکنالوژی دارد، تأکیدهای او عمدتاً از نوعی است که در یک مدل توسعه دولت‌مدار می‌گنجد. او داشتن ایده‌های مطلوب و تصمیم به اجرای آن‌ها را کافی می‌داند و مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل عدم توسعه علمی را چنین برشمرده است: ۱. فقدان تعهد عمیق نسبت به علوم پایه و کاربردی؛ ۲. عدم تعهد نسبت به خود اتکایی در تکنالوژی؛ ۳. فقدان چارچوب بنیادی و قانونی؛ ۴. اداره فعالیت‌های علمی توسط دیوان‌سالاران و نه دانش‌مندان؛ ۵- سهم کم فعالیت‌های علمی از تولید ناخالص ملی؛ ۶. عدم توجه به منزلت اجتماعی دانش‌مندان؛ ۶. نبود فضای علمی و صنعتی مطلوب؛ ۷. فرار مغزها؛ ۸. اهمیت ندادن به آموزش‌های فنی و حرفه‌ی؛ ۹- هماهنگ نبودن میزان پذیرش محصلان رشته‌های مختلف (عبدالسلام، ۱۳۹۶).

هم‌چنین با آن‌که هشت مانع را در ارتباط به چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی و مسیر تولید علم مؤثر می‌داند؛ مهم‌ترین این موانع بدون در نظر گرفتن اولویت‌های ویژه از طرف او عبارتند از:

۱. فقدان یک سنت علمی در پوهنتون‌ها؛

۲. فقدان فرهنگ اندیشه انتقادی؛
۳. فقدان مبانی بنیادین اندیشه علمی؛
۴. نقایص معرفتی ناظر بر تاریخ تحولات علمی؛
۵. عدم ارتباط میان حوزه علم و حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی؛
۶. عدم اطلاع کافی از حدود و ثغور تحقیقات علمی در اندیشه اسلامی؛
۷. انتزاعی بودن افراطی علم و عدم ارتباط آن با قلمروهای کاربردی و علمی؛
۸. فقدان نگاه حرفه‌ای به معرفت.

وجود شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی چون شکاف بین سنت و مدرنیسم، ضعف نظریه‌پردازی، فقدان معیارها و موازین جا افتاده برای درک منطقی دنیای جدید، ضعف حاکمیت نقد و گفتگوی انتقادی، حاکمیت دیوان‌سالاری در اداره پوهنتون‌ها، برخوردهای نامناسب با اصحاب اندیشه، ضعف خلاقیت، نوآوری علمی و روحیه پرسش‌گری، استفاده نکردن از دیدگاه‌های تخصصی به صورت روش‌مند در زمینه‌های مختلف و نبود سنت علمی پوهنتونی، از جمله دیگر دلایل توسعه‌یافتگی علمی ذکر شده است (بانکی، ۱۳۸۵).

راه‌حل‌ها

افغانستان در دوره‌های مختلف مورد تهاجم فرهنگ‌های بیگانه قرار گرفته و آسیب‌های زیادی در این زمینه دیده است. بازگشت به هویت افغانی و اسلامی می‌تواند در دراز مدت آسیب‌های وارده را ترمیم کند. توسعه دانش، فرهنگ و تحصیلات در جامعه افغانستان و تحول آن مستلزم تحقق اهدافی از قبیل تغییر بنیادی در تشکیلات اداری، تدوین قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی، اجرای مدیریت مشارکتی در امور علمی و فرهنگی و تغییر و تحول بنیادی در نگرش مردم نسبت به مسائل تعلیم و تربیه است. با آموزش منظم می‌توانیم سه نوع تغییر را در حیطه‌های علمی و شناختی، عاطفی، روانی و رفتاری از لحاظ دانش نگرش و باورها در جامعه ایجاد کنیم. کشور عزیز ما افغانستان در زمینه توسعه تحصیلات عالی و فرهنگی با چالش‌هایی هم‌چون بی‌ثباتی مدیریت، بروکراسی، فقدان آزادی، فقدان برنامه‌ریزی، عدم اعتماد به نفس، پرهیز از تفکر و کم فکر کردن، کم کاری و تنبلی، فقدان نظم و انضباط در امور، روحیه تک‌روی، عدم انگیزه پیشرفت، عدم حساسیت به وقت و زمان و بها ندادن به آموزش و یادگیری روبه‌رو است. این چالش‌ها چنان‌چه که قبلاً هم یادآور شدیم، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی دارند که در طول زمان به وجود آمده‌اند و در کوتاه مدت ما نمی‌توانیم آن‌ها را از بین ببریم. در کشورهای پیشرفته در هنگام تغییرات سیاسی فقط کارمندان و رده‌های بالای سیاسی تغییر می‌کنند و مدیران و کارمندان حرفه‌ای و

متخصص از ثبات برخوردارند. ولی متأسفانه در کشور ما علاوه بر بست‌های سیاسی رده بالا کارمندان حرفه‌ی و تخصصی بر اثر تغییرات رژیم سیاسی تغییر می‌یابند. این امر، موجب می‌شود که متخصصین بخش نتوانند برنامه‌های کاری شان را به‌ویژه برنامه‌های درازمدت خویش را به انجام برسانند؛ درحالی‌که در امور علمی بدون مشارکت افراد متخصص و متعهد نمی‌توانیم که امور را به وجه بهتر و خوب‌تر پیش ببریم. در ذیل به صورت اختصار راه کارهای را با توجه به وضعیت کنونی جهت تقویت تحصیلات عالی و کاهش چالش‌ها پیش کش می‌دارم:

۱. حمایت همه جانبه شیوخ و بزرگان امارت اسلامی از برنامه‌ها و پالیسی‌های وزارت تحصیلات عالی؛
۲. توجه جدی به کیفیت ساختارهای تحصیلات عالی؛
۳. تدوین پالیسی‌ها و قوانین مناسب و تقویت نهادهای تحصیلات عالی از نظر کیفی و کمی؛
۴. پرداختن به آموزش‌های آنلاین در وضعیت‌های اضطراری؛
۵. اطمینان از عدم تبعیض (قومی، سمتی، محلی و منطقه‌ای) میان محصلان، استادان، کارمندان و کارکنان؛
۶. اطمینان از تخصیص عادلانه‌ی منابع مالی و بشری در پوهنتون و مؤسسات تحصیلات عالی؛
۷. فراهم‌سازی فرصت‌های مناسب جهت کسب دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها (ماستری و دکتری) و تمویل منابع مالی استادان در جریان تحصیل؛
۸. توجه جدی به جایگاه اجتماعی دانش‌مندان و استادان و معاش مناسب با در نظر داشت شرایط؛
۹. تاکید بر فراگیری تحصیل و برابری جنسیتی؛

مناقشه

تحصیلات عالی در افغانستان با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو است و این مشکلات و چالش‌ها بر رفتار، گفتار و کردار اکثر اتباع این کشور تأثیر داشته، چنان‌چه مشکلات ناشی از تحصیلات عالی را می‌توان در نوعیت برخورد مردم کشور با یک‌دیگر، روند توسعه‌ی کشور، شیوه‌های مقابله با فقر، بحران و غیره را به آسانی درک کرد؛ زیرا تحصیل بر همه‌ی نهادها و دستگاه‌های جامعه تأثیر می‌گذارد و توسعه‌ی کشورها در تمامی ابعاد نیازمند توجه به تحصیلات عالی است. توجه روز افزون به نوع و گسترش تحصیلات عالی، ضرورتی انکارناپذیر است و عدم توجه کافی به آن نهایتاً تنگناها و مشکلات عدیده‌ای را فرا روی رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد خواهد نمود و هم‌چنین نباید فراموش کنیم که توسعه در هر جامعه‌ای از ذهن توسعه‌یافته آغاز می‌شود و مادامی‌که محوریت منابع و فعالیت‌ها بر مقوله‌ی آموزش افراد واقع نشود، نمی‌توان با صرف هزینه‌های هنگفت در حوزه‌های دیگر انتظار نيل به اهداف

توسعه‌ی پایدار را داشت. بنابراین اقدام مسئولانه‌ی افراد و اجتماعات همه و همه برای ایجاد بستر لازم جهت ارتقاء وضعیت تحصیلات در کشور ضرورتی مهم است. امید است در آینده‌ی نه چندان دور، استادان و محصلین این کشور طعم تحول بنیادین در نظام آموزشی را بچشند.

چالش‌های موجود در نهادهای تعلیمی دولتی: کم‌بود استادان دارای تحصیلات عالی و مجرب، معاصر نبودن مواد آموزشی، کم‌بود برق و مجهز نبودن پوهنتون و مؤسسات با تکنالوژی معاصر، خلاء آموزش‌های حرفه‌ای و رشته‌بندی نشدن رشته‌ها به اجزا و مشتقات آن. هدف از تحصیل و آموزش در افغانستان تربیت نسلی است که به هویت ملی خود علاقه‌مند باشد، از قوانین فردی و عمومی آگاه باشند و به جان‌بازی در راه کسب علم و فرهنگ اصیل، اصالت و دفاع سرزمینش افتخار کنند؛ مهارت‌های زندگی و آداب اجتماعی را بلد باشند؛ چگونه زیستن و مخصوصاً چگونه با هم زیستن را بفهمند و در رویارویی با مشکلات آن‌چه برای خود می‌پسندند، برای دیگران هم بپسندند و بنی آدم اعضای یگدیگرند را بخوبی پذیرا باشند و همواره قانون و اجرای آن را اصل بدانند.

نتیجه‌گیری

رفاه و عظمت هر جامعه با تعلیم و تحصیل نسبت مستقیم دارد بدین معنی که هر اندازه سطح تحصیل و پرورش مردم بالاتر باشد به همان اندازه آسایش و رفاه و سعادت بیش‌تری بر آن جامعه حکم‌فرماست. سرمایه‌های انسانی با ارزش‌ترین دارایی یک کشور است و همه باید از فرصت‌های برابر برای رشد و شکوفایی فردی بهره‌مند شوند؛ نباید به صورت انحصاری تعداد قلیلی تحت حمایت قرار گیرند و خیل کثیری از استعدادهای نامشکوف در کشتی بحران‌زده‌ی پوهنتون‌های دور افتاده از مرکز به هدر روند. چنان‌چه که به محصلین مبتکر، مبتدع و متفکر در پوهنتون‌های برخی از ولایت‌های مختلف هیچ توجهی نمی‌شود. آموزش و تحصیل رکن اساسی و بنیان توسعه‌ی همه جانبه در هر کشوری است، نقش آموزش و تحصیل در اعتلای جوامع امروزی بسیار مهم و با ارزش است و استادان در قامت هدایت‌گران این عرصه، بار سنگین این مسئولیت را در پرورش استعدادهای درونی، پابندی و تعهد به آرمان‌ها و باورهای انسانی به‌دوش می‌کشند. استاد، کلیدی‌ترین نقش را در توسعه و پیشرفت جامعه بر عهده دارد و توسعه، تحقیق و نوآوری در جامعه، نیازمند نظام آموزشی برنامه‌محور و علمی است. عمده‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های موجود فراروی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی در افغانستان را در یک نگاه اجمالی می‌توان چنین برشمرد: فرار مغزها منجمله تعداد چشم‌گیری از استادان جوان و چیزفهم به‌ویژه در این اواخر، کم‌بود کادر علمی متخصص و متعهد در اکثریت پوهنتون‌ها که دارای تحصیلات عالی به درجه (ماستری و دکتورا) باشند، عدم روش‌های نوین در تدریس، بروز نبودن مواد درسی از نظر معیارهای

جدید علمی بین‌المللی، کثرت برخی از رشته‌های موجود که بازار کار ندارد، محدود نمودن برخی از رشته‌های تحصیلی برای محصلان دختر، عدم توجه مقامات رهبری وزارت تحصیلات عالی به معاش و امتیازات اعضای کادر علمی، بسته‌ماندن درب پوهنتون‌ها به روی دختران، برنامه‌ریزی نامنظم روی سیستم درسی محصلان، تعدد مراکز تصمیم‌گیری نسبت به تحصیل و مسیرهای موازی تصمیم‌گیری به‌ویژه تداخل در وظایف، اتلاف فرصت‌ها، حضور غیر مؤثر برخی از نهادها و افراد غیر متخصص در چوکات و رده‌های بلند نهادهای تحصیلی وزارت و پوهنتون‌ها، وجود شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی چون شکاف بین سنت و مدرنیسم، ضعف نظریه‌پردازی، فقدان معیارها و موازین جا افتاده برای درک منطقی دنیای جدید، ضعف حاکمیت نقد و گفتگوی انتقادی، حاکمیت دیوان‌سالاری در اداره پوهنتون‌ها، برخوردهای نامناسب با اصحاب اندیشه، ضعف خلاقیت، نوآوری علمی و روحیه پرسش‌گری و هم‌چنان استفاده نکردن از دیدگاه‌های تخصصی به‌صورت روش‌مند در زمینه‌های مختلف، از جمله دلایل دیگر چالش‌های فرا راه تحصیلات عالی و عدم توسعه علمی می‌توان ذکر کرد.

منابع

قرآن کریم

- بانکی، فرزین. (۱۳۸۵). هشت مانع در مسیر تولید علمی، کرسی نیوز.
- جهید، عبدالواحد. (۱۳۹۵). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، کابل: انتشارات مطبعه الفاروق.
- حیدری‌عبدی، احمد. (۱۳۸۹). موانع توسعه علمی در دوران معاصر، تهران: مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۸۴). تفسیر نور (خرم‌دل)، چ ۴، تهران: نشر احسان.
- ده‌آبادی، محمد علی. (۱۳۷۷). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ذاکر صالحی، غلام رضا. (۱۳۸۴). پوهنتون ایرانی درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی، تهران: کویر.
- رفع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۱). کند و کاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- عبدالسلام، محمد. (۱۳۹۵). شکوفایی علم در جهان اسلام، موانع و راهبردها، مترجمان: اصغر افتخاری و غلام رضا خواجه سروی، ناشر: مرکز تحقیق مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۷۶). نگاهی تازه به رابطه میان میان تحقیق و عمل تربیتی، مجله تحقیق تعلیم و تربیت، شماره ۷ و ۸.
- همتی، همایون. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی فرهنگی توسعه علمی، کانون فرهنگی رهپویان شیراز.

آسیب شناسی بازنگری نصاب تحصیلی افغانستان

پوهندوی همایون رهیاب

دیپارتمنت تاریخ، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بغلان، بغلان، افغانستان

ایمیل: hamayonrahyab84@gmail.com

چکیده

منظور از انجام این تحقیق، آسیب شناسی بازنگری نصاب تحصیلی افغانستان است. روش تحقیق کیفی از نوع تاریخی می باشد و محقق تلاش نموده با بهره گیری از منابع، مستندات و مصوبات در دسترس و مصاحبه های عمیق و نیمه ساختاریافته با خبرگان کلیدی تحصیلات عالی و نصاب تحصیلی، بازنگری برنامه های درسی آموزش عالی را در دوره های مختلف آسیب شناسی نماید. نتایج نشان می دهد که نصاب تحصیلی از سال ۱۳۱۱-۱۴۰۰ جهت گیری های متفاوتی داشته است. تجربه ای که قبل و بعد از جنگ های داخلی حاصل می شود؛ گذار از نظام نصاب تحصیلی نسبتاً مستقل و ملی در دوره اول به نظام ایدئولوژیک و متمرکز در دوره دوم و بعد از یک دوره رکود ده ساله، نصاب تحصیلی تحول میابد که در نتیجه ۱۶۵ رشته تحصیلی شناسایی می شود که بازنگری گردد؛ نصاب تحصیلی ۷۱ رشته تا اوایل ۱۴۰۰ بازنگری می شود.

اصطلاحات کلیدی: آسیب شناسی؛ بازنگری؛ تحصیلات عالی؛ جهت گیری ها؛ نصاب تحصیلی

Pathology of Afghanistan's Higher Education Curriculum Revision

Assistant prof. Hamayon Rahyab

Department of History, Faculty of Education, Baghlan University, Baghlan, Afghanistan

Email: hamayonrahyab84@gmail.com

Abstract

This research examines the evolution of Afghanistan's higher education curriculum revision. Employing a qualitative research method with a historical perspective, the study draws upon available sources, documents, and in-depth semi-structured interviews with key experts in higher education and academic staff. The results underscore a dynamic transformation in the academic curriculum from 1311 to 1400. This progression encompasses experiences before and after the civil wars, transitioning from a relatively independent and national curriculum system in the initial phase to an ideological and centralized system in the subsequent period. Following a decade of stagnation, significant curriculum revisions were implemented. Consequently, 165 academic fields were identified for revision, with 71 fields having undergone revision by the onset of 1400.

Keywords: Curriculum; Higher Education; Orientations Pathology; Review

مقدمه

بازنگری یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های نصاب‌های تحصیلی می‌باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) و پدیده نسبتاً جدید در تحصیلات عالی است (بیکر، ۱۹۹۶). رهبری وزارت تحصیلات عالی با درک اهمیت این موضوع مصمم شد که پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی نصاب تحصیلی خویش را مطابق نیازمندی و اقتضای روز بازنگری نمایند (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). بازنگری نصاب‌های تحصیلی در سال ۱۳۹۶، با طرح فراخوان کادرهای ملی و متخصصین موضوعی آغاز گردید (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰). در این برنامه، علاوه بر سایر نصاب‌های تحصیلی رایج در تحصیلات عالی افغانستان، منابع معتبر رشته‌های مشابه در دیگر کشورها نیز مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸).

حال مسئله اصلی، آسیب‌شناسی روند تاریخی بازنگری نصاب‌های تحصیلی است. نصاب تحصیلی نظام آموزش عالی، در دوره‌های مختلف به‌طور غیر تخصصی مورد بازنگری قرار گرفته و به ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی-مذهبی کم‌تر پرداخته شده است. این یکی از دلایلی است که تحصیلات عالی افغانستان حداقل در سه دهه اخیر با مشکلات بسیاری مواجه بود و نصاب‌های تحصیلی پوهنتون‌ها جهت تربیت دانش‌آموختگان ماهر که بتوانند متناسب با نیازهای جامعه جذب بازار کار گردند؛ پاسخ‌گو نبوده است.

از این رو، هدف انتخاب موضوع تحقیق آسیب‌شناسی تاریخی بازنگری نصاب‌های تحصیلی است که قبل از تحقیق حاضر، هیچ نوع تحقیق علمی مرتبط به آسیب‌شناسی بازنگری نصاب‌های تحصیلی در هیچ دوره تاریخی در افغانستان انجام نشده است. از دیدگاه محقق در دوره که از ۱۶۵ برنامه علمی ۷۱ برنامه بازنگری شده است؛ ضروری پنداشته می‌شود که این روند مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد. استفاده از نتیجه این تحقیق در طراحی و بازنگری نصاب‌های تحصیلی آینده برای سیاست‌گذاران تحصیلات عالی، نصاب‌سازان و برنامه‌ریزان درسی از اهمیت ویژه‌ی برخوردار خواهد بود.

سوالات تحقیق

۱. آیا در پروسه (فرایند) بازنگری نصاب تحصیلی افغانستان در دوره‌های مختلف، به بافت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی تأکید شده است؟
۲. در بازنگری نصاب تحصیلی در دوره‌های تاریخی از متخصصین این حوزه استفاده شده است؟
۳. در دوره تحول، نصاب تحصیلی مطابق معیارهای روز بازنگری گردیده که پاسخ‌گوی نیاز جامعه ملی و بین‌المللی باشد؟

پیشینه تحقیق

نصاب تحصیلی از جمله عناصر اساسی در نظام تحصیلات عالی به‌شمار می‌رود که می‌تواند در بهبود و پیشرفت نظام تحصیلی و تحول در اجتماع مفید و مثمر باشد. از این‌رو علی‌رغم سابقه نه‌چندان طولانی نصاب تحصیلی در آموزش عالی، حیات و تداوم پوهنتون‌ها با مؤلفه طراحی نصاب تحصیلی گره خورده است (هیکس، ۲۰۰۷).

در نظام تحصیلات عالی افغانستان کم‌تر به این اصل پرداخته شده است و حجم فعالیت‌های علمی از انواع مختلف در مقایسه با آنچه در حوزه آموزش و پرورش عمومی اتفاق افتاده است؛ شاهد روشنی بر این مدعاست. حتی نصاب تحصیلی یا برنامه درسی به‌عنوان یک رشته تحصیلی تا اکنون در پوهنتون‌های افغانستان ایجاد نشده است. این در شرایطی است که نظام تحصیلات عالی بدون اتکا به پشتوانه علمی لازم البته برحسب تکالیف و وظایف اصلی و اجتناب‌ناپذیر خویش به سیاست‌گذاری در حوزه نصاب تحصیلی در بخش‌های مختلف مشغول بوده است (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۳۹۹). این وضعیت با یک نظر اجمالی به منابع علمی و تخصصی موجود در قلمرو نصاب تحصیلی و هم‌چنین مقالات علمی و تحقیقی چاپ شده در این رشته به روشنی قابل اثبات است. این درحالی است که در دیگر کشورها در محورهای آسیب‌شناسی، بازنگری و سیر تحول نصاب تحصیلی تحقیقاتی متنوعی انجام شده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). اما در افغانستان اسماعیلی و همکارانش (۲۰۱۰) تاریخ مؤسسات تحصیلی افغانستان را به سه دوره زیر تقسیم‌بندی نموده است: الف- مؤسسات سنتی، ب: مؤسسات اسلامی، ج: مؤسسات مدرن و یا رسمی. بعد از اسماعیلی، موسوی و روسمن (۲۰۲۰) به سیر تحول تاریخی آموزش عالی افغانستان پرداخته و آن را به سه دوره‌ی محافظه‌کارانه (۱۹۳۰-۱۹۹۰)، آشفته (۲۰۰۶-۱۹۹۲) و تحول (۲۰۰۶- به بعد) تقسیم‌بندی نموده است.

علی‌رغم این بی‌مهری‌ها، تدوین و بازنگری نصاب‌های تحصیلی در مطابقت با احکام اسناد تقنینی اکادمیک و معیارهای پذیرفته‌شده ملی و بین‌المللی خصوصاً در دو دهه‌ی اخیر صورت گرفته است (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۳۹۹)، از این‌که نصاب‌های تحصیلی گذشته در پوهنتون‌های افغانستان جهت تربیت دانش‌آموختگان ماهر که بتوانند متناسب با نیازها و ضرورت‌های جامعه جذب بازار کار شوند؛ پاسخ‌گو نبود. وزارت تحصیلات عالی تصمیم گرفت تا پوهنتون‌ها به‌شکل مداوم و بهتر نصاب‌های تحصیلی خویش را تغییر و تحول دهند (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). اصلاح و بازنگری نصاب‌های تحصیلی با طرح فراخوان کادرهای ملی اعم از پوهنتون‌های دولتی و

خصوصی از سال ۱۳۹۶ در وزارت تحصیلات عالی آغاز گردید (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸) و به منظور تحقق اهداف زیر صورت می‌گرفت:

۱. آماده‌سازی نصاب‌های تحصیلی در مطابقت با نیازهای جامعه و بازار کار با در نظر داشت معیارهای ملی، منطقی و بین‌المللی.
۲. به‌روزرسانی نصاب تحصیلی با توجه به تحولات شگرف علوم و تکنالوژی به منظور تربیت کادرهای متخصص و پاسخ‌گو به نیازهای ملی، منطقی و بین‌المللی (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۳۹۹).

روش تحقیق

تحقیق مورد نظر کیفی و از نوع تاریخی است. تحقیق تاریخی به بررسی موضوعات معین در مقطع زمانی مشخص می‌پردازد و محقق با ارزش‌یابی صحت و سقم مطالب به تفسیر و تحلیل اطلاعات به دست آمده اقدام می‌کند. در همین راستا تحقیق تاریخی به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک شرایط کنونی بتوانند برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند (گال و همکاران، ۱۳۸۶). اگرچه هیچ نظریه یا رویکرد شخصی در خصوص مطالعات و تحقیقات تاریخی که مورد استفاده قرار گرفته باشد وجود ندارد؛ اما مجموعه‌ای کلی از مراحل که باید در آن طی شوند به شرح زیر می‌باشد (جانسون، ۲۰۱۲).

۱. شناسایی عنوان، تدوین سؤالات و مسایل تحقیق؛

۲. جمع‌آوری داده‌ها و بررسی ادبیات تحقیق؛

۳. ترکیب داده‌ها؛

۴. آماده‌سازی گزارش

از این رو، محقق تلاش نموده با بهره‌گیری از منابع، مستندات و مصوبه‌های موجود و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با خبرگان کلیدی حوزه تحصیلات عالی و نصاب تحصیلی، بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی را در این دوره آسیب‌شناسی نماید. منابع اطلاعات برای آسیب‌شناسی بازنگری نصاب‌های تحصیلی آموزش عالی افغانستان عبارت از: ۱. بررسی اسناد و مصوباتی مرتبط به دوره‌های بازنگری برنامه‌های درسی؛ ۲. نظرات مطلعین کلیدی حوزه نصاب تحصیلی و حوزه تحصیلات عالی بودند. مطلعین کلیدی با مشوره‌ی تیم تحقیقی و با استفاده از "رویکرد هدف‌مند" انتخاب شدند. از الگوی مصاحبه‌های کیفی و با رعایت موازین آن و استفاده از "معیار اشباع نظری" با ۱۴ نفر به عنوان نمونه در مدت زمانی بین ۳۵-۵۰ دقیقه مصاحبه شد. سپس داده‌های گردآوری شده از طریق تحلیل محتوای کیفی

تجزیه و تحلیل گردید. برای بررسی اعتبار داده‌های به‌دست آمده از معیارهای اعتبارسنجی کیفی قابل قبول بودن و قابل اعتماد بودن استفاده گردید.

یافته‌ها

در این تحقیق پس از تحلیل محتوای اسناد، مصوبات و نظرات خبرگان کلیدی حوزه برنامه درسی و تحصیلات عالی دوره‌های زیر به‌عنوان دوره‌های تاریخی در حوزه نصاب تحصیلی افغانستان شناسایی شدند.

۱. دوره اول: (۱۳۱۱-۱۳۵۷)؛

۲. دوره دوم: (۱۳۵۷-۱۳۷۱)؛

۳. دوره سوم: (۱۳۷۱-۱۳۸۰)؛

۴. دوره چهارم: (۱۳۸۱-۱۴۰۰)؛

۱. دوره اول: (۱۳۱۱-۱۳۵۷)

این دوره که ۶۰ سال به درازا انجامید. اساس تحصیلات عالی در سال ۱۳۱۱ با تأسیس پوهنهی طب گذاشته شد. درحالی‌که پوهنتون کابل بعد از تأسیس چهار پوهنهی رسماً در سال ۱۳۲۵ تأسیس گردید (دولت آبادی، ۱۳۸۲). اگرچه تحصیلات عالی محدود و توسعه آن تدریجی بود (صمدی، ۲۰۰۱). فقط اشراف‌زاده‌ها دست‌رسی داشتند؛ اما با حضور استادان و محصلان خارجی، تحصیلات عالی اعتبار بین‌المللی داشت (نخبة شماره، ۱).

تمرکز نصاب‌های تحصیلی در این دوره روی کیفیت تحصیلات عالی بود و اساس آن با همکاری کشورهای خارجی گذاشته شده بود. به‌همین دلیل نصاب تحصیلی متأثر از کشورهای خارجی بود (نخبة، شماره ۹ و ۹). یک‌گروه از محصلانی که به‌خاطر تحصیلات تکمیلی به خارج از کشور رفته بودند، با سند لیسانس و ماستری برگشتند و نصاب‌های تحصیلی را مطابق اندوخته علمی و دانش که در خارج فراگرفته بودند تهیه می‌نمودند (نخبة شماره، ۲). آزادی اکادمیک در طراحی و تدوین نصاب تحصیلی در این دوره وجود داشت (نخبة شماره، ۲، ۶، ۸).

۲. دوره دوم: (۱۳۵۷-۱۳۷۱)

در این دوره تحصیلات عالی پس از اشغال اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۳۵۸ از لحاظ کمی رشد چشم‌گیری داشت؛ اما کیفیت آن بسیار آسیب‌دیده بود (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴؛ هیوارد، ۲۰۱۵). چون رابطه تحصیلات عالی در انحصار کشورهای اقمار شوروی سابق بود و با دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای

اروپایی قطع گردید (نخبة شماره، ۱). متأسفانه، این وضعیت زمینه را برای کیفیت پائین فراهم کرد که تا امروز بهبود نیافته است (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴؛ هیوارد، ۲۰۱۵).

در این دوره نصاب‌های تحصیلی متأثر از ایدیولوژی کمونیسم بود (نخبة شماره ۲، ۸، ۹). تشکیل یک کمیته با صلاحیت برای تجدیدنظر نصاب‌های تحصیلی در مقطع ماستری و تدریس سه مضمون که در رژیم قبلی تدریس شده نمی‌توانست، به‌عنوان درس‌های تعویضی (فلسفه، اقتصاد سیاسی و تاریخ معاصر افغانستان) در اکثر صنف‌ها و تقرر استادان حزبی در پوهنځی‌های مختلف از جمله تغییرات بود که در نصاب تحصیلی وارد شد. اجباری شدن آموزش زبان روسی و کورس‌های از قبیل "جنبش انقلابی طبقه کارگر" شامل نصاب تحصیلی گردید. متون درسی تحت رهنمایی مشاوران روسی تهیه و بازنگری می‌گردید (اندیشمند، ۱۳۸۹). در مؤسسات تحصیلات عالی استادان روسی به کمک ترجمانان تاجیکی و افغانستانی درس‌های زیر را تدریس می‌نمودند:

سوسیالیسم علمی، ماتریالیسم تاریخی، ماتریالیسم دیالکتیکی، تاریخ نهضت‌های انقلابی و تاریخ معاصر افغانستان (نیازی، ۱۳۶۸).

۳. دوره سوم: (۱۳۷۱-۱۳۸۰)

دوره سوم که ۱۰ سال را در بر می‌گیرد؛ دوره رکود برای تحصیلات عالی بود (نخبة شماره ۱، ۲، ۵، ۸ و ۹). زیرا این کشور دو دوره مختلف سیاسی را تجربه کرد (کوچ، ۲۰۱۸). این دوره پر از لحظاتی ترس، عدم اطمینان، توقف و رکود بود. به‌دلیل جنگ‌های داخلی در این دوره، تحصیلات عالی یک دوره آشفتگی داشت (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴؛ بانک جهانی، ۲۰۱۳). مشکلات زیادی دامن‌گیر تحصیلات عالی گردید و سیر رشد آن متوقف شد (نخبة شماره ۹). توجه نظام سیاسی به تحصیلات عالی کاهش پیدا کرد؛ تعداد محصلان در پوهنتون‌ها کاهش یافت؛ شماری استادان کشور را ترک کردند (نخبة شماره ۱، ۲ و ۹).

در این دوره نصاب تحصیلی نظام‌مند نبود (نخبة شماره ۸). روی اسلامی‌سازی نصاب تحصیلی معارف نسبت به تحصیلات عالی بیش‌تر تأکید می‌شد. در بعضی پوهنتون‌ها مضمون‌های دینی در نصاب تحصیلی اضافه گردید و در رشته‌های علوم طبیعی و ساینس هیچ تغییراتی نیامد (نخبة شماره ۱). مرکز تحقیقات وجود نداشت و از تحقیق در پوهنتون‌ها خبری نبود (نخبة شماره ۵). بی‌نظمی در تطبیق نصاب تحصیلی (نخبة شماره ۱، ۲، ۵، ۸ و ۹)، کم‌بود منابع و نبود متخصصین برنامه‌ریز از ویژگی‌های این دوره بود (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴).

۴. دوره چهارم: (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

دوره چهارم را می‌توان به‌عنوان دوره تحول تحصیلات عالی تعریف کرد (نخبه شماره ۱، ۲، ۵، ۶، ۸ و ۹). با تأسیس ۱۵۰ مؤسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی، رشد انفجاری را تجربه کرده است (هیوارد و امیریار، ۲۰۰۴). تحصیلات عالی گسترش نمود و نزدیک به هفت برابر محصل از ۵۸۷۶۹ به ۳۶۵۹۸۲ افزایش یافت (ابراهیمی، ۲۰۱۴).

در این دوره بازنگری نصاب‌های تحصیلی به‌منظور تحقق اهداف ذیل صورت می‌گرفت:

۱. آماده‌سازی نصاب تحصیلی در مطابقت با نیازهای جامعه و بازار کار با درنظرداشت معیارهای ملی، منطقی و بین‌المللی.

۲. به روز رسانی نصاب‌های تحصیلی با توجه به تحولات شگرف علوم و تکنالوژی به‌منظور تربیت کادرهای متخصص و پاسخ‌گو به نیازهای ملی، منطقی و بین‌المللی (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰).

بنابراین نصاب تحصیلی از چند بعد توسعه پیدا کرد. یکی ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید بود. دیگر نصاب‌سازی با معیارهای عصری انجام می‌شد (نخبه شماره ۲). نصاب تحصیلی بعضی رشته‌ها به‌روز شد. پوهنتون‌های که همکاری با پوهنتون‌های خارجی داشتند، از نصاب تحصیلی آن‌ها استفاده می‌نمودند (نخبه شماره ۱). کلاستر (اجماع) نصاب تحصیلی ایجاد گردید و برای هر مضمون از تمامی پوهنتون‌ها متخصصین هر رشته دعوت می‌شدند و مشترکاً نصاب تحصیلی جدید را نیازسنجی و طراحی می‌نمودند. اگرچه نمی‌توان نصاب تحصیلی این دوره را صد در صد به‌روز گفت ولی تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در نصاب‌های تحصیلی به‌وجود آمد (نخبه شماره ۶). کمیسیون ملی نصاب تحصیلی ایجاد گردید. کمیسیون کارش را از مرحله نیازسنجی آغاز نمود و باید به دو پرسش ذیل پاسخ می‌داد:

۱. آیا در جامعه و بازار کار به دانش آموخته‌های این رشته تقاضای با دوام و مؤثر وجود دارد؟
۲. آیا امکانات و شرایط واقعی تحصیلی برای رشته مورد نظر موجود است یا فراهم شده می‌تواند تا محصلان مطابق اهداف مطروحه مؤسسه تربیت شوند؟

نیازسنجی رشته با شیوه‌های مختلف (توزیع پرسش‌نامه، مصاحبه و یا تدویر جلسات با اعضای کادر علمی، دانش‌آموختگان، محصلان سال اخیر و نمایندگان ادارات ذی‌ربط دولتی و خصوصی و...) صورت می‌گرفت (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰).

بازنگری نصاب تحصیلی، فرایند طولانی دارد و با تدویر کلسترها در چهار مرحله به شرح ذیل اجرایی می‌گردید:

مرحله اول: متخصصین رشته‌های مربوطه با حضور نماینده‌های ادارات ذی‌ربط بعد از بررسی سایر نصاب‌های تحصیلی موجود و مطالعه رشته‌های موجود در کشورهای جهان، نصاب تحصیلی را ترتیب می‌نمودند. نتایج کار جهت تدوین سرفصل‌های درسی و ابراز نظر به پوهنتون‌های دولتی و خصوصی و جمع‌آوری نظریات به سایر ادارات ذی‌دخل ارسال می‌گردد.

مرحله دوم: نظریات واصله از پوهنتون‌ها و ادارات ذی‌ربط در کلسترهای مربوطه بعد از بررسی توحید می‌گردید.

مرحله سوم: در مرحله سوم تعداد محدود اشتراک‌کنندگان، اعضای کمیسیون ملی نصاب تحصیلی، طراحان و همکاران فنی دعوت می‌گردید تا نصاب‌های تحصیلی که قبلاً توسط کلسترها تهیه گردیده را جمع‌بندی، تدوین و صحافت نمایند.

مرحله چهارم: نصاب‌های تحصیلی نهایی شده بعد از اخذ منظوری، توسط مطبوعه وزارت یا سایر انتشارات به چاپ می‌رسید و در اختیار پوهنتون‌ها و مؤسسات آموزش عالی قرار داده می‌شد (گزارش ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۹/۱۰/۷).

آسیب‌های بازنگری نصاب تحصیلی

همان‌طوری که قبلاً ذکر شد، نصاب‌های تحصیلی نسبت به هر زمانی در دوره دوم و چهارم در معرض بازنگری قرار گرفته است.

آسیب‌های بازنگری نصاب تحصیلی دوره دوم

در این دوره یک کمیته برای بازنگری نصاب تحصیلی تشکیل شده بود و تغییرات زیر ایجاد گردید:

تدریس مضامین تعویضی (فلسفه، اقتصاد سیاسی و تاریخ معاصر افغانستان) در اکثر صنف‌ها، استخدام استادان حزبی بدون معیارهای علمی، اجباری شدن آموزش زبان روسی به جای زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی و تدویر کورس "جنبش انقلابی طبقه کارگر، تعویض استادان داخلی و خارجی از مؤسسات آموزش عالی و استخدام استادان روسی، نفوذ مضامین سوسیالیسم در نصاب تحصیلی متون درسی تحت رهنمایی مشاوران روسی تهیه و بازنگری می‌گردید. به‌طور مثال: در پوهنخ‌ی طب دوره تحصیل از ۷ به ۵ سال تقلیل یافت و امتحان تقریری معمول گردید که در نتیجه آسیب‌های زیر را در قبال داشت:

قطع ارتباط آموزش عالی با جهان اسلام و غرب، تغییر برنامه‌های درسی در هم‌سویی با ایدئولوژی سوسیالیسم، روابط آموزش عالی منحصر به روسیه و اقمار آن بود. تشکیلات پوهنتون کابل به سبک روسی تغییر نمود؛ آزادی اکادمیک از میان برداشته شد؛ از پوهنتون به‌حیث یک اداره حزبی استفاده صورت می‌گرفت؛ بهترین آثار گران‌بها از پوهنتون مفقود گردید؛ اکثر مراکز علمی چون پوهنځی انجنیری تخریب شد که در نتیجه تعدادی استادان کشور را ترک کردند؛ اما پس از خروج نیروهای شوروی تغییراتی در برنامه‌های درسی به‌وجود آمد. اهداف و مقاصد سیاسی و ایدئولوژیک از قوانین تحصیلات عالی حذف شد و بر مبنای مصوبه شورای وزیران نصاب‌های تحصیلی کوتاه‌مدت به‌خاطر شمولیت مجدد محصلان که از آموزش باز مانده بودند، طراحی گردید.

آسیب‌های بازنگری نصاب تحصیلی دوره چهارم

موجودیت نصاب‌های تحصیلی متعدد در سطح دیپارتمنت‌ها، عدم نقشه‌های مفهومی برای مضمون‌ها، تناقض نام بعضی از مضمون‌ها با محتوای آن‌ها، عدم هم‌خوانی تعدادی از مضمون‌ها با رشته‌ها، کم بودن تعداد واحد درسی بعضی از مضمون‌ها، غیبت تعدادی مضمون‌های مهم و کاربردی در نصاب تحصیلی رشته‌ها، عدم تعریف دقیق از نوعیت مضمون و اهداف آن، تعریف نه‌شدن منابع ملی و بین‌المللی برای درس‌ها، عدم تعریف دقیق از لایحه سیستم کزیدت، عدم توضیح وظایف استاد و محصل و غیبت اهداف آموزشی رشته، از جمله آسیب‌های برنامه ملی بازنگری محسوب می‌شد (ریاست انکشاف برنامه های علمی، ۱۳۹۸).

تکثیر نصاب‌های تحصیلی در سطح تحصیلات عالی ناشی از فشارهای سیاسی برای گسترش سریع سیستم بود که ضعف حاکمیت برای هدایت مؤسسات تحصیلات عالی برای ایجاد برنامه‌های جدید متناسب با نیازمندی کشور را به دنبال داشت (ابراهیمی، ۲۰۱۴). بازنگری نصاب تحصیلی در علوم انسانی و سرمایه‌گذاری محدود در علوم طبیعی زاویه دیگری از آسیب‌های بود که باعث ایجاد شکاف دانش و مهارت در آینده خواهد شد (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۱۶).

علاوه براین؛ بازنگری نصاب تحصیلی با شعار "ملت واحد- نصاب تحصیلی واحد" (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸) در نوع خود یک رویکرد متمرکز بود. درحالی‌که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نا کارآمدی نصاب تحصیلی متمرکز مشخص گردید (سابار، ۱۹۹۷). می‌بایست نصاب تحصیلی به‌شکل غیر متمرکز بازنگری می‌شد. از این‌رو، آسیب اصلی را می‌توان در صلاحیت اعضای کادر علمی برای بازنگری نصاب تحصیلی جستجو کرد (هیوارد، ۲۰۱۵).

در ضمن خلای تخصصی در برنامه بازنگری نصاب تحصیلی برخی از شاخص‌های اصلی (دست‌رسی، کیفیت، ارتباط، برابری، یک‌پارچگی، شفافیت و خودمختاری نهادی) که در برنامه ملی بازنگری برجسته شده بودند؛ نیاز به همکاری شرکای راهبردی داشت که جای آن‌ها خالی بود و همکاری که انتظار می‌رفت نظر به شرایط سیاسی و امنیتی صورت نمی‌گرفت (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۱۶).

مناقشه

بازنگری نصاب‌های تحصیلی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه نظام مطالعات برنامه‌ریزی درسی در تحصیلات عالی می‌باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) که مورد نظریه‌پردازی قرار نگرفته است (بیکر، ۱۹۹۶). کم‌توجهی به سوابق و آن‌چه که در گذشته انجام شده، ممکن است منجر به تکرار اشتباهات در این حوزه باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). به‌باور دیبا، اجاری و همکاران (۱۳۹۰) یکی از محدودیت‌های بازنگری نصاب تحصیلی به محجوریت بحث تاریخی باز می‌گردد و حوزه نصاب تحصیلی از حاکمیت "روح غیرتاریخی" رنج می‌برد. نوروز زاده و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۷)، بدین‌باور هستند که متخصصین این حوزه از میراث فکری و تحقیقی این رشته در بازنگری استفاده مؤثر نمایند. بی‌توجهی نسبت به این قلمرو، هویت نصاب تحصیلی را با بحران مواجه خواهد کرد.

بحث دیگر، رویکردهای تمرکزگرایانه یا تمرکززدایی در قلمرو تخصصی نصاب تحصیلی است که به نیمه دوم قرن بیستم بر می‌گردد. در این زمان نصاب‌های تحصیلی عموماً توسط صاحب‌نظران با تیم‌های کارشناسی حرفه‌ای تولید می‌شد که عمدتاً منطبق بر موقعیت‌های واقعی صنف‌های درسی نبود و آموزش دهندگان تنها به‌عنوان اجراکننده نصاب تحصیلی شده بودند (سابار، ۱۹۹۴). در فاصله دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، ناکارآمدی نصاب تحصیلی متمرکز مشخص گردید و در نتیجه فرصت‌های ممکن برای برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و با محوریت مراکز آموزشی در پروسه (فرایند) بازنگری نصاب تحصیلی، مشارکت افراد و گروه‌های گوناگون در تصمیم‌گیری نصاب تحصیلی صورت گرفت (سابار، ۱۹۹۷). درحالی‌که تمرکزگرایی در تدوین عناوین و سرفصل‌های مضامین رشته‌های آموزش عالی ادامه یافت که همواره مورد انتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران قرار داشت.

از این‌رو همان‌طوری‌که استارک (۱۹۹۷) اظهار می‌کند: تغییر و اصلاح در نصاب تحصیلی در کشورها و پوهنتون‌های پیشرفته جهان مطابق تحولات صورت می‌گیرد. چنین تغییری در خدمت اصلاح نصاب تحصیلی آموزش عالی باشد و موجب اثربخشی آن شود. با این حال یکی از مفاهیمی که در تغییر نصاب تحصیلی مطرح می‌شود، اصلاح یا بازنگری است. اصلاحات شامل تجدیدنظر در سازمان و مؤسسه، ساختار نظام آموزشی و بازنگری نصاب تحصیلی می‌شود (فولن، ۱۹۸۵). در بسیاری از کشورها بازنگری

و بهبود مضمون معمولاً برعهده مدرس است، اما مسئولیت طراحی مجدد برنامه‌های درسی برعهده کمیته‌های است که گروه آموزشی را به‌طور ویژه برای انجام این کار تشکیل می‌دهد. مشارکت اساتید می‌تواند منجر به پیدایش درس‌های جدید، نصاب‌های تحصیلی بازنگری شده و نوآوری‌ها در تدریس شود که به نوع خود جالب و اثر بخش خواهد بود (نصر، ۱۳۸۶). در واقع بازنگری و تغییر در نصاب‌های تحصیلی بدون هموار کردن علایق و ارزش‌های اساتید میسر نخواهد بود (دیویس و رودز، ۱۹۹۸). لادن سلیمی (۱۳۹۳) به نقل از مازولی (۲۰۰۰) می‌نویسد: "اعضای کادر علمی تأثیر زیادی بر برنامه‌ریزی و محتوای درسی در آموزش عالی دارد". لاوتن (۱۹۸۳) براین عقیده است که نصاب تحصیلی باید بر پایه فرهنگ هر کشوری شکل گیرد و در بازنگری نصاب تحصیلی آموزش عالی لازم است نظام اجتماعی، اقتصادی، ارتباطات، فن آوری، اخلاقی، اعتقادی و زیبایی‌شناختی در نظر گرفته شود. هم‌چنان در بررسی ماهیت تغییر نصاب تحصیلی بر رابطه بین روند اصلاحات نصاب تحصیلی و بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأکید می‌شود که پاسخ‌گو به نیازهای جامعه باشد (ادام، ۲۰۰۹)؛ اما در افغانستان نه تنها به تاریخ تحول و بازنگری نصاب تحصیلی پرداخته نشده است؛ بلکه بازنگری نصاب تحصیلی در هیچ زمانی مورد آسیب‌شناسی قرار نگرفته است. برنامه‌های درسی هنوز به‌شکل متمرکز تهیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

حاصل تحقیق می‌رساند که تحصیلات عالی افغانستان چهار دوره تاریخی را تجربه کرده است و نصاب‌های تحصیلی در این دوره‌ها جهت‌گیری‌های متفاوتی داشته است. نکته مشترک جهت‌گیری‌های برنامه درسی که اغلب در تمام دوره‌ها مطرح بوده است. جهت‌گیری ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی حاکم است. اگرچه در دوره اول جهت‌گیری‌ها به‌سوی تربیت نیروی متخصص برای تأمین نیازهای جامعه و نظام بروکراتیک و دیوان‌سالار بود. اما در دوره دوم به‌ویژه در زمان اشغال شوروی، پرورش نیروی متعهد برای جامعه دموکراتیک و وفادار به نظام کمونیسم مدنظر بود. دوره سوم، جهت‌گیری‌های نصاب تحصیلی به‌سمت ایدئولوژی اسلامی در مناطق زیرحاکمیت حکومت مرکزی در دستور کار بود. در دوره چهارم جهت‌گیری‌ها به‌سوی تربیت نیروی متخصص و ایجاد رشته‌های تحصیلی مطابق نیاز ملی و بین‌المللی مطرح بود. اگرچه این بخش از نتایج تحقیق مبتنی بر مصاحبه با آگاهان کلیدی آموزش عالی و برنامه درسی است. اما در کمیسیون ملی بازنگری نصاب تحصیلی جای متخصصین نصاب تحصیلی خالی بوده و در بازنگری حضور معنادار نداشتند. علاوه بر آن، کارشناسان و مدیران اداره برنامه‌های علمی متخصص نصاب تحصیلی نبودند. در ضمن، رشته نصاب تحصیلی به‌عنوان یک نیاز در تحصیلات عالی تا هنوز ایجاد نگردیده است.

در پاسخ به سؤال اول، نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در هیچ دوره بازنگری نصاب‌های تحصیلی به بافت‌های اجتماعی توجه کافی صورت نگرفته است. در پاسخ به سؤال دوم باید گفت که تصمیم‌گیری‌ها در مورد اصلاح و بازنگری نصاب‌های تحصیلی اغلب حاصل تجربه و پیشنهاد صاحب‌نظران و استادان حاضر در جلسات بوده و اکثراً متخصص موضوعی بودند نه متخصص حوزه مطالعات برنامه درسی و نصاب تحصیلی. علاوه بر این، سطح تحصیلی بیش‌تری شان لیسانس و ماستر بوده است. در پاسخ به سؤال سوم باید اذعان داشت که نه تنها ایدئولوژی نظام‌های سیاسی حاکم بر نصاب تحصیلی نفوذ داشته، بلکه نصاب‌سازی براساس معیارهای علمی این حوزه و نیازمندی‌ها طراحی و تدوین نشده است که پاسخ‌گو به نیازمندی‌های جامعه ملی و بین‌المللی باشد. در ضمن پروسه (فرایند) نصاب‌سازی در این دوره‌ها با رویکرد متمرکز انجام می‌شد.

بنابراین در برنامه بازنگری نصاب تحصیلی، به آسیب‌های فوق‌الذکر که در نتیجه تحقیق شناسایی شده است، توجه صورت بگیرد و نصاب تحصیلی با معیارهای پذیرفته شده اصلاح شود که پاسخ‌گوی نیازمندی‌های جامعه ملی و بین‌المللی باشد.

پیشنهاده‌ها

۱. استفاده از متخصصین حوزه نصاب تحصیلی در طراحی، تدوین، تغییر و اصلاح نصاب‌های تحصیلی؛
۲. حمایت مالی و معنوی از برنامه ملی بازنگری و توسعه نصاب‌های تحصیلی از طرف مقامات ذی‌صلاح؛
۳. غیرمتمرکز کردن نصاب‌سازی تحصیلی با محوریت مراکز و نهادهای تحصیلات عالی.

منابع

- اندیش مند، محمد اکرام. (۱۳۸۹). معارف عصری افغانستان "۱۲۸۲-۱۳۸۹ هـ ش ۱۹۰۳-۲۰۱۰"، کابل: انتشارات میوند.
- دولت آبادی، بصیراحمد. (۱۳۸۲). شناس نامه افغانستان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دیبا و اجاری، طلعت، یمنی دوطس سرخابی، محمد، عارفی، محبوبه و فرداش، هاشم. (۱۳۹۰). مفهوم پردازی الگوهای برنامه ریزی درسی آموزش عالی (تجربیات ودست آوردها)، فصل نامه تحقیق در برنامه ریزی درسی، ۸(۲).
- ریاست انکشاف برنامه های علمی. (۱۳۹۸). نصاب تحصیلی رشته تاریخ، برنامه ملی بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی پوهنتون های کشور، کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- ریاست انکشاف برنامه های علمی. (۱۳۹۹/۱۰/۱۷). گزارش سال ۱۳۹۹ برنامه ملی بازنگری و انکشاف نصاب های تحصیلی، کابل: ریاست انکشاف برنامه های علمی، وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
- سال نامه افغانستان. (۱۳۵۸). کابل: انتشارات مطبعه دولتی، شماره ۴۴ و ۵۷، ص ۱۰۹۳.
- سلیمی، لادن و همکاران. (۱۳۹۳). تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، دو فصل نامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۵، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۵۲-۷۳.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۲). راهنمای عملی بازنگری برنامه های درسی در پوهنتون ها و موسسات آموزش عالی، تهران: انتشارات مهربان.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۵). برنامه درسی به سوی هویت های جدید، تهران: انتشارات آبیژ.
- فرهنگ، میرمحمد صدیق. (۱۳۸۳). افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران: انتشارات جاویدان.
- فولن، مایکل. (۱۹۸۵). تغییر برنامه درسی، ترجمه احمد رضا نصر. (۱۳۸۱). مندرج در کتاب برنامه درسی نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، پدید آورنده: محمود مهرمحمدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- کامگار، جمیل الرحمن. (۱۳۸۷). تاریخ معارف افغانستان، کابل: انتشارات میوند.
- کمیسیون ملی نصاب تحصیلی. (۱۳۹۹). رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، کابل: وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
- کمیسیون ملی نصاب تحصیلی. (تابستان ۱۴۰۰). رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- گال، مردیت؛ والتر بورگ، و جویس گال. (۱۳۸۶). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی، مترجمین: احمد رضا نصر و دیگران، تهران: انتشارات پوهنتونی شهید بهشتی، چاپ دوم.
- گرازش فشرده از فعالیت های وزارت معارف، ۱۳۸۱ (عقرب/آباد ۱۳۸۳)، چاپ ریاست نشرات وزارت معارف، ص ۵ و ۶.
- مهرمحمدی، محمود و همکاران. (۱۳۸۸). برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- نصر، احمد رضا، اعتماد زاده، هدایت و نیلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). برنامه درسی و طراحی در پوهنتون ها و مراکز آموزش عالی، اصفهان: انتشارات جهاد پوهنتونی.
- نگاهی به دست آوردهای وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۹. (۱۳۹۹). کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- نوروز زاده، رضا و فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۷). درآمدی بر برنامه ریزی درسی پوهنتونی، تهران: ناشر مؤسسه تحقیق و برنامه ریزی آموزش عالی.
- نیازی، امیدوار. (۱۳۶۸). عوامل و نتایج کودتای هفت ثور، چاپ پشاور.
- وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان. (۱۳۹۵). پلان استراتژیک ملی تحصیلات عالی ۱۳۹۵-۱۳۹۹.

- Adam, F. (2009) . Curriculum Reform in Higher Education: Humanities Case Study. PhD. Thesis, University of the Witwatersand , Johannesburg, South Africa.
- Babury, Mohammad .Osman. & Hayward. M, Fred. (2014). Afghanistan Higher Education The Struggle for Quality, Merit, and Transformation. Planning for Higher Education Journal | V42N2 January–March 2014.
- Bernadette Baker (1996) The History of Curriculum or Curriculum History? What is the Field and Who Gets to Play on it?, Curriculum Studies, 4:1, 105-117, DOI: 10.1080/0965975960040106
- Daniel, Couch. (2018): The policy reassembly of Afghanistan's higher education system.
- Davis, D.C., Rhodes, R., & Baker, A.S.(1998). Curriculum revision: Reaching faculty consensus through the nominal group technique. Journal of Nursing Education, 37(7),326-328.
- Esmaeily. Asad, Pahwa. Anil, Thompson. J. & Watt, Donald.(2010). Challenges and Opportunities for Strengthening Higher Education in Afghanistan. American Society for Engineering Education, 2010.
- Mountainscape. © (2013) International Bank for Reconstruction and Development /Publisher: The World Bank 1818 H Street NW.Washington DC 20433. Telephone: 202-473-1000. Internet: www.worldbank.org
- Hayward. M, Fred.(2015). Transforming Higher Education in Afghanistan: Success Amidst Ongoing Struggles. Society for College and University Planning. www.scup.org © 2015 by the Society for College and University Planning All rights reserved. Published 2015.ISBN 978-1-937724-51-1
- Hicks, O. (2007). Curriculum In Higher Education In Australia Hello? In Enhancing Higher Education Theory And Scholar Ship, Proceeding of The Goth Herdsa Annual Confrance.
- Ibrahimi.N. (2014). Bureaucratic Policies and Patronage Politics Prospects and Challenges of Private Higher Education in Afghanistan:Afghanistan Analysts Network. Afghanistan Watch.
- Johnson, B., Christensen, L. (2012). Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches.USA: SAGE Publication, 625 p.
- Lawton, D. (1993). Curriculum Studies and Educational Planning. London: Hodder and Stought, P.30.
- Mussawy, Sayed Ahmad Javid and Rossman, Gretchen B (2020) "Faculty Members' Perceptions of Quality Assurance and Accreditation in Afghanistan," Higher Learning Research Communications: Vol. 8 , Article4.DOI: 10.18870/hlrc.v7i2.402. Available at: <https://scholarworks.waldenu.edu/hlrc/vol8/iss2/4>.
- Sabar,N.(1994).Curriculum Development at School Level. International Encyclopedia of Education.
- Stark , J. (1997). Program and Level Curriculum Development. Research in Higher Education, Vol,38,NO,1.

اهمیت تحقیق در تحصیلات عالی و راهکارهای تقویت آن

پوهنیار عبدالسمیع رحمانی

دیپارتمنت حقوق عامه، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون سلام شاخه کندز، کندز، افغانستان

ایمیل: samy.rahmany@gmail.com

چکیده

در جهانِ امروز پیشرفت، ترقی و توسعه‌ی کشورها بر مبنای علم و دانش استوار است. در این میان فراتر از دانش‌آموزی سطحی، تحقیق و تولید دانش جدید از مهم‌ترین عناصر کلیدی رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و سیاسی کشورها به حساب می‌آید. تحقیق دانش نو می‌آفریند، امکان کشف کاربرد تازه دانش کهن را فراهم می‌سازد، به آموزش بهتر می‌انجامد و می‌تواند درآمدزا باشد، تحقیق مسأله‌های علمی را پاسخ می‌دهد، ابتکار و خلاقیت می‌آفریند، مشکلات و چالش‌های جامعه را حل و بدیل‌های مناسب و بنیادی پیش‌کش می‌کند. در یک نگاه کلان، تحقیق محوری در افغانستان، تحصیلات عالی این کشور را از مرحله‌ی دانش‌آموزی سطحی به مرحله‌ی تحقیقات علمی می‌کشاند. سؤال اساسی این است: آیا می‌توان به اهمیت تحقیق و راه‌های تقویت آن در نهادهای علمی افغانستان اندیشید. ما به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی هستیم. نوع تحقیق کاربردی، روش تحقیق توصیفی تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتاب‌خانه‌یی می‌باشد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که ما می‌توانیم از طریق تحقیق باعث تقویت مهارت‌ها و ایده‌ی بازار کار، بانی اختراعات جدید و مشخص کردن موقعیت آن شویم و نیز ارتباط علم و محصول را در پوهنتون‌های افغانستان برقرار سازیم.

اصطلاحات کلیدی: تحقیق؛ علم؛ تولید دانش؛ تحصیلات عالی؛ خلاقیت؛ افغانستان

The Importance of Research in Higher Education and Strategies to Strengthen it

Jr. Teaching Asstt. Abdul Sami Rahmani

Department of Public law, Faculty of law and political sciences, Salam University –

Kunduz Branch, Kunduz, Afghanistan

Email: Samy.rahmany@gmail.com

Abstract

In today's global landscape, a nation's progress and development hinge upon knowledge as a foundational pillar. Beyond the surface, research and the generation of new knowledge stand as paramount drivers of economic, social, cultural, industrial, and political advancement. Research not only births new knowledge but also enhances the understanding of existing knowledge, facilitates improved education, and has the potential to stimulate economic growth. Additionally, research addresses complex scientific challenges, fosters creativity, and poses fundamental societal questions. Viewing this from a macro perspective, research is central to elevating Afghanistan's higher education to a realm of scientific inquiry. The main query emerges: Can we underscore the significance of research and identify avenues to bolster it within Afghanistan's academic institutions? This research employs an applied descriptive-analytical approach, utilizing a bibliographic data collection method. The findings highlight how research can enhance labor market skills, drive innovation, assess societal needs, and establish the critical nexus between science and local product development across Afghanistan's provinces.

Keywords: Research; Science; Knowledge Production; Higher Education; Creativity; Afghanistan

مقدمه

تحقیق و تولید علم امروزه وظیفه‌ی اساسی نهادهای تحصیلات عالی و مراکز علمی افغانستان است. از سوی دیگر، یکی از نیازمندی‌های جدی جامعه‌ی اکادمیک ما نیز تلقی می‌گردد و همه رسالت داریم تا این فرهنگ میمون را در جامعه‌ی نابسامان کنونی کشور و مراکز علمی و حتی غیر علمی نهادینه بسازیم. تحقیق می‌تواند جلوی بسیاری از دوباره‌کاری‌ها و نیز ضیاع وقت را بگیرد. تحقیق ثروت آفرین است. مشکلات و چالش‌ها فرا راه جامعه‌ی ما، نیاز مبرم به تحقیق و یافتن راه‌حل علمی و معقول دارد. به عبارت دیگر، تحقیقات علمی به منزله سازوکار مؤثر و تعیین‌کننده در توسعه ملی، امری بسیار مهم و حیاتی است و در ابعاد مختلف آن (تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای) بر سایر متغیرهای اقتصادی- اجتماعی از جمله فقر، بیکاری و درآمد سرانه ملی تأثیرگذار بوده و باعث بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی می‌شود. توفیق در این زمینه‌ها در صورتی امکان‌پذیر است که در پوهنتون‌های کشور توجه لازم به تکنیک‌ها و روش‌های تحقیق صورت گیرد. استادان، محققین، طالب علم، کارشناسان و محصلان، دانش و مهارت‌های لازم را برای انجام تحقیقات علمی تحقیقی کسب و تقویت نمایند. مسایل و مشکلات موجود در جامعه‌ی خویش را شناسایی و با انجام تحقیقات علمی برای رفع آن، راهبردهای عملی ارائه دهند (اسحاقی، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

باید دانست که برای حل مسأله‌های علمی و ارائه راه حل آن، شیوه‌های خاص علمی وجود دارند که به آن روش تحقیق می‌گویند. از آن‌جا که محصلان به تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل‌ها می‌پردازند، مضمون روش تحقیق را که شیوه، اسلوب و روش‌های علمی تحقیق را بیان می‌کند، در نهادهای اکادمیک^۷ آموزش می‌دهند. تحقیق در واقع غور و بررسی سخت‌کوشانه و تجربه‌ی پُر دست‌آورد با هدف کشف واقعیت‌ها و تفسیر درست این واقعیت‌ها و فرایند رسیدن به پاسخ‌های مناسب از طریق گردآوری اطلاعات، تحلیل و تفسیر داده‌ها به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند و یکی از اساسی‌ترین نیازها برای پیشرفت و توسعه‌ی پایدار در یک کشور تلقی می‌گردد. اما روش «مجموعه وسایل و راهنمایی‌هایی است که رسیدن به مقصدی را میسر می‌سازد و در پهلوی آن روش علمی مجموعه وسایل و راهنمایی‌هایی است که محقق را به علم؛ یعنی قوانین واقعیت رهبری می‌کند و هم‌چنان او را از گمراهی و کج‌اندیشی باز می‌دارد. روش‌های علمی؛ مانند خود علوم متعددند و هر روشی تا اندازه‌ی به کشف قوانین علمی پرداخته و محقق در هر مورد مناسب‌ترین روش را برمی‌گزیند. تحقق و نهادینه شدن این همه جلوه‌های پیشرفت به گسترش فعالیت‌های تحقیقی در محیط اکادمیک و به خصوص تحصیلات عالی کشور بستگی

^۷. منظور از نهادهای اکادمیک؛ پوهنتون‌ها، مؤسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی دولتی و خصوصی می‌باشد.

دارد. در ضمن روش تحقیق را منطق تحقیق نیز دانسته‌اند؛ زیرا منطق، قوانینی برای درست فکر کردن را به انسان‌ها می‌آموزد؛ اما روش تحقیق، قواعدی برای درست تحقیق کردن را عرضه می‌کند و هر دو دانش سعی دارند تا روند و مراحل تولید گفتار و نوشتار نظام‌مند و قاعده‌مند شود (صالحی، ۱۳۹۶، صص ۱۳-۱۴). بنابراین این مقاله در صدد بررسی کاربردی اهمیت تحقیق در نهادهای تحصیلات عالی افغانستان و راهکارهای تقویت آن در این کشور انجام شده است.

بیان مسأله

اهمیت تحقیق در نهادهای علمی و اکادمیک از آن‌جا مهم تلقی می‌گردد که برای نگارش یک اثر علمی تحقیقی و درج آن در مجلات و ژورنال‌های معتبر داخلی و بین‌المللی رعایت برخی نکات معیاری و پذیرفته شده در آن الزامی می‌باشد. تحقیق علمی را با روش صحیح آن می‌شناسند و به‌خاطر این مهم، همیشه روش تحقیق را از موضوع تحقیق برتر و والاتر می‌دانند. بهترین موضوع اگر با روش صحیح، مورد تحقیق و کنکاش قرار نگیرد و با روش‌های استندرد نگارش نشود، فاقد هرگونه اعتبار و ارزش علمی است. اصطلاحی زیرنام In The Bin در جوامع اکادمیک غرب رایج است که به معنای "به درد سطل زباله می‌خورد" می‌باشد. اصطلاح مزبور به آثار علمی-تحقیقی گفته می‌شود که در آن‌ها اصول روش تحقیق و نگارش نوین علمی رعایت نشده باشد و هنگام داوری، بدون آن‌که موضوع تحقیق مورد مطالعه و استفاده قرار گیرد، مستقیماً درون سطل زباله‌دانی انداخته می‌شود. این جاست که نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در افغانستان باید به ارزش و اهمیت تحقیقات علمی پی‌برده و راهکاری تقویت آن را جست‌وجو نموده و ظرفیت مراکز تحقیقاتی‌شان را وسیع ساخته و بلند ببرند (بی‌نا، ۱۳۹۳، ص ۳۴). در عین حال چه‌بسا به روش‌های کاربردی تحقیق نیازمندی احساس می‌کنند و این نیاز به وضوح قابل مشاهده است و منبعی که چنین مأموریتی را راهنمایی و هدایت کند، به‌ندرت در این نهادها یافت می‌شوند. سایر منابعی که در مراکز علمی هم تاکنون برای محصلان رشته‌های علوم اجتماعی و تجربی تدریس می‌شوند، تقریباً تمام آن‌ها برای محیط دیگری، فضای دیگری و با حال و هوای دیگری ترتیب و تنظیم شده‌اند. قرار نیست همیشه مدیون و مرهون تحقیقات علمی و دست‌آوردهای دیگران باشیم. بومی کردن نیازمندی‌های علمی تحقیقی، نهادهای تحصیلات عالی کشور بیش از هر زمان دیگر احساس تعلق می‌نماید و آشنایی آن بیش‌تر از ناآشنایی‌اش رخ‌نمایی می‌کند. این مسأله را باید جدی گرفت و به تولید آثار در این زمینه پرداخت و نباید از کاروان پیشرفت عقب ماند. در این میان استادان و دست‌اندرکاران پوهنتون‌های افغانستان بیش از هر کسی دیگر، مأموریت و مکلفیت ویژه دارند (بایسته‌های روش تحقیق، ۱۳۹۷، ص ۴۳).

مسئله و مشکل اساسی ما در تحقیق این است که چندان درکی درست و علمی از ماهیت و چیستی علم نداریم؛ زیرا هنوز بین بی‌طرفی نگاه علمی و سلیقه و عاطفه‌های مذهبی و قومی تفکیک قایل نیستیم. به رویدادها و موضوع‌ها نگاه بیرونی که نگاه علمی است، نداریم. کوشش و تلاش ما این است که در بیان موضوع‌ها و رویدادها روش علمی را نه بلکه سلیقه و عاطفه‌ی خود را اعمال می‌کنیم. این رویکرد و طرز دید به علم و تحقیق مانع تحقق روش علمی و تحقیقی در شناخت موضوع‌ها و رویدادها می‌شود. بنابراین آنچه را که بنام تحقیق و علم ارائه می‌کنیم در واقع خلاف ماهیت و چیستی علم، تحقیق و روش علمی تحقیق است. بحث علم، محدود و مشخص است: بررسی روش‌مند موضوع‌محور داده‌ها، ارائه‌ی ارقام و آمار، تجربه‌پذیری و آزمایش به‌اساس آزمون و خطا (ابطال‌پذیری). هر آنچه که روش‌مند و موضوع‌محور نیست، ارائه‌ی ارقام و آمار ندارد، تجربه‌پذیر و قابل آزمون نیست، درستی و نادرستی و معناداری آن نمی‌تواند مشخص شود (حافظ نیا، ۱۳۸۲، ص ۸۷). بنابراین از عرصه‌ی تجربی علم، روش تحقیق و معناداری تحقیق بیرون است. تجربه‌پذیری و معناداری در علم و تحقیق نیازمند روش است؛ فرق نمی‌کند به روش کمی، کیفی یا تلفیقی ارائه شده باشد. در هر صورت روش علمی در تحقیق باید مشخص باشد تا با استفاده از آن روش بتوان نتیجه و معناداری تحقیق را سنجید و درک کرد. در این مقاله نیز سعی کردیم تا این مسئله به صورت کاربردی و روش‌مند به بررسی گرفته شود که خالی از فایده نخواهد بود و در اصل دغدغه‌ی نگارنده نیز پی‌بردن به اهمیت این موضوع مهم می‌باشد که مسیر دادن در جهت استعالای آن لازمه هر محقق و نویسنده این بخش است.

سؤالات تحقیق

الف: اهمیت تحقیق در نهادهای آکادمیک مخصوصاً در افغانستان از چه جایگاهی برخوردار است؟

ب: راهکارهای تقویت تحقیق از کدام آدرس‌ها تحقق می‌یابد؟

ج: چرا تحقیق در تحصیلات عالی افغانستان جدی گرفته شود؟

پیشینه تحقیق

علمای معاصر اعتقاد بر این دارند که توسعه و پیشرفت علوم در نیمه‌ی دوم قرن (۲۰) به مراتب بیش‌تر و جامع‌تر از پیشرفتی است که کلیه‌ای علوم از پیدایش خود تا پایان قرن بیستم داشته است. این توسعه و پیشرفت سریع علمی صرفاً مرهون و مدیون به‌کار بستن روش‌های دقیق و صحیح تحقیقات علمی بوده است. هرچند در اوایل تلاش بر این بود که برای مطالعه‌ی علوم، سبک و روش معینی اتخاذ گردد؛ اما این تلاش در واقع به‌تدریج از زمان تفکیک این علوم آغاز گردید و غنچه‌های اولیه‌ی آن از آغاز قرن (۱۷) شکوفه زد. این مهم با کوشش‌های فراوان و از جان‌گذشتگی عده‌ی از دانش‌مندان که نه‌تنها خود

را از قید فلسفه؛ بلکه از استعمار کلیسا که مانع بزرگی در راه توسعه و ترقی علوم بود، نیز خارج ساختند. امثال؛ چون فرانسیس بیکن، گالیله، کپلر و دکارت میزبان این حرکت روبه پیشرفت و توسعه بودند. فرانسیس بیکن را پدر روش‌شناسی علم جدید می‌نامند (Copper, 1999, 76)؛ او هم‌چنان در تاریخ چهره‌ی بحث‌برانگیز نیز دارد. ولی قدم‌های نخست و مثبت در جهت کشف و دستیابی به واقعیت‌ها توسط فلاسفه‌ی قدیم یونان برداشته شد و این ارسطو بود که فرایند یک تفکر را خلق کرد. او برای اولین بار از استدلال قیاسی و استقرایی که مشهور به منطق صغرا و کبرا است، گفتمان نو پدید آورد و یک رابطه‌ی منطقی میان آن‌ها ایجاد کرد. روش قیاسی، یعنی از کل به جزء رسیدن است. این روش غالباً به صورت کیفی (بیش‌تر در علوم انسانی/ اجتماعی) انجام می‌شود و معمولاً در پایان‌نامه‌ها، مقاله‌های علمی در قالب یک چارچوب نظری انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند؛ اما روش استقرایی، یعنی از جزء به کل رسیدن است. این روش به صورت کمی (بیش‌تر در علوم تجربی) عرض اندام می‌کند و محقق از توزیع پرسش‌نامه‌ها و جمع‌آوری داده‌های جزئی به یک نتیجه کلی می‌رسد. این نکته را نیز فراموش نکنیم که تا قبل از رنسانس، عقل‌گرایی سنتی عمدتاً بر پایه‌ی روش ارسطویی، به عنوان مبنای شناخت تلقی می‌شد؛ اما پس از نوزایش و رنسانس و انقلاب فرانسه، نهضت جدیدی علیه عقل‌گرایی سنتی آغاز شد که تجربه، آزمایش و مشاهده را به عنوان مبنای کار پذیرفت که این مهم فقط در قالب روش تحقیق نوین می‌گنجد (حیاتی، ۱۳۹۶، صص ۹۸-۹۹).

هم‌چنان باورها بر این است که نخستین مقاله‌ی علمی در اواخر قرن شانزدهم میلادی توسط مایلدی مونتاین فرانسوی نگاشته شده است. بعد از او ادیبانی انگلیسی؛ چون: بیکن، آبراهام و جان درایدن بودند که تحت تأثیر مقاله‌های آن‌ها قرار گرفته‌اند. در کل تمام این شباهت‌ها، قرائن و نزدیکی زمان دلالت بر این دارد که اواخر قرن شانزدهم یا نهایتاً اوایل قرن هفدهم بوده که مقدمات و نظم اولیه تفکر انتقادی و روش‌های تحقیق علمی خودش را عریان کرده و در فرجام نمایان شده است (Belanger, 1992: 34-37). مقاله با ساختار و محتوای کنونی از گونه‌های مدرن و معاصر نوشتار است که پس از ایجاد صنعت چاپ و رواج مطبوعات به وجود آمد؛ پیش از آن نه تنها در افغانستان بلکه در جهان چنین نوشتاری با چنین محتوا و ساختار وجود نداشته است. مقاله‌نویسی با ساختار و محتواهای فعلی پس از قرن هژده کم رواج پیدا می‌کند و در موضوع‌های متفاوت: تاریخ، اجتماع، فلسفه، ادبیات، زیبایی‌شناسی و... نوشته می‌شود. اما چگونگی نگارش مقاله از قرن هژدهم تا قرن نوزدهم بیش‌تر جنبه‌ی غیر رسمی و خودمانی داشته است. مقاله‌های علمی از قرن بیست به بعد با روی کار آمدن مجله و نشریه‌های تخصصی، ساختار رسمی و نسبتاً مشخص پیدا کرده است. در افغانستان نیز پس از وارد شدن ماشین و

صنعت چاپ (صد سال پیش) و رواج جریده و نشریه، مقاله‌نویسی و روش تحقیق آغاز شد. از آن روزگار تا اکنون تحقیقات علمی و مخصوصاً مقاله‌نویسی ادامه داشته است؛ اما بنا به تغییرات ناگوار شرایط سیاسی که به صورت عموم زیرساخت‌ها و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در این کشور اساس نیافتند و به صورت جدی و اساسی آن مدرن و معاصر نشدند؛ تحقیق و مقاله‌نویسی نیز آن‌چنان که باید از نظر تنوع محتوایی و از نظر ساختار علمی مدرن می‌شد، نشده است. تحقیقات علمی و به‌ویژه مقاله‌نویسی در افغانستان به صورت سنتی و بیش‌تر به شکل غیر رسمی و خودمانی باقی مانده، وارد محتواهای جدی فکری و ساختار رسمی نشده است. امیدواریم وزارت تحصیلات عالی از این پس بتواند با راه اندازی چنین کنفرانس ملی توان‌مندسازی تحصیلات عالی به اهمیت بیش‌تر تحقیق و راه‌های تقویت آن ادامه داده و گام‌های بلندی را بردارد (ساروخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از روش توصیفی تحلیلی بهره جسته و داده‌های کتابخانه‌ای مشاهده‌ای را به صورت اسنادی تحلیل و تبیین نموده است. در تبیین اسنادی به اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت آن در تحصیلات عالی افغانستان اشاره شده است. تحقیق در نهادهای اکادمیک افغانستان که مرحله دوم و وظیفه اساسی پوهنتون‌ها است و به عنوان یکی از معیارهای اکادمیک نیز شناخته شده، کم‌تر به آن توجه شده و مخصوصاً وزارت تحصیلات و نهادهای مرتبط به تحقیقات علمی مثل اکادمی علوم در سال‌ها و دهه‌های گذشته کم‌تر هزینه کرده‌اند. مقررات، لوايح و طرزالعمل‌ها در این زمینه کم‌تر دیده می‌شود. استادان و محققان به قواعد و اصول تحقیق و روش تحقیق آشنایی ندارند تا مقالات، مونوگراف‌ها و رساله‌های علمی خویش را به صورت استاندارد بنگارند. در این مقاله سعی شده تا اهداف جزئی و کلی تحقیق در نهادهای دولتی و خصوصی چیده شود و در بخش دیگر پرسش‌های اساسی را پیش‌روی وزارت تحصیلات و سایر استادان و محققان قرار داده تا زمینه‌ی پرسش‌گری از حالا ایجاد و تولید دانش و پیشرفت کشور که ضامن فهم قواعد تحقیق و روش تحقیق است، به آن تأکید و تکیه شود. در بخش دیگر، پیشینه روش تحقیق و مقاله‌نویسی در جهان و افغانستان به بررسی گرفته شده و جایگاه آن در میان مؤسسات علمی تعیین گردیده است. هم‌چنان سعی شده تا ویژگی‌های تحقیق شمره شود و یافته‌ها در این زمینه نیز آورده شده است. در فرجام هم نتیجه‌گیری خوبی از این مقاله صورت گرفته و به خوانندگان کنفرانس توان‌مندی تحصیلات عالی برای سال (۱۴۰۱ هـ.ش) اینک پیش‌کش گردید.

یافته‌های تحقیق

۱. یافته‌ی این تحقیق نشان می‌دهد که نوشتن، تهیه و کاپی‌پست اکثر پایان‌نامه‌ها و مونوگراف‌های دوره لیسانس از اساس اشتباه بوده و وزارت تحصیلات عالی درباره‌ی پایان‌نامه‌های دوره‌ی لیسانس تجدید نظر کرده، بررسی نمایند که پایان‌نامه‌ی دوره‌ی لیسانس چه اهمیت علمی دارد و فایده‌ی آن به محصل، پوهنتون و کشور چیست؟ به‌جای این که استادان درگیر پایان‌نامه‌نویسی محصلان در دوره‌ی لیسانس شوند، بهتر است استادان تحقیق و روش تحقیق در دوره‌ی ماستری و دکتورا و در رتبه‌های علمی را جدی بگیرند. آثاری که در این دوره‌ها ارائه می‌شوند، تحقیقی و علمی باشند. خوب است به جای مونوگراف حداقل محصل یک مقاله علمی بنویسد.
۲. یافته‌ی این تحقیق نشان می‌دهد که استادان به اصول تحقیق و روش تحقیق به‌عنوان دومین نسل و ضرورت اساسی نهادهای علمی و اکادمیک نگاه نمی‌کنند. به روش‌های تحقیق مسلط نیستند و کم‌تر در ترفیع‌های علمی شان تحقیق و کنکاش می‌نمایند. اکثر محتوای علمی ترفیع علمی و مقاله‌های شان کاپی‌پست بوده و نوآوری و خلاقیت ندارند. استادان در تولید دانش نقش ایفا نمی‌کنند. محصلان را با ابزارهای علمی تحقیقی مجهز و تقویت نمی‌کنند تا با انجام تحقیقات علمی پایه‌های تحصیلات عالی در کشور محکم و پخته گردد.
۳. یافته‌ی این تحقیق نشان می‌دهد که وزارت تحصیلات عالی در قسمت تصویب بودجه ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه این وزارت کم‌تر توجه می‌نماید؛ مخصوصاً مراکز تحقیقات علمی پوهنتون‌ها در سطح کشور چه دولتی و خصوصی جدی گرفته نمی‌شود و مسئولین این مراکز از تحقیق چیزی نمی‌دانند.
۴. یافته‌ی تحقیق نشان می‌دهد که مصلحت‌های قومی و سلیقه‌های مذهبی به استقلال علم و تحقیق لطمه وارد کرده است. درحالی‌که به تحقیق باید به دید علمی نگریسته شود؛ این که تحقیق باید مسأله و مشکلی را در یک رشته‌ی علمی حل کند، سبب نوآوری و ترویج علم در یک رشته‌ی علمی شود و از نتایج تحقیق در حل معضل مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... استفاده صورت بگیرد.
۵. یافته‌ی تحقیق نشان می‌دهد که کارنامه‌ی تحقیقی محققان اکادمی علوم بررسی شود، دیده شود که در این نهاد تحقیقی ملی؛ تحقیق، روش تحقیق و ماهیت علم چقدر شناخته شده است و چقدر تحقیق و علم استقلال دارد. مهم‌تر از همه در این نهاد تحقیقی چه تحقیق‌هایی ارائه شده است که در عرصه‌ی ملی و منطقه‌ای رفع حل مسأله و مشکل کرده است. ماهیت علم و روش تحقیق جدی گرفته

شود. به استقلال پوهنتون‌ها و نهادهای تحقیقی از نظر علمی احترام گذاشته شود (یسنا، بیژن، عظیمی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷، صص ۱۳-۴۵-۹۸-۹۰).

بحث و مناقشه تحقیق

در این تحقیق مباحث مهمی در رابطه به اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت آن به بحث گرفته شد و در نخست گفتیم که روش، به معنای چگونگی راه رفتن است و روش در ترکیب روش تحقیق، گویای این معناست که تحقیق کردن بیان راه رفتن می‌باشد. واژه روش معادل انگلیسی (Method) اصلاً از ریشه یونانی methods که مرکب meta and odos اخذ شده است به معنای راه، طریق، شیوه و اسلوب است که در واقع جست‌وجوی تحقیق "پی‌گیری و رسیدگی" یا طریقه انجام کاری می‌باشد. روش تحقیق به معنای شیوه‌ی طرح و اجرای یک تحقیق نیز آمده است. واژه تحقیق مصدر باب تفعیل از ریشه حق به معنای راست و درست کردن و یا ثابت شدن آمده است. کلمه تحقیق معادل (research) در زبان انگلیسی و (البحث) در زبان عربی به کار رفته است (جامع، ۲۰۱۲، صص ۵۴-۵۵). چنان‌که خداوند (جل جلاله) در سوره مائده، سوره پنجم، آیه ۳۱ چنین می‌فرماید: «خداوند زاغی را فرستاد (که زاغ دیگری را کشته بود) تا زمین را بکاود و جست‌وجو کند». تحقیق به معنای تحقیق، ثابت کردن، رسیدگی، واریسی کردن، به مطلب رسیدن است و منظور از آن در علوم اجتماعی؛ عبارت از: «تلاش در جهت شناخت و پی‌بردن واقعیت‌ها، بررسی و یا اثبات صحت و سُقم یک فرضیه است» (رهنمود نگارش، ۱۳۹۸، ص ۵).

هم‌چنان تحقیق طبق ماده سوم فقره سوم رهنمود نگارش منابع درسی و رساله علمی استادان وزارت تحصیلات عالی کشور: «جست‌وجوی منظم اطلاعات با هدف یافتن نتایج جدید علمی، علم‌آفرینی و ارتقای سطح دانش بشری می‌باشد؛ ولی این تعریف خیلی ناقص به نظر می‌رسد؛ زیرا اکثریت مؤلفه‌های تحقیق در این تعریف دیده نمی‌شود. هرچند سه مؤلفه‌ی آن به وضوح بیان شده؛ اما عمده‌ترین آن‌ها از قید قلم باز افتاده است. هم‌چنان اشاره‌ی کوتاه داشتیم که روش تحقیق را نباید با روش‌شناسی تحقیق اشتباه گرفت. زیرا روش تحقیق اشاره به شیوه‌ها، تکنیک‌ها و مهارت‌های انجام تحقیق علمی است. اما روش‌شناسی تحقیق عبارت است از: «مطالعه و بررسی روش‌های مختلف تحقیق علمی می‌باشد. به تعبیر دیگر، روش‌شناسی تحقیق عبارت است از: «فرایند دست‌یابی به دانش از طریق جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل آن‌ها به یافته‌ها به شیوه‌ای جست‌وجو و چگونگی دست‌یابی به هدف تحقیق یا راه حل یک مسأله گفته می‌شود». تحقیق به‌طور کلی، دو منزل و مرحله دارد که عبارت است از: «گردآوری اطلاعات» و «پردازش آن‌ها» است. اما روش تحقیق در یک نگاه کلان، عبارت است از «چگونگی گردآوری مطالب و پردازش آن‌ها به منظور انجام کار نو به‌روی متن یا موضوعی کار نشده یا حل مسأله‌ی که تا هنوز از زیر

سایه‌ی مجهولات خودش را به‌دنیایی معلومات نکشاند است، می‌باشد. روش تحقیق در اصل شاخه‌ی از علم منطق است. در منطق، روش صحیح فکر کردن به‌طور نظری و فارغ از کاربرد آن، در علوم بیان می‌شود؛ اما روش تحقیق، صحیح فکر کردن به‌طور عملی و تطبیقی متناسب با هر یک از علوم بیان می‌گردد. در این میان انتخاب روش تحقیق ارتباط مستقیم به موضوع تحقیق دارد و محقق بایستی مشخص نماید که برای موضوع انتخابی، چه روشی را در نظر دارد (ارل، ۱۳۹۳، ص ۵۱).

بناً این نوشته سعی داشته تا اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت آن را به بررسی بگیرد که امید است در آینده تحقیقات بیش‌تری در رابطه به گسترش و توسعه تحقیق و روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و طبیعی کار و فعالیت‌های جدی از سوی نویسندگان، نخبگان و استادان پوهنتون‌های دولتی و خصوصی صورت گیرد تا اهداف اصلی موجودیت نهادهای اکادمیک و مراکز علمی معنا و مفهوم پیدا کند. مهم‌ترین دست‌آورد این نوشته هم بر ملا کردن اهمیت تحقیق و روشن کردن اهداف آن بود که به آن تقریباً رسیدیم؛ اما این کافی نیست و مراکز علمی-تحقیقات کشور نوشته‌های علمی شان را به اصول تحقیق و روش تحقیق نزدیک و آشنا نمایند تا مزه علم را همگان بچشند. چون مزه علم و دانش در لایه‌های زیرین تحقیق و روش تحقیق پنهان گشته است.

نتیجه‌گیری

اگر بخواهیم اهمیت تحقیق و راهکاری تقویت آن را از اساس جدی بگیریم باید روش تفکر، تحقیق و علم در نصاب وزارت معارف رعایت شود؛ روش تحقیق علمی در مقالات مجله‌های علمی کشور به‌صورت جدی اجرا شود؛ نهادهای آموزشی و تحقیقی ماهیت علم، تحقیق و روش تحقیق را طبق دریافت‌ها و روش‌های علمی مدرن معرفی کنند؛ وزارت تحصیلات عالی تدریس مضمون‌های نگارش علمی، روش تحقیق و فلسفه‌ی علم را در رشته‌های تحصیلی الزامی کند؛ پایان‌نامه‌نویسی دوره‌ی لیسانس مورد بررسی و تجدیدنظر قرار بگیرد؛ و در پایان‌نامه‌نویسی ماستری، دکورا و در رساله‌نویسی ترفیع علمی استادان، روش تحقیق و ماهیت علمی تحقیق جدی گرفته شود. با این هماهنگی کلی شاید بتوان وضعیت آفت‌بار تحقیق را تغییر داد و بهتر کرد؛ در غیر این، تحقیق اهمیت علمی، روش‌مند و مدرن پیدا نخواهد کرد. بنابراین نیاز است که فهم دانش و علوم مدرن شود؛ آموزش روش تدریس و روش تحقیق جدی گرفته شود و در دوره‌ی مکتب و تحصیلات عالی به‌صورت جدی و روش‌مند آموزش داده شود؛ مصلحت‌گرایی در علم و روش تحقیق از بین برود؛ و معیارهای روش علمی در تحقیق و در مقاله‌نویسی در مجله‌ها در نظر گرفته شود. در کل رویکرد نظام فرهنگی، آموزشی و علمی باید به تحقیق علمی روش‌مند شود که تحقیق از فساد و آفت نجات یابد. در فرجام، تحقیق نهادهای علمی افغانستان را از مرحله دانش‌آموزی سطحی به مرحله تحقیق محوری می‌کشاند.

منابع

- اسحاقی، سید حسین. (۱۳۹۲). اصول و مهارت‌های پایان‌نامه‌نویسی، چاپ اول، قم: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران)، تحقیق روشن حقیقت، ره‌پویان.
- اسدی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ اول، کابل: انتشارات سعید.
- اشراقی، سید علی محمد. (۱۳۹۱). آیین درست‌نویسی، چاپ چهارم، کابل: انتشارات یوسف‌زاد.
- امیری، سید رضا صالحی. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کیفی در تحقیق‌های اجتماعی، تهران: پوهنتون آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- بازرگان. ع. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- بی‌ی، ارل. (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)، ج ۱، مترجم: فاضل، رضا، تهران: انتشارات سمت.
- پرهیزگار، محمد مهدی؛ افروزی، علی اکبر آقاجانی. (۱۳۹۵). روش تحقیق پیش‌رفته در مدیریت با رویکرد کاربردی، محصلی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، کرج، آموزش‌گاه دانش‌آموختگان سلیم.
- تقی‌زاده، ابراهیم، علی‌رضا امام‌دادی. (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم حقوق، تهران: انتشارات مجد.
- جاوید، محمد جواد. (۱۳۹۱). روش تحقیق در علم حقوق به زبان ساده، ج. چهارم، تهران: انتشارات مخاطب.
- _____. (۱۳۹۷). بایسته‌های روش تحقیق در علم حقوق، تهران: انتشارات خرسندی.
- جهید، عبدالواحد. (۱۳۹۸). مونوگراف/پایان‌نامه‌ی تحصیلی (نگارش، ترتیب، دفاع و ارزیابی)، ترتیب‌دهنده: عبدالصمد راغب عظیمی، پوهنهی شرعیات پوهنتون سلام‌کنندز.
- حافظ‌نیا. م. ر. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- حسامی، حضرت‌گل و سید سمیع‌الله سادات. (۱۳۸۸). تیزس‌نویسی، کابل، قومندانی اکادمی ملی نظامی، دیپارتمنت حقوق، آمریت تدریسات.
- حکیمی، مهدی جلال‌الدین و شبیر احمد آتشین. (۱۳۹۸). نگارش حقوقی ۱، کابل: ناشر، بنیاد آسیا-افغانستان.
- حیاتی، علی عباس. (۱۳۹۶). روش تحقیق (بررسی موردی نحوه نگارش پایان‌نامه)، چاپ هشتم، تهران: بنیاد انتشارات میزان.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۷۸). روش تحقیق با رویکرد به پایان‌نامه‌نویسی، چاپ اول، تهران: کانون فرهنگی انتشارات درایت.
- خندان، علی اصغر. (۱۳۸۴). مغالطات، چاپ دوم، حوزه علمیه قم: تهیه و تحقیق: مرکز تحقیق علوم و فرهنگ اسلامی و مرکز تحقیق فلسفه و کلام اسلامی، ناشر مؤسسه بوستان کتاب قم.
- خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۱). روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی، تهران: پوهنتون گلستان، وبلاک عنصر ارتباط.
- رحمانی، عبداللطیف. (۱۳۹۸). بایسته‌های روش تحقیق، چاپ دوم، کابل-افغانستان: انتشارات سعید.
- ساروخانی. ب. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ هشتم، تهران: مرکز تحقیق علوم انسانی و مطالعات اقتصادی.
- شمس، اسدالله و سعید فروغ. (۱۳۹۳). روش تحقیق بدون معلم (خودآموزی کاربردی مراحل کلیدی تحقیق)، چاپ اول.
- شایان‌فر، حیدرعلی، سادات حسینی و محمدی علی صنعتی نجار و بیتا مهروری. (۱۳۸۸). راهنمای تألیف، ترجمه و نشر (کتاب‌های درسی علمی کاربردی-شامل شیوه‌نامه نگارش، ویرایش، طراحی و صفحه‌پردازی)، چاپ اول، تهران: انتشارات پوهنتون جامع علمی کاربردی.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران: نشر قومس.

- طزراعمل فرایند نگارش آثار علمی و تحقیقی. (۱۳۹۷). شورای علمی پوهنتون کابل.
- عباسی، بیژن. (۱۳۹۳). روش تحقیق در دانش حقوق، تهران: انتشارات میزان.
- عظیمی، عبدالصمد. (۱۳۹۸). منهج البحث (بحث نویسی-روش تحقیق)، پوهنتون سلام-کنندز، پوهنهی شرعیات.
- عظیمی، محمد نعیم. (۱۳۹۶). روش تحقیق اقتصاد و تجارت، چاپ اول، پوهنتون کابل.
- کتاب سبز/شین کتاب (رهنمود مآخذنویسی وزارت تحصیلات عالی). (۱۳۹۷). محمد بشیر مبشر و سایر دوستان، کابل: وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
- مارکزیک، جوفری، دیوید دمتتو و دیوید فستینگر. (۱۳۹۱). اصول طرح تحقیق و روش شناسی، مترجم: مریم خسروی، ج. دوم، تهران: انتشارات چاپار.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۷). غلط نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)، چاپ چهاردهم، تهران: مرکز نشر پوهنتونی.
- نیا، محمد رضا. (۱۳۹۴). خلاصه کتاب مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: مرکز پاکدشت.
- نیامان، محمد آصف. (۱۳۹۷). راهنمای نگارش و تدوین پایان‌نامه تحصیلی، چاپ اول، کنذز-کابل: انتشارات اصلاح افکار.
- نظری، علی‌اشرف. (۱۳۹۸). روش تحقیق و نگارش علمی (راهنمای عملی)، چاپ چهارم، انتشارات پوهنتون تهران.
- رهنمود نگارش منابع درسی و رساله علمی-تحقیقی اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی ملکی. (۱۳۹۸). وزارت تحصیلات عالی، معینیت علمی، ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه.
- یمین، محمد حسین. (۱۳۸۹). دستور نگارش و روش تحقیق، چاپ اول، کابل: انتشارات سعید.
- بی‌نا. (۱۳۹۳). کارگاه روش تحقیق مقدماتی، کمیته علمی و تحقیقی مدیریت پرستاری.
- اصول مقاله نویسی (چگونه یک مقاله علمی بنویسیم). (۱۳۹۳). پوهنهی مدیریت و اطلاع‌رسانی طبی تبریز-دفتر توسعه آموزش.
- افتخاری، قاسم. (۱۳۹۱). روش تحقیق به صورت دست‌نویس، تهران: نشر محصلی.
- تقوی، مصطفی. (بی‌تا). مقاله نویسی در یک درس.
- تولایی، روح اله. (۱۳۹۳). جزوه روش تحقیق پیش‌رفته (با تأکید بر فن‌آوری اطلاعات)، پوهنتون شهید بهشتی.
- جامی، مهدی. (۲۰۱۲م). آشنایی عمومی با روش تحقیق (از پیدایش سؤال تا رسیدن به جواب)، تهران: وبسایت سواد.
- حسینی، حمید. (۱۳۹۴). مقدمه‌ی بر روش تحقیق در علوم انسانی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۷.
- رحیمی، آرتا. (۱۳۸۷). اصول مقاله نویسی، وبسایت <http://artamat.rozblog.com>
- سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۹۸). روش تحقیق کیفی، مقاله علمی، سازمان اجتماعی-مدنی تعهد.
- قانون حمایت حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی‌رایت) سال انتشار ۱۳۹۵، شمار جریده (۱۲۳۰).
- مختاری، علیرضا. (بی‌نا). جزوه روش تحقیق، پوهنتون یزد-ایران.
- مراذخانی، فردین. (۱۳۹۷). جزوه روش تحقیق در علم حقوق، همدان-ایران: انتشارات پوهنتونی.
- Belanger, J. (1992) Teacher as researcher: Roles and expectations. An annotated bibliography.
- Cochran. Smith, M. & Lyyle, S. L (1990) Research on teaching and teacher research: The issues that divide. Education Researcher, 19 (2), 2. 10.
- Copper, L. R. (1990, April). Teachers as researcher: Attitudes and perception. Paper presented at Annual Meeting of the American Educational Research Association. Boston, MA.

آموزش محصل محور و چالش های آن در تحصیلات عالی افغانستان

پوهنیار الله محمد هخاند

دیپارتمنت ساینس، پوهنځی تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان
ایمیل: amhassand@gmail.com

چکیده

تدریس به روش سنتی، نداشتن مهارت های لازم برای بهره مندی در بازار کار و بعضی عوامل دیگر سبب شده که هزاران فارغ التحصیل پوهنتون های افغانستان بدون شغل باشند. روش های فعلی تدریس در پوهنتون های افغانستان پاسخ گوی خواسته های امروزی در بازار کار نیست و مورد انتقاد جامعه می باشد. برای حل این مشکل در اکثر پوهنتون های جهان از آموزش محصل محور استفاده می شوند. هدف از این تحقیق بررسی چالش های موجود برای تطبیق آموزش محصل محور در تحصیلات عالی افغانستان است. نتایج نشان می دهد که نصاب های تحصیلی محتوا محور، رایج بودن روش های سنتی، نبود لابراتوارها و کتابخانه های مجهز، عدم استفاده از تکنالوژی معلوماتی، عدم آگاهی بعضی اساتید و محصلان از فواید آموزش محصل محور و هم چنان عدم نظارت تحصیلات عالی از تطبیق آموزش محصل محور در پوهنتون ها از جمله چالش های آموزش محصل محور در تحصیلات عالی افغانستان است.

اصطلاحات کلیدی: آموزش محصل محور؛ آموزش مبتنی بر نتایج؛ تحصیلات عالی؛ ویژگی ها؛ ارزیابی

Student-Centered Learning and its Challenges in Afghanistan's Higher Education

Jr. Teaching Asstt. Allah Mohammad Hassand

Department of Science, Faculty of Information and Communication Technology, Kabul
University, Kabul, Afghanistan
Email: amhassand@gmail.com

Abstract

Traditional teaching methods and a lack of essential skills for workforce integration have left thousands of Afghan university graduates unemployed. The existing teaching approaches within Afghan universities are out of sync with the contemporary labor market demands and have faced societal critique. Student-Centered Learning, widely adopted by universities worldwide, presents a potential solution to address this issue. This research explores the challenges of implementing Student-Centered Learning within Afghanistan's higher education system. The findings reveal a range of obstacles, including curriculum content focus, the persistence of traditional teaching methods, inadequate laboratory and library resources, limited utilization of information technology, little awareness among some educators and students regarding the benefits of Student-Centered Learning, and a lack of higher education oversight in the implementation of this approach in universities. These challenges underscore the need for comprehensive reforms to align Afghan higher education with modern pedagogical practices.

Keywords: Student-Centered Learning; Outcome-Based Education; Higher Education; Attributes; Assessment

مقدمه

سرمایه معنوی کشور برای انکشاف ملی متکی به موفقیت تلاش‌های تحصیلات عالی دارای یک سیستم مؤثر و باکیفیت عالی می‌باشد. البته کلید انکشاف اقتصادی، کیفیت تحصیلات عالی است؛ نه تعداد محصلان، سطح فراغت و جذب محصلان در تحصیلات عالی. نیازمندی فزاینده به تحصیلات عالی از مهم‌ترین موارد رشد کمی نهادهای تحصیلی به‌شمار می‌رود. نهادهای تحصیلی نیازمند برنامه‌ریزی آینده‌نگر، ارتقای کیفیت مداوم و بهبود روش‌های کاری خود اند؛ از جمله لازم است تا برنامه‌ریزی درسی، شیوه‌های تدریس محصل‌محور، تحقیق، سازمان‌دهی، نحوه ارائه خدمات و اداره بهتر را قابل انعطاف و به‌روز ساخت.

هرسال از پوهنتون‌های افغانستان در حدود چهل هزار محصل فارغ‌التحصیل می‌شوند، اما به علت نداشتن مهارت‌های مانند حل مسئله، ارتباطات، تفکر انتقادی، اعتماد به نفس، رهبری و غیره برای بهره‌مندی در بازار کار آماده نیستند (NSIA, 2021). بدین ملحوظ وزارت تحصیلات عالی افغانستان به‌عنوان یک نهاد پالسی‌ساز برای پوهنتون‌های افغانستان در سراسر کشور، تصمیم گرفت تا تغییرات مثبتی را در نصاب درسی پوهنتون‌ها و روش‌های تدریس اساتید در همه پوهنتون‌ها به‌میان آورد که پوهنتون‌ها؛ محصلان مستعد، ماهر، خلاق، مبتنی بر نیازمندی‌های جامعه و عصر جدید را فارغ‌التحصیل نماید؛ تا سازگاری با بازار کار داشته باشند. پوهنتون‌ها باید روی داشتن فرصت‌های شغلی بهتر برای محصلان، افراد حرفه‌ای با قابلیت‌های قابل توجه به بازار تمرکز کنند. روش‌های تدریس فعلی در پوهنتون‌های افغانستان پاسخ‌گوی خواسته‌های امروزی در بازار کار نیست و مورد انتقاد جامعه می‌باشند. علاوه براین؛ اکثر اساتید درحال حاضر از روش تدریس سنتی پیروی می‌کنند که عمده‌تأ استادمحور در پوهنتون‌ها است. این روش‌ها در واقع، محصلان را از فرصت‌های شغلی، فرصت‌های ادامه تحصیلات عالی و مهارت‌های که در بازار بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد، جدا می‌کند (HEDP, 2016).

برای پاسخ‌گویی به چالش‌های قرن بیست و یکم، در اکثر پوهنتون‌های جهان از آموزش محصل‌محور (Student centered learning) استفاده می‌شوند. آموزش محصل‌محور به‌طور گسترده در کشورهایمانند مالیزیا، ایالات متحده امریکا، استرالیا، آفریقا و اروپا برای تغییر در روش‌های آموزشی سنتی به روش‌های فعال ترویج شده است. تا همین اواخر تمایل زیادی برای ارزیابی کیفیت در درجه اول از نظر ورودی‌ها و فعالیت‌ها وجود داشت؛ اما اکنون تمرکز از ورودی‌ها به خروجی‌ها (اهداف و نتایج) تغییر یافته است. یعنی، آموزش محصل‌محور همیشه بر آن‌چه که محصلان به‌دست می‌آورند و می‌آموزند،

به‌جای نتایجی که استاد انتظار دارد و می‌خواهد در پایان برنامه به آن دست یابد، تأکید می‌کند (Akramy, 2021; Mayer, 2022; Yusoff et al., 2013a).

آموزش محصل‌محور در سرتاسر جهان بسیار موفق بوده است؛ زیرا محصلان که زیر سایه آموزش مبتنی بر نتایج (Outcome-Based Education)، آموزش دیده‌اند، می‌توانند به بسیاری از دست‌آوردهای قابل توجه مانند ارتباطات، یادگیرندگان فعال، تفکر انتقادی، مهارت‌های کارآفرینی و به بسیاری از توانایی‌های دیگر دست یابند. چنین محصلان فارغ‌التحصیل توانسته‌اند وظیفه پیدا کنند و برای دیگران اشتغال‌زایی کنند. این اصل وسیعاً پذیرفته شده است که شیوه‌های «آموزش فعال» محصلان را برای آمادگی زندگی کاری آینده‌ی شان را بلند می‌برد (HEDP, 2016; WorldBank, 2015).

روش تحقیق

این مقاله با روش علمی مروری و کتابخانه‌ای انجام شده است و در تهیه‌ی آن از انواع کتاب‌ها، مجلات، مقالات و سایت‌های معتبر مانند وب‌سایت اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان، وب‌سایت وزارت تحصیلات عالی افغانستان و گوگل اسکالر استفاده شده است.

مفهوم و ویژگی‌های آموزش محصل‌محور

آموزش محصل‌محور مدلی است که در آن محصلان در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌گیرند و اساتید صرفاً به‌عنوان تسهیل‌کننده عمل می‌کنند و هدف شان ارائه دستورالعمل‌های مبتنی بر نیاز محصلان، یادگیری مشارکتی و مشارکت از طریق یادگیری فعال است که نسبتاً برعکس آموزش سنتی است. روش محصل‌محور به‌عنوان مدل اصلی کمک‌کننده در زمینه آموزش مبتنی بر کیفیت و نیاز جوامع در دنیای چالش‌برانگیز امروزی، محبوبیت پیدا کرده است (Abdullah et al., 2012). آموزش محصل‌محور در اوایل قرن بیستم ظهور کرد و برای اولین بار توسط هیوارد (Hayward) در سال ۱۹۰۵ میلادی این مفهوم معرفی شد که در سال ۱۹۵۶ توسط دیویی (Dewey) مورد استفاده قرار گرفت و بعداً توسط راجرز (Rogers) و سایر متخصصین برجسته تعلیم و تربیه مانند فرویب (Froeb) ، پایجیت (Piaget) و نولز (Knowles) به یک نظریه در تدریس گسترش یافت. برندز (Brandes) و جینیس (Ginnis) در کتاب تحت عنوان (راهنمای یادگیری آموزش محصل‌محور) اصول اساسی یادگیری محصل‌محور طور ذیل بیان نموده‌اند.

۱. یادگیرنده مسئولیت کامل یادگیری خود را دارد.
۲. سهم‌گیری و مشارکت برای یادگیری ضروری است.
۳. ارتباط خوب بین یادگیرندگان باعث رشد و توسعه آن‌ها می‌شوند.

۴. استاد تبدیل به یک فرد تسهیل کننده و منبع می شود.

۵. در آموزش حوزه های عاطفی و شناختی باهم رشد می کند.

۶. یادگیرنده در نتیجه تجربه یادگیری، خود را متفاوت می بیند.

از طریق روش یادگیری محصل محور، یادگیرندگان نقش منفعل خود را به نقش فعال تر تبدیل می کنند، مسیر خود را در یادگیری در نظر می گیرند و با استاد رابطه متقابل برقرار می کنند (Rehna et al., 27, March 2018; Yusoff et al., 2013a). در آموزش محصل محور به جای این که محصلان مطالبی را بیاموزند که هیچ ارتباطی با آن ها و زندگی آن ها ندارد. آن ها فرصت یادگیری و استفاده از دانشی را دارند که مستقیماً با مسائل و مشکلات پایدار و نوظهور در زمینه های زندگی واقعی مرتبط است و بستری را فراهم می کند که آن ها از طریق سؤال و جواب، ارتباط، تفکر انتقادی و حل مسئله می آموزند. آموزش محصل محور می تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ اما ویژگی های شان مشترک است. برخی از ویژگی های آموزش محصل محور قرار ذیل است (Abdullah et al., 2012).

۱. مرکز فعالیت محصلان می باشد؛
۲. استاد نقش تسهیل کننده را ایفا می کند؛
۳. برنامه های آموزشی متناسب با هر محصل؛
۴. تأکید بر یادگیری پروژه محور؛
۵. ارتباط میان برنامه درسی و علایق محصلان؛
۶. ارزیابی به عنوان ابزاری برای سنجش یادگیری و کمک به رشد محصلان؛
۷. بسترهای بازخورد معنی دار برای محصلان؛
۸. انعطاف پذیری و سازگاری؛
۹. آموزش به شکل مشارکتی و گروهی صورت می گیرد؛
۱۰. محصل مسئولیت پذیر، استقلال و پاسخ گویی کامل در قبال یادگیری خود دارد؛
۱۱. محصلان بیدار و متحرک اند؛
۱۲. آموزش از طریق عمل و تجربه صورت می گیرد؛
۱۳. آموزش تحلیلی است؛
۱۴. در آموزش تمام حواس سهم دارد؛
۱۵. محصلان بانشاط و باحساس قوی می باشد؛
۱۶. درس با علاقه مندی و نیازمندی روزمره می باشد.

در آموزش محصل محور روی یک محتوای خاص از جنبه کاربردی تأکید می‌شود؛ یعنی وقتی محصلان چیزی می‌آموزند، با استفاده از فعالیت‌های گوناگون در داخل و خارج از صنف، باید آن را عملی کنند. وقتی روش تدریس محصل محور و مبتنی بر نتایج توسط اساتید در پوهنتون‌ها استفاده می‌شوند، آن را مفید و آموزنده می‌یابند زیرا در چنین روشی هم اساتید و هم محصل به‌طور کامل در فرآیند آموزش سهیم می‌شوند. آموزش مبتنی بر نتایج یک فرایند آموزشی است که تلاش می‌کند تا محصلان به نتایج مشخصی در نتیجه مشارکت در فرایند یادگیری به‌دست آورند؛ یعنی به محصلان استقلال بیش‌تری داده می‌شود تا خودشان درباره درس‌های شان تصمیم بگیرند. علاوه براین؛ محصلان بخشی از یادگیری هستند؛ بنا براساس انتظارات آن‌ها از درس برای به‌دست آوردن نتایج مورد نظر به آن‌ها اهمیت بیش‌تری داده شود (Klemenčič, 2017).

یادگیری محصل محور عمدتاً مبتنی بر نظریه سازنده‌گرایی یادگیری است که بر این ایده بنا شده است که یادگیرندگان باید دانش را بسازند و بازسازی کنند تا به‌طور مؤثر یاد بگیرند، با یادگیری مؤثر که به‌عنوان بخشی از یک فعالیت، یادگیرنده ساختن یک محصول معنی‌دار را تجربه می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، برنلز و جینیس، برخی از ویژگی‌های یک صنف درسی آموزش محصل محور را بیان می‌کنند که در میان آن‌ها یادگیرنده باید مسئولیت کامل یادگیری خود را بر عهده بگیرد، در فعالیت‌های صنف اشتراک و باهم‌صن‌فیان خود همکاری کند. این فعالیت‌ها به‌نوبه خود رشد و توسعه را تضمین می‌کنند و یادگیرنده خود را در نتیجه تجربه یادگیری متفاوت می‌بیند. علاوه بر ویژگی‌های فوق، لی (Lea)، استفنسون (Stephenson) و تروی (Troy) بر نیاز به تأکید بر یادگیری و درک عمیق، احترام متقابل در روابط استاد و یادگیرنده و رویکرد معکوس به فرایند آموزش و یادگیری از سوی استاد و یادگیرنده تأکید می‌کنند. به محصلان باید آموزش داده شود که فرایند یادگیری خود را از طریق مشارکت در فعالیت‌های مشارکتی و صنفی، نظارت کنند تا در نهایت مسئولیت بیش‌تر و بیش‌تری را برای یادگیری خود بر عهده بگیرند که نقش استاد باید یکی از افراد تسهیل‌کننده باشد. چارچوب زیر پیشنهاد می‌کند که هنگام تعریف آموزش محصل محور، هفت مؤلفه زیر باید در نظر گرفته شود (Abdullah et al., 2012; TB & (Mohd Yusoff, 2010; Yusoff et al., 2013a).



شکل ۱: چارچوب آموزش محصل محور

هر یک از این ابعاد در زیر توضیح داده شده است:

توانمندسازی یادگیرندگان (مستقل، نظارت، مسئولیت‌پذیری)

توانمندسازی یادگیرنده به این صورت تعریف شده است: کسی که باید برای انجام وظایف انگیزه داشته باشد و به‌طور خاص، یک فرد توانمند، با وظایف به‌طور معنی‌دار برخورد می‌کند، برای انجام دادن فعالیت صنفی خوش می‌شود و احساس می‌کند تلاش‌های او بر روی طرح تأثیرگذار است. از این رو یادگیرندگان توانمند، یادگیرندگانی هستند که آگاه و درگیر فعالیت هستند.

اشتراک محصلان

اشتراک محصلان زمانی اتفاق می‌افتد که محصل مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می‌گیرند. محصلان مشترک، محصلاتی هستند که علی‌رغم چالش‌ها و موانع در فعالیت اشتراک می‌کنند و از انجام دادن فعالیت خود لذت می‌برند. محصلاتی که اشتراک می‌کنند، سهم شخصی در فعالیت دارند. به‌طور خلاصه، آن‌ها در فعالیت‌های شخصی معنی‌دار و مرتبط شرکت می‌کنند. مشارکت محصلان در یادگیری را می‌توان از طریق شرکت در کار پروژه‌ی یادگیری مشارکتی، یادگیری عملی، نمایش، تحقیق فعال و استفاده از مهارت‌های تفکر مرتبه بالاتر افزایش داد.

یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی وضعیتی است که در آن دو یا چند نفر باهم چیزی یاد می‌گیرند یا تلاش می‌کنند چیزی را بیاموزند. در اصل؛ یادگیری مشارکتی شامل کار در یک گروه است که پایه دانش و مجموعه مهارت‌های یکدیگر را بهبود و تقویت می‌کند.

نقش استادان

در آموزش محصل محور استادان نقش منبع، هم‌آموز، مشوق، برنامه‌ریز و تسهیل‌کننده را ایفا می‌کند. تسهیل‌کننده کسی است که یادگیری را بین یادگیرندگان آسان می‌کند. برای تشویق به تفکر و درک محتوا، از یادگیرندگان سؤالاتی پرسیده می‌شود. یک تسهیل‌کننده فعال کسی است که به‌طور خستگی‌ناپذیری یادگیرندگان را با سؤالاتی بررسی می‌کند که تفکر و درک آن‌ها را توسعه می‌دهد. یک شخص منبع کسی است که آگاه و در صورت درک اشتباه از درس، به مکانی تبدیل می‌شود که یادگیرندگان می‌توانند به آن مراجعه کنند و به دنبال توضیح باشند. یک هم‌آموز در طول تمرین تعامل با یادگیرندگان به تحقیق و ماجراجویی می‌پردازد، درحالی‌که یک مشوق یادگیری را با تشویق یادگیرندگان از طریق ارتباطات تعاملی با دیگر یادگیرندگان، ترویج می‌کند. از سوی دیگر، برنامه‌ریز کسی است که برای درس آماده می‌شود، مواد را برای فعالیت‌های صنفی انتخاب می‌کند، عکس‌العمل یادگیرندگان را پیش‌بینی می‌کند و در صورت بروز مشکلات در طول فعالیت‌ها، همیشه آماده طرح‌های جایگزین است. در نهایت، مودلی که ویژگی‌ها و رفتارهای شخصی او مانند شایستگی اجتماعی به‌عنوان یک الگوی زنده خوب برای یادگیرندگان معرفی می‌شود. چون یادگیرندگان ممکن است از او تقلید کنند تا به افراد مثبت تبدیل شوند (Purwandari et al., 2018).

مهارت‌های تفکر مرتبه بالاتر

مهارت‌های تفکر مرتبه بالاتر را می‌توان به‌عنوان مهارت تفکری تعریف کرد که در سطوح بالاتر سلسله مراتب فرایند شناختی رخ می‌دهد. طبقه‌بندی بلوم پذیرفته‌شده‌ترین سلسله مراتبی در تعلیم و تربیه است که می‌توان آن را به‌عنوان تداومی از مهارت‌های تفکر در نظر گرفت که با سطح تفکر دانش شروع می‌شود و در نهایت به سمت ارزیابی تفکر حرکت می‌کنند. این نشان‌دهنده استراتژی درجه بالاتر برای بررسی و نظارت بر عملیات ذهنی، تسهیل تفکر خلاق و انتقادی و توسعه تخصص است. مهارت تفکر مرتبه بالاتر به محصلان نیاز دارد که اطلاعات و ایده‌ها را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که معنی و مفاهیم آن‌ها را تغییر دهد. این دگرگونی زمانی رخ می‌دهد که محصلان واقعیت‌ها و ایده‌ها را به‌منظور ترکیب، تعمیم، توضیح، فرضیه‌سازی یا رسیدن به نتیجه یا تفسیری ترکیب کنند. تنظیم اطلاعات و ایده‌ها از طریق این

فرایندها به محصلان اجازه می‌دهد تا مسائل را حل کنند، معنی و درک جدید برای آن‌ها کشف کنند. تفکر انتقادی، خلاق، سازنده نیز با مهارت تفکر درجه بالاتر همراه است. تفکر انتقادی به عنوان تفسیر و ارزیابی ماهرانه و فعال مشاهدات، ارتباطات، اطلاعات و استدلال تعریف می‌شود و در سطح بالایی از طبقه‌بندی بلوم قرار دارد که شامل ترکیب، تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌شوند. این مهارت تفکر فرایندی است که در جهت معینی به سمت بالا پیشرفت می‌کند. در سطح اول، محصل باید دانش، اطلاعات یا موقعیت داده شده را به طور انتقادی تجزیه و تحلیل کند. سپس آن‌ها باید به طور خلاقانه گزینه‌های ممکنه مرحله بعدی را در نظر بگیرند و در نهایت، آن‌ها یک تصمیم و یک محصول جدید می‌سازند.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهارت تفکر مرتبه بالاتر، یادگیری عمیق است که به مهارت‌های تفکر، استدلال و قضاوت به طور گسترده‌ای قابل اجرا اشاره دارد. توانایی‌هایی که به افراد اجازه می‌دهد اطلاعات را به کار ببرند، یک جهان‌بینی منسجم ایجاد کنند و به روش‌های معنی‌دارتری تعامل داشته باشند. هم‌چنین یادگیری است که با وظایف شناختی درجه بالاتر مرتبط است. در فرایند یادگیری عمیق، تفکر عمیق صورت می‌گیرد. تفکر عمیق به کاربرد ایده‌های هدف‌مند و آگاهانه یک یادگیرنده در جهت یادگیری معنی‌دار اشاره دارد. درک عمیق زمانی اتفاق می‌افتد که محصلان درک نسبتاً پیچیده‌ای از این مفاهیم اصلی پیدا می‌کنند تا دانش عمیقی را نشان دهند. محصلان زمانی بر دانش مسلط می‌شوند که بتوانند با کشف روابط، حل مشکلات، ساختن توضیحات و نتیجه‌گیری، دانش جدیدی تولید کنند. درک سطحی توسط محصلان زمانی اتفاق می‌افتد که محصلان از دانش برای ایجاد تمایزات، استدلال‌ها، حل مشکلات و توسعه درک پیچیده‌تر از سایر موضوعات مرتبط استفاده نمی‌کنند یا نمی‌توانند استفاده کنند (Abdullah et al., 2012).

روش‌ها و استراتژی‌ها

در آموزش محصل محور، بسیاری از استادان از رویکرد انعکاسی استفاده می‌کنند که عبارت است از خودسازی، خودسازگاری و بازنگری در فرایند یادگیری که نتیجه آن به نفع استاد و محصل است. جدا از این‌ها، محصل درگیر کار واقعی می‌شود. برای اشتراک فعال و فعالیت در مورد وضعیت زندگی واقعی، به آن‌ها زمان خاصی اختصاص داده می‌شود تا در این مورد نظریات شخصی خود را بهبود دهد. سایر رویکردها شامل اشکال متعدد هماهنگی‌های است که استفاده از مهارت‌های تفکر سطح بالاتر مانند تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی در طول یادگیری خودسازمان‌دهی می‌باشد. این امر به تفکر یادگیرندگان کمک می‌کند تا آگاهانه نسبت به چگونگی تفکر، احساس، عملکرد و تنظیم آگاهانه یادگیری خود آگاه باشند که هم‌سو و مرتبط با سطح علاقه و شایستگی آن‌ها است (Al Faruki et al., 2019). هم‌چنان

استادان از روش‌های مختلف ارتباطی برای هدایت محصلان در تنظیم سطح فعالیت‌های دشواری در مطابقت با شایستگی آن‌ها، استفاده می‌کنند. این امر باعث تقویت ارتباط فعال بین استاد و محصلان می‌شوند. استاد باید برای برآوردن نیازهای مختلف محصلان با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی آن‌ها، برای درس برنامه‌ریزی کند. استادان باید از تفاوت‌های فردی محصلان در آموزش محصل محور به نحو خوبی و به‌طور مثبت استفاده کنند و با اختصاص دادن فعالیت‌های گروپی و مشارکتی، تشویق آن‌ها، احترام به افکار سایر هم تیمی‌ها، آن‌ها را باهم ترکیب کنند. علاوه براین؛ رویکردهای عملی تشویق می‌شوند و یک آموزشی بین فرهنگی صورت می‌گیرد تا با عادت‌های متفاوت، رفتارها، فرهنگ و ارزش‌ها مطابقت داشته باشد و به آن‌ها اجازه می‌دهد فرهنگ مربوطه خود را از دیدگاه خود تعریف و با دیگران به اشتراک بگذارند (al Ghouti, 2022).

ارزیابی

ارزیابی محصلان در آموزش محصل محور با روش سنتی متفاوت می‌باشد. تعریف وسیع ارزیابی شامل تمام فعالیت‌هایی است که استاد و محصلان در ارزیابی خود انجام می‌دهند و اطلاعاتی را ارائه می‌دهد، تا به عنوان فیدبک برای اصلاح فعالیت‌های آموزشی و یادگیری که در آن شامل هستند، استفاده شوند. دو نوع رایج ارزیابی مورد استفاده، ارزیابی تکوینی و ارزیابی جمعی است. اولی به ارزیابی انجام شده برای تعیین دانش و مهارت‌های محصل، از جمله شکاف‌های یادگیری در حین پیشرفت در یک واحد مطالعه اشاره دارد، در حالی که دومی به ارزیابی اشاره دارد که در پایان یک واحد مطالعه انجام می‌شود تا سطح درکی را مشخص کند که محصل به دست آورده است (Yusoff et al., 2013b).

محدودیت‌های تطبیق روش محصل محور در نهادهای تحصیلات عالی افغانستان

نهادهای تحصیلات عالی کشور با این که دست‌آوردهای چندی در طول حدود یک دهه اخیر داشته است، چالش‌ها و مشکلات فراوانی نیز فرا راه آن قرار داشته و دارد. نصاب‌های تحصیلی محتوا محور، رایج بودن روش‌های سنتی و به روش محصل محور نبودن صنف‌های درسی به علت کوچک بودن صنف‌ها، نبود لابراتوارهای مجهز، کتابخانه‌های دارای منابع اندک و نبود تکنالوژی معلوماتی کافی از جمله مشکلات جدی و مبرمی هستند که سیستم تحصیلات عالی با آن‌ها مواجه می‌باشد. با در نظر داشت موارد فوق اثرات یادشده هنوز هم در برخی فعالیت‌های آکادمیک سایه انداخته و تطبیق فعالیت‌های معیاری آکادمیک را کند ساخته است. با افزایش کمی محصلان، کم بود کادر متخصص و کارا، نبود منابع و زیرساخت‌های معیاری کافی و فعال، کم بود تسهیلات آموزشی، خلای شدید در عرضه و تقاضای نیروی بشری ورزیده و ماهر در رشته‌های ساینس و تکنالوژی را نام برد.

در کشورهای درحال توسعه در مورد تطبیق آموزش مبتنی بر نتایج دو مشکل واضح یافته شده است. اول این که اکثریت اساتید در مورد آموزش محصل محور و آموزش مبتنی بر نتایج به خوبی و یا هیچ آموزش ندیده و از اصول آموزش محصل محور برای پیاده سازی در صنف های درسی خود آشنا نیستند. در پوهنتون های افغانستان اساتید که تازه استخدام شده اند، در مورد آموزش مبتنی بر نتایج بسیار کم آگاهی دارند؛ چون آن ها در زمان تحصیل در پوهنتون های افغانستان به روش سنتی آموزش دیده اند و به همان شیوه های سنتی معمولاً با استفاده از روش لکچر تدریس می نمایند. آموزش اساتید در کشورهای درحال توسعه مانند افغانستان به منظور ایجاد اصلاحات مثبت در سیستم های آموزشی یک نیاز مبرم است. دوم، صنف های کوچک حاوی تعداد زیادی محصلان با سروصدای زیاد و ازدحام جمعیت، مانع دیگری است، برای محصلان و اساتید برای به کارگیری روش های آموزشی مدرن و فعال که در صنف های شان وجود دارد، زیرا این نوع صنف ها فرصت کمتری را برای اساتید فراهم می کند تا به صورت انفرادی با محصلان خود کمک و راهنمای کنند تا در پروسه آموزش سهم فعال داشته باشند. چنین مشکلاتی در پوهنتون های افغانستان وجود دارد که تطبیق آموزش محصل محور را در صنف های مزدحم احتمالاً غیرممکن می سازد (Mohayidin et al., 2008).

در تمامی پوهنتون های خصوصی و دولتی افغانستان، سیستم آموزشی به روش سنتی دنبال می شود که هیچ مزیتی برای محصلان و اساتید نداشته است. اساتید همیشه در صنف های خود مقابل محصلان و بدون استفاده از انواع فعالیت ها که جنبه های کاربردی دارند، سخنرانی می کنند. از سال ۲۰۱۶، وزارت تحصیلات عالی افغانستان تلاش کرده است تا اساتید پوهنتون ها را برای آموزش در مورد آموزش محصل محور به کشور مالیزیا بفرستد و بعد از برگشت، سایر اساتید را با دانش و مهارت هایی که آموخته اند، تربیت نماید.

اساتید که سال ها در پوهنتون های افغانستان به روش سنتی و با استفاده از میتود لکچر و محتوا محور تدریس می کنند. این کار برای آن ها به یک عادت تبدیل شده است و ترک این گونه عادت کار آسان نیست. هم چنان اساتید که تازه در پوهنتون ها استخدام شده اند؛ با تقلید از سایر اساتید و روش های تدریس در زمان محصلی، روش های تدریس سنتی را دنبال می کنند. بنابراین وزارت تحصیلات عالی باید با تدویر سمینارها، ورکشاپ ها و آگاهی دهی در زمینه آموزش محصل محور، مهارت های اساتید را بلند ببرد. پیاده سازی هر پدیده جدید در جامعه در ابتدا مشکلات خود را دارد و رویکرد آموزشی محصل محور به عنوان یک روش آموزشی جدید در ابتدا چالش های خود را خواهند داشت.

بنابراین وزارت تحصیلات عالی برای تطبیق هرچه بهتر و مؤثرتر این رویکرد آموزش باید در پوهنتونها از آن به شکل متواتر نظارت نماید.

علی‌رغم فواید زیاد آموزش محصل محور، چالش‌های وجود دارد که در آموزش محصل محور محصلان و استادان با آن روبرو خواهند شد، بعضی چالش‌های احتمالی آموزش محصل محور در رابطه با محصلان و اساتید در زیر یادآوری شده است.

چالش‌های مربوط به محصلان در آموزش محصل محور

۱. محصلان از اشتباه کردن در فعالیت‌های آموزش محصل محور می‌ترسند؛ زیرا ممکن است بر نمرات آن‌ها تأثیر بگذارد. راه‌حل این مشکل تشویق و بلندبردن اعتماد به نفس محصلان در فعالیت‌های مشارکتی آموزش محصل محور است.
۲. عدم آگاهی محصلان از فواید آموزش محصل محور و نتایج آن توسط آگاهی دادن از فواید و مزیت‌های آموزش محصل محور می‌توان این چالش را از بین برد.
۳. فرهنگ ضعیف مطالعه یکی دیگر از چالش‌های آموزش محصل محور است که با ترویج فرهنگ مطالعه، کارخانگی و فعالیت‌های مربوط به مطالعه و کتابخانه‌ای این چالش را می‌توان برطرف کرد.
۴. محدودیت‌های زبانی چالش دیگری است در آموزش محصل محور که با تشویق محصلان در چنین فعالیت‌ها و داشتن یک فرصت مناسب برای یادگرفتن و آشنایی با زبان‌هایی مختلف، می‌توان بر این چالش غلبه کرد (Rehna et al., 27 March 2018).

چالش‌های مربوط به استادان در آموزش محصل محور

تدریس کار آسانی نیست، زیرا استاد در تدریس با عوامل مختلف و متعددی سروکار دارد که کنترل مجموعه‌ی آن‌ها ممکن است محیطی را به وجود آورد که در آن یادگیری مطلوب و مؤثر صورت گیرد. بدون شک عواملی هم‌چون شخصیت استاد زمینه‌های علمی و تجربی او، اهمیت موضوع درس و مسائل بی‌شمار دیگری در کیفیت تدریس استاد تأثیر دارند. تدریس به روش سنتی و عدم آشنایی اساتید با آموزش فعال و محصل محور یکی از مشکلات دیگری در نظام آموزشی تحصیلات عالی کشور است. بلند رفتن سطح دانش و مهارت‌های پیداکوژیکی اساتید پوهنتون‌ها هدفی است که تمام پوهنتون‌ها در سراسر جهان می‌خواهند به آن دست یابند. ارتقای سطح دانش و مهارت‌های پیداکوژیکی استادان پوهنتون‌ها هدفی نیست که به افغانستان محدود باشد، بلکه تلاشی است که اکثر پوهنتون‌ها با زحمت بسیار زیاد به آن می‌پردازند. استادان باید برای ارتقای سطح آموزش محصلان و به حد اعلی رسانیدن توانایی آن‌ها به منظور رفع نیازمندی‌های جوامع خویش تلاش کنند. آشنایی با روش‌ها، فنون تدریس و

الگوهای تدریس که جزو فعالیت‌های آموزشی محسوب می‌شوند و به‌کارگیری آن‌ها، موجب می‌شود که هدف‌های تعلیم و تربیت با سهولت بیش‌تر و در مدت‌زمان کوتاه‌تری تحقق یابند. بعضی چالش‌های آموزش محصل‌محور در رابطه با اساتید در زیر یادآوری شده است.

۱. درجه‌بندی ارزیابی فردی آسان است؛ درحالی‌که درجه‌بندی کارگروپی محصلان دشوار خواهد بود، به‌خصوص اگر معیار ارزیابی و درجه‌بندی وجود نداشته باشد. برای حل این چالش، معیارهای ارزیابی باید ایجاد شود تا بین شرکت‌کنندگان فعال و غیرفعال براساس ماهیت کارگروپی و مشارکتی تمایز قائل شود.

۲. عدم علاقه‌مندی بعضی محصلان در فعالیت‌های مشارکتی آموزش محصل‌محور. این چالش را می‌توان از طریق تشویق، بلند بردن اعتماد به‌نفس و اهمیت اشتراک محصلان در فعالیت‌های مشارکتی برطرف کرد.

۳. طرح کردن فعالیت‌های مشارکتی مناسب با درنظرداشت رده‌بندی بلوم. این یکی دیگر از چالش‌های عمده‌ی آموزش محصل‌محور است که برای غلبه بر این مشکل استاد باید توانایی و مهارت‌های لازم برای طرح فعالیت‌های مشارکتی با درنظرداشت محصلان و رده‌بندی بلوم را داشته باشند.

۴. مدیریت زمان و کنترل صنف بزرگ با گروپ‌های مختلف محصلان یکی دیگر از چالش‌های است که در تدریس سنتی کم‌تر این چالش به نظر می‌رسد. برای رفع این مشکل استاد باید قوانین و دستورالعمل‌های واضح کارهای مشارکتی و گروپی را برای محصلین بیان نماید تا در جریان فعالیت‌های مشارکتی آن‌را در نظر داشته باشند (Rehna et al., 27 March 2018).

آموزش محصل‌محور مبتنی بر رویکرد آموزش معتبر

یکی از ویژگی‌های آموزش محصل‌محور، آموزش مبتنی بر رویکرد آموزش معتبر می‌باشد. وقتی محصلان و استادان در این مورد فکر می‌کنند که چه چیزی را محصلان می‌توانند بیاموزند که به‌راستی معتبر و ارزش‌مند باشد، جواب‌شان شامل این نکته می‌گردد که بالای نوع آموزش "یاد بگیرد و به‌خاطر داشته باش" تمرکز نکنید. بسا اوقات، محصلان و استادان بر چیزهای مانند تفکر انتقادی، آموختن این‌که چگونه دانش فراگرفته شده از کورس را خلافتانه باید به‌کار برد؛ حل کردن مشکلات زندگی واقعی؛ تغییر دادن طرز تفکر محصلان در مورد خودشان و دیگران؛ درک اهمیت آموزش مادام‌العمر و غیره تأکید می‌کنند. بعد از سال‌ها مطالعه در مورد پاسخ‌های مردم به این سؤال که چه چیزی آموزش معتبر را می‌سازد، من رده‌بندی آموزش معتبر را پیشنهاد کرده‌ام که شامل شش نوع عمده آموزش معتبر همراه با کتگوری‌های فرعی می‌شود. این رده‌بندی در شکل ذیل نشان داده‌شده است. رده‌بندی بلوم (Bloom's)

(Taxonomy) انواع معتبر آموزش را شناسایی می‌کند که به عنوان اهداف مهم آموزشی در کورس باید در نظر گرفته شود. در آموزش محصل محور از اساتید انتظار می‌رود تا نتایج یادگیری را با توجه به طبقه‌بندی بلوم تنظیم و طراحی نماید (HEP-AF, 2010).

در آموزش و تدریس به روش سنتی محصلان اکثراً بسیاری از دانش‌های اساسی را بعد از آن‌که در لکچر می‌شنوند، در نهایت بعد از سپری کردن امتحان فراموش می‌کنند. شاید محصلان بتوانند محتوا را از لکچر بیاموزند، اما در آموختن این‌که چگونه به صورت انتقادی تفکر کنند، نه تمرین کرده می‌توانند و نه هم نظر اصلاحی به دست آورده می‌توانند. بنابراین باید از خود پرسیم که چه چیزی را واقعاً محصلان ما باید بعد از تکمیل کردن دوره‌ی تحصیلی به یاد داشته باشند. طوری که فنک (Fink) پیشنهاد می‌کند نوع دانش و مهارت‌هایی که به یاد محصلان هم‌چنان باقی می‌ماند شامل کاربرد فعال دانش بنیادی از طریق کار کردن با سایر محصلان، مفاهیم و مشکلات و ربط دادن این دانش با زندگی واقعی‌شان و نیازهای جوامع‌شان (تفکر انتقادی، آموختن این‌که چگونه به صورت خلاقانه دانش فراگرفته شده از کورس را به کاربرد و آموختن نحوه‌ی حل کردن مشکلات زندگی واقعی و غیره) می‌گردد (Fink, 2013).



شکل ۲: رده‌بندی بلوم در مورد یادگیری معتبر که شامل شش نوع آموزش معتبر است.

این شش کتگوری باهمدیگر در تعامل اند. به عبارت دیگر، هر کدام از این انواع آموزش می تواند انواع دیگر را برانگیزد. شاید استفاده از تمام انواع این شش کتگوری وقت گیر به نظر برسد؛ اما هر قدر بیشتر آن ها استفاده شوند، به همان اندازه این هدف آموزشی همدیگر را کمک می کنند.

مقایسه آموزش محصل محور و محتوا محور

آموزش محصل محور، اصطلاح وسیعی است که برای توصیف شیوه هایی از تفکر در باره یاددهی و یادگیری به کار می رود که بر فعالیت و مسئولیت محصل در یادگیری بیش از محتوا و یا آنچه استادان باید انجام دهند، تأکید می کند. یادگیری محصل محور مسئولیت و فعالیت محصل را در قلب خود دارد. براساس یافته های تحقیقات، استادانی که معتقدند وظیفه آن ها پوشش دادن موضوع درس به صورت سیستماتیک از طریق انتقال اطلاعات به محصلان است، به احتمال زیاد رویکردهای یادگیری سطحی را در میان محصلان تشویق می کنند. از طرف دیگر، استادانی وجود دارند که آنچه را محصلان انجام می دهند و کیفیت بازده های یادگیری را که منتج از فعالیت محصل است، مهم تر از پوشش موضوع درس قلم داد می کنند. چنین استادانی تدریس شان را محصل محور توصیف می کنند، احتمالاً کم تر رویکرد سطحی یادگیری را در بین محصلان تشویق می کنند. جدول ۱ مقایسه آموزش محصل محور و استاد محور را نشان می دهد (Abdullah et al., 2012).

جدول ۱: مقایسه بین یادگیری محصل محور و استاد محور

آموزش محصل محور	آموزش استاد محور
محصلان در طراحی یادگیری خود، تعامل با استادان و محصلان، تحقیق و ارزیابی مسئولیت و نقش فعال دارند.	محصلان اغلب منفعل هستند، در محل صنف می‌نشینند و نقشی در طراحی یادگیری ندارند.
محصلان درباره چگونگی یادگیری و محتوای مطالب قدرت انتخاب دارند.	اکثر تصمیم‌ها توسط استاد گرفته می‌شود.
تأکید روی یادگیری درهم‌تنیده در خلال برنامه درسی است.	تأکید فقط روی یادگیری موضوع مورد بحث است.
تأکید روی فعالیت‌های تحقیقی است.	تأکید بر دریافت اطلاعات است.
استاد به عنوان راهنما، مشاور و تسهیل‌کننده یادگیری محسوب می‌شود.	استاد به منزله فرد توزیع‌کننده و مجرب دانش و کنترل‌کننده فعالیت‌هاست.
تأکید بر انگیزش درونی (علاقه، کنجکاوی، مسئولیت) است.	تأکید بر انگیزش بیرونی (نمرات، تمجید استاد از محصل) است.
تمرکز بر یادگیری همکارانه است.	یادگیری به صورت انفرادی و رقابت بین محصلان است.
یادگیری همه‌جا می‌تواند صورت بگیرد.	یادگیری به محل‌های ثابت تدریس محدود می‌شود.
انعطاف‌پذیری بیش‌تری در یادگیری و یاددهی وجود دارد.	تالارهای سخنرانی، کتابخانه‌ها، لابراتوارها و غیره).
انعطاف‌پذیری بیش‌تری در ارزیابی با حرکت به سمت متداول کردن خودارزیابی و همکار ارزیابی مشاهده می‌شود.	نظم و ترتیب طراحی شده نسبتاً غیرقابل انعطاف است.
بر چشم‌انداز بلندمدت و یادگیری مادام‌العمر تأکید می‌شود.	ارزیابی، با تأکید زیاد روی امتحان، مسئولیت استاد محسوب می‌شود.
	برداشتن چشم‌انداز کوتاه‌مدت و تکمیل کردن کارخانگی و یادگیری برای امتحان تأکید می‌شود.

با توجه به تمایزهای بسیاری که بین آموزش محصل محور و تدریس سنتی وجود دارد. اگر ما به هدف یادگیری مادام‌العمر متعهد هستیم، یادگیری هدف‌مندی که در سرتاسر زندگی اتفاق می‌افتد پس حرکت به سمت آموزش محصل محور فرایندی اصولی برای کمک به کسب این هدف است (Abdullah, 2020).

نتیجه‌گیری

روش‌های فعلی تدریس در پوهنتون‌های افغانستان پاسخ‌گوی خواسته‌های امروزی در بازار کار نیست و مورد انتقاد جامعه می‌باشند. هزاران فارغ‌التحصیل پوهنتون‌های افغانستان به علت نداشتن مهارت‌های لازم برای بهره‌مندی در بازار کار آماده نیستند. استفاده از آموزش محصل محور با توجه به فراهم کردن

فرصت‌های یادگیری برای محصلان است که تفکر خلاق و انتقادی، مشارکت فعال محصل، قضاوت ارزشی و مهارت‌های قابل انتقال را تقویت می‌کند و فارغ‌التحصیل را برای پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های جوامع و بازار کار آماده می‌سازد؛ اما وزارت تحصیلات عالی افغانستان برای تطبیق آموزش محصل محور در پوهنتون‌ها با چالش‌های روبرو است. نصاب‌های تحصیلی محتوا محور، رایج بودن روش‌های سنتی تدریس، کوچک بودن صنف‌ها و یا نبود صنف‌های کافی، کم‌بود کادر متخصص و آگاه از آموزش محصل محور، عدم استفاده از تکنالوژی معلوماتی در تدریس از جمله مشکلات جدی و مبرمی هستند که تحصیلات عالی برای پیاده‌سازی آموزش محصل محور در پوهنتون‌ها با آن‌ها مواجه می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تطبیق آموزش محصل محور در صنف‌ها به اساتید کمک می‌کند تا مواد درسی خود را بهتر طراحی و توسعه دهند و نتایج یادگیری را براساس نیازها و انتظارات محصلان تنظیم کنند. آموزش مبتنی بر محصل محور در انواع مختلف صنف‌هایی که در آن اساتید و محصلان به‌طور هدف‌مند در فرایندهای یادگیری و تدریس دخیل می‌شوند، کاربرد دارد. ایجاد یک صنف درسی تعاملی، انتخاب مواد معتبر، تنظیم نتایج یادگیری روشن، درک مفهوم کامل آموزش مبتنی بر نتایج و به‌کارگیری اصول آن از طریق کار مشارکتی و فعالیت‌های گروهی، مسائل اصلی برای کمک به اساتید در تغییر مسیر از استاد محوری به آموزش محصل محور هستند. نتایج نشان داده که بین روش تدریس محصل محور و میزان رشد و پرورش خلاقیت محصلان، رابطه معتبر وجود دارد و کمک می‌کند تا فارغ‌التحصیل آماده بازار کار باشند. بدین ترتیب معلوم می‌شود هر چه روش تدریس به شیوه محصل محوری نزدیک‌تر باشد در رشد و پرورش خلاقیت محصلان تأثیر بیش‌تری دارد و به افزایش علاقه‌مندی محصلان به درس، تعهد، اعتماد به‌نفس، استدلال، درک، مهارت‌های حل مسئله و توانایی نوآوری محصلان کمک می‌کند.

پیشنهادهای

۱. نصاب درسی باید مطابق معیارهای جهانی بازنگری و تقویت شود.
۲. وزارت تحصیلات عالی برای تطبیق آموزش محصل محور در پوهنتون‌های افغانستان زمینه‌سازی کند و از آن به‌طور منظم نظارت نماید.
۳. برای نهادهای ساختن آموزش محصل محور در نظام آموزشی افغانستان باید وزارت تحصیلات عالی و وزارت معارف طرح‌ها و برنامه‌های مشترکی را جهت بلند بردن مهارت‌های استادان و آگاهی دهی از این رویکرد آموزشی جدید برای شاگردان در مکاتب و پوهنتون‌ها ایجاد نماید.

- Abdullah, M. N. L., Osman, S., Samsudin, M. A., Yusoff, M. S. B., & Ismail, H. N. (2012). Module 2: Philosophy of Student-centered Learning (SCL). Universiti Sains Malaysia .
- Abdullah, M. N. L. Y. (2020). Student-Centered Philosophies and Policy Developments in Asian Higher Education. In *The Routledge International Handbook of Student-Centered Learning and Teaching in Higher Education* (pp. 581-596). Routledge .
- Akramy, S. A. (2021). Implementation Of Outcome Based Education (OBE) In Afghanistan Universities: Lecturers' Voices. *International Journal of Quality in Education*, 5(2), 27-47 .
- Al Faruki, M. J., Haque, M. A., & Islam, M. M. (2019). Student-centered learning and current practice in Bangladeshi college education. *Journal of Education and Practice* , 10(13), 95-107 .
- al Ghouti, M. (2022). Impacts on Student Learning and Skills and Implementation Challenges of Two Student-Centered Learning Methods Applied in Online Education .
- Fink, L. D. (2013). *Creating significant learning experiences: An integrated approach to designing college courses*. John Wiley & Sons .
- HEDP. (2016). <http://www.hedp.af/report-center/>
- HEP-AF. (2010). CAPSTONE PROJECT. HEP-AF .
- Klemenčič, M. (2017). From student engagement to student agency: Conceptual considerations of European policies on student-centered learning in higher education. *Higher education policy*, 30(1), 69-85 .
- Mayer, S. (2022). *Engaging Female Students in Judaic Studies through Student-Centered Learning* Fordham University .
- Mohayidin, M. G., Suandi, T., Mustapha ,G., Konting, M., Kamaruddin, N., Man, N. A., Adam, A., & Abdullah, S. N. (2008). Implementation of Outcome-Based Education in Universiti Putra Malaysia: A Focus on Students' Learning Outcomes. *International Education Studies*, 1(4), 147-160 .
- NSIA .(2021) .National Statistics and Information Authority (NSIA). <http://nsia.gov.af/library>
- Purwandari, R., Marinda, A. B., & Hakam, M. (2018). Correlation between Student Centered Learning (SCL) and Learning Motivation of Nursing Student at Faculty of Nursing, University of Jember .
- Rehna, J., Siddique, A., & Antoney, L. (27 March 2018). *Effective Teaching and Meaningful Learning through SCL Beliefs and Practices* Smart Education and Technology Symposium (SETS 2018) at ibra College of Technology, Oman .
- TB, J & .Mohd Yusoff, N. (2010). Nigerian students' perceptions on student-centered learning (SCL) .
- WorldBank. (2015). International development association, project appraisal document, of a proposed grant. <http://www.artf.af/images/uploads/HEDP>

- Yusoff, N. M., Abdul Karim, A. M., Othman, R., Mohin, M., & Abdull Rahman, S. A. (2013a). Student-Centred Learning (SCL) In The Malaysian Higher Education Institutions. ASEAN Journal of Teaching & Learning in Higher Education, 5 .
- Yusoff, N. M., Abdul Karim, A. M., Othman ,R., Mohin, M., & Abdull Rahman, S. A. (2013b). STUDENT-CENTRED LEARNING (SCL) IN THE MALAYSIAN HIGHER EDUCATION INSTITUTIONS. ASEAN Journal of Teaching & Learning in Higher Education, 5 .

جایگاه تحقیقات علمی در پوهنتون ها و نقش آن در بهبود کیفیت تحصیلات عالی

پوهنمل محمد طالب طارق

دپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون بدخشان، بدخشان، افغانستان

ایمیل: Taruqtaruq1985@gmail.com

چکیده

تحقیقات علمی، مهم ترین شاخصه جهت تغییر و تحول در مراکز آموزشی است که زمینه را برای تثبیت جایگاه و قدرت علمی در نهادهای آکادمیک مهیا می سازد. با گسترش دامنه ی علوم در جهان معاصر، روزه های تازه ای جهت غنی سازی تولیدات علمی در جهان شکل گرفت که تحقیقات معیاری یکی از آن است. انسان ها با فهم علمی شان، ابعاد زندگی بشر را در فن آوری، اطلاعات، نگرش ها و گرایش ها به تحقیق گرفته و حقایق را به گونه سالم تحلیل کرده اند، تا چهره عینی و علمی پدیده ها با معیارهای قابل پذیرش، معرفی و رونمایی شود. بنا اهمیت این تحقیق در آن است تا مفهوم و مکلفیت وجودی پوهنتون ها را شناسایی و ارزش آن را با شاخصه های تأثیرگذار در جامعه به مطالعه گیرد. برآیند و نتایج کلی این تحقیق، متمرکز بر اهمیت تحقیقات علمی در محیط های آکادمیک، شناسایی اصول و معیارهای تحقیق های علمی و سهم تحقیقات علمی در جهت دهی جامعه به سوی ثبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی با استناد از منابع معتبر ملی و بین المللی سازمان یافته و به گونه کاربردی در جامعه تحلیل و بررسی می شود.

اصطلاحات کلیدی: بهبود؛ تحقیق؛ تولید؛ دانش؛ چالش؛ تحصیلات عالی

The Place of Scientific Research in the Universities and its Role to the Improving of Quality of Higher Education

Sr. Teaching Asstt. Mohammad Talib Taruq

Department of History, Faculty of Social Sciences, Badakhshan University, Badakhshan, Afghanistan

Email: Taruqtaruq1985@gmail.com

Abstract

Scientific research is the paramount gauge for effecting change and transformation within educational institutions, forming the bedrock for establishing academic standing and scientific prowess. As the scope of science continues to expand in the contemporary world, innovative methods emerge to enrich global scientific contributions, with qualitative research being a noteworthy avenue. Humans, driven by their scientific understanding, dive into the facets of human life, encompassing technology, information, attitudes, and trends, conducting thorough analyses to unveil objective and scientifically substantiated phenomena. Consequently, this study examines the fundamental concepts of universities and their inherent societal significance, emphasizing the importance of scientific research within academic settings. The overarching findings underscore the pivotal role of scientific research within academic settings, elucidate the guiding principles and criteria of scientific inquiry, and underscore its substantial contribution to steering society toward social, cultural, and economic stability. Employing an analytical-descriptive methodology, this article draws upon reliable national and international sources, offering a pragmatic examination grounded in societal realities.

Keywords: Improvement; Research; Production; Knowledge; Challenge and Higher Education

مقدمه

دانایی، فهم و تولید علم مطابق نیازهای جامعه از مهم‌ترین شاخصه در جهان مدرن است. یافتن راه حل علمی، مطابق سطح دانایی و دست یافتن به نتیجه علمی و مؤثق، جهت گشودن افق‌های تازه در حوزه تحقیقات، از مهم‌ترین اصل در جامعه امروزی است. مفهوم و ارزشی که جهان به اهمیت عینی آن واقف شده و محور توسعه اجتماعی، اقتصادی و فکری خود تلقی می‌کند. پوهنتون‌ها و نهادهای تحقیقاتی، ممثل اصلی هویت علمی جامعه بشری در راستای پاسخ‌دهی به حل نیازهای قابل توجه جامعه بوده و نقش بلند و قابل فخری را در این راستا در بستر تاریخ بازی کرده‌اند. گام بر داشتن در جهت تولید علم و اندیشه از ضروریات اصلی و غیر قابل انکار جامعه انسانی است که هسته متحرک و قابل لمس آن از نهادهای تحصیلی آغاز می‌شود. نهادهای تحصیلی، نظر به رسالت و مأموریت که دارند؛ با استفاده از دانش به کلیه نیازهای ملی و بین‌المللی پاسخ داده و سهم خود را در راستای توانایی تخصصی، فن‌آوری و جهل‌زدایی بازی می‌کنند.

پوهنتون‌ها به دلیل ماهیتی که دارند، آدرس خوبی برای تقلای فکری، فنی، صنعتی و سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها شده است که بازدهی علمی، تولید دانش، نگرش‌ها و حل قضایایی بی‌پاسخ، بر محوریت دانش و فهم از ارزش‌های بالقوه آن است. باید اذعان داشت که تحقیق بر مبنای دانش و تولید پایه‌گذاری شده است که حاصل آن قدرت تأثیرگذار و رشد فکری ملت‌هاست که شالوده یک دولت توان‌مند و پر قدرت را در جهان مدرن اساس گذاشته است. جهان امروزی؛ جهان پر هیاهو و قابل تغییر در تمامی عرصه‌ها می‌باشد که بر مرکزیت دانش استوار است. جهان متحول و فن‌آور، مدیون اهل خرد و دانشی است که ایشان سهم خود را در نگرش‌ها، تغییرات و تحولات بازی کرده‌اند که همه بر مبنایی داوری‌های علمی و تخصصی ایشان توسعه می‌یابد؛ چیزی که، نهادهای تحقیقی آن را بسترسازی کرده‌اند.

تحقیقات علمی و تولید دانش از مهم‌ترین اصل برجسته‌ای قرن ۲۱ میلادی است. پدیده دانش و تحقیق، بالاترین سهم را در فرایند تحول صنعتی، تکامل فکری و نگرش‌های صلح جهانی دارد. کانون‌های تحصیلی و تحقیقی به‌عنوان تحفه قرن ۲۱ میلادی به بشریت عرضه کرده است. تحفه‌ای که به‌عنوان اصل مشترک‌المنافع ملت‌ها بوده که همه از آن بدون تبعیض و رنگ بهره می‌گیرند. نظر به این که تحقیق نهادهای تحصیلی را هویت و ماهیت می‌دهد؛ کارایی تحقیق، به‌عنوان یک اصل مهم در تکامل اقتصادی در بازار مفاد و صنعت امروزی ارزش دارد و بی‌اتس قدرت را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تغییر داده است.

بیان مسأله

در جهان امروز، با ایجاد مراکز تحقیق و مطالعات تخصصی، روند جهان‌شمولی دانش، بازدهی، تولید و سایر ابتکارات بشر در حال توسعه و رشد است که زمان اشتیاق شدید به تحصیلات عالی و راهی به سوی جهان متحول و متکامل است. توسعه مهارت‌های بشر از طریق آموزش‌های عالی و قابلیت حل مسایل با نگرش‌های نو و تحقیق، فرایند است که جهان بشریت را به انحصار دانش و تحصیل برده است. به این هدف که علم، تحقیق و تحصیلات عالی، مطمئن‌ترین مسیر به سوی جهانی شدن دانش‌اند. از این روزنه ما توانایی و قابلیت‌های بالقوه خود را به جهان پیرامونی مان عرضه می‌کنیم و موقعیت می‌گیریم. به این هدف که بتوانیم سهم خود را در جهان بشریت بازی کنیم؛ نیاز است تا با فهم و توانایی به چارچوب قابلیت‌های تحقیقی داخل شد و انرژی لازم را در این سیاره به دیگران تحفه داد.

این را باید دانست که بشر در این سال‌های قرن ۲۱ میلادی، با سه چالش مهم و اصلی روبه‌روست. بی‌اطلاعی از فهم دانش معیاری-بین‌المللی، عدم حضور در تحقیقات جهان‌شمول و موقعیت ضعیف در تولید دانش. علم، نوآوری و فن در منشأ این چشم‌اندازها و مدیریت موفقیت‌آمیز آن نقش محوری و کلیدی دارد. به دلیل این که علم و فن آوری به‌طور همیشه و سنتی برای بهبود زندگی و فرصت‌های مساعد برای اشتراک‌گذاری اطلاعات در بسیاری نقاط جهان مرتبط است. بنأ تحقیقات علمی، باید با معیارها و استانداردهای بین‌المللی هم‌خوانی داشته، دستیابی به اهدافی که جامعه آن را مهم می‌داند کمک کند (vessur, 2020, 144).

یکی از ویژگی‌های عصر حاضر که آن را از سایر دوره‌ها و قرون پیش از خود متمایز می‌کند. موضوع تحقیق، تولید دانشی کاربردی و فنی است. علم و دانش از جمله مفاهیم و موضوعاتی است که جوامع بشری از ابتدا با آن آشنا بوده و همواره به‌عنوان مؤلفه‌ای مؤثر بر زندگی بشریت در مسیر تاریخ شناخته شده‌اند. به این هدف که بخش مهمی از دستورات و مباحث ادیان الهی، ایدئولوژی‌های حاکم بر جهان، فرهنگ‌ها و فعالیت‌ها، متوجه علم و دانش بوده است. در واقع؛ امروزه دانش یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پر قدرتی یک کشور در سطح ملی و بین‌المللی محسوب می‌گردد و سبب می‌شود؛ آن کشور بتواند نقش مهمی را در تحولات جامعه داشته و تأثیر بر دیگر کشورها بگذارد.

مهم این است؛ آن‌چه به‌عنوان فرهنگ و تمدن افتخارآمیز در تعامل جهان از آن یاد می‌شود. نتیجه به‌کار بستن اندیشه، کسب دانش و تولید توانایی است که از سیر تکامل تربیت عمومی حاصل می‌شود. تسلط انسان بر طبیعت، مهارسازی چهل و تاریکی، کشف علل چالش‌ها و امراض و یافتن راه‌حل و طرح پیش‌گیری از همه نواقص و بحران‌ها موارد اند که از راه دانش حاصل شده و تحقیق نیاز آن را مرفوع

کرده است. بنابراین جهان امروز جهان پرسش‌گری، تحقیق، تراوش و توانایی است که جامعه را در سطح ملی و بین‌المللی به‌سوی عقلانیت فکری و دانش جهت می‌دهد و تعامل دانش با جهان تعریف و مفهوم پیدا می‌کند (شکيبايي و ديگران، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷).

پرسش‌های تحقیق

۱. ماهیت وجودی نهادهای تحصیلات عالی، چرا متمرکز بر تحقیقات و تولیدات علمی است؟
۲. چهارچوب یک تحقیق علمی با چه اصول و معیاری استوار است؟
۳. تحقیقات علمی مبتنی بر نتیجه چه تأثیری بالای روند تکامل فکری، اقتصادی و سیاسی جامعه داشته و جهان تحول‌یافته با چه فرایند تحقیقاتی قابل تغییر است؟

پیشینه تحقیق

باتوجه به بیان اهمیت نهادهای تحصیلی، در راستای تولید، تحقیق و کارآیی شان در جامعه، اهمیت و جایگاه آن در صدر آجندای نویسنده‌گان معاصر قرار دارد. نویسندگان جهان اسلام به نقاط برجسته پرداخته‌اند که اهمیت پوهنتون‌های اسلامی را نذیر جامع‌الازهر در جهان اسلام در بخش تولید و سهم‌گیری در تحقیق، بیان داشته است. در جهان امروز؛ همه ساله پوهنتون‌های معتبر بین‌المللی به اساس تولیدات علمی سالانه شان که در بخش تحقیق انجام داده‌اند، سنجش و رده‌بندی می‌شوند. هر مرکز تحقیقی که راه‌حل‌های معقولی علمی به اساس پیش‌داوری‌های تخصصی داشته باشد در صدر پوهنتون‌های معتبر و پر دست‌آورد بین‌المللی سال قرار می‌گیرد.

صالحی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای زیر عنوان بررسی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت تحصیلات عالی بیان داشته است که کیفیت در آموزش تحصیلات عالی یک پدیده غیر متحرک و ایستا نیست. ممکن دست‌آوردها و تحقیقات علمی، نهادهای تحصیلات عالی را و یا سهم‌گیری شان در نوآوری‌ها، موقعیت نهادهای آموزشی و جایگاه کیفیت تحصیلات عالی را تغییر دهد. صالحی در نخستین رده‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش و پرورش عالی را بعد از یافته‌های تحقیقی کاربردی‌اش تحقیق اعلان کرد. وی تغییرات مهم جهانی را در عرصه فن‌آوری از اثر تحقیق‌های علمی می‌داند که از محوری‌ترین بخش کاری مراکز آموزشی عالی است.

رسول زاده و ثمری (۱۳۹۸) در یک تحقیق میدانی زیر عنوان تحلیل فن‌آوری و تحقیق در بهبود کیفیت تحصیلات عالی بیان داشته‌اند که آموزش یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها جهت باروری و تغییر است. جامعه که هدف آن پیشرفت به اساس دانش و فن‌آوری است. باید تلاش کند در کیفیت نظام آموزشی تجربی و تحقیقی تحول ایجاد کند و تحقیقات بنیادی و کاربردی را در جامعه راه اندازد. رسول‌زاده نتیجه

یافته‌های شان را طوری خلاصه کرده‌اند که به دلیل تنوع جامعه بشری، نوعیت تحقیق، خلاقیت و روش تحقیق باید متنوع باشد تا فرصت‌های کاری و دانش کاربردی، جامعه را در کار و فرصت یاری کند. شکیبایی (۱۳۹۹) در مقاله تحقیقی خود، ابعاد تأثیرگذار در کیفیت آموزشی را به اثر واداری محصلان به تجربه و تحقیق دانسته است که فرصت تعالی و بهبود را در نهادهای آموزشی فراهم می‌کند. وی روند توسعه ذهن دانش‌آموزان را در چهارچوب فرهنگ تحقیق می‌داند که فرصت را برای اثر بخشی، شیوه افزایش اطلاعات و توانایی درک آنان راجع به قضایای جامعه می‌داند که به‌طور منظم کاربرست می‌شود و ذهن را به‌گونه دائمی فعال نگه می‌دارد. موصوف تفکر تحقیق را نوع خاص از تفکر تحصیلات عالی می‌داند که در جریان فعالیت‌های شناختی هدف‌مند تشکیل می‌شوند. وی معتقد بر این است که آموزش مؤثر باید دانش‌آموزان را به‌عنوان محقق تربیت کند و قوت‌های تحلیل و داوری فکری را بر محوریت تحقیق شان فراهم سازد تا دانش را به‌شکل کاربردی تغییر دهند و در تولیدات علمی سهم ارزنده داشته باشند.

Ekyal and nitza (۲۰۲۱) در اثر یک تحقیق علمی راجع به موقعیت پوهنتون‌ها از نگاه تحقیق و تولید، بیان داشته است که مهم‌ترین انقلاب‌ها در سطح جهان با کارآیی پوهنتون‌ها در سطح جهان آغاز شده است، مشروط بر این‌که پوهنتون کارآیی خود را از سطح تحقیق و تولیدات علمی به‌دست آورده باشند. وی افزوده است که دانش؛ تحول ایجاد می‌کند، حتماً بستر تحول‌اش را از تحقیق گرفته است. بناً تحقیقات علمی فرصت مناسب را برای تغییر و تحول ایجاد می‌کند. بناً تحقیق حاضر یک تحقیق جدید پیرامون جایگاه تحقیقات علمی در پوهنتون‌ها و نقش آن در کیفیت تحصیلات عالی است که شما را به دورنما، اثربخشی و کیفیت تحقیقات علمی در مراکز آموزشی آشنا خواهد کرد.

روش تحقیق

این تحقیق یک تحقیق بنیادی و محتوایی است. روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها درین تحقیق اسنادی و کاربردی است که به روش تحلیل اطلاعات و داده‌ها به‌شکل توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای به آن پرداخته می‌شود. این تحقیق با رویکردی کیفی و توصیفی تبلور یافته است که جایگاه تحقیقات علمی را در پوهنتون‌ها و نقش آن را در بهبود کیفیت تحصیلات عالی در پیوند به ارزش‌ها، کیفیت و تولیدات معیاری و قابل قبول به بررسی می‌گیرد. از طرفی تلاش خواهد شد با درک و تحلیل موضوع برای دستیابی به یک نظریه علمی و ارزش‌مند موضوع را به تحلیل و تفسیر گرفت تا جایگاه تحقیقات علمی برجسته و روشن شود.

رویکرد نظری تحقیق

با نگاهی بر اسناد و سوابق تأسیس پوهنتون‌ها و ظرفیت بازدهی شان در تولید دانش، فن‌آوری و نقش شان در راستای جهت‌دهی جامعه به‌سوی بیداری و خردورزی بر می‌آید که نخستین و آغازین هسته مرکز تحقیقی در شهر فارس از توابع مراکش در افریقای شمالی، معادل دوره کارشناسی فعلی به‌وجود آمد. ایجاد این مرکز از مهم‌ترین فعالیت فرهنگی و تمدنی جهان اسلام در قرون وسطی (۴۷۶-۱۴۵۳ میلادی) به‌شمار می‌رفت که به تنهایی در مناسبات تمدنی حوزه اروپای اندلس و شمال افریقا، دست بالای در تحقیق و نوآوری در حوزه علوم اسلامی و علوم طبیعی داشت. بعدها پوهنتون الازهر در وسط سال‌های (۹۷۰-۹۷۲ میلادی) در مصر ایجاد شد که دومین مرکز جهان اسلام در بخش ادبیات عربی و مطالعات اسلامی بود. این مرکز برجسته‌گی فوق‌العاده‌ای در تحقیقات اسلامی و حوزه‌های مرتبط به آن داشت و قرن‌های متمادی مرکز تحقیقات جهان اسلام بود که این صلابت تا هنوز در بخش تحقیق در جامع الازهر پا برجاست. بعدها در اثر روابط قرون وسطای غرب که به دنبال جنگ‌های صلیبی ایجاد شده بود؛ روابط بزرگ فرهنگی و تمدنی میان تمدن اسلام و دنیای غرب برقرار شد که حاصل آن، توجه به مراکز تحقیقی و ایجاد آن بود. مراکزی مانند بلونیا در ایتالیا، پاریس در فرانسه، آکسفورد در لندن و کمبریج در انگلستان یکی پی هم ایجاد شده‌اند. این مراکز به‌عنوان اولین نهادهای تحصیلی رسمی در اروپا اند که تحول بزرگ و چشم‌گیری را در تحول فرهنگی اروپا (رنسانس، انقلاب علمی، عصر روشن‌گری و جهان صنعتی) داشته‌اند و همواره آدرس‌های بزرگ و مشخصی برای تحقیقات، فن‌آوری و ابداعات جهان غرب در طول قرون گذشته بوده است. تولیدات علمی و تحولات بزرگ هسته‌ای جهان غرب ریشه و هسته در پوهنتون‌های دارند که روشن‌فکران و دانش‌مندان، در آن مصروف تحقیق بودند و حقا که جهان را به دورنمایی تقابل هسته‌ای و فضایی که از پیشرفته‌ترین نوع دست‌رسی بشر تا هنوز است کشاند (امین، ۱۳۸۸، صص ۲۳ و ۲۴).

در اوایل قرن ۲۰ میلادی که جهان با چشم‌اندازهای تازه‌ای از نوآوری‌ها و اختراعات دست یافته بود، رویکردهای تازه‌ای تحقیقی با کارآیی علمی و تجربی در همه بخش‌ها و حوزه‌های علوم (ساینسی، زیستی، طبیعی و نجوم) ریشه دواند. در این تحولات شگفت‌آور، پوهنتون‌ها مراکز محوری و اصلی بودند که این روند را به‌گونه کمی و کیفی مدیریت و نظارت می‌کرده‌اند. از آن زمان به بعد، روش‌های تحقیقی جدیدی در مراکز تحصیلی، رواج پیدا کرد و چشم‌انداز جهان در حوزه علوم تغییر کرد. پوهنتون کلمبیا، اولین مرکز تحقیقی خود را در بخش صحت روانی، پوهنتون کامبریج و راکفلر مراکز تحقیقات خود را در حوزه‌های بایومیدکل (Bio Medical) ایجاد کرده‌اند. معرفی تحقیقات در این مراکز، به این

مفهوم بود که دانش‌مندان با دانش تخصصی شان، در دو بخش یادگیری و کشف به‌گونه تجربی-تحقیقی دست پیدا کنند. این سایکل تجربی به محصلان فرصت می‌داد تا آنچه را که کشف شده است، یاد بگیرند و باز مجدداً کشف کنند. به‌نظر می‌رسید که معرفی روش‌های نوین تحقیق، در پوهنتون‌ها بسیار موفق بوده است، روند که جهان را با انبار از فن‌آوری‌ها و نوآوری‌های تجربی آشنا کرد (Radia, 2012, 171-173).

شاخصه‌های تحقیقات علمی معیاری

در جهان که ما زیست می‌کنیم، شاهد تغییرات و تحولات جدی در عرصه نوآوری و تحقیقات، همه روزه هستیم. پوهنتون‌ها به سبب رسالت و تعهد که نسبت به مردم و جامعه دارند؛ باید از یک طرف برای تثبیت جایگاه و بقای خود تلاش کنند و از سوی دیگر با توجه به نقشی که به‌عنوان الگو در میان دیگر نهادها دارد، باید در جهت ایجاد فضای مناسب تحقیقی برنامه‌ریزی و استراتژی‌سازی کنند. محققان و دانش‌مندان بنا به ماهیت وجودی پوهنتون‌ها مساعدسازی جوی تحقیقی را حول نکات چون؛ فراهم سازی زمینه رشد و ارتقای هیأت علمی، برابرسازی جوی سالم مدیریتی، بهبود وضعیت کمی و کیفی منابع اطلاعاتی، اصلاح و بهبود شیوه‌های ارزش‌یابی و تحقیق می‌دانند که مؤلفه‌های فوق‌الذکر از مهم‌ترین منابع جهت فراهم‌سازی بسترهای آموزشی و تحقیق در پوهنتون‌ها است که باید اولویت‌بندی و اصلاح شود (صادقی، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

نظر به این‌که پوهنتون‌ها مرکز فرماندهی تحقیقی‌اند، نیاز است که یک تحقیق علمی از یک پلتفرم پوهنتونی با شاخصه‌ای ارزش‌مند و مورد قبول صادر شود. مهم‌ترین شاخصه در این روند، عنایت‌گرایی علمی است. در این روند باید یک تحقیق علمی به‌گونه معیاری و علمی که به حل یک چالش بی‌پروازد و با شرایط وقت، حقایق علمی و استانداردهای تحقیقی هم‌خوانی و هم‌سانی داشته باشد.

ارتباط‌دهی بین‌المللی از شاخصه دیگر تحقیقات علمی است که انتشار اطلاعات و تبادل استعدادها را تسهیل می‌کند. به دلیل نیاز جهانی و ارائه تیوری‌ها معقول در بخش‌های مختلف علمی، جهان به ظرفیت‌های بالقوه و خلاق نیاز دارد تا انتقال دانش و مهارت‌ها را به سطح جهانی تضمین کند (Simon, tripp, 2017, 22).

اختراعات قرن بیستم میلادی، زندگی و فرهنگ مردم را تغییر داده است. علم و تحقیقات به بشریت کمک کرده است تا زندگی راحت‌تری، متناسب با فضای جهان و روایدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایجاد شده و سنت‌های انسان‌گرایانه را رشد دهد. امروزه به‌طور همگانی پذیرفته شده است که بین‌المللی‌گرایی و فراهم‌سازی ارتباطات انسانی اصل انکارناپذیری دانش بین‌المللی است که مهارت‌ها و

خدمات علمی را به‌عنوان تحفه بشریت به همه ارسال می‌کند تا بتواند در قالب جهان سالم و تحول یافته، بشریت را مدیریت کند. برای شناخت دنیای کنونی و تصمیم‌گیری شایسته، باید تحصیلات عالی و شناخت حقایق به اساس دانش تجربی رواج پیدا کند. (Vincentas, 2015, 131-132).

یکی از موارد دیگر که به‌عنوان شاخصه مهم تحقیقات علمی معیاری مطرح است، سهم‌گیری تحقیقات بر آسایش جامعه بشری است. باز اندیشی تحقیقات باید نشان دهد که قرار است تنش سیاسی کاهش یابد و توسعه اقتصادی و اجتماعی بهبود پیدا کرده، آموزش عالی و تجربی به سراسر جهان گسترش یابد. کشورهای صنعتی در گذشته مسلماً چشم‌انداز آموزش عالی وجود نداشته‌اند و تلاش خود را صرف سرمایه‌گذاری تحقیقاتی نموده؛ به این دلیل با مزایای آسایش و صلح منطقه‌ای دست یافتن که مهم‌ترین تحول قرن بیست و یکم در جهان پیرامونی شان انقلاب دانش و توانایی تجربی و تحقیقی بود. افزایش کیفیت تحقیقی را می‌شود، به‌عنوان مؤلفه دیگر یک تحقیق معیاری یادآوری کرد. به دلیل این‌که پوهنتون‌ها دارای توانایی علمی بالایی هستند، طبعاً که حاصل تحقیقات شان معیاری است. بناً تحقیقات علمی معیاری یک بستر مناسب فکری ایجاد کرده و کمال هم‌گرایی فکری را در بدنه تحقیقات علمی مساعد می‌سازد (Vabo, 2016, 45-47).

تحقیقات علمی و تثبیت جایگاه نهادهای تحصیلی

پوهنتون‌ها سهم قابل‌ملاحظه‌ای را در راستای تولید علم و تثبیت جایگاه شان در جامعه دارند. مراکز تحقیقاتی امروزه در جهان به‌عنوان یک سرمایه ملی تلقی شده و سناریوی مهم را در رفع چالش‌های فکری، اجتماعی و سیاسی عملاً بازی می‌کنند. برای این‌که مراکز تحصیلی و تحقیقاتی، از جایگاه مناسب و خوبی در جهان برخوردار باشند؛ باید راهکارهای را در سیاست‌گذاری‌های کلان ملی ایجاد کرد تا نگرش کلانی در سطح بالایی به مراکز تحقیقی صورت گرفته و حمایت مالی آن در اولویت‌های کاری دولت‌ها قرار گیرد. وقتی ما می‌خواهیم تحقیقات علمی را نهادینه کنیم؛ باید افراد با ثبات و خلاق داشته باشیم. افراد متخصص با نگاه بلندمدت و چشم‌انداز خوب و با ثبات باعث می‌شود که بین هیئت مدیره تحقیقاتی نظم را ایجاد نموده و انسجام عملی را ایجاد کنند. برای این‌که ما از یک موقعیت خوبی تحقیقاتی صحبت می‌کنیم؛ باید پوهنتون‌های ما عملکرد خوب داشته باشند و زمینه تفاهم محیطی میان جامعه و پوهنتون بر قرار باشد تا هویت متقابل ما توسط یکدیگر به‌گونه سالم و درست تعریف شود (کاظم پور و دیگران، ۱۳۹۹، صص ۱۵۰-۱۵۲).

ارتقای کیفیت آموزش هدف اصلی نهادهای تحصیلات عالی است. به این هدف که نهادهای تحصیلات عالی فرایندهای را جهت بهبود نظام تحصیلی و کارآیی سیستم آموزشی راه می‌اندازند تا جامعه برای

رسیدن به توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهت یابد و اعتبار کمی و کیفی مراکز آموزشی عالی به شکل مطلوب در جامعه برجسته شود. وقتی از جایگاه بالای نظام‌های تحصیلی در جامعه صحبت می‌شود، ما باید به دنبال وحدت آموزش، تحقیق و نوآوری در سیستم تحصیلات عالی با کیفیت باشیم. هدف این است که کلیه مقاطع آموزشی تحصیلات عالی باید مبتنی بر تحقیقات علمی نوین و توسعه آن‌ها باشد، تا بدین ترتیب نوآوری و خلاقیت جامعه ارتقا یابد. توجه اصلی این شاخص‌ها به افراد دارای شایستگی تحقیق و جذابیت شغلی نسل محقق متمرکز است. با روی این اصل باید به توانایی کار تحقیق علمی، تفکر انتقادی و خلاقیت افراد جامعه توجه جدی را معطوف داشت (امین، ۱۳۸۸، ۱۰۶).

تحقیقات نشان می‌دهد که پوهنتون‌ها به عنوان مرکز آزمایشات علوم عصری کدام راه را به سوی جهان روشن از خلال تیرگی‌ها و بی‌اطلاعی‌ها باز کرده است. بشر می‌تواند به جهان هستی به شکل علمی پی برده و کلیدهای فکری را با نگرش‌ها و تازه بینی‌ها آغاز کند. موجودیت گروه دانش‌مندان در یک مرکز تحصیلی به عنوان منابع بشری ظرفیت است که فهم و دانایی را در جامعه تولید می‌کند و جامعه ازین موقعیت سود و مفاد می‌برد. افراد و سازمان‌ها دانش را از طریق تعامل اجتماعی مستمر و پویا که شامل دانش فنی، تخیلی و صریح است، گسترش می‌دهند. ایجاد دانش تجربی سازمانی را باید به عنوان فرایندی درک کرد که به صورت سازمانی و مشترک ایجاد شده و آن را از آدرس سازمان توسط افراد با دانش به جامعه به گونه تحقیقی تقدیم می‌کنند. تجربه‌ها نشان می‌دهد که کسب دانش در یک محیط چند فرهنگی نقش واسطه‌ای بین هویت‌ها بازی کرده و نتایج مزیت رقابتی ایجاد می‌کند. به این خاطر تعامل اجتماعی، کیفیت رابطه و پیوندهای شبکه‌ای با کسب دانش و تجربه بیش‌تر مرتبط است که با تحقیق بیش‌تر هویدا می‌شود. مهم‌ترین نقش پوهنتون‌ها در جهان امروزی افزون بر تضمین بقای خود، نوع سهولت‌دهی به نیازهای جامعه است که در بخش فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایجاد می‌شود؛ تا راه‌حل‌های معقول را مطابق نیازهای بازار کار و خواست جمعی ایفا کند. با این وصف وقتی پوهنتون‌ها ماهیت وجودی شان را تعریف و تبارز دادند، کارآیی شان در جامعه تضمین شده و آدرسی برای حل مناقشه‌ها و دگرگونی‌های است (Bressan, 2004, 7).

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برجسته‌ترین وجه متمایز پوهنتون‌های دنیا نظر به تحقیقات علمی معیاری و سهم گرفتن در پاسخ‌دهی به نیازهای فنی، تخیلی و فرهنگی جامعه است. جهان متحول و توسعه‌یافته، ارثیه اصلی دانش کاربردی و تحقیقات تجربی است که با سهم دانش‌مندان و نهادهای تحقیقاتی میسر شده و جهان را به سوی خرد، عقلانیت و فهم دانش نوین سوق داده است. انفجارات

عظیمی علمی و جهش های دانش کاربردی از زمان قرون وسطا، میان سال های (۴۷۶-۱۴۵۳ میلادی) توسط پوهنتون های اسلامی و متعاقباً توسط پوهنتون های اروپایی آغاز شد. نظر به ارزش و اهمیت که این نهادها داشته اند. جامعه با نهضت های بیداری و روشن گری مدرن آشنا و با معرفی تیوری های جدید و فعالیت های تحقیقی جدید روز به روز به مسیر تحول قدم ماند.

مهم ترین نقش تحقیقات و تولیدات علمی در جهان به عصر طلایی اسلام باز می گردد. این انقلاب در دانش تجربی و کاربردی با ایجاد دارالفنون، دارالترجمه و مرکز ستاره شناسی هارون الرشید و مأمون الرشید، خلفای مشهور تمدن عباسی است که دانش مندان جهان آن وقت را در مراکز دولتی شان میزبانی و دنیا را با این ابتکارات خارق العاده شان آشنا کردند. کاربرد دانش تجربی، رعایت اصول تحقیق و حمایت از دانش مندان، ماندگارترین فعالیت بود که از حوزه تمدن طلایی عباسی به جهان میراث ماند. افزون بر این، با الهام از مکتب هنری اسلام و نفوذ تجربیات دانش مندان اسلامی به غرب، جهان شاهد رنسانس، انقلاب علمی و عصر روشن گری اروپا نیز هستیم که همه نقش مهمی در انقلاب فکری جهان غرب داشت. موارد دیگر که قابل یادآوری است، این می باشد که در جهان امروز بنا به تنش های فکری و تضادهای ایدئولوژیک دامنه تحقیقات توسعه بیش تر داشته و شناخت تفاوت های فکری و فرهنگ ها کمکی زیادی در توسعه هم زیستی ملت ها داشته است. به این خاطر یافته تحقیق نشان می دهد که باید تحقیقات با معیارهای جهانی هم خوانی داشته و کمک به هم گرایی دانش جهانی، تحقیق معیاری، تغییرات اقلیمی و مفاد بشریت داشته باشد. پس مساعد ساختن جوی تحقیقی و بستر سازی فرصت های تحقیقی توسط پوهنتون ها جهان را به دورنمای دیگر تحول داده است که انقلاب دانش تجربی و تولید دانش مدرن به عنوان تحفه ی مشترک بشریت اصل آن است.

نتیجه گیری

جهان فعلی با رشد سریع و صعود فزاینده ی به سوی پیشرفت، ترقی و توسعه همه جانبه در حرکت است. در چنین جهانی که ابعاد مختلفی، جهانی سازی و جهانی شدن تمدن ها آن را به دهکده ای متعامل و مرتبط تبدیل کرده است. با این شاخصه ها، اولویت دهی و بها دادن به تولیدات علمی، تحقیقی، اهمیت ضروری و بلکه حیاتی برای بشریت است. در جهان که دانش و دانایی حرف قابل سنجش معیارها است، بدون افزایش کمی و کیفی در تولید علمی نمی توان به تداوم زندگی و بقای عزت مند در جهان دانش محور کنونی امید داشت. سهم ما این است که می توان با به کارگیری روش های گوناگون تولید علم و تحقیقات معیاری در کنار ابداع روش های نوین بر بسیاری از چالش ها، مشکلات و موانع فکری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فایق آمد و زندگی امیدوارکننده را در جامعه تمثیل کرد. ما باید با تولید علم و

فن‌آوری‌های روز خود را میراث‌دار جامعه‌ی اکادمیک خود بسازیم و آینده‌ی جامعه را به محیط‌های تحصیلات عالی امیدوار کنیم. پوهنتون‌ها اگر تولید نداشته باشند و با معیارهای علمی جهانی هم‌خوانی و هم‌صدایی نکنند، حتماً که امید جامعه از پوهنتون‌ها برچیده و نقش مان از فعالیت‌های ملی و بین‌المللی در جهان مدرن منتفی خواهد شد.

تحقیق هویت اصلی پوهنتون‌ها است. به این خاطر است که نقش پوهنتون‌ها در جهان در تغییردهی و تحول مهم و ارزنده است. یکی از مهم‌ترین نمونه قابل حرمت در حریم تحصیلات عالی نقش پوهنتون‌های اولیه اسلامی در مراکش و مصر بود که کارآیی و سهم خود را در قرون وسطی در تلفیق‌دهی دانش اسلامی و نگرش‌های علمی به جهان هدیه کرد و جهان را به دانش و عقلانیت دینی امیدوار کرد. بناً پوهنتون‌ها باید مراکز علمی و تحقیق باشند و نقش خود را به‌عنوان مرکز تحول و توسعه درست ایفا کنند.

منابع

- صالحی و دیگران. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر بهبود کیفیت تحصیلات عالی، تهران: انتشارات پوهنتون اسلامی.
- رسولزاده و ثمری. (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی فن آوری در بهبود ارتقای کیفیت و یادگیری، تهران: انتشارات پیام نور.
- شکیبایی و دیگران. (۱۳۹۹). شناسایی ابعاد توسعه بر تفکر پژوهی در نظام تحصیلات عالی، تهران: انتشارات آزاد اسلامی.
- امین، فاطمی. (۱۳۸۸). نظام آموزشی و بازدهی آموزشی، تهران: انتشارات بهشتی.
- Nitza and Echhaus.(2021). Academic rank and position effect on academic output, Paris: Sciedu press.
- Tripp Simon. (2017). The importance of research universities, teconomy:partpress.
- Vincentas.(2015). Development of scientific research activity in university, Mara: Elsevier.
- Eli,bitzer.(2008). Higher education as a field of study and research, south Africa:SUN PRESS.
- Bressan,Beatrice.(2004). A study of the research and development benefits to society resulting from an international research center, Helsinki: Finland press.
- Radio,valentine.(2012). The purpose of research in universities, Delhi:ijsr press.
- Vabo and others.(2016) the establishment of formal research groups in higher education, Norway: posboks press.

په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې د تدریس په کیفیت د اغېزناکو عواملو درجه بندي

پوهنپار عبدالله حبيبي^۱، پوهنپار حبيب الرحمن ستانکزى^۲

د منجمنې او تشبثاتو د ادارې څانګه، اقتصاد پوهنځي، پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه، پکتیکا، افغانستان^۱

د منجمنې او تشبثاتو د ادارې څانګه، اقتصاد پوهنځي، پکتیا پوهنتون، پکتیا، افغانستان^۲

ایمیل: abd.habibi.af@gmail.com

لنډيز

دغه څېړنه په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې د تدریس په کیفیت د اغېزناکو عواملو د درجه بندي په موخه تر سره شوې دی. د ارقامو د راټولولو لپاره د لیکارت مقیاس په اساس پوښتنپاڼه ترتیب شوې، د نمونې د حجم په ټاکنه کې د کوکران له روش څخه استفاده شوي او پوښتنپاڼې د ساده تصادفي روش مطابق توزیع شوې دي. د ارقامو د تحلیل لپاره له SPSS 24 پروگرام څخه استفاده شوي او اطلاعات د فریدمن ټسټ په واسطه درجه بندي شوي دي. د څېړنې پایلو ښودلې دي، چې د محصلینو له نظره د استاد شخصي او مسلکي عوامل په لومړۍ، د مؤسسې خارجي عوامل په دویمه او د فزیکي فضاء عوامل په درېیمه درجه کې راځي او د استادانو له نظره د استاد شخصي او مسلکي عوامل په لومړۍ، د ټولګي د مدیریت عوامل په دویمه او د مؤسسې خارجي عوامل په درېیمه درجه کې راځي.

کلیدی اصطلاحات: د تدریس کیفیت؛ لوړې زده کړې؛ داخلي اغېزناک عوامل؛ خارجي اغېزناک عوامل؛ پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه

Ranking of Factors Affecting the Quality of Teaching in Paktika Institute of Higher Education

Jr. Teaching Asst. Abdullah habibi¹, Jr. Teaching Asstt. habiburahman stanakzai²

Department of management and business administration, faculty of Economics, paktika
institute of higher education¹

Department of management and business administration, Faculty of Economics, Paktia
University, Paktia, Afghanistan²
Email: abd.habibi.af@gmail.com

Abstract

This research endeavors to assess and rank the determinants influencing the quality of teaching at Paktika Higher Education Institute. Data collection relied on a structured questionnaire employing a Likert scale. Cochran's method was instrumental in determining the sample size, while questionnaires were distributed through a simple random method. Subsequently, SPSS 24 software facilitated data analysis, with information classified using the Friedman test. The findings, as perceived by students, highlight the paramount importance of personal and professional attributes of instructors, ranking first, followed by institutional external factors in the second position, and physical environment factors securing third place. Conversely, from the educators' perspective, teachers' personal and professional attributes occupy the top spot, classroom management factors hold second place, and institutional external factors claim the third rank. This research provides valuable insights into the factors shaping the quality of teaching at Paktika Higher Education Institute, offering a multifaceted perspective from both students and teachers.

Keywords: Teaching Quality; Higher Education; Internal Influencing Factors; External Influencing Factors; Paktika Institute of Higher Education

سریزه

په هېواد کې د لوړو زده کړو د کیفیت د لوړولو په موخه د ملکي لوړو زده کړو قانون وضع شوی دی. ددې قانون له مخې دولتي لوړو زده کړو مؤسسه هغه انستیتوت دی، چې د دولت له خوا تأسیس، تمویل، اداره او رهبري کېږي او په ليسانس او يا له هغه څخه په لوړو تحصيلي درجو کې د روزنې او علمي څېړنو په موخه فعالیت کوي (عدليې وزارت، ۱۳۹۸). په هر هېواد کې لوړې زده کړې د پراختيا اصلي محور وي او له بلې خوا د پوهې د توليد او ذخیرې او هم د کلکتوري میراثونو د انتقال اصلي وسيله گڼل کېږي (فراستخوا، ۱۳۸۹).

په هېواد کې د شته لوړو زده کړو مؤسساتو له جملې څخه يوه هم پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه ده، چې په ۱۳۹۱ هجري لمريز کال کې د ښوونې او روزنې پوهنځي په درلودا سره ايجاد شوې ده. د لوړو زده کړو په دې مؤسسه کې په ۱۳۹۳ کال کې کرڼه پوهنځی، په ۱۳۹۹ کال کې اقتصاد او انجنیري پوهنځي او په ۱۴۰۱ کال کې شرعياتو پوهنځی هم ايجاد شوي دي، چې اوس مهال يې د ټولو پوهنځيو شمېر پنځو ته رسېږي (ستراتيژيک پلان کمېټه، ۱۴۰۱).

يو له هغو بحثونو څخه چې همېشه په لوړو زده کړو کې تر بحث لاندې وي او هغه ته جدي پاملرنه شوی، کیفیت گڼل کېږي. په نړۍ کې د پوهنتون او لوړو زده کړو د کیفیت بحث د شلمې پېړۍ له دويمې نيمايي څخه په ځانگړي توگه په اتيايمو کلونو کې ډېر زيات شوی دی؛ ځکه د پوهنتون او لوړو زده کړو د شتون علت د تحول په حال کې دی، هغوی بايد خپلې موخې له سره تعريف کړي او دې موخو ته په کتنې سره خپلې کړنې تر ارزونې لاندې ونيسي (Brennan & Shah, 2010). په لوړو زده کړو کې کیفیت له توقعاتو، موخو، ماموریت او ټاکل شوي معيارونو سره د لوړو زده کړو د وضعیت مطابقت ته ويل کېږي (شهرکی پور، ۱۳۹۱). په پرمختللي هېوادونو کې د زده کړې کیفیت دومره زيات شوی ده، چې هغوی د قدرت په سر رقابت کوي؛ نو ځکه په دې برخه کې د هغوی هڅه د زده کړې له کیفیت سره مستقیمه اړیکه لري (صوری، حنیفی، ناظم، ۱۳۹۹).

څرنگه چې د لوړو زده کړو کیفیت لوړول د تدریس د کیفیت له لوړولو سره مستقیمه اړیکه لري؛ نو ځکه بايد د تدریس کیفیت لوړولو ته پوره پاملرنه وشي. ددې لپاره چې د تدریس په کیفیت د اغېزناکو عواملو په برخه کې لومړيتوبونه وپېژندل شي د يوې څېړنې تر سره کولو ته اړتيا ليدل کېږي او دې اړتيا ته په کتنې سره به دغه څېړنه تر سره شي. د دې څېړنې موخه دا دی، چې په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې د محصلينو او استادانو له نظره د تدریس په کیفیت د اغېزناکو فرعي او اصلي عواملو درجه بندي وشي او هغه عوامل وپېژندل شي، چې د نورو په پرتله ډېر اغېزناک دي. دغه څېړنه په راتلونکي تصميم

نیونه کې ډېر اهمیت لري او په پوهنتونونو او د لوړو زده کړو په مؤسساتو کې د تدریس د کیفیت د ښه کولو او د لوړو زده کړو د کیفیت د لوړولو په برخه کې ډېره مرسته کولای شي. ددې څېړنې په پایله کې به لاندې پوښتنې ځواب شي:

۱. د محصلینو له نظره د اغېزناکو عواملو له جملې څخه کوم عامل د تدریس په کیفیت ډېر اغېز لري؟
۲. د استادانو له نظره د اغېزناکو عواملو له جملې څخه کوم عامل د تدریس په کیفیت ډېر اغېز لري؟

د څېړنې شالید

د ددې څېړنې د موضوع په تړاو تر اوسه په هېواد کې دننه کومه څېړنه نه دی خپره شوي؛ خو له هېواده بهر په مختلفو هېوادونو کې، دې څېړنې ته په ورته مسائلو کې مختلفې څېړنې ترسره شوي ده، چې په دې برخه کې به ترې لنډه یادونه وکړو. یعقوبي او زرندی (۲۰۱۸) کوم عوامل د زده کړې په کیفیت اغېز کوي؟ تر عنوان لاندې څېړنه تر سره کړې دی او داسې پایله یې ترلاسه کړې دی چې ۱۴ عوامل د استادانو په ښوونیزه ارزونه کې شامل ده.

غنجي، حسيني او حجازي (۱۳۹۱) د تهران پوهنتون د کرنې د فارمونو د استادانو له نظره د تدریس د کیفیت ټاکوونکي اجزاوو پېژندنه او درجه بندي تر عنوان لاندې څېړنه تر سره کړې دی. ددې څېړنې پایلو ښودلې دی، چې د استادانو عمر، علمي رتبه، په تدریس کې تجربه د تدریس له کیفیت سره مثبت او معنی لرونکي اړیکه لري. ددې ترڅنګ له دې څېړنې څخه تر لاسه شوي دي، چې درسي پلان، د تدریس مهارتونه، د مفاهمې مهارتونه او د استاد شخصي او مسلکي مهارتونه په مجموع کې د تدریس د کیفیت د اجزاوو د وړیاښ ۷۴ فیصده تشکیلوي.

ددې ترڅنګ دوريسوا او همکارانو (۲۰۱۵) په لوړو زده کړو کې د تدریس ارزونه او بررسي څېړنې په ترڅ کې موندلې دی، چې ارزونه د محصلینو د شخصیت جوړونې او په راتلونکي کاري ساحه کې د هغوی د تیاري یوه اغېزمنه وسیله ګڼل کېږي، ددې ترڅنګ په لوړو زده کړو کې د تدریس د کیفیت او ارزونې ترمنځ یوه قوي مثبت اړیکه شتون لري.

همدارنګه مطلبی فرد، نوه ابراهیم او محسن زاده (۱۳۹۱) د ماستري د محصلینو له نظره په تدریس او زده کړه کې د اخلاقي او مسلکي علایمو بررسي تر عنوان لاندې څېړنه تر سره کړې ده. ددې څېړنې په پایله کې اته اجزايي، په زده کړه کې اغېزمنتوب، د محتوا په وړاندې کولو کې اغېزمنتوب، مسلکي چلن، د محصلینو هر اړخیزې ودې ته پاملرنه، همکارانو ته درناوی، په ټولګي کې مناسبه بحثي فضاء، ټولګي ته درناوی او په پای کې مناسبه ارزونه د مهمو عواملو په توګه پېژندل شوي دي.

مصلح او خسروی (۱۳۹۴) د محصلینو په واسطه د پوهنتون د استادانو د تدریس د کیفیت د ارزونې روشونو بررسی تر عنوان لاندې څېړنه تر سره کړې دی. د دې څېړنې پایلو ښودلې دی، چې د محصلینو په واسطه د تدریس د کیفیت اوسنۍ ارزونه یو شمېر کمزورتیاوې لري، د ارزونې دغه روشونه باید تر بیا کتنې لاندې ونیول شي.

حمیتی او همکارانو (۲۰۱۵) په پوهنتون کې د تدریس د کیفیت په ښه والي او زده کړه ییزې پروسه کې د کمپیوټر رول تر عنوان لاندې څېړنه تر سره کړې ده. د دې څېړنې پایلو ښودلې دی، چې څېړنه، وړاندې کوونه، اړیکې، همکارۍ، د مسئلې حل کول، خنډونه او خلافت د دود شوې تکنالوژۍ او کمپیوټر تر اغېز لاندې دي او په ورځني تدریس کې مهم رول لوبوي؛ نو ځکه مهمه دی، چې تکنالوژي ته په تدریس او د زده کړې په پروسه کې ونډه ورکړل شي.

رشیدا او همکارانو (۲۰۱۹) د لوړو زده کړو په مؤسسه کې د زده کړې د پایلې په کیفیت اغیزمن عوامل تر عنوان لاندې څېړنه تر سره کړې ده. د دې څېړنې پایلو ښودلې ده، چې د مکتب د نوعیت (کلیوال یا ښاري) او د زده کوونکو د ترینګ د پایلو ترمنځ معنی لرونکي اړیکه نه دی لیدل شوي.

له پورته څېړنو سربېره خدیوي او همکارانو (۱۳۹۷) د ایران په فرهنگیان پوهنتون کې د زده کړې او تدریس په کیفیت د اغېزناکو عواملو بررسی تر عنوان لاندې څېړنه تر سره کړې ده، چې حاضر څېړنه هم د هغوی د څېړنې د پایلو پر بنسټ تر سره کېږي او دې څېړنې ته په محتوا کې ورته والی لري. خدیوي او همکارانو (۱۳۹۷) د پوهنتون له استادانو او محصلینو سره مصاحبې کړې ده او د دې مصاحبو له لارې یې د تدریس په کیفیت اغېزناک عوامل په اوه اصلي کتګوریو وېشلي ده، چې د استاد شخصي او مسلکي عوامل، د درسي پروګرام عوامل، د زده کړه ییزې ارزونې عوامل، د ټولګي د مدیریت عوامل، د فزیکي فضاء عوامل، د مؤسسې خارجي عوامل او د مؤسسې داخلي عوامل پکې شامل ده. خدیوي او همکارانو (۱۳۹۷) په خپله څېړنه کې د استادانو او محصلینو له نظره یوازې د اغیزمنو اصلي عواملو درجه بندي کړې دی؛ خو په حاضر څېړنه کې د اصلي عواملو ترڅنګ د تدریس په کیفیت د اغېزناکو فرعي عواملو درجه بندي هم تر سره کېږي، ترڅو د هېواد په تحصیلاتي نظام کې د لومړیتوبونو په پېژندنه کې مرسته وکړي.

د څېړنې روش

دغه څېړنه د ماهیت له نظره د توصیفي څېړنو او د ارقامو د راټولولو د څرنګوالي له نظره د میداني څېړنو له جملې څخه ګڼل کېږي. د ارقامو د راټولولو لپاره له پوښتنپنې څخه استفاده شوی ده، د پوښتنپنې په جوړښت کې تر ډېره د اسدالله خدیوي او همکارانو د څېړنې له موندنو څخه استفاده شوي او د هغې سربېره د څېړونکي له نظر یو شمېر نور مهم عوامل هم په نظر کې نیول شوي دي. پوښتنپناه د لیکارت

مقیاس په اساس ترتیب شوې دی او په جوړښت کې یې د تدریس په کیفیت اغېزناک ۷ اصلي عوامل او ۵۲ فرعي عوامل شامل ده، چې د هغو له جملې څخه ۱۱ فرعي عوامل د استاد په شخصي او مسلکي اصلي عامل کې، ۱۱ فرعي عوامل د درسي پروګرام په اصلي عامل کې، ۷ فرعي عوامل د زده کړې د ارزونې په اصلي عامل کې، ۴ فرعي عوامل د ټولګي د مدیریت په اصلي عامل کې، ۵ فرعي عوامل د فزیکي فضاء په اصلي عامل کې، ۵ فرعي عوامل د پوهنتون په خارجي اصلي عامل کې او ۹ فرعي عوامل د پوهنتون په داخلي اصلي عامل کې داخل ګڼل شوي دي. د پوښتنپاڼې له ثبات او دقت څخه د اطمینان په خاطر د خدیوي او همکارانو له خوا د هغې د کروناڅ الفاء په سنجش باور شوی او د تائید وړ ګرځېدلی دی. د څېړنې لپاره په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې دوه جامعې په نظر کې نیول شوی دي، چې یوه یې د استادانو او بله یې د محصلینو له جامعې څخه عبارت دی. په پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسه کې د روان ۱۴۰۱ هجري لمریز کال په خزاني سمستر کې د استادانو ټول شمېر ۵۸ تنو ته او د محصلینو ټول شمېر ۱۵۲۷ تنو ته رسیده. له دې دواړو جامعو څخه د کوکران د روش په اساس نمونې انتخاب شوي دي او د نمونې په توګه ۳۰۷ تنو محصلینو او ۵۰ تنو استادانو ته د څېړنې پوښتنپاڼې د ساده تصادفي نمونې اخیستنې له روش سره سم توزیع شوی دي، له توزیع شوې پوښتنپاڼو څخه له ځوابولو وروسته ۴۸ پوښتنپاڼې له استادانو او ۳۰۱ پوښتنپاڼې له محصلینو څخه بېرته ترلاسه شوې او تر تحلیل لاندې نیول شوې دي. محصلین د پکتیکا لوړو زده کړو مؤسسې په څلور فعال پوهنځیو پورې اړه لري، چې ۱۱۵ تنو یې له ښوونې او روزنې پوهنځي څخه، ۱۲۴ تنو یې له اقتصاد پوهنځي څخه، ۴۵ تنو یې له انجینري پوهنځي څخه او ۱۷ تنو یې له کرنې پوهنځي څخه انتخاب شوي دي. د څېړنې لپاره استادان هم له څلور واړه فعال پوهنځیو څخه انتخاب شوي دي، چې ۲۹ تنو یې په ښوونه او روزنه پوهنځي، ۸ تنو یې په اقتصاد پوهنځي، ۵ تنو یې په انجینري پوهنځي او ۶ تنو یې په کرنې پوهنځي پورې اړه لري. د پوښتنپاڼې له لارې راټول شوي ارقام د SPSS 24 پروګرام په مرسته تر توصیفي او استنباطي تحلیل لاندې نیول شوي دي او د اطلاعاتو له نورمال والي څخه له اطمینان وروسته د عواملو د درجه بندي لپاره د فریډمن له تست څخه استفاده شوې دی.

د څېړنې موندنې

لومړۍ - د تدریس په کیفیت د اغېزناکو فرعي عواملو درجه بندي

۱- د استاد د شخصي او مسلکي عواملو درجه بندي: د استاد په شخصي او مسلکي ځانگړتیاوو پورې د اړوند فرعي عواملو درجه بندي په لاندې جدول کې ښودل شوې ده:

لومړۍ جدول: د تدریس په کیفیت د اغېزناکو فرعي عواملو درجه بندي

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک فرعي عوامل		د محصلینو له نظره		د استادانو له نظره	
	لومړۍ کټگوري	د استاد شخصي او مسلکي عوامل	اوسط	معیاري انحراف	درجه	معیاري انحراف
۱	پوهنتون ته د استاد ژمنتیا او د مسؤلیت احساس	۴,۸۶۰	۰,۴۰۹	۱	۴,۸۹۵	۰,۳۱۲
۲	په تدریس کې د استاد تجربه	۴,۸۵۰	۰,۳۹۳	۲	۴,۷۰۲	۰,۵۰۷
۳	د استاد مسلکي پوهه او تدریس ته تیاری نیول	۴,۸۰۴	۰,۴۳۰	۳	۴,۸۹۴	۰,۳۷۵
۴	د استاد منظم والی او د وخت مدیریت کول	۴,۷۵۷	۰,۴۹۴	۴	۴,۷۴۵	۰,۵۳۰
۵	محصلانو ته د استاد متقابل درناوی او ښه سلوک	۴,۷۴۱	۰,۵۴۱	۵	۴,۶۸۱	۰,۵۱۵
۶	د استاد د مفاهمي مهارتونه	۴,۷۲۱	۰,۵۴۹	۶	۴,۷۶۶	۰,۴۷۶
۷	د استاد علمي هڅه او انگیزه لرل	۴,۶۴۸	۰,۵۶۲	۷	۴,۷۴۶	۰,۴۴۱
۸	د استاد لوړه تحصیلي درجه او علمي رتبه	۴,۶۰۱	۰,۶۰۶	۸	۴,۲۷۷	۰,۸۲۶
۹	په تدریس کې له زده کړه ییزې تکنالوژۍ څخه استفاده	۴,۵۲۲	۰,۷۴۶	۹	۴,۴۶۸	۰,۷۷۶
۱۰	له پوهنتون څخه د استاد د رضایت کچه	۴,۵۱۹	۰,۶۶۶	۱۰	۴,۳۸۳	۰,۷۶۸
۱۱	د استاد د کاري وجدان وده	۴,۵۱۸	۰,۶۸۱	۱۱	۴,۶۱۷	۰,۶۴۴

له پورته جدول څخه څرگندېږي، چې د استاد د شخصي او مسلکي عواملو له جملې څخه د محصلینو له نظره پوهنتون ته د استاد ژمنتیا او د مسؤلیت احساس په لومړۍ، په تدریس کې تجربه په دویمه او د استاد مسلکي پوهه او تدریس ته تیاری نیول په درېیمه درجه کې راځي او د استادانو له نظره پوهنتون ته د استاد ژمنتیا او د مسؤلیت احساس په لومړۍ، مسلکي پوهه او تدریس ته تیاری نیول په دویمه او د استاد د مفاهمي مهارتونه په درېیمه درجه کې راځي.

۲- د درسي پروگرام د عواملو درجه بندي: په درسي پروگرام پورې د اړوند اغېزناکو فرعي عواملو درجه بندي په لاندې جدول کې ښودل شوې دی:

دويم جدول: د درسي پروگرام د عواملو درجه بندي

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک			د محصلینو له نظره			د استادانو له نظره	
	فرعي عوامل			اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف
۱	دویمه کتگوری د درسي پروگرام عوامل د محصل پوښتنو ته مناسب ځواب او غبرگون ورکول			۴,۸۱۷	۰,۴۱۲	۱	۴,۷۶۶	۰,۴۷۶
۲	د محصل محوري په اساس تدریس کول			۴,۶۹۴	۰,۶۰۵	۲	۴,۵۵۳	۰,۶۵۳
۳	د منظم مهال وېش شتون محصلانو ته د پروژو او			۴,۶۸۱	۰,۵۵۲	۳	۴,۲۷۷	۰,۷۴۳
۴	سمینارونو ورکړه			۴,۶۷۱	۰,۵۹۰	۴	۴,۴۴۷	۰,۶۱۹
۵	د درس په پای کې نتیجه‌گیری کول			۴,۶۴۸	۰,۶۸۰	۵	۴,۴۲۶	۰,۶۸۳
۶	کورنۍ دنده ورکول			۴,۵۹۸	۰,۶۸۹	۶	۴,۳۱۹	۰,۶۹۵
۷	د کورس پالیسي شتون او صحیح تطبیق			۴,۵۷۵	۰,۶۵۲	۷	۴,۳۸۳	۰,۷۳۹
۸	د استاد له خوا د هر فصل موخې تشریح کول			۴,۵۳۵	۰,۶۴۵	۸	۴,۲۱۳	۰,۷۷۸
۹	د گروهی کار په شکل تدریس کول			۴,۴۴۵	۰,۷۲۷	۹	۴,۲۵۵	۰,۷۰۶
۱۰	له تدریسي بهیر څخه د ویدیو یا اډیو ثبتول			۴,۳۷۵	۰,۷۷۲	۱۰	۴,۱۲۸	۰,۹۰۰
۱۱	د پایلو پر بنسټ تدریس کول			۴,۳۷۲	۰,۸۴۱	۱۱	۴,۳۴۰	۰,۷۰۰

له جدول څخه څرگندېږي، چې د درسي پروگرام په عواملو کې د محصلینو له نظره د محصل پوښتنې ته مناسب ځواب او غبرگون ورکول په لومړۍ درجه، د محصل محوري په اساس تدریس کول په دویمه درجه او د منظم مهال وېش شتون په درېیمه درجه کې راځي، د استادانو له نظره هم د محصل پوښتنو ته مناسب ځواب او غبرگون ورکول په لومړۍ درجه، د محصل محوري په اساس تدریس کول په دویمه درجه او محصلینو ته سمینارونه او پروژو ورکول په درېیمه درجه کې راځي.

۳- د زده کړه ییزي ارزونې د عواملو درجه بندي: په زده کړه ییزه ارزونه پورې د اړوند اغېزناکو فرعي عواملو درجه بندي په لاندې جدول کې ښودل شوي دی:

دریم جدول: د زده کړه ییزي ارزونې د عواملو درجه بندي

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک فرعي عوامل		د محصلینو له نظره		د استادانو له نظره		
	درېمه کتگوری	د زده کړه ییزي ارزونې عوامل	اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف
۱	په ارزونه کې له ټولو محصلینو سره یوشان چلند	۴,۷۹۱	۰,۴۷۵	۱	۴,۳۸۳	۰,۷۹۵	۴
۲	د تدریس په جریان او پای کې ارزونه کول	۴,۷۰۴	۰,۵۳۸	۲	۴,۳۸۳	۰,۷۳۹	۳
۳	له نوي درس مخکې د تېر درس ارزونه کول	۴,۶۲۵	۰,۶۱۳	۳	۴,۴۴۷	۰,۷۱۷	۱
۴	په ارزونه کې له محصلینو سره مناسب عکس العمل	۴,۶۱۱	۰,۶۸۲	۴	۴,۴۲۶	۰,۷۱۵	۲
۵	په گروپي شکل سره د استاد لخوا ارزونه کول	۴,۴۰۹	۰,۷۵۴	۵	۳,۸۰۹	۰,۸۵۱	۵
۶	د ټولو استادانو لخوا په یوه روش سره ارزونه کول	۴,۳۸۲	۰,۸۳۱	۶	۳,۷۶۶	۱,۰۸۸	۶
۷	په ارزونه کې د استاد علمي سختي او جدیت کول	۴,۲۹۹	۰,۹۰۸	۷	۳,۷۲۳	۱,۰۵۷	۷

له پورته جدول څخه څرگندېږي، چې په زده کړه ییزه ارزونه پورې د اړوند عواملو په درجه بندي کې د محصلینو له نظره په ارزونه کې له ټولو محصلینو سره یوشان چلند کول په لومړۍ درجه، د تدریس په جریان او پای کې ارزونه کول په دویمه درجه او له نوي درس مخکې د تېر درس ارزونه کول په درېیمه درجه کې راځي؛ خو د استادانو له نظره له نوي درس مخکې د تېر درس ارزونه په لومړۍ درجه، په ارزونه کې له محصلینو سره مناسب عکس العمل لرل په دویمه درجه او د تدریس په جریان او پای کې ارزونه کول په درېیمه درجه کې راځي. له دې سربېره په گروپي شکل سره د استاد لخوا ارزونه کول، د ټولو استادانو له خوا په یوه روش سره ارزونه کول او په ارزونه کې د استاد جدیت کول د محصلینو او استادانو دواړو له نظره په پنځمه، شپږمه او اوومه درجه کې راځي.

۴- د ټولګي د مدیریت د عواملو درجه بندي: د ټولګي په مدیریت پورې د اړوند اغېزناکو فرعي

عواملو درجه بندي په لاندې جدول کې ښودل شوې ده:

څلورم جدول: د ټولګي د مدیریت د عواملو درجه بندي

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک فرعي عوامل						د استادانو له نظره	
	د محصلینو له نظره		د محصلینو له نظره		د محصلینو له نظره		د استادانو له نظره	
	اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف
۱	۴,۷۱۴	۰,۵۵۸	۱	۴,۴۶۸	۰,۶۲۰	۳	۴,۴۶۸	۰,۶۲۰
۲	۴,۷۱۲	۰,۵۵۹	۲	۴,۵۹۶	۰,۵۳۸	۱	۴,۵۹۶	۰,۵۳۸
۳	۴,۶۵۱	۰,۶۰۱	۳	۴,۳۱۹	۰,۹۳۵	۴	۴,۳۱۹	۰,۹۳۵
۴	۴,۴۱۴	۰,۸۰۶	۴	۴,۴۸۹	۰,۷۱۸	۲	۴,۴۸۹	۰,۷۱۸

لکه څرنګه چې له پورته جدول څخه څرګندېږي، د محصلینو له نظره د مباحثې او پوښتنې کولو علمي ازادې په لومړۍ، په ټولګي کې د محصلینو شمېر په دویمه او د ټولګي مناسب نظم (محیط) په درېیمه درجه کې راځي؛ خو د استادانو له نظره په ټولګي کې د محصلینو شمېر په لومړۍ، د محصلینو دقیقه حاضري اخیستنه په دویمه او په ټولګي کې محصلینو ته د بحث او پوښتنې کولو علمي ازادې ورکول په درېیمه درجه کې راځي.

۵- د فزیکي فضاء د عواملو درجه بندي: په فزیکي فضاء پورې د اړوند اغېزناکو فرعي عواملو درجه

بندي په لاندې جدول کې ښودل شوې دی:

پنځم جدول: د فزیکي فضاء د عواملو درجه بندي

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک فرعي عوامل						د استادانو له نظره	
	د محصلینو له نظره		د محصلینو له نظره		د محصلینو له نظره		د استادانو له نظره	
	اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف
۱	۴,۷۲۸	۰,۵۲۲	۱	۴,۴۸۹	۰,۶۸۸	۳	۴,۴۸۹	۰,۶۸۸
۲	۴,۷۲۱	۰,۶۳۹	۲	۴,۷۶۶	۰,۵۲۰	۱	۴,۷۶۶	۰,۵۲۰
۳	۴,۶۸۱	۰,۶۶۲	۳	۴,۵۳۲	۰,۵۸۴	۲	۴,۵۳۲	۰,۵۸۴
۴	۴,۶۴۸	۰,۷۰۹	۴	۴,۳۱۹	۰,۸۳۷	۴	۴,۳۱۹	۰,۸۳۷
۵	۴,۵۵۱	۰,۷۰۸	۵	۴,۱۹۱	۰,۸۷۶	۵	۴,۱۹۱	۰,۸۷۶

لکه څرنگه چې له پورته جدول څخه څرگندېږي، د فزیکي فضاء په عواملو کې د محصلینو له نظره د مطالعې لپاره د معیاري ځایونو (سالونونه) شتون په لومړۍ، د لابراتوارونو، عملي کار ځایونو او وسایلو شتون په دویمه او د کتابتون امکانات او د نوي کتابونو موجودیت په درېیمه درجه اغېزناک عواملو کې راځي؛ خو د استادانو له نظره د لابراتوارونو، عملي کار ځایونو او وسایلو شتون لومړۍ درجه، د کتابتون امکانات دویمه درجه او د معالې لپاره د معیاري ځایونو شتون درېیمه درجه اغېزناک عوامل گڼل شوي دي.

۶- د مؤسسې د خارجي عواملو درجه بندي: د مؤسسې په خارج پورې د اړوند اغېزناکو فرعي عواملو درجه بندي په لاندې جدول کې ښودل شوې ده:

شپږم جدول: د مؤسسې د خارجي عواملو درجه بندي

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک			د محصلینو له نظره			د استادانو له نظره	
	فرعي عوامل			اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف
۱	شپږمه کتگوري د مؤسسې خارجي عوامل له زده کړې سره د محصلینو علاقه او انگیزه لرل			۴,۷۴۱	۰,۵۹۹	۱	۴,۵۵۳	۰,۶۵۳
۲	د محصلینو د کورنیو او کاري ستونزو نه لرل			۴,۶۷۳	۰,۵۹۵	۲	۴,۴۴۷	۰,۷۱۷
۳	د پوهنتون لوړ کیفیت او اعتبار			۴,۵۸۵	۰,۷۲۴	۳	۴,۵۵۳	۰,۵۴۴
۴	د علمی درسي او سپورتي مسابقو تر سره کول			۴,۴۴۰	۰,۷۲۲	۴	۳,۷۴۵	۰,۹۴۳
۵	د تحصیل په جریان کې د محصل دنده لرل			۴,۳۰۳	۰,۸۷۶	۵	۳,۷۰۲	۱,۱۰۲

له پورته جدول څخه څرگندېږي چې د مؤسسې خارجي عواملو کې د محصلینو له نظره له زده کړې سره د محصلینو علاقه او انگیزه لرل لومړۍ درجه، د محصلینو د کورنیو او کاري ستونزو نه لرل دویمه درجه او د پوهنتون لوړ کیفیت د تدریس په کیفیت درېیمه درجه اغېزناک عوامل گڼل شوي دي؛ خو د استادانو له نظره د پوهنتون لوړ کیفیت لومړۍ درجه، له زده کړې سره د محصلینو علاقه او انگیزه لرل دویمه درجه او د محصلینو کورنۍ او کاري ستونزي نه لرل د تدریس په کیفیت درېیمه درجه اغېزناک عوامل گڼل شوي دي.

۷- د مؤسسې د داخلي عواملو درجه بندي: د مؤسسې په داخل پورې د اړوند اغېزناکو فرعي عواملو درجه بندي په لاندې جدول کې ښودل شوې ده:

اووم جدول: د مؤسسې د داخلي عواملو درجه بندي

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک فرعي عوامل		د محصلینو له نظره			د استادانو له نظره		
	اوسمه کتگوری	د مؤسسې داخلي عوامل	اوسط	معیاري انحراف	درجه	اوسط	معیاري انحراف	درجه
۱	د استادانو او محصلینو په ځان باور لرل	۴,۷۶۴	۰,۵۱۱	۱	۴,۶۱۷	۰,۶۱۰	۱	
۲	د محصلینو لپاره تقویتی پروگرامونه (سمینارونه، ورکشاپونه...) دایرول	۴,۷۴۰	۰,۵۵۴	۲	۴,۵۱۱	۰,۵۸۵	۵	
۳	د محصلینو علمي تشویق او هغوی ته انگیزه ورکول	۴,۷۲۱	۰,۵۷۹	۳	۴,۴۸۹	۰,۶۲۱	۶	
۴	د استادانو او محصلینو د رواني روغتیا شتون	۴,۷۰۵	۰,۵۵۶	۴	۴,۵۱۱	۰,۵۸۵	۳	
۵	د کیفیت او تدریس په برخه کې د شفافیت شتون	۴,۷۰۴	۰,۵۳۱	۵	۴,۴۴۷	۰,۵۴۴	۷	
۶	د کیفیت لوړولو په برخه کې د پوهنتون د ادارې هڅه	۴,۶۶۰	۰,۵۹۹	۶	۴,۵۱۱	۰,۸۳۱	۴	
۷	له استادانو سره د پوهنتون د ادارې علمي همکارۍ	۴,۶۵۱	۰,۵۹۵	۷	۴,۵۳۲	۰,۷۱۸	۲	
۸	په پوهنتون کې د ازادي علمي فضاء ایجادول	۴,۶۱۵	۰,۶۷۷	۸	۴,۳۴۰	۰,۷۰۰	۸	
۹	په پوهنتون کې د ظاهري نظم او دسپلین شتون	۴,۵۵۰	۰,۶۶۰	۹	۴,۲۵۵	۰,۶۷۵	۹	

په پورته جدول کې د مؤسسې له داخلي اغېزناک عواملو څخه د محصلینو له نظره د استادانو او محصلینو په ځان باور لومړۍ درجه، علمي پروگرامونه جوړول دویمه درجه او د محصلینو تشویق او هغوی ته انگیزه ورکول درېیمه درجه اغېزناک دي، د استادانو له نظره هم د استادانو او محصلینو په ځان باور لرل لومړي درجه، له استادانو سره د پوهنتون د ادارې علمي همکاري دویمه درجه او د استادانو او محصلینو د رواني روغتیا شتون درېیمه درجه اغېزمن عوامل پېژندل شوي دي.

دویم - د تدریس په کیفیت د اغېزناکو اصلي عواملو درجه بندی

د تدریس په کیفیت د اغېزناکو اصلي عواملو درجه بندي په لاندې جدول کې ښودل شوې ده:

اتم جدول: د تدریس په کیفیت د اغېزناکو اصلي عواملو درجه بندی

ردیف	د تدریس په کیفیت اغېزناک اصلي عوامل	د محصلینو له نظره			د استادانو له نظره		
		اوسط	معياري انحراف	درجه	اوسط	معياري انحراف	درجه
۱	د استاد شخصي او مسلکي عوامل	۴,۶۸۶	۰,۵۵۲	۱	۴,۶۵۲	۰,۵۶۱	۱
۲	د مؤسسې خارجي عوامل	۴,۶۷۹	۰,۵۸۵	۲	۴,۴۶۸	۰,۶۵۲	۳
۳	د فزیکي فضاء عوامل	۴,۶۶۶	۰,۶۴۸	۳	۴,۴۶۰	۰,۷۰۱	۴
۴	د ټولګي د مدیریت عوامل	۴,۶۳۲	۰,۶۱۹	۴	۴,۴۶۸	۰,۷۰۳	۲
۵	د درسي پروګرام عوامل	۴,۵۸۳	۰,۶۵۱	۵	۴,۳۷۳	۰,۶۹۹	۵
۶	د مؤسسې داخلي عوامل	۴,۵۴۸	۰,۷۰۳	۶	۴,۲۰۰	۰,۷۹۲	۶
۷	د زده کړه ییزې ارزونې عوامل	۴,۵۴۶	۰,۶۸۶	۷	۴,۱۳۴	۰,۸۵۲	۷

له پورته جدول څخه څرګندېږي، چې د تدریس په کیفیت اغېزناک عوامل د محصلینو له نظره د استاد شخصي او مسلکي عوامل په لومړۍ، د مؤسسې خارجي عوامل په دویمه او د فزیکي فضاء عوامل په درېیمه درجه کې راځي او د استادانو له نظره د استاد شخصي او مسلکي عوامل په لومړۍ، د ټولګي د مدیریت عوامل په دویمه او د مؤسسې خارجي عوامل په درېیمه درجه کې راځي.

مناقشه

ددې څېړنې او د خدیوي او همکارانو (۱۳۹۷) د څېړنې پایلې د استادانو له نظره د استاد په شخصي او مسلکي عواملو او د ټولګي د مدیریت په عواملو کې د یوې درجې په توپیر سره مشابهت او د مؤسسې په داخلي عواملو کې تر ټول زیات (پنځه درجې) توپیر لري او په پاته نورو ټولو عواملو کې له دوه تر درې درجې پورې توپیر لري او د محصلینو له نظره د استاد شخصي او مسلکي عواملو او د ټولګي د مدیریت عواملو دواړو کې یو شان درجه لري، داخلي عوامل د یوې درجې په توپیر سره مشابهت او په نورو عواملو کې هم له دوه تر دریو درجو پورې توپیر لري.

د غنچي، حسيني او حجازي (۱۳۹۱) د څېړنې پایلو ښودلې وه، چې علمي رتبه، په تدریس کې تجربه د تدریس له کیفیت سره مثبت او معنی لرونکي اړیکه لري او هم د تدریس مهارتونه، د مفاهمي مهارتونه، د درس په محتوا کې تخصص او د استاد شخصي او مسلکي مهارتونه په مجموع کې د تدریس له کیفیت

د اجزاوو د وړیانس ۷۴ فیصده تشکیلوي، ددې څېړنې پایله هم د هغوی د څېړنې موندنې تائیدوي او د اوسط له نظره ذکر شوې عوامل د تدریس په کیفیت ډېر اغېزناک گڼي.

دوریسو او همکارانو (۲۰۱۵) د څېړنې په ترڅ کې موندلې وه، چې ارزونه د محصلینو د شخصیت جوړونې او په راتلونکي کاري ساحه کې د هغوی د تیاري یوه اغېزمنه وسیله کېږي، خو ددې څېړنې په پایلو کې د محصلینو او استادانو دواړو له نظره ارزونه اغېزمنه گڼل شوې؛ خو نظر نورو عواملو ته اوومه درجه اغېزمنه گڼل کېږي. ددې ترڅنگ حاضري څېړنې د بلترک او اردکانی (۱۳۹۹) او عارفی، زندی او شهودي (۱۳۹۰) د څېړنو پایلي هم تائید کړي دي.

پایلي اخیستنه

د څېړنې د لومړۍ پوښتنې په ځواب کې ویلای شو، چې د محصلینو له نظره د استاد شخصي او مسلکي عوامل په لومړۍ، د مؤسسې خارجي عوامل په دویمه او د فزیکي فضاء عوامل په درېیمه، د ټولگي د مدیریت عوامل په څلورمه، د درسي پروگرام عوامل په پنځمه، داخلي عوامل په شپږمه او د زده کړه یيزي ارزونې عوامل په اوومه درجه کې راځي.

همدارنگه د دویمې پوښتنې په ځواب کې ویلای شو، چې د استادانو له نظره د استاد شخصي او مسلکي عوامل په لومړۍ، د ټولگي د مدیریت عوامل په دویمه، د مؤسسې خارجي عوامل په درېیمه، د فزیکي فضاء عوامل په څلورمه، د درسي پروگرام عوامل په پنځمه، داخلي عوامل په شپږمه او د زده کړه یيزي ارزونې عوامل په اوومه درجه کې راځي.

د څېړنې پایلي رابښې، چې اوسط ته په کتنې سره یاد شوي اووه کتگورۍ ټول عوامل د تدریس په کیفیت اغېزناک دي؛ خو د هغو له جملې څخه د استاد شخصي او مسلکي عوامل، خارجي عوامل، د فزیکي فضاء عوامل او د ټولگي د مدیریت عوامل تر ټولو ډېر اغېزناک گڼل شوي دي، چې باید ډېره پاملرنه ورته وشي.

سرچینې

- بلترک، م. & اردکانی کمالی، ح. (۱۳۹۹). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش رشته کارشناسی علوم تربیتی با استفاده از رویکرد ویکور فازی. رویکرد های نوین آموزشی، ۲(۳۲)، ۱۷۹-۱۹۴.
- خدیوی، ا.، سید کلان، س. م.، حسن پور، ت.، احمدی، ح.، تره باری، ح. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش و تدریس در پوهنتون فرهنگ‌یای. نشریه علمی - تحقیقی آموزش و ارزش‌یابی (۱۱)، ۱۶۱-۱۸۵.
- استراتژی یک پلان کمپته. (۱۴۰۱). استراتژی یک پلان. پکتیکا: پکتیکا لوپو زده کرو مؤسسه.
- شهرکی پور، ح. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت آموزشی دوره های کارشناسی ارشد پوهنتون آزاد پوهنخی علوم تربیتی، تحقیق در برنامه‌ریزی درسی، ۹(۲)، ۱۱۸-۱۲۴.
- صوری، م.، حنیفی، ف.، ناظم، ف. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی در مدارس ابتدایی شهر تهران، تحقیقات مدیریت آموزشی، ۱(۱۲)، ۲۷۷-۳۰۶.
- عارفی، م.، زندی، خ.، شهردی، م. (۱۳۹۰). بررسی کیفیت رشته علوم تربیتی در پوهنتون کردستان بر اساس مدل‌های کانو و گسترش عملکرد کیفیت، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۳(۸)، ۱۲۵-۱۵۰.
- عدلی وزارت. (۱۳۹۸). د ملکی لوپو زده کرو قانون، کابل: رسمی جریده.
- غنچی، م.، حسینی، س.، حجازی، ی. (۱۳۹۱). شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های تبیین‌کننده کیفیت تدریس از دیدگاه اساتید پردیس‌های کشاورزی پوهنتون تهران، مجله تحقیق‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳(۵)، ۳۱-۴۱.
- فراسخواه، م. (۱۳۸۹). آینده اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران؛ مدلی بر آمده از نظریه مبنایی. ۶۷-۹۴.
- مصلح، ه.، خسروی، م. (۱۳۹۴). بررسی روش‌های ارزیابی کیفیت تدریس اساتید پوهنتونی از طریق محصلان. مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی و نهمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام‌های پوهنتونی.
- مطلبی فرد، ع.، نوه، ا.، عبدالرحیم، محسن زاده، ف. (۱۳۹۱). بررسی و شناسایی نشانگرهای حرفه‌ای و اخلاقی در آموزش و تدریس از نقطه نظر محصلان کارشناسی ارشد، فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، ۶(۴)، ۸-۱.
- Brennan, J, & Shah, T. (2010). Managing Quality in Higher Education. An International Prospective on institutional Aessment and Change, Buckingham: srhe university press.
- Durisova, M., Kucharcikova, A, & Tokarcikova, E. (2015). Assestment of Higher Education Teaching Outcomes (Quality of Higher Education. (Procedia - social and Behavioral Sciences, 116, 2085-2089.
- Hamiti, M., Reka, R, & Imeri, F. (2015). The Impact of Computer Components in Enhacing the Quality of Tceaching and Learning Process in Universities. Procedia - Social and Behavioral Sciences,(191), 2422-2426.
- Rashid, G., Guzel, I., Leonid, A., Nefediev, C & .,Anvar, N. (2019). Factors Affecting the Quality of Learning Outcome in a Higher Education Institution.) ARPHA Proceedings) V International Forum on Teacher Education, 927-936.
- Yaghoubi, M, & Zarandi Sultani, M. (2018). What Factors Affect Education Quality in Higher Education ?International Jourana of Management and Applies Science 85-88.

اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت آن در نظام تحصیلی افغانستان

پوهنځیار خلیل احمد احدی

دیپارتمنت قضا و څارنوالی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، پوهنتون بدخشان، بدخشان، افغانستان

ایمیل: khalilahmadahadi@gmail.com

چکیده

تحقیق از ارکان اساسی نظام‌های تحصیلی به حساب می‌آید. تربیت نیروی بشری محقق، وابسته به نظام‌های آموزشی تحقیق محور است. مسأله این است که در افغانستان میان تدریس و تحقیق توازنی وجود ندارد. هم‌چنان اهمیت تحقیق به صورت واقعی درک نشده و راهکارهای علمی نیز برای بهبود آن پیش کش نشده است. تحقیق حاضر باهدف بررسی موارد متذکره تدوین شده است. اطلاعات این تحقیق با روش کتابخانه‌ای-میدانی گردآوری و با شیوهی توصیفی-تحلیلی، پردازش شده است. نتیجهی تحقیق حاکی از این است که تحول مثبت علمی در مراکز تحصیلی، افزایش تولیدات علمی و کشف ظرفیت‌های پنهان علمی از اهمیت حیاتی پرداختن به تحقیق در افغانستان است. به همین ترتیب، کاهش مکلفیت‌های درسی و افزایش مکلفیت‌های تحقیقی استادان، تقویت مهارت‌های زبانی و نگارشی استادان، ایجاد رشته‌ی کتاب‌داری، مقابله با سرقت علمی، در نظر گرفتن درس روش تحقیق در نصاب تحصیلی مکاتب، تأسیس انجمن‌های تحقیقی در پوهنتون‌ها از راهکارهای تقویت تحقیق در افغانستان است.

اصطلاحات کلیدی: افغانستان؛ تحقیق؛ راهکارها؛ مراکز علمی؛ نظام تحصیلی

The Importance of Research and Strategies for Strengthening it in Afghanistan's Educational System

Jr. Teaching Asstt. Kalil Ahmad Ahadi

Department of Judicial and Attorney, Faculty Of Law and Political Science,

Badakhshan University, Badakhshan, Afghanistan

Email: khalilahmadahadi@gmail.com

Abstract

Research is indispensable in advancing educational systems, serving as a foundational pillar for human resource development. However, a notable disparity between teaching and research has emerged in Afghanistan, resulting in a limited grasp of research's significance and an absence of proposed scientific remedies for enhancement. This study addresses these critical issues by examining the present state of research within Afghanistan's educational landscape. Comprehensive data were gathered and analyzed using a blend of library research, field investigation methods, and descriptive-analytical analyses. The research findings spotlight several pivotal factors essential for fostering research in Afghanistan. These include promoting positive scientific development within educational institutions, amplifying scientific productivity, and unlocking untapped scientific potential. Furthermore, the study proposes pivotal measures to invigorate research endeavors, encompassing a reduction in curriculum demands for professors, strengthening language and writing proficiencies, establishing well-resourced libraries, combatting academic plagiarism, integrating research methodology courses into the academic curriculum, and inaugurating research-focused programs and associations within universities. This research yields invaluable insights to guide policymakers, educators, and stakeholders toward fortifying research-oriented educational systems in Afghanistan, propelling scientific advancement and progress.

Keywords: Afghanistan; Research; Solutions; Scientific Centers; Education System

مقدمه

تحقیق علمی، اساس رشد و توسعه‌ی کشورها را تشکیل می‌دهد. دولت‌ها به‌عنوان حامیان اصلی محققان و برنامه‌ریزان فعالیت‌های تحقیقی، میکانیسم‌های اجرای برنامه‌های تحقیقی را طرح‌ریزی، مدیریت و تطبیق می‌نمایند. در عصر کنونی، فعالیت‌های تحقیقی و تهیه‌ی اثرهای علمی از رسالت بنیادین مراکز علمی به حساب می‌آید. موضوعی که از نظم و روش خاصی پیروی نموده و به‌نام تحقیق علمی یاد می‌شود. در نظام تحصیلی افغانستان؛ وزارت محترم تحصیلات عالی از برنامه‌ریزان و حامیان اصلی فعالیت‌های تحقیقی به‌شمار می‌رود. البته در کنار وزارت تحصیلات عالی، اکادمی علوم افغانستان نیز دارای ماهیت تحقیقی است. بنابراین مسأله‌ی اساسی این است که اهمیت تحقیق تا هنوز در افغانستان به درستی شناخته نشده و هم‌چنان راهکارهای مشخص علمی نیز برای بهبود آن ارائه نشده است. در این مقاله سعی می‌شود تا اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت آن در افغانستان مورد واکاوی قرار گیرد.

سؤالات تحقیق

این تحقیق در تلاش ارائه‌ی پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱. سؤال اصلی: جایگاه تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان، چگونه است؟

۲. سؤالات فرعی

- اهمیت تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان چیست؟

- راهکارهای تقویت تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان چیست؟

پیشینه تحقیق

در عموم راجع به موضوع تحقیق کتاب‌ها و رساله‌های مختلفی توسط نویسندگان کشور تهیه شده است. اما تمرکز آنان بیش‌تر روی نحوه‌ی نوشتن مونوگراف‌ها، مقاله‌ها و سایر اثرهای تحقیقی بوده است که با عناوینی هم‌چون روش تحقیق، روش تهیه و تدوین مونوگراف‌های تحصیلی و غیره سازمان‌دهی شده‌اند. در هیچ‌یک از اثرهای مورد نظر به اهمیت و آسیب‌شناسی فعالیت‌های تحقیقی در نظام تحصیلی افغانستان پرداخته نشده است؛ اما به‌صورت جزئی در برخی از آثار علمی به آسیب‌شناسی تحقیق در افغانستان، نکاتی به شرح ذیل بیان شده است:

۱. آسیب‌شناسی عدم شناخت ماهیت علم و روش تحقیق در افغانستان، عنوان مقاله‌ای است که توسط یعقوب یسنا نوشته شده است. این مقاله در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ در سایت خبرگزاری خامه پرس منتشر شده است. مقاله‌ی یادشده با رویکرد انتقادی وضعیت تحقیق در نهادهای

تحقیقی افغانستان را به بحث و بررسی گرفته است. هرچند راجع به اهمیت تحقیق و بهبود فعالیت‌های تحقیقی در افغانستان نکاتی ارائه نموده است اما نکات بیان‌شده، کلی و فشرده است.

۲. روش تحقیق در رشته‌های حقوق و شرعیات (نشر فرهنگ، ۱۴۰۱) عنوان کتابی است که توسط خلیل‌احمد احدی تدوین شده است. اثر مزبور در چهار فصل سازمان‌دهی شده است؛ اما تمرکز آن بیش‌تر روی نحوه‌ی تدوین پایان‌نامه‌های تحصیلی است. در اثر یادشده راجع به اهمیت عمومی تحقیق یک‌سری نکاتی بیان گردیده و نیز به‌صورت کلی به برخی از آسیب‌ها و راهکارهای مرتبط به اجرای فعالیت‌های تحقیقی و نگارش پایان‌نامه‌های تحصیلی در مراکز علمی افغانستان مطالبی مطرح شده است. درحالی‌که، به‌صورت جامع و اختصاصی راجع به اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت فعالیت‌های تحقیقی در نظام تحصیلی افغانستان، مباحثی ارائه نشده است.

۳. ارزیابی تحقیق‌های پوهنتونی در کشورهای اسلامی (۱۳۹۸)، عنوان مقاله‌ای است که توسط مرتضی محقی و دیگران در فصل‌نامه‌ی مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام منتشر شده است. مقاله‌ی مذکور، جایگاه تحقیقات علمی در کشورهای اسلامی را به بحث و بررسی گرفته است. در مقاله‌ی یادشده، وضعیت تحقیق و تولید علم در کشورهای اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته و چالش‌های مرتبط با اجرای کارهای تحقیقی، بازتاب یافته است. در نهایت برای موانعی شناسایی شده، راهکارهای تقویتی نیز ارائه شده است. به هر صورت تمرکز بیش‌تر مقاله مرتبط با کشورهای مصر، ایران و ترکیه بوده و راجع به افغانستان و سایر کشورهای اسلامی اشارات درخور توجهی ندارد.

بنابراین تحقیق حاضر وضعیت تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان را به‌صورت اختصاصی مورد بحث و مطالعه قرار داده، ضمن بیان اهمیت تحقیق؛ راهکارهای تقویت فعالیت‌های تحقیقی در نظام تحصیلی افغانستان را به بحث و بررسی می‌گیرد.

روش تحقیق

مواد و مطالب این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی (از نوع مصاحبه) گردآوری گردیده و با شیوه‌ی توصیفی تحلیلی مورد پردازش قرار گرفته است. بدین شرح که کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع نخست شناسایی و جمع‌آوری گردیده و با مطالعه‌ی دقیق، مطالب مورد نیاز از اثرهای مذکور استخراج و فیش‌برداری شده است. از آن‌جا که در افغانستان پیرامون موضوع تحقیق اثرهای علمی

کم‌تری نوشته شده است، لازم پنداشته شد تا بخشی از مطالب این تحقیق از طریق مصاحبه نیز جمع‌آوری شود. بدین منظور؛ نویسنده با مسئولان ذی‌ربط در برخی از پوهنتون‌ها مصاحبه‌ی حضوری نیز انجام داده است. در نهایت مطالب گردآوری‌شده به‌صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج حاصل از آن، در تحقیق حاضر انعکاس یافته است.

اهمیت تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان

تحقیق از جوهره‌ی اصلی نظام‌های تحصیلی به‌شمار می‌رود. در نظام آموزشی افغانستان نیز پرداختن به تحقیق از دغدغه‌های اساسی نهادهای تحصیلی و دست‌اندرکاران امور آموزشی است. نکته‌ی قابل تذکر این است که در نظام تحصیلی افغانستان توازن و تعادل منطقی میان برنامه‌های آموزشی و تحقیقی از گذشته تا به حال وجود نداشته است. بدین شرح که تمرکز و توجه اصلی وزارت تحصیلات عالی و مراکز علمی روی بعد آموزشی مراجع تحصیلی بوده و به اهمیت تحقیق در این نهادها توجه چندانی در عمل صورت نگرفته است. به همین علت نظام تحصیلی افغانستان بارها شاهد به‌روز رسانی نصاب‌های تحصیلی بوده است؛ اما راجع به تحول در برنامه‌های تحقیقی، اقدام عملی کم‌تری صورت گرفته است. به هر صورت پرداختن به امر تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان دارای اهمیت والایی است که به شرح ذیل تبیین می‌شود.

۱. افزایش معرفت و بصیرت دینی

بیداری اسلامی، معرفت و بصیرت دینی منوط به تقویت نهادهای تحقیقی و تولید اثرهای علمی-تحقیقی در حوزه‌ی معرفت دینی است. تا زمانی که آگاهی دینی و معنوی جوانان کشور تقویت نشود؛ بیم سلطه‌ی فرهنگی غرب از میان نخواهد رفت. دانش دینی و ینش معنوی جامعه از طریق تهیه و تدوین اثرهای علمی-تحقیقی تقویت می‌یابد. از آن‌جایی که مفاهیم دینی جزو مفاهیم تخصصی، دشوار و اکثراً ریشه در زبان و ادبیات عرب دارد؛ فهم آموزه‌های دینی برای جوانان و محصلان که در حوزه‌های علوم انسانی مشغولند، امکان‌پذیر نیست. هم‌چنان بسیاری از متون و منابع دینی که به‌عنوان میراثِ مبارکِ علمی از گذشتگان باقی مانده‌اند. از نظر ساختار قطور و حجیم‌اند. بدین منظور شایسته است تا محققان و کارشناسان علوم اسلامی کشور مان‌زمینه‌ی ترجمه‌ی اثرهای علمی را از زبان عربی به زبان‌های ملی فراهم نمایند. هم‌چنان محققان و قلم‌به‌دستان دینی کشور مان می‌توانند اثرهایی را که از نظر حجم، قطور و گسترده‌اند؛ تلخیص و فشرده‌نویسی کنند. با استفاده از این موارد و سایر نکات تحقیقی، بسترِ رشدِ معرفت و بصیرت دینی جامعه را بیش‌تر از پیش می‌توان فراهم نمود.

۲. افزایش تولیدات علمی در کشور

نظام‌های تحصیلی و مراکز علمی کشورها به‌عنوان بنیان، حامیان و تولیدکنندگان فرآورده‌های علمی-تحقیقی به‌شمار می‌روند. افغانستان چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی نقش محسوسی در رشد و تولید اثرهای علمی ندارد. زمانی که از کتابخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و مراکز علمی و فرهنگی جامعه مشاهده صورت می‌گیرد. سهم محققان کشور در تولید و تدوین اثرهای تحقیقی، کم‌رنگ جلوه می‌نماید. هم‌چنان در فضای مجازی نیز محققان افغانستان حضور درخور توجهی ندارند. تمرکز به فعالیت‌های تحقیقی و پشتیبانی از محققان سبب رشد و گسترش کمی و کیفی کارهای تحقیقی گردیده و حضور فعال افغانستان را در سطح ملی و بین‌المللی مرتبط با تحقیق، تضمین می‌نماید.

۳. تحول مثبت علمی در نهادهای تحصیلی کشور

تحول جامعه وابسته به تحول مراکز علمی است و هم‌چنان تحول مراکز علمی از طریق اجرای درست فعالیت‌های تحقیقی میسر می‌شود. بدین توضیح که تحقیقات علمی، منظم و روش‌مند تنظیم می‌شوند و این فرایند نظام‌مند، تحول علمی در مراکز تحصیلی را تسریع و تسهیل می‌بخشد (فدایی عراقی، ۱۳۷۴، ص ۸۵). به بیان دیگر، تحول و توسعه‌ی مراکز علمی در گرو توجه مساویانه به هر دو بعد تحصیلی و تحقیقی این مراکز است. وابستگی میان تحصیل و تحقیق چنان است که بی‌توجهی به یکی از آن‌ها سبب آفت به دیگری و برعکس؛ توجه و تکامل یکی باعث تکامل و تحول هر دو می‌شود. نظام آموزشی کشور باید چنان سازمان‌دهی شود که سهم تدریس و تحقیق به‌صورت مساویانه در آن گنجانیده شود تا زمینه‌ی تأمین نیازمندی‌های اجتماعی فراهم شود (کدخدایپور و قیومی ابرقویی، ۱۳۹۳، صص ۲۹ و ۳۶).

۴. توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور

رشد و توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مرهون زحمات طاقت‌فرسای نویسندگان کشور است. جوامع فرهنگی به جوامعی گفته می‌شود که مردم آن به تعلیم و تربیت، مطالعه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مسابقات کتاب‌خوانی، برگزاری نمایش‌گاه‌های فرآورده‌های فرهنگی و غیره دارای علاقه‌ی شدیدی می‌باشند. از طریق نگارش اثرهای تحقیقی، تشویق و ترغیب محققان، فرهنگ جامعه مورد پالایش قرار گرفته و هم‌چنان فعالیت‌های فرهنگی بارور می‌شود. از نظر اجتماعی نیز نوشتن تحقیقات علمی سبب پختگی فکری و بلوغ اجتماعی مردم می‌شود. ایجاد حس هم‌دلی، اتحاد، هم‌بستگی و میهن‌دوستی از طریق مطالعه و گسترش تولیدات علمی-تحقیقی میسر خواهد شد.

به همین ترتیب رسیدن به خودکفایی اقتصادی و تأمین رفاه و معیشت مردم در گرو فعالیت‌های تحقیقی است. فعالیت‌های تحقیقی‌ای که برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های مدون اقتصاددانان کشور را بازتاب داده و ظرفیت‌های اقتصادی افغانستان را به معرفی می‌گیرد.

در نهایت از نظر سیاسی نیز تهیهی اثرهای تحقیقی و گسترش فعالیت‌های تحقیقی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. مفهوم سیاست به عنوان یک مفهوم علمی مطرح بحث بوده و شناخت علمی از آن وابسته به واکاوی منابع معتبر علمی است. در نظام‌های اسلامی شناخت اصول و عناصر سیاست اسلامی برای ملت مسلمان و سیاست‌مداران اسلامی امر ضروری تلقی می‌شود. تهیهی اثرهای علمی در حوزهی سیاست در عموم و سیاست اسلامی به صورت خاص، سبب تکامل و توسعهی سیاست داخلی و خارجی کشور شده و بینش سیاسی جامعه را تصحیح و تقویت می‌نماید (قاری زاده، ۱۴۰۱).

۵. آشکارسازی ظرفیت‌های پنهان علمی-تحقیقی

افغانستان از نظر داشتن نیروی بشری فعال، محقق و نویسنده کم از کشورهای دیگر نیست. اما این سرمایه‌ی بشری یا در خارج از کشور قرار دارد و یا هم در داخل کشور است و دولت از وجود آن آگاهی ندارد. بدون شک، در صورتی که ظرفیت‌های علمی افغانستان مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته و زمینه‌ی بروز خلاقیت‌های علمی و تحقیقی این نخبگان مساعد شود، سبب رشد و پیشرفت کشور خواهد شد (بهروز، ۱۴۰۱). یکی از راه‌های کشف و آشکارسازی ظرفیت‌های علمی و تحقیقی کشور، برنامه‌ریزی درست فعالیت‌های تحقیقی و ترغیب نخبگان کشور به سهم‌گیری در کارهای تحقیقی است.

۶. شناخت موضوعات و مسایل تازه‌ی علمی

علم از جمله‌ی پدیده‌های متغیر به شمار رفته و مدام در حال تطور و تکامل است. از طریق اجرای تحقیقات علمی، موضوعات و مسایل تازه‌ی علمی را می‌توان کشف و در اختیار جامعه‌ی علمی قرار داد (قاری زاده، ۱۴۰۱)

از طرف دیگر با استفاده از تحقیقات علمی، رشته‌های جدید علمی را نیز می‌توان برای مراکز علمی به معرفی گرفت. نظیر تأسیس رشته‌ی تحصیلی «مدیریت آموزش و پرورش» در امریکا. ایجاد رشته‌ی تحصیلی یادشده محصول زحمات علمی و تحقیقی محققانی بوده است که در مورد نهادهای آموزشی به سطح شهرها و روستاها، سال‌های متمادی تحقیق و تفحص نموده‌اند (کدخداپور و قیومی ابرقوی، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

۷. سهولت در روند اجرای برنامه‌های آموزشی

پرداختن به امر تحقیق و نهاده‌سازی تحصیل تحقیق محور سبب تسریع و تسهیل یادگیری در روند تدریس است. محصل تا موقعی که شنونده‌ی محض باشد به عمق مفاهیم و مطالب درسی ممکن است درست پی نبرد. اما زمانی که محصل علاوه بر آن چه از استاد می‌آموزد خود نیز وارد صحنه شده و موضوعات مورد نظر را با رویکرد تحقیقی، مورد بحث و مطالعه قرار می‌دهد؛ به اجزا و عناصر مطالب درسی، بیش‌تر آشنا می‌شود. به عبارت دیگر، محصل به کمک تحقیق عملاً وارد معرکه‌ی علمی شده و نقشی را هم‌سان با نقش استاد، ایفا می‌نماید (کدخدایور و قیومی ابرقویی، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

راهکارهای تقویت تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان

برای رشد و تقویت تحقیق در نظام تحصیلی افغانستان، راهکارهای علمی مختلفی را می‌توان بیان نمود. اهم این راهکارها به شرح ذیل ارائه می‌شود.

۱. نهاده‌سازی فرهنگ تحقیق در افغانستان

افغانستان در زمره‌ی کشورهای به حساب می‌آید که تا هنوز فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی در آن به‌گونه‌ی شایسته‌ای جا نیفتاده است. اهمیت و ارزش کارهای تحقیقی در جامعه‌ی افغانستان، پوشیده و پنهان است (قاری‌زاده، ۱۴۰۱).

برای نهاده‌سازی فرهنگ تحقیق در نظام تحصیلی و مراکز تحقیقی افغانستان روش‌های مختلفی را می‌توان روی دست گرفت. به عنوان مثال، وزارت محترم تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ، اکادمی علوم، پوهنتون‌ها و سایر مؤسسات هم‌سو، حداقل می‌توانند سالانه آمار تحقیقات و مقالات علمی برتر کشور را شناسایی و بعد از داوری صادقانه و پذیرش آثار برتر، نویسندگان و محققان را با اهدای جوایز مادی و معنوی مورد تشویق و ترغیب قرار دهند. هم‌چنان از این روند مانند برخی از کشورها می‌توانند در روز ویژه یا هفته‌ی ویژه‌ای تحت نام «هفته‌ی تحقیق» در سراسر کشور به منظور ارج‌گذاری به نویسندگان و کارهای تحقیقی، گرامی‌داشت به عمل آورند. به همین گونه؛ با برگزاری سالانه‌ی نمایش‌گاه‌های عمومی کتاب در سطح پایتخت و ولایات و دعوت از ناشران ملی و بین‌المللی و سایر برنامه‌های فرهنگی و تحقیقی مشابه نیز می‌توان فرهنگ تحقیق را در افغانستان نهاده‌سازی نمود.

بنابراین قدردانی از زحمات محققان و استادانی که توسعه و رفاه مادی و فرهنگی جامعه مدیون تلاش‌های بی‌وقفه‌ی شبانه‌روزی آنان است؛ کاری است بسا مهم و سرنوشت‌ساز. از این طریق هم فرهنگ تحقیق را در جامعه می‌توان نهاده‌سازی کرد و هم دغدغه‌های محققان را نسبت به مسایل مادی زندگی می‌توان فروکاست و معطوف به کارهای تحقیقی نمود (تصدیقی، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

۲. در نظر گرفتن منابع مالی برای اجرای فعالیت‌های تحقیقی

موانع و مشکلات مالی از عمده‌ترین چالش‌های مرتبط با فعالیت‌های تحقیقی در نظام تحصیلی افغانستان به‌شمار می‌رود. این معضل سبب تأخیر در روند نشر مقالات علمی استادان و در نهایت باعث به‌دراز کشیدن دریافت رتب علمی استادان شده است. وزارت محترم تحصیلات عالی تاکنون سازوکارهای مشخص مالی را برای انتشار مجلات علمی و فعالیت‌های تحقیقی پوهنتون‌ها تدارک ندیده است. بارها مشاهده شده است که مسئولان پوهنتون‌ها به‌ویژه آمران مجلات علمی، هفته‌ها و ماه‌ها برای تأمین هزینه چاپ مجلات مربوطه، دروازه‌های ده‌ها سازمان و نهاد داخلی و خارجی را دق‌الباب نموده‌اند. وزارت محترم تحصیلات عالی بایست راه‌حل‌های مناسب مالی را جهت سهولت در اجرای کارهای تحقیقی در نظر داشته باشد (ذاکری، ۱۴۰۱).

در کشورهای توسعه‌یافته سالانه بودجه‌ی مالی ویژه‌ای برای بخش‌های تحقیقی از طرف نهادهای دولتی در نظر گرفته می‌شود؛ چیزی که در کشورهای توسعه‌نیافته کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است (محتی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰).

۳. ایجاد مراکز تحقیقی مجهز و معیاری

در کنار موانع مالی و بودجه‌ای؛ از نظر امکانات اداری، ساختاری، تجهیزات و ابزار کار نیز فعالیت‌های تحقیقی در نظام تحصیلی افغانستان به بن‌بست مواجهه است. تا چندی قبل در ساختار تشکیلاتی پوهنتون‌ها صرف کمیته‌های تحقیق وجود داشت. کمیته‌های یادشده صرف به‌شکل نمادین سازمان‌دهی شده بودند و در عمل بنا به مشکلاتی که وجود داشت، فعالیت چندانی نداشتند. در این اواخر که کمیته‌های تحقیق به آمریت تحقیقات علمی ارتقا نموده است تا اندازه‌ای میزان توجه مسئولان نسبت به این مسأله بیش‌تر شده است؛ اما با وجود آن‌هم از نظر مواد و ابزار کار از قبیل دفتر مجهز، انترنت، کمپیوتر، پرینتر و غیره به مشکل مواجه‌اند (ذاکری، ۱۴۰۱).

در کشورها و پوهنتون‌های که به تحقیق ارزش قایل‌اند؛ در سطح مراکز علمی و وزارت تحصیلات عالی معینیت‌ها و ریاست‌های مستقلی مرتبط به بخش تحقیق در نظر گرفته شده است. بنابراین اگر در ساختار و تشکیلات وزارت محترم تحصیلات عالی افغانستان نیز معینیت تحقیقات علمی در نظر گرفته شود و از این طریق در تمام پوهنتون‌ها آمریت تحقیقات علمی به معاونت تحقیقات علمی ارتقا یابد، زمینه‌ی گسترش فعالیت‌های تحقیقی در نظام تحصیلی افغانستان بیش‌تر مساعد خواهد شد (ذاکری، ۱۴۰۱).

۴. کاهش مکلفیت‌های درسی و افزایش مکلفیت‌های تحقیقی استادان

میان مکلفیت‌های درسی و تحقیقی استادان توازن و تعادلی وجود ندارد. خصوصاً در شرایط فعلی که صنف‌های درسی به تایم‌های صبح و بعد از ظهر تقسیم‌بندی شده است. وزارت محترم تحصیلات عالی با تدارک بست‌های کادری بیشتر، می‌تواند این توازن را احیا نماید. هم‌چنان اگر برخی از ساعت‌های درسی استادان در طول هفته به فعالیت‌های تحقیقی اختصاص داده شده و برای‌شان حق‌التحقیقی در نظر گرفته شود، مؤثر خواهد بود (تصدیقی، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

۵. تأسیس انجمن‌های تحقیقی در مراکز علمی

در کنار تشکّل‌های فرهنگی محصلان که عملاً در پوهنتون‌ها وجود دارد. ایجاد انجمن‌های تحقیقی محصلان نیز برای تقویت بعد تحقیقی محصلان امری است مهم و حیاتی. طوری‌که با استفاده از انجمن‌های فرهنگی مهارت اجرای فعالیت‌های فرهنگی محصلان تقویت می‌یابد؛ از طریق انجمن‌های تحقیقی؛ مهارت‌های نوشتاری‌شان نیز تقویت خواهد یافت. انجمن‌های تحقیقی محصلان در بسیاری از پوهنتون‌های جهان وجود داشته و نتیجه‌ی خوبی را به همراه داشته است. بدین منظور؛ وزارت محترم تحصیلات عالی می‌تواند به پوهنتون‌ها هدایت دهد تا در پوهنخ‌های خود، انجمن‌های تحقیقی محصلان را با عضویت محصلان نخبه و فعال، ایجاد نمایند. این انجمن‌ها می‌توانند با حمایت پوهنتون‌ها مجله‌های تحقیقی را راه‌اندازی نموده، مقالات علمی محصلان را منتشر نمایند. یکی از خوبی‌های انجمن‌های تحقیقی محصلی این است که محصلان بعد از فراغت، به راحتی می‌توانند نظر به تجارب قبلی خود، در فعالیت‌های تحقیقی کشور سهیم شوند.

۶. تقویت مهارت‌های زبانی و نگارشی محققان

«زبان انگلیسی از ابتدای قرن هفدهم میلادی با نفوذ استعماری انگلستان رفته‌رفته در تعداد زیاد از کشورها رواج یافت و به‌عنوان زبان حقوقی، آموزشی، ادبی، جایگاه مناسبی یافت. به‌طوری‌که در آغاز قرن بیست و یکم میلادی به یکی از زبان‌های پرکاربرد دنیا تبدیل شد و به‌عنوان زبان بین‌المللی معرفی شد» (باقری دولت‌آبادی و سجادی‌صفت، ۱۳۹۸، ص ۹۷۲).

یکی از ضعف‌های مهم اکثر محققان و استادان افغانستان ناآشنایی آنان با زبان انگلیسی و روش‌های نوین نگارش اثرهای علمی است. قسمی‌که بیان شد امروزه زبان انگلیسی به‌عنوان زبان پیش‌تاز در عرصه‌ی علمی و صنعتی به حساب می‌آید. به بیان دیگر، زبان بین‌المللی تحقیق، زبان انگلیسی است. اکثریت مجله‌های معتبر بین‌المللی با همین زبان راه‌اندازی شده است. برخی استادان و نویسندگان افغانستان به علت ناآشنایی با این زبان از مزایای مجلات بین‌المللی بی‌بهره مانده و ضمناً با نحوه‌ی

ارسال و پذیرش مقالات شان با این مجله‌ها به مشکل مواجه می‌شوند.

براساس قانون تحصیلات عالی ملکی افغانستان، محصلان مقاطع تحصیلی لیسانس، ماستری، دکتورا و اساتید پوهنتون‌ها جهت گرفتن رتب علمی ملزم به تدوین پایان‌نامه‌های تحصیلی و رساله‌های علمی‌اند. اما به دلیل ناآشنایی با روش‌های نوین تحقیق از نوشتن اثرهای معیاری عاجز اند (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۱). وزارت محترم تحصیلات عالی از طریق ایجاد تفاهم‌نامه‌ها با کشورهای مورد نظر می‌تواند زمینه‌ی اعزام استادان و محققان را غرض فراگیری آموزش زبان انگلیسی و هم‌چنان یادگیری روش‌های نوین تحقیق در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت فراهم نماید.

۷. ایجاد رشته‌ی کتابداری و تأسیس کتابخانه‌های مجهز و معیاری

کتابخانه‌ها جزو گنجینه‌ی بزرگ معرفت بشری به‌شمار می‌روند. کتابخانه، نهادی اجتماعی است که به‌منظور رشد و توسعه‌ی علمی، صنعتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی منابع اطلاعاتی مورد نیاز جامعه را جمع‌آوری، نگهداری و در نهایت پخش و نشر می‌نماید (احدی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۲). در خصوص کتابخانه‌های مراکز علمی افغانستان دست‌کم دو چالش عمده وجود دارد: یکی مجهز نبودن و دیگری معیاری نبودن. منظور از مجهز نبودن کتابخانه‌ها این است که اکثر پوهنتون‌های افغانستان فاقد ابتدایی‌ترین کتابخانه‌اند. کتابخانه‌هایی که فاقد کتاب‌های به‌روز، سالن مطالعه، برق، میز، چوکی، کامپیوتر و غیره‌اند.

منظور از معیاری نبودن کتابخانه‌ها، عدم تنظیم کتاب‌ها به روش علمی در قفسه‌های کتابخانه است. در گذشته‌ها و قبل از ایجاد رشته‌ی کتابداری، نحوه‌ی چیدن کتاب‌ها در کتابخانه‌ها براساس کوچکی و بزرگی کتاب‌ها صورت می‌گرفت. روشی که هم غیر منطقی بود و هم کسالت‌آور. درحالی‌که نحوه‌ی چیدن کتاب‌ها در کتابخانه‌ها را امروز به‌عنوان یک رشته‌ی علمی مورد بحث و مطالعه قرار می‌دهند. روش‌های ده‌دهی دیویی و کنگره از مشهورترین روش‌های طبقه‌بندی منابع در کتابخانه‌های جهان‌اند. در افغانستان تا کنون کتابخانه‌های مراکز علمی با همان سبک قدیمی مدیریت می‌شود. از آنجایی‌که فعالیت‌های تحقیقی با کتاب و کتابخانه، پیوند ناگسستنی دارد؛ برای رفع این معضل، وزارت محترم تحصیلات عالی می‌تواند با استفاده از تجارب سایر کشورها در عرصه‌ی کتابداری، رشته‌ی یادشده را در نصاب تحصیلی یکی از پوهنخی‌ها بگنجانند تا زمینه‌ی آموزش تخصصی دانش کتابداری و مدیریت علمی کتابخانه‌ها در کشور فراهم شود (احدی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۲).

۸. حمایت بیش‌تر از مؤسسات نشراتی

مراکز فرهنگی، ناشران، کتاب‌فروشان و قشر فرهنگی افغانستان از آسیب‌پذیرترین نهادها و قشرهای اجتماعی محسوب می‌شوند. به علت کم‌رونق بودن بازار کتاب و صنعت نشر از گذشته تا حال، قشر فرهنگی کشور بیش‌تر از دیگران، رنج ناسازگاری‌های روزگار و فقر اقتصادی روان‌سوز را چشیده‌اند. در صورتی‌که دولت برای چنین مواردی بتواند سازوکارهای حمایتی خود را با ناشران داشته باشد، ضمن گسترش صنعت نشر در افغانستان، بستر رشد و ترقی فعالیت‌های تحقیقی را نیز مساعد می‌نماید.

۹. برخورد قانونی و اداری قاطع با پدیده‌ی سرقت علمی

منظور از سرقت علمی «استفاده از ایده، فکر، لغات و ابتکارات متعلق به دیگری به نام خود یا استفاده از تولیدات فکری دیگری بدون ذکر منبع است» (شاگری، ۱۳۹۸، ص ۶۵۸). تعریف فوق؛ بیان‌گر این است که سرقت علمی پدیده‌ای است که به‌موجب آن، آثار علمی پدید‌آورندگان بدون مجوز آنان توسط دیگران مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (نعمتی و حسینی مقدم، ۱۳۹۹، ص ۱۹۰). استفاده‌ی غیر مجاز از دست‌آوردهای علمی و تحقیقی دیگران می‌تواند شامل بهره‌وری از ایده‌ها، متون، طرحی از هر بخش کتاب، مقاله، نقاشی‌ها، فیلم، موسیقی، عکس، محتوای سایت و نظایر این‌ها بدون ذکر نام صاحب اثر باشد. در نتیجه به استفاده‌ی مستقیم و غیر مستقیم از نوشته‌های دیگران را بدون اشاره به منابع مورد نظر، سرقت علمی گویند. بدین شرح که نویسنده چنان وانمود می‌نماید که نوشته‌ی مورد نظر محصول تأملات شخصی او است (اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۷). برخی از ناشران، کتاب‌فروشان و مطبعه‌ها اثرهای تحقیقی نویسندگان داخلی و خارجی را بدون مجوز قانونی پخش و نشر نموده ضمن نقض حقوق مادی و معنوی نویسندگان، انگیزه و علاقه‌ی تحقیقی نویسندگان را از بین می‌برند. هرچند از نظر حقوقی ضمانت اجراهای جزایی و مدنی خاصی در نظام حقوقی افغانستان برای سارقان علمی لحاظ شده است اما در عمل چندان مورد توجه قرار نگرفته است. برای حمایت بیش‌تر از حقوق مادی و معنوی نویسندگان، لازم پنداشته می‌شود تا در کنار ضمانت اجراهای حقوقی که در قانون کاپی‌رایت افغانستان بازتاب یافته است، با ناقضان اثرهای علمی برخورد اداری نیز صورت گیرد. برخوردهای اداری با ناقضان اثرهای علمی می‌تواند از طریق کمیته‌های انضباطی پوهنتون‌ها در قالب عدم صدور مدرک تحصیلی، لغو رتبه‌ی علمی، تعلیق وظیفه، سلب حقوق مادی و معنوی از اثرهای تقلبی، مهر و موم کردن مؤسسات نشراتی و سایر موارد مشابه روی دست گرفته شود (محسنی، ۱۴۰۱، صص ۱۱۰ و ۱۱۷).

۱۰. ایجاد بانک اطلاعاتی تحقیقی در سطح پوهنتون‌ها

یکی از موانع و چالش‌های عمده‌ی کارهای تحقیقی در افغانستان نبود بانک اطلاعاتی تحقیقی در مراکز علمی است (مطهری، ۱۴۰۰، ص ۲۶). بی‌گمان؛ مراد اصلی از نگارش اثرهای علمی، به‌دست‌آوردن نتایج و یافته‌های جدید علمی است. اما به علت تکراری بودن کارهای تحقیقی در افغانستان این هدف چندان میسر نمی‌شود. سالانه صدها مونوگراف تحصیلی و مقاله‌ی علمی به‌گونه‌ی تکراری نگاشته می‌شود. وجود چنین بانک‌های اطلاعاتی از تکراری بودن اثرهای تحقیقی جلوگیری خواهد نمود (خلیلی و رجائی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳).

همان‌گونه که ریاست محترم تحقیق، تألیف و ترجمه‌ی وزارت تحصیلات عالی دیتابیس ثبت اثرهای ترفیعی و غیر ترفیعی اعضای کادر علمی را راه‌اندازی نموده و از این طریق از تکراری بودن اثرهای تحقیقی استادان جلوگیری نموده است؛ در سطح مراکز علمی نیز به‌منظور جلوگیری از تکراری بودن مونوگراف‌های تحصیلی، چنین راهکاری را می‌توان تدارک دید.

۱۱. درنظر گرفتن درس روش تحقیق در نصاب تحصیلی وزارت معارف

وزارت محترم معارف با تصویب مضمون درس روش تحقیق برای متعلمان دوره‌های ثانویه می‌تواند روحیه‌ی تحقیق را در میان دانش‌آموزان نهادینه سازد. اما لازمه‌ی آن، استخدام معلمان آگاه و آموزش دیده با فنون و رموز روش تحقیق است. وزارت یادشده با همکاری وزارت محترم تحصیلات عالی می‌تواند، معلمان مکاتب را در این زمینه از طریق برگزاری کارگاه‌های روش تحقیق، یاری رساند. این موضوع سبب می‌شود تا متعلمان موقع ورود به پوهنتون‌ها با مفهوم تحقیق و نگارش اثرهای علمی، احساس بیگانگی نکرده، با آگاهی و شناخت قبلی در این زمینه، درخشش درخور توجهی داشته باشند (ابوطالبی، ۱۳۹۹، ص ۷۸).

یافته‌های تحقیق

۱. اهمیت تحقیق در افغانستان تا کنون به‌گونه‌ی شایسته‌ی آن، درک نشده است. اهمیت تحقیق از زوایای مختلفی برای افغانستان، مهم است. تمرکز به فعالیت‌های تحقیقی؛ توسعه‌ی افغانستان در ابعاد مختلف را در پی داشته و هم‌چنان منجر به تحول علمی و گسترش تولیدات علمی کشور می‌شود.

۲. میان تحقیق و تدریس در افغانستان تعادل و توازن وجود ندارد؛ وزارت تحصیلات عالی بایست میزان توجه‌ی خود نسبت به تحقیق را افزایش دهد.

۳. برای بهبود و تقویت تحقیق در افغانستان، راهکارهای جامع و علمی تا کنون ارائه نشده است.

این راهکارها می‌تواند راهکارهای مالی، ساختاری، ظرفیت‌سازی نیروی بشری پویا و محقق را شامل شود.

مناقشه

نظر به آن‌چه در تحقیق حاضر پیرامون اهمیت تحقیق و راهکارهای تقویت آن در افغانستان، بیان شد؛ ملاحظه شد که تدریس و تحقیق از ارکان اصلی مراکز علمی به‌شمار می‌روند؛ اما در افغانستان تمرکز بیش‌تر روی تدریس بوده و توجه به امر تحقیق در گذشته و حال، کم‌رنگ بوده است. در خصوص بیان اهمیت تحقیق در افغانستان در ظاهر کارها صورت گرفته است؛ اما این کارهای اساسی و مؤثر نبوده است. هم‌چنان برای رشد و تقویت تحقیق در افغانستان راهکارهای از سوی کارشناسان ارائه شده است؛ اما این راهکارها یا با اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور هماهنگ نبوده و یا هم از برخی کشورها بدون درنظرداشت واقعیت‌های عینی کشور، کاپی‌برداری و تطبیق شده است. تفاوت این تحقیق با سایر تحقیقات انجام شده در این است که اهمیت تحقیق در افغانستان را به‌صورت جامع مورد مطالعه قرار داده و راهکارهای اساسی را در تناسب با اوضاع علمی و فرهنگی کشور جهت بهبود تحقیق در افغانستان، ارائه نموده است.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به این نتیجه دست یافته است که شناخت مسایل تازه‌ی علمی، افزایش تولیدات علمی، رشد و توسعه‌ی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، سهولت در برنامه‌های آموزشی، افزایش معرفت دینی و آشکارسازی ظرفیت‌های تحقیقی و علمی کشور از مهم‌ترین فواید و اهمیت تحقیق در افغانستان است. به همین ترتیب؛ درنظر گرفتن منابع مالی، کاهش مکلفیت‌های درسی و افزایش مکلفیت‌های تحقیقی استادان، تقویت مهارت‌های زبانی و قلمی محققان، در نظر گرفتن روش تحقیق در نصاب وزارت معارف، برخورد جدی قانونی و اداری با سرقت علمی، تأسیس انجمن‌های تحقیقی محصلان، ایجاد رشته‌ی کتاب‌داری، حمایت بیش‌تر از نویسندگان و ناشران از مهم‌ترین راهکارهای‌اند که برای بهبود تحقیق در افغانستان، باید مدنظر قرار گیرند.

منابع

- ابراهیمی، محمدابراهیم. (۱۳۹۴). رهنمای علمی اصول تحقیق و تحریر مونوگراف‌ها، کابل، جهان اسلام.
- ابوطالبی، نرگس. (۱۳۹۹). بررسی موانع و چالش‌های تحقیق در نظام آموزش و پرورش و... ماهنامه‌ی آفاق، سال چهارم، شماره چهل و یکم.
- احدی، خلیل‌احمد. (۱۴۰۱). روش تحقیق در رشته‌های حقوق و شرعیات، کابل، فرهنگ.
- اسلامی، سیدحسن. (۱۳۹۰). سرقت علمی در سطح پوهنتون، مجله‌ی آینده‌ی تحقیق، سال بیست و دوم، شماره یکم
- باقری دولت‌آبادی، علی و سجادی‌صفت، سیدسجاد. (۱۳۹۸). جایگاه مطالعات جنوب شرق آسیا در تحقیق‌های پوهنتون... فصل‌نامه‌ی سیاست، شماره‌ی چهارم، صفحات ۹۷۸-۹۵۹.
- تصدیقی، محمدعلی و تصدیقی، فروغ. (۱۳۸۸). موانع تحقیق و فرهنگ تحقیق در نظام آموزش عالی، ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره‌ی سی و پنج و سی و شش.
- خلیلی، فرزانه و رجایی، بدالله. (۱۳۸۷). بررسی موانع و مشکلات عمده‌ی تحقیق در پوهنتون آزاد اسلامی، فصل‌نامه‌ی علوم و مدیریت، سال دوم، شماره‌ی ششم، صص ۱۱۶-۷۹.
- شاکری، زهرا. (۱۳۹۸). سرقت علمی و ضمانات اجراهای مقابله با آن، فصل‌نامه‌ی مطالعات حقوق خصوصی، دوره‌ی چهل و نهم، شماره‌ی چهارم، صفحات ۶۷۵-۶۵۵.
- فدایی عراقی، غلام‌رضا. (۱۳۷۴). اهمیت تحقیق در پوهنتون و ارتباط آن با بخش مرجع کتابخانه‌ها، مجله‌ی کتاب و کتاب‌خوانی، شماره‌ی دوم، صفحات ۹۶-۸۵.
- کدخداپور، جمال و قیومی ابرقویی، عباس. (۱۳۹۳). رابطه‌ی آموزش و پرورش در پوهنتون‌های جدید، مجله‌ی سیاست-نامه‌ی علم و فن‌آوری، سال چهارم، شماره‌ی چهارم.
- محسنی، حسن. (۱۴۰۱). ظرفیت‌های حقوق عمومی در حمایت از تحقیق‌های علمی پوهنتون، مجله‌ی مطالعات حقوق عمومی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی یکم، صص ۹۷-۱۲۰.
- محقق، مرتضی و دیگران. (۱۳۹۸). ارزیابی تحقیق‌های پوهنتون در کشورهای اسلامی، فصل‌نامه‌ی مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال اول، شماره‌ی اول، صص ۱۱۷-۱۰۱.
- مطهری، ظاهرشاه. (۱۴۰۱). روش تحقیق با اصول نوین پایان‌نامه‌نویسی، کابل، قرطبه.
- نعمتی، احسان و حسینی‌مقدم، سیدحسن. (۱۳۹۹). مطالعه‌ی تطبیقی سرقت علمی در حقوق ایران و اتحادیه‌ی اروپا، تحقیق‌نامه‌ی حقوق تطبیقی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی دوم، صفحات ۱۸۰-۱۹۹.

بررسی چالش‌های تدریس از راه دور در نظام تحصیلات عالی افغانستان در طول شیوع

کووید ۱۹: با مطالعه موردی پوهنتون پروان

پوهنمل ضیاالدین رحیمی^۱، پوهنمل میراحمد فیض‌مند^۲، پوهنمل ملاجان رحمانی^۳

^۱دپارتمنت منجمنت و اداره تشبثات، پوهنخی اقتصاد، پوهنتون پروان، پروان، افغانستان

^۲دپارتمنت جامعه‌شناسی، پوهنخی علوم اجتماعی، پوهنتون پروان، پروان، افغانستان

^۳دپارتمنت جغرافیه، پوهنخی علوم اجتماعی، پوهنتون پروان، پروان، افغانستان

ایمیل: ziauddin.rahimi2018@gmail.com

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی چالش‌های اساتید پوهنتون پروان نسبت به آموزش از راه دور در طول شیوع کووید-۱۹ بوده. تحقیق حاضر به شکل توصیفی بوده که در آن محققین یک نظرسنجی از ۶۶ تن اساتید را برای کشف چالش‌های تدریس از راه دور توسط پرسش‌نامه به روش نمونه‌گیری انجام داده است. معلومات با استفاده از برنامه SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق در رابطه با چالش‌های عمده‌ای که اساتید پوهنتون پروان در جریان تدریس از راه دور در زمان کووید-۱۹ تجربه نموده که شامل چهار بخش می‌باشد. جزئیات هر یکی از چالش‌های فوق در جداول (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷) نشان داده شده است. در آخر پیشنهادات مختلفی به وزارت تحصیلات عالی افغانستان و سایر ذی‌نفعان ارائه شده است.

اصطلاحات کلیدی: تدریس از راه دور؛ چالش‌ها؛ کووید-۱۹؛ تکنالوژی؛ پوهنتون پروان

Investigating the Challenges of Distance Teaching in the Higher Education System of Afghanistan During the COVID-19 Pandemic: A Case Study of Parwan University

Sr. Teaching Asstt. Ziauddin Rahimi¹, Sr. Teaching Asstt. Mir Ahmed Faizmand², Sr. Teaching Asstt. Mullajan Rahmani³

¹Department of Business Administration, Faculty of Economics, Parwan University, parwan, Afghanistan,

²Department of Sociology, Faculty of Social Science, Parwan University, Parwan, Afghanistan,

³Department of Geography, Faculty of Social Science, Parwan University, Parwan, Afghanistan

Email: ziauddin.rahimi2018@gmail.com

Abstract

This study explores the challenges faced by Parwan University lecturers during the COVID-19 outbreak's transition to distance education. Employing a descriptive research approach, the investigation entailed surveying 66 lecturers to discern the obstacles associated with distance teaching. A structured questionnaire facilitated data collection through purposeful sampling, with subsequent data analysis performed using SPSS software. The research outcomes unveil a comprehensive account of the primary challenges encountered by Parwan University lecturers during the COVID-19-induced shift to distance education. These challenges are presented in seven tables, detailing the severity of each obstacle. In conclusion, the study offers a series of recommendations to the Ministry of Higher Education in Afghanistan and other relevant stakeholders, aiming to address and mitigate these challenges and improve the quality of distance education during unprecedented circumstances.

Keywords: Distance Teaching; Challenges; Covid-19; Technology; Parwan University

مقدمه (بیان مسئله / سوالات تحقیق)

آموزش از راه دور به عنوان یک مفهوم در دهه ۱۷۰۰م بر می گردد، به موازات تحولات تکنالوژی به توسعه خود ادامه داد و با تکنالوژی اطلاعات معنا و اهمیت فعلی خود را پیدا کرد (Özbay, 2015). آموزش آنلاین که با نام های آموزش از راه دور، آموزش الکترونیکی و یادگیری آنلاین نیز شناخته می شود، یک شکل آموزش مبتنی بر تکنالوژی است. از ویژگی های اصلی آن می توان به جداسازی فیزیکی اساتید و محصلین در پروسه تدریس و استفاده از تکنالوژی مختلف برای ارتقای ارتباط بین اساتید و دانش آموزان اشاره کرد (Marjerison et al., 2020). پیشرفت های تکنولوژیکی در دو دهه اخیر آموزش از راه دور را امکان پذیر کرده است و در سیستم تحصیلی بسیاری از کشورهای دنیا رشد چشم گیری داشته و بخشی از سیستم تحصیلی آن ها است. این شیوه آموزش فرصت خوبی برای اساتید و محصلین ایجاد کرده است؛ اما تطبیق مؤثر آن بدون در نظر گرفتن دیدگاه اساتید/ محصلین نسبت به آن، امکان پذیر نیست. امروز محصلین زیادی در کشورهای مختلف به شکل آنلاین تحصیل می کند و سند فراغت خود را به دست می گیرند. این شیوه آموزش فرصت خوبی برای اساتید و محصلین ایجاد کرده است؛ اما در سیستم تحصیلات عالی افغانستان تا به حال محصلینی که با استفاده از صنوف مجازی/ آنلاین درس خوانده و سند فراغت به دست گرفته باشد عملاً وجود ندارد. در حال حاضر تدریس از راه دور یک روش مؤثر در سیستم تحصیلی کشورها به حساب می آید. برای این که ما در سیستم تحصیلی کشور خود روش تدریس از راه دور را تطبیق نماییم و از مزایای آن محصلین ما مستفید شده بتواند، باید ابعاد مختلف تدریس از راه دور را به تحقیق گرفت، تا زمینه تطبیق مؤثر این روش فراهم شود. بنابراین هدف این تحقیق بررسی چالش های تدریس از راه دور در نظام تحصیلات عالی افغانستان در طول شیوع کووید-۱۹: با مطالعه موردی پوهنتون پروان می باشد. برای رسیدن به هدف فوق مستلزم پاسخ گویی به سؤالات تحقیقی زیر می باشد:

۱. اساتید پوهنتون پروان در تدریس از راه دور در طول شیوع کووید-۱۹ به کدام چالش ها مواجه شدند؟

۲. آیا تدریس از راه دور در تطبیق کورس پالیسی براساس سیستم OBE موفق می باشد؟

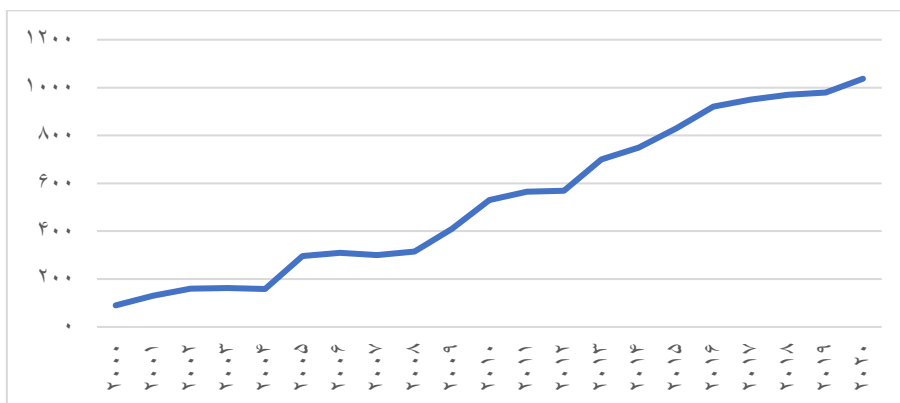
اهمیت این تحقیق

با توجه به افزایش تقاضای روزافزون به آموزش از راه دور در کشورهای مختلف در عصر حاضر، شامل ساختن آموزش از راه دور در پهلوی آموزش حضوری در نظام تحصیلی کشور یک امر ضروری و حیاتی می باشد، نظام تحصیلی کشور در دوران شیوع کرونا با مشکلات بزرگ مواجه گردید و بسیاری از نهادهای

تحصیلی دولتی و غیر دولتی در ولایت مختلف در تطبیق آموزش آنلاین سخت دچار مشکل بودند و بسیاری از محصلین در این دوران به سیستم آموزش از راه دور دسترسی نداشته است. بنابر سیاست‌گذاران تحصیلات عالی کشور باید این مشکلات را بدانند. این تحقیق فرصتی برای شناسایی چالش‌های که اساتید پوهنتون پروان در جریان تدریس از راه دور در زمان کووید-۱۹ تجربه نمودند را فراهم می‌سازد که با شناسایی این چالش‌ها تلاش در جهت برطرف کردن آن‌ها را ممکن می‌سازد. در نتیجه فرصت آموزش را برای کسانی که نمی‌توانند به شکل حضوری تحصیلات عالی خود را به پیش ببرند مهیا می‌سازد.

پیشینه‌ی تحقیق

تدریس آنلاین یک روش جدید آموزش است که روز به روز در حوزه آموزش رایج‌تر می‌شود. شکل (۱) تغییر تعداد مقالات که در دیتابیس اسکوپوس (Scopus) در مورد آموزش از راه دور به تفکیک سال‌ها بیان‌گر افزایش اهمیت تدریس آنلاین و رشد آن در طول زمان می‌باشد و به زودی به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در سیستم تحصیلی تبدیل خواهد شد. شیوع کووید-۱۹ همه‌گیر تدریس آنلاین را بیش‌تر مهم کرده است (Durak et al., 2020). در این زمینه تحقیقات مختلفی از طرف محققان به انجام رسیده است.



شکل ۱: نشر تعداد مقالات در دیتابیس اسکوپوس (Scopus) در مورد آموزش از راه دور (Durak et al., 2020)

Altıntaş Yüksel (2021)، تحقیقی را با عنوان بررسی تجربیات اساتید در درس آنلاین در طول اپیدمی کووید-۱۹ انجام داده است و نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که اساتید اظهار داشتند که آن‌ها بیش‌تر مشکلات مربوط به تکنالوژی مانند اینترنت و کمبود کامپیوتر را تجربه کردند. یکی از نتایج این است که تدریس از راه دور نسبت به تدریس حضوری بیش‌تر خسته‌کننده است.

Şahin (2021)، در تحقیق خود با عنوان مشکلات اساتید در پروسه آموزش از راه دور مشخص نمود که برخی از اساتید کامپیوتر شخصی ندارند و به شکل مشترک با همسر یا فرزندان خود در خانه از آن استفاده

می‌کنند، مشخص شده است که اکثر اساتید اتاق مطالعه مستقل در خانه ندارند، زمانی که همسر یا فرزندان آن‌ها برای هدف درس خواندن استفاده می‌کنند، سروصدا به وجود می‌آید و برخی از اساتید میز تدریس ندارند. علاوه بر این؛ نتیجه‌گیری شد که اکثر دانش‌آموزان در پروسه تدریس آنلاین در درس حضور نداشتند، در پی‌گیری کارخانگی شاگردان مشکل داشتند؛ محتوای دروس برای آموزش از راه دور مناسب نبود؛ مکان و مواد مناسب وجود نداشت؛ بناً برای دروس عملی تدریس آنلاین مناسب نبوده است.

Hashemi (2021)، در تحقیق خود تحت عنوان تجارب تدریس آنلاین در مؤسسات تحصیلات عالی افغانستان در طول شیوع کووید-۱۹: چالش‌ها و فرصت‌ها از یافته‌های این مطالعه برخی مزایا و چالش‌های عمده آموزش آنلاین را برجسته کرده است. مشخص شد که تفاوت معناداری در فرصت‌های آموزش آنلاین بین جنسیت‌ها وجود ندارد؛ اما تفاوت معناداری در چالش‌های آموزش آنلاین از نظر جنسیت به دست آمد. علاوه بر این؛ درجه تحصیلی و تجربه تدریس از نظر احصائیوی تفاوت معنی‌داری و قابل ملاحظه در فرصت‌های به دست آمده توسط پاسخ‌دهندگان دیده می‌شود. درجه تحصیلی و تجربه تدریس هیچ تأثیری بر چالش‌های تدریس آنلاین نداشته.

Sertkaya Dinler و Dündar (2019)، مقاله تحت عنوان مشکلاتی که اساتید ابتدایی در طول همه‌گیری تجربه کرده بودند، اساتید بیان کردند که پروسه تدریس آنلاین بر توجه و انگیزه دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه علاقه و مشارکت در درس را کاهش می‌دهد. در یک مقاله دیگری به عنوان اساتید اظهار داشتند که با تعطیلی مدارس و گذار به آموزش از راه دور، زیرساخت‌های ناکافی به عنوان مشکلی اساسی نام برد است (Aral & Kadan, 2021).

(Sarwari et al., 2022)، در تحقیق خود با عنوان آموزش از راه دور در دوران کووید-۱۹ در افغانستان: چالش‌ها و فرصت‌های آن نشان داده که بعضی از محصلین آن‌ها گوشی هوشمند و لپتاپ برای شرکت در درس را ندارند. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان داده که اساتید نمی‌توانند توضیحات کافی را از طریق پلتفرم‌های آنلاین ارائه دهند، دانش‌آموزان برای درک یک مفهوم نیاز به جزئیات دارند، اینترنت کم سرعت و قیمت بسته‌های اینترنت بالا از جمله چالش‌های در تدریس آنلاین است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق توصیفی بود که در آن محقق یک نظرسنجی را برای کشف چالش‌های آموزش از راه دور توسط پرسش‌نامه در چهار بُعد (کمپیوتر و اینترنت، محیط فیزیکی، محصلین و تطبیق پالیسی کورس) از ۶۶ استاد پوهنتون پروان در سال ۱۴۰۱ به روش نمونه‌گیری در دست‌رس (Convenience Sampling Method) انجام داده است. شرکت‌کنندگان در این تحقیق با رضایت آگاهانه وارد پاسخ به

سؤالات شدند. معلومات و اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از برنامه SPSS-26 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، مشکلات تجربه‌شده توسط اساتید پوهنتون پروان در پروسه تدریس آنلاین در دوره همه‌گیری کووید-۱۹ با توجه به اهداف تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته. پاسخ سؤالاتی که از اساتید در رابطه با مشکلات تجربه‌شده در پروسه آموزش از راه دور پرسیده شده، براساس بخش‌های که مشکلات در آن تمرکز کرده شده، در چهار بخش (کمپیوتر و اینترنت، محیط فیزیکی، محصلین و تطبیق پالیسی کورس) تقسیم‌بندی گردیده است.

۱. **مشکلات کمپیوتر و اینترنت:** مشکلاتی که با کمپیوتر و اینترنت در طول پروسه آموزش از راه دور توسط اساتید پوهنتون پروان تجربه شده است، پاسخ دادند. پاسخ ۶۶ استاد در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مشکلات در بعد اینترنت و کمپیوتر

مشکلات در بعد اینترنت و کمپیوتر	گزینه	تعداد	فیصدی	فیصدی مجموعی
استفاده مشترک از کمپیوتر با همسر یا فرزندان	بلی	۲۱	۳۱.۸۰٪	
	نخیر	۴۵	۶۸.۲۰٪	۱۰۰٪
سرعت پایین اینترنت	بلی	۴۴	۶۶.۷۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۲۲	۳۳.۳۰٪	
بسته‌های اینترنتی ناکافی	بلی	۲۷	۴۰.۹۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۳۹	۵۹.۱۰٪	
مشکل اتصال فنی یا عوارض فنی	بلی	۲۴	۳۶.۴۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۴۲	۶۳.۶۰٪	
نبود کمپیوتر	بلی	۲۷	۴۰.۹۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۳۹	۵۹.۱۰٪	
کمبود تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری	بلی	۳۱	۴۷.۰۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۳۵	۵۳.۰۰٪	
نبود اینترنت	بلی	۳۳	۵۰.۰۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۳۳	۵۰.۰۰٪	
قطع مکرر اینترنت	بلی	۲۴	۳۶.۴۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۴۲	۶۳.۶۰٪	
نبود برق	بلی	۴۳	۶۵.۲۰٪	۱۰۰٪
	نخیر	۲۳	۳۴.۸۰٪	

بررسی معلومات جدول‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که اساتید در قسمت کامپیوتر و اینترنت مشکلات جدی داشتند. در این زمینه مشخص شده است که ۴۰.۹٪ اساتید بدون کامپیوتر؛ ۳۱.۸٪ اساتید به صورت مشترک با همسر یا فرزندان خود از کامپیوتر در منزل استفاده می‌کردند؛ ۴۰.۳۶٪ اساتید مشکل فنی و تخریکی؛ ۶۵.۲٪ اساتید از مشکل نبود برق را داشته، ۳۶.۴٪ استادان قطع مکرر اینترنت؛ ۵۰.۰٪ استادان نبود اینترنت؛ ۴۷.۰٪ کمبود تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری؛ ۴۰.۹٪ استادان بسته‌های اینترنتی ناکافی و ۶۶.۷٪ استادان نیز مشکلی با سرعت پایین اینترنت داشته است. جدول ۲ نشان می‌دهد که بیش‌ترین مشکلات را در بُعد کامپیوتر و اینترنت اساتیدی که رتبه علمی آن‌ها پوهنیا بوده تجربه شده است.

جدول ۲: مشکلات اینترنت و کامپیوتر

انترنت و کامپیوتر		رتبه علمی				
		پوهنیا	پوهنمل	پوهندی	پوهنوال	مجموعه
استفاده مشترک از کامپیوتر با همسر یا فرزندان	تعداد	۶	۷	۸	۹	۲۱
	%	۱.۹	۶.۱۰	۶.۱۰	۵.۱	۸.۳۱
سرعت پایین اینترنت	تعداد	۱۷	۱۴	۱۲	۱	۴۴
	%	۸.۲۵	۲.۲۱	۲.۱۸	۵.۱	۷.۶۶
بسته‌های اینترنتی ناکافی	تعداد	۱۰	۷	۸	۲	۲۷
	%	۲.۱۵	۶.۱۰	۱.۱۲	۱.۳	۹.۴۰
مشکل اتصال فنی یا عوارض فنی	تعداد	۶	۷	۱۰	۱	۲۴
	%	۱.۹	۱.۱۰	۲.۱۵	۵.۱	۴.۳۶
نبود کامپیوتر	تعداد	۵	۱۳	۸	۱	۲۷
	%	۶.۷	۷.۱۹	۱.۱۲	۵.۱	۹.۴۰
کمبود تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری	تعداد	۷	۱۲	۱۲	۰	۳۱
	%	۶.۱۰	۲.۱۸	۲.۱۸	۰.۰	۱.۴۷
نبود اینترنت	تعداد	۶	۱۵	۱۰	۲	۳۳
	%	۱.۹	۷.۲۲	۲.۱۵	۰.۳	۰.۵۰
قطع مکرر اینترنت	تعداد	۶	۶	۱۰	۲	۲۴
	%	۱.۹	۱.۹	۲.۱۵	۰.۳	۴.۳۶
نبود برق	تعداد	۱۶	۱۴	۱۱	۲	۴۳
	%	۲.۲۴	۱.۲۱	۷.۱۶	۰.۳	۲.۶۵
مجموعه	تعداد	۲۶	۲۲	۱۶	۲	۶۶
	%	۴.۳۹	۳.۳۳	۰.۲۴	۰.۳۰	۰.۱۰۰

نوت: فیصدی به اساس سؤالات چندین گزینه‌ی محاسبه شده است.

اما با توجه به یافته‌های تحقیق، این‌که ۲۷ تن از اساتید بدون کامپیوتر و ۲۱ تن اساتید به‌طور مشترک در بین اعضای خانواده از کامپیوتر استفاده می‌کنند، کاملاً قابل تأمل است. این‌که تعداد استادان که با کامپیوتر

مشکل دارند، بیش‌تر از اساتیدی است که مشکل ندارند، اهمیت مسئله را نشان می‌دهد. می‌توان گفت برای تدریس آنلاین وضعیت بسیار ناراحت‌کننده است که اکثر اساتید در عصر تکنالوژی دچار این مشکل می‌باشد. وقتی مشکلات نبود اینترنت، سرعت پایین اینترنت و نبود برق به این مشکلات اضافه شود، اهمیت مشکل بهتر درک می‌شود. هنگامی که یافته‌های جدول ۱ و ۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که اساتید در بعد کمپیوتر و اینترنت مشکلات قابل توجهی دارند که این یک چالش بزرگی برای تطبیق آموزش آنلاین در سیستم تحصیلات عالی افغانستان به نظر می‌رسید.

۲. **مشکلات مربوط به محیط فیزیکی:** در دوره همه‌گیری، ۶۶ تن از استادان به سؤالی درباره مشکلات مربوط به محیط فیزیکی در پروسه آموزش از راه دور پاسخ دادند. پاسخ اساتید در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است. با توجه به یافته‌های جدول ۳ و ۴: ۶۶.۶٪ عدم وجود زیرساخت‌های تکنالوژی اطلاعات و ارتباطات در منزل، ۵۹.۱٪ اساتید اظهار کردند که اتاق مطالعه مستقل در خانه وجود ندارد، ۶۲.۱٪ اساتید عنوان کردند که اگر همسر یا فرزندان شان هم‌زمان درس داشته باشند، سروصدا را تجربه می‌کنند و ۲۲.۷٪ اساتید عنوان کردند که تدریس در خانواده، بر روابط خانوادگی تأثیر منفی می‌گذارد. ضمناً با توجه به پاسخ‌های اساتید مشخص شد که ۵۴.۵٪ اساتید فاقد میز، ۵۹.۱٪ اساتید در آشپزخانه یا اتاق خواب مطالعه می‌کردند و ۳۶.۴٪ اساتید مشکل گرمایشی داشته است، ۴۱ تن اساتید اظهار داشت که محیط صنف درسی به دلیل ایجاد مزاحمت از درب منزل (زنگ و عبور و مرور) مانند زنگ مهمانان تحت تأثیر قرار گرفته است. علاوه بر این‌ها، ۳ تن استادان اظهار داشت که با محیط فیزیکی مشکل نداشته است.

جدول ۳: مشکلات اساتید در بعد محیط فیزیکی

مشکلات اساتید در بعد محیط فیزیکی		مشکلات اساتید در بعد محیط فیزیکی (فریکوئسی)	
تعداد	فیصدی	تعداد	فیصدی
۴۰	۶۰.۶۰٪	عدم وجود زیرساخت‌های تکنالوژی اطلاعات و ارتباطات در منزل	
۳۶	۵۴.۵۴٪	نبود میز مطالعه یا تدریس در خانه	
۴۱	۶۲.۱۰٪	ایجاد سر و صدا اعضاء خانواده در هنگام تدریس آنلاین	
۲۷	۴۰.۹۰٪	ایجاد مزاحمت از درب منزل (زنگ و عبور و مرور)	
۳۹	۵۹.۱۰٪	نبود اتاق مطالعه مستقل در خانه	
۲۴	۳۶.۴۰٪	مشکل گرمایش در اتاق‌های مختلف	
۱۵	۲۲.۷۰٪	نیاز به مطالعه در آشپزخانه یا اتاق خواب	
۱۵	۲۲.۷۰٪	تأثیرات منفی بر روابط خانوادگی	
۳	۴.۵۰٪	هیچ‌کدام از موارد فوق	

نوت: فیصدی به اساس سوالات چندین گزینه‌ی محاسبه شده است.

وقتی مشکلات مربوط به محیط فیزیکی بررسی می شود، مشاهده می شود که عدم وجود اتاق مطالعه مجزا برای هر فرد در منزل، بروز سروصدا در صورت تدریس هم زمان بیش از یک نفر و بدتر شدن وضعیت روابط خانوادگی از جمله مشکلات مهم است. با توجه به این یافته ها اساتید می توان تصور کرد که در یک خانه استاندارد زندگی نمی کنند. از پاسخ های اساتید این نتیجه قابل انتظار است برای تدریس آنلاین مشکلات فوق تأثیرات منفی بجا می گذارد. علاوه بر این؛ مشکل نداشتن برخی از اساتید با محیط فیزیکی ممکن است به دلیل تعداد کم افراد ساکن در خانه باشد.

جدول ۴: مشکلات محیط فیزیکی

مشکلات محیط فیزیکی						رتبه علمی	
						پوهنیار	پوهنمل
						پوهندوی	پوهنوال
						مجموعه	
عدم وجود زیرساخت های تکنالوژی	تعداد	۱۵	۱۴	۱۰	۱	۴۰	
اطلاعات و ارتباطات در منزل	%	۷۰.۲۲	۲۰.۲۱	۲۰.۱۵	۵.۱	۶۰.۶۰	
نبود میز مطالعه یا تدریس در خانه	تعداد	۱۲	۱۰	۱۳	۱	۳۶	
	%	۲۰.۱۸	۲۰.۱۵	۷۰.۱۹	۵.۱	۵۴.۵۴	
ایجاد سر و صدا اعضاء خانواده در هنگام تدریس آنلاین	تعداد	۱۵	۱۲	۱۲	۲	۴۱	
	%	۷۰.۲۲	۲۰.۱۸	۲۰.۱۸	۰.۳	۶۲.۱۲	
ایجاد مزاحمت از درب منزل (زنک و عبور و مرور)	تعداد	۶	۱۰	۱۱	۰	۲۷	
	%	۱۰.۹	۲۰.۱۵	۷۰.۱۶	۰.۰	۹۰.۴۰	
نبود اتاق مطالعه مستقل در خانه	تعداد	۱۴	۱۲	۱۱	۲	۳۹	
	%	۲۰.۲۱	۲۰.۱۸	۷۰.۱۶	۰.۳	۵۹.۱۰۵۹	
مشکل گرمایش در اتاق های مختلف	تعداد	۸	۱۰	۴	۲	۲۴	
	%	۱۰.۱۲	۲۰.۱۵	۱۰.۶	۰.۳	۳۶.۴۰۳۶	
نیاز به مطالعه در آشپزخانه یا اتاق خواب	تعداد	۴	۴	۶	۱	۱۵	
	%	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۹	۵.۱	۲۲.۷۰۲۲	
تأثیرات منفی بر روابط خانوادگی	تعداد	۴	۵	۴	۲	۱۵	
	%	۱۰.۶	۶.۷	۱۰.۶	۰.۳	۲۲.۷۰۲۲	
هیچ کدام از موارد فوق	تعداد	۱	۲	۰	۰	۳	
	%	۵.۱	۰.۳	۰.۰	۰.۰	۴.۵۰۵۰	
مجموعه	تعداد	۲۶	۲۲	۱۶	۲	۶۶	
	%	۴۰.۳۹	۳۰.۳۳	۲۰.۲۴	۰.۳	۱۰۰.۰۱۰۰	

نوت: فیصدی به اساس سؤالات چندین گزینه ای محاسبه شده است.

۳. مشکلات دانش‌آموزان

مشکلاتی که اساتید با محصلین در طول پروسه آموزش از راه دور توسط اساتید پوهنتون پروان تجربه کرده است، پاسخ دادند که در نتیجه پاسخ ۶۶ تن از اساتید در جدول ۵ ارائه شده است. با نگاهی به جدول ۵ و ۶ مشاهده می‌شود که اکثر اساتید با عدم حضور دانش‌آموزان در درس و عدم امکان گرفتن امتحان به شکل شفاف مشکل دارند. در این زمینه ۳۷ تن از استادان اظهار کردند که اکثریت محصلین در درس حاضر نشده‌اند و ۴۷٪ اساتید نیز اظهار کرده‌اند که پی‌گیری کارخانگی از طریق کامپیوتر یعنی تدریس به شیوه آنلاین مشکل است، ۴۲.۴٪ اساتید اجباری نبودن موضوع حضور در درس، ۵۰٪ اساتید ندانستن نحوه استفاده درست از ایمیل و HELMS توسط محصلین، ۴۲.۴٪ اساتید عدم اعتماد به نفس در استفاده از تکنالوژی توسط محصلین، ۴۲.۴٪ اساتید عدم شناسایی محصلین که در جریان درس شرکت کردند، اما گوش ندادند، ۵۴.۵٪ اساتید محصلین که در جریان تدریس (یعنی بعد از شروع تدریس) به درس شرکت می‌کردند؛ اما پروسه تدریس را مختل می‌نمودند و ۴۵.۵٪ اساتید ناتوانی در کنترل محصلین که در ابتدای درس شرکت کردند و بعداً آن را ترک نمودند، یکی از مشکلات است که با محصل در جریان درس آنلاین وجود داشته است.

جدول ۵: مشکلات اساتید در بعد محصلین

مشکلات اساتید در بُعد محصلین (فربکونسی)		تعداد	فیصد
ی	د		
ناتوانی در کنترل کسانی که در ابتدای درس شرکت کردند و بعداً آن را ترک نمودند.	۳۰	۴۵.۵٪	
سردرگمی در معرفی سیستم‌های عامل جدید به محصلین	۴۰	۶۰.۶٪	
محصلین که در جریان تدریس (یعنی بعد از شروع تدریس) به درس شرکت می‌کنند پروسه تدریس را مختل می‌کنند.	۳۰	۴۵.۵٪	
عدم حضور دانش‌آموزان در صنف	۳۷	۵۶.۱٪	
عدم امکان گرفتن امتحان به شکل شفاف	۳۷	۵۶.۱٪	
مشکلات کامپیوتر و اینترنت	۳۶	۵۴.۵٪	
سردرگمی محصلین هنگام معرفی به مطالب جدید	۲۰	۳۰.۳٪	
عدم ارائه اطلاعات در مورد سیستم HELMS از طرف IT پوهنتون	۲۲	۳۳.۳٪	
عدم شناسایی محصلین که در جریان درس شرکت کردند اما گوش ندادند	۲۳	۳۴.۸٪	
مشکل در پی‌گیری وظایف خانگی	۳۱	۴۷.۰٪	
عدم حاضری صنفی	۲۸	۴۲.۴٪	
فقدان محیط مطالعه مستقل	۲۸	۴۲.۴٪	
ندانستن نحوه استفاده درست از ایمیل و HELMS	۳۳	۵۰.۰٪	
عدم اعتماد به نفس در استفاده از تکنالوژی	۲۸	۴۲.۴٪	
هیچ کدام از موارد فوق	۵	۷.۶٪	

نوت: فیصدی و فربکونسی به اساس سوالات چندین گزینه‌ی محاسبه شده است.

وقتی مشکلات مربوط به دانش‌آموزان بررسی می‌شود، عدم حضور محصلین در درس و عدم امکان گرفتن امتحان به شکل شفاف به عنوان یک مشکل مهم دیده می‌شود. اشتراک در درس متغیر مهمی است که بر موفقیت در پروسه یادگیری و تدریس تأثیر می‌گذارد. اجتناب‌ناپذیر است محصلی که در درس حاضر نمی‌شود با مشکلات

زیادی در ارتباط با پروسه یادگیری مواجه می شود. برای افزایش حضور محصلین در پروسه آموزش آنلاین حضور محصل با فیصدی معینی ضروری است. ضمناً مشکلاتی عدم اعتماد به نفس در استفاده از تکنالوژی، فقدان محیط مطالعه مستقل، مشکلات کمپیوتر و اینترنت و عدم ارائه معلومات در مورد سیستم HELMS از طرف IT پوهنتون را می توان از جمله عوامل کاهش شرکت در درس برشمرد. می توان گفت اگر عواملی که مانع از شرکت محصلین در درس شوند، حذف گردد، مشارکت محصلین در درس افزایش می یابد.

جدول ۶: مشکلات محصلین

مشکلات با محصلین	رتبه علمی		مجموع	
	پوهنیار	پوهنمل	پوهندوی	پوهنوال
ناتوانی در کنترل کسانی که در ابتدای درس شرکت کردند و بعداً آن را ترک کردند.	۱۱	۱۱	۸	۰
سردرگمی در معرفی سیستم های عامل جدید به محصلین	۱۴	۱۵	۱۰	۱
محصلین که در جریان تدریس (یعنی بعد از شروع تدریس) به درس شرکت می کنند، پروسه تدریس را مختل می نمایند.	۸	۸	۱۳	۱
عدم حضور دانش آموزان در صفوف	۱۸	۹	۹	۱
عدم امکان گرفتن امتحان به شکل شفاف	۱۶	۸	۱۲	۱
مشکلات کمپیوتر و اینترنت	۱۱	۱۵	۹	۱
سردرگمی محصلین هنگام معرفی به مطالب جدی	۷	۸	۵	۰
عدم ارائه معلومات در مورد سیستم HELMS از طرف IT پوهنتون	۵	۷	۹	۱
عدم شناسایی محصلین که در جریان درس شرکت کردند؛ اما گوش ندادند	۷	۷	۹	۰
مشکل در پی گیری وظایف خانگی	۱۰	۱۰	۱۰	۱
عدم حاضری صنفی	۱۰	۸	۹	۱
فقدان محیط مطالعه مستقل	۹	۹	۹	۱
نداستن مهارت نحوه استفاده درست از ایمیل و HELMS	۱۲	۸	۱۲	۱

نوت: فیصدی و فریکوئسی به اساس سؤالات چندین گزینه ای محاسبه شده است.

۴. مشکلات تدریس آنلاین با تطبیق سیستم کریدت: براساس نتایج تحقیق، یکی از چالش‌های عمده تدریس از راه دور عدم توانستن تطبیق کورس پالیسی بوده است. طوری که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، در میتود تدریس از راه دور اکثر اساتید پوهنتون پروان بیش‌تر از ۵۰٪ پلان خود را نتوانستند که تطبیق کند.

جدول ۷: کورس پالیسی بر اساس سیستم OBE و آموزش از راه دور

اهداف را که در کورس پالیسی بر اساس سیستم OBE در مضامین در نظر گرفته بودند چند فیصد در تدریس آنلاین به آن رسیدید		
فیصد	تعداد	
۳۰.۳	۲۰	گزینه ۱: ۲۵٪
۵۱.۵	۳۴	گزینه ۲: ۵۰٪
۱۸.۲	۱۲	گزینه ۳: ۷۵٪
۰	۰	گزینه ۴: ۱۰۰٪
۱۰۰	۶۶	مجموعه

مناقشه و نتیجه‌گیری

شیوع بیماری کووید-۱۹ تأثیر خود را در تمام زمینه‌های زندگی بشر به‌جا گذاشته، یکی از حوزه‌های که بسیار آسیب‌دیده است، پروسه‌های آموزشی می‌باشد. در همین راستا، برای کاهش تأثیر بیماری کووید-۱۹، آموزش حضوری در پوهنتون به حالت تعلیق درآمد و روند آموزش به روش از راه دور ادامه یافت. با توجه به روند شیوع این بیماری، آموزش از راه دور مانند سایر کشورها در کشور ما نیز تطبیق گردید. کشورهای که به دلیل نداشتن دانش فنی، زیرساخت یا تجربه آمادگی لازم برای تدریس آنلاین را نداشتند، در روند اجرا با مشکلات زیادی مواجه شده‌اند. در جریان تدریس آنلاین، اساتید و محصلین مشکلات مختلفی را تجربه کردند. هدف این تحقیق تعیین مشکلات تجربه‌شده توسط اساتید پوهنتون پروان در جریان تدریس از راه دور می‌باشد. در نتیجه مشکلات تجربه‌شده توسط اساتید پوهنتون در چهار بخش مختلف مشخص شده است. یافته‌های این تحقیق در رابطه با چالش‌های عمده آموزش از راه دور نشان داد که اکثریت (بیش‌تر از ۵۰٪) اساتید در حین تدریس از راه دور از نبود اینترنت، سرعت پایین اینترنت و هم‌چنان نبود برق به‌عنوان چالش‌های عمده می‌دانند. این یافته تحقیق مشابه با نتایج مطالعات زیر می‌باشد (Ebrahimi et al., 2021; Hajizadeh et al., 2021; Hashemi, 2021; Kavuk & Demirtaş, 2021; Pasandeh, 1401).

علاوه‌براین؛ یافته‌ها نشان داده که کم‌بود کمپیوتر، تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از دیگر چالش‌های اصلی آموزش آنلاین می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های مطالعات انجام شده زیر مطابقت دارد (Ebrahimi et al., 2021; Hajizadeh et al., 2021; Mirzaei et al., 2012; Sarwari et al., 2022).

چالش‌های اصلی آموزش از راه دور علاوه‌براین؛ محیط فیزیکی که اساتید در آن تدریس می‌کردند، می‌باشد. با توجه به نتایج تحقیق، مشخص شد که اکثر اساتید در خانه‌های خویش اتاق مطالعه مستقل نداشتند. زمانی که همسر یا فرزندان شان برای اهداف آموزش از کمپیوتر استفاده می‌کنند سروصدا ایجاد می‌شود. علاوه‌براین؛ یافته‌ها نشان داد که عدم وجود زیرساخت‌های تکنالوژی اطلاعات و ارتباطات در منزل از دیگر چالش‌های اصلی آموزش آنلاین می‌باشد، این نتیجه مشابه با یافته‌های مطالعات انجام شده توسط (Y. Arslan & Şumuer, 2020; Sarwari et al., 2022) است.

به اساس پاسخ اساتید و یافته‌های تحقیق اکثر محصلین در جریان تدریس از راه دور در درس حضور نداشتند و در پی‌گیری ارزیابی کارخانگی مشکل داشتند، یکی از جمله مشکلات دیگر آن در صورت اشتراک به درس، استاد تشخیص داده نمی‌تواند که آیا محصل به درس گوش می‌دهند یا خیر؟ و فرصتی برای اصلاح وجود ندارد. این نتیجه مشابه با یافته‌های مطالعات زیر می‌باشد (M. Arslan et al., 2014; Y. Arslan & Şumuer, 2020; Ebrahimi et al., 2021; Hajizadeh et al., 2021; Salimi et al., 2022; Sarwari et al., 2022).

پیشنهادهای و محدودیت

به‌صورت عمومی تحقیقات انجام شده در مورد آموزش آنلاین و آموزش از راه دور در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اساتید و محصلین آموزش آنلاین را مثبت ارزیابی می‌کنند. بناً جهت تطبیق مؤثر آموزش آنلاین (پسا کرونا) براساس یافته‌های این تحقیق، پیشنهادات زیر را می‌توان به پوهنتون پروان، وزارت تحصیلات عالی افغانستان و سایر ذی‌نفعان ارائه کرد:

۱. در پهلوی آموزش حضوری در هر سمستر یک یا دو مضمون به‌شکل آموزش از راه دور تدریس شود؛ یعنی یک سیستم آموزش مختلط، پلان شود؛ تا آهسته آهسته تجربه در قسمت تطبیق آموزش از راه دور به‌دست آید.
۲. برگذاری صنف‌های آموزشی برای بالابردن سطح آگاهی اساتید جهت تقویت برنامه‌های آموزش آنلاین، اساتید آموزش ببینند.
۳. ایجاد زیرساخت‌های فنی و تهیه مواد درسی مناسب برای آموزش از راه دور.
۴. به‌خاطر افزایش علاقه‌مندی محصلین به آموزش از راه دور دروس باید دوباره قابل تماشا باشد، محصلین با تلفن همراه به سیستم درسی آموزش آنلاین دسترسی پیدا کنند.
۵. وزارت تحصیلات عالی با عقد قراردادها با شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات انترنتی، انترنت پر سرعت و باکیفیت را به همه اساتید و محصلین فراهم کنند.

۶. ایجاد پلتفرم‌های آنلاینی توسط وزارت تحصیلات عالی تا که اساتید بتوانند تجربیات مرتبط با پروسه تدریس آنلاین را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.

۷. رسیدگی ویژه به دانش محصلین که در مناطق محروم به‌ویژه محصلین ساکن در روستا. **محدودیت تحقیق:** این مطالعه در بررسی چالش‌های تدریس آنلاین، براساس تجربیات تنها اساتید پوهنتون پروان محدود بوده است. دیدگاه محصلین در مورد آموزش آنلاین مانند اساتید مهم و ضروری می‌باشد؛ اما به دلیل کم‌بود وقت و عدم دسترسی به محصلین و فرا رسیدن رخصتی زمستانی، محققین این مطالعه را تنها بین اساتید انجام داده است.

منابع

- Altıntaş Yüksel, E. (2021). Analysis Of Classroom Teachers' Online Class - Distance Education Experiences During Covid-19 Pandemic. *Ulakbilge Dergisi*, 9(57), 291–303.
- Aral, N., & Kadan, G. (2021). Pandemi sürecinde okul öncesi öğretmenlerinin yaşadıkları problemlerin incelenmesi. *Kırşehir Ahi Evran Üniversitesi Sağlık Bilimleri Enstitüsü Dergisi*, 1(2), 99–114.
- Arslan, M., Iftikhar, M., & Zaman, R. (2014). *Effect of Service Quality Dimensions on Customer Satisfaction: A Comparative Analysis of Pakistan Telecom Sector* (Vol. 15, Issue 4).
- Arslan, Y., & Şumuer, E. (2020). Covid-19 Döneminde Sanal Sınıflarda Öğretmenlerin Karşılaştıkları Sınıf Yönetimi Sorunları. *Milli Eğitim*, 49(1), 201–230.
- Durak, G., Çankaya, S., & İzmirli, S. (2020). Examining the Turkish Universities' Distance Education Systems During the COVID-19 Pandemic. *Necatibey Eğitim Fakültesi Elektronik Fen ve Matematik Eğitimi Dergisi*, 14(1), 787–810.
- Ebrahimi, M., Alishah, F., & Zamanipour, F. (2021). Identify and analyze the opportunities and challenges of students' virtual education. *New Educational Approaches*, 16(2), 15–32.
- Hajizadeh, A., Azizi, G., & Kihan, J. (2021). تحلیل فرصت ها و چالش های آموزش مجازی در دوران کرونا: فصلنامه علمی تدریس تحقیقی، ۹ (۱)، ۱۷۴–۲۰۴.
- Hashemi, A. (2021). Online teaching experiences in higher education institutions of Afghanistan during the COVID-19 outbreak: Challenges and opportunities. *Cogent Arts and Humanities*, 8(1), 1–22.
- Kavuk, E., & Demirtaş, H. (2021). Difficulties Experienced by Teachers in the Distance Education during COVID-19 Pandemic. *E-Uluslararası Pedagogi Dergisi*, 1(1), 55–73.
- Marjerison, R. K., Rahman, J., & Li, Z. (2020). Students' attitudes towards distance education: A comparative study between Sino-foreign cooperative universities and typical universities in China. *Journal of Instructional Pedagogies*, 25, 1–22.
- Mirzaei, M., Ahmadi, F., & Azizian, F. (2012). Viewpoints of students of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences towards e-Learning in teaching clinical biochemistry. *The Journal of Medical Education and Development*, 7(2), 67–74.
- Özbay, Ö. (2015). Dünyada ve Türkiye'de Uzakt Eğitimin Güncel Durumu. *The Journal of International Educational Sciences*, 2(5), 376–376.
- Pasandeh, M. (1401). Examining Of Combined Education (Face-To-Face & Virtual) On Students İn The Time Of Corona. *Environmental Sciences and Geography Knowledge*, 3(1).
- Şahin, M. (2021). *Uzaktan Eğitim Sürecinde Öğretmenlerin Yaşadığı Sorunlar*. 14(52), 1734–1757.
- Salimi, S., & Fardin, M. (2020). The role of Corona Virus in virtual education, with an emphasis on opportunities and challenges. *Research in School and Virtual Learning*, 8(2), 49–60.
- Sarwari, K., Kakar, A. F., Golzar, J., & Miri, M. A. (2022). Distance learning during COVID-19 in Afghanistan: Challenges and opportunities. *E-Learning and Digital Media*, 19(2), 144–162.
- Sertkaya Dinler, S., & Dündar, H. (2019). Problems Experienced By Primary Teachers During Pandemia. *International Journal of Field Education*, 7(2), 112–133.

بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی

پوهنیار حبیب الله پویا^۱، پوهنیار نصرالله نصرت^۲، پوهنیار محمدصادق میرزایی^۳ و نامزد پوهنیار سکندر مهدوی^۴

^{۱،۲،۳،۴} دپارتمنت آگرونومی، پوهنځی زراعت، مؤسسه تحصیلات عالی دایکندی، دایکندی، افغانستان

ایمیل: h.poya18@gmail.com

چکیده

هدف اساسی تحقیق، بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور عزیز ما افغانستان است. روش تحقیق، توصیفی و به شیوه تحلیل اسنادی انجام شده است. عمده ترین یافته های تحقیق عبارت است از: فعالیت اکثر پوهنتون های افغانستان به اساس روش های کهنه و سنتی استوار بوده و اکثراً پوهنتون ها نمی توانند به قدر کافی افراد حرفه ای و مسلکی را برای جامعه تقدیم کنند. پوهنتون ها نباید مکانی باشد که تحصیل کرده های آن؛ غیرحرفه ای و ناکارآمد باشد، بلکه باید حرفه ای باشد که نیروی انسانی خلاق، کارآفرین و مبتکر را تربیت نماید. از این رو، ضروری است که سرعت رشد کمی در نظام تحصیلات عالی و مؤسسات تحصیلی کشور متوقف شده و اقدامات اساسی در جهت عمق بخشی و توسعه کیفی در آن ها صورت گیرد.

اصطلاحات کلیدی: نظام تحصیلات عالی؛ توسعه کیفی؛ توسعه کمی؛ مشکلات؛ راهکارها

Assessing Quality Development Challenges and Solutions in Higher Education

Habibullah Pouya¹, Nasrullah Nasrat², Mohammad Sadiq Merzai³ and Sikander Mahdawy⁴

^{1,2,3,4} Department of Agronomy, Agriculture Faculty of Daikundi Higher Education Institute

Email: h.poya18@gmail.com

Abstract

The primary objective of this research is to assess the challenges and propose solutions for enhancing the quality of higher education in Afghanistan. Employing a descriptive research method through document analysis, the study reveals that many universities in Afghanistan rely on conventional teaching methods and struggle to provide skilled professionals to society. It emphasizes the need for universities to nurture creative, entrepreneurial, and innovative individuals. Consequently, addressing the issue of rapid quantitative expansion in the higher education system is crucial, and efforts should be redirected towards ensuring quality development.

Keywords: Higher Education System; Quality Development; Quantity Development; Problems; Solutions

مقدمه

تحصیلات عالی به‌عنوان نظام پویا دارای دو بُعد کمی و کیفی بوده و رشد موزون، متناسب و متعادل این نظام، مستلزم رشد هر دو بُعد به موازات یکدیگر است. رشد و گسترش کمی تحصیلات عالی بدون توجه به کیفیت، به مسایلی هم‌چون: ترک تحصیل، بی‌سوادی، ضعف تحصیلی، مردودی، وابستگی علمی، عرضه نیروی انسانی متخصص مأزاد، عدم فرصت مناسب جهت خلاقیت و شکوفایی و غیره منجر می‌شود. بهبود کیفیت آن نیز، بدون در نظر گرفتن کمیت، به محرومیت انسان‌ها از حق تحصیلات و افزایش تبعیضات اجتماعی منتهی می‌شود (قورچیان، ۱۳۷۳).

در گذشته نظام تحصیلات عالی در اغلب نقاط جهان به‌وسیله سرآمدان هر کشور ایجاد می‌شد و نهادهایی به‌منظور پرورش آنان بود. به این ترتیب؛ روال‌ها، دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی متناسب با این هدف، تنظیم و اجرا می‌شدند. افزایش جمعیت و سایر عوامل، موجب افزایش تقاضا برای تحصیلات عالی گردید. جمعیت محصلان، چندین برابر در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی افزایش یافته، ترکیب اجتماعی آنان متفاوت گردید و در نیازهای جمعیت محصلان تغییراتی پدید آمد. طوری‌که تحصیلات عالی ضرور دانسته است که نیازها و تحولات مذکور را مدنظر قرار داده و تعدیل لازم را در برنامه‌های خود اعمال کند (بازرگان، ۱۳۸۱). براین اساس؛ امروزه نظام تحصیلات عالی به‌واسطه تشدید تقاضاگرایی، رشد مشتری‌گرایی، ضرورت تعامل با جامعه جهانی، نیازهای بازار کار و تناسب با آن نیازهای متحول و نوپدید به‌علاوه ضرورت تنوع بخشیدن به منابع مالی خود با مسأله کیفیت بیش از پیش دست به گریبان هستند. اعضای هیئت علمی و محصلان در داخل پوهنتون و هم‌تایان علمی و حرفه‌ای آنان در دنیای دانش با توجه به جهانی شدن نظام تحصیلات عالی، بهبود مداوم و ارتقاء کیفیت افهام و تفهیم، تحقیقات علمی و فرایندهای نظام تحصیلات عالی پوهنتون‌ها را انتظار دارند، به عبارت دیگر، هم‌ذی‌نفعان خارجی و هم‌ذی‌نفعان داخلی، در مطالبه کیفیت و ضرورت بهبود و ارتقای مداوم آن با یکدیگر هم صدا شده‌اند (Chea, 2003).

در این تحقیق (بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی) سه سؤال زیر طرح و مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. مفهوم کیفیت در تحصیلات عالی چیست؟
۲. مشکلات توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور چه می‌باشند؟
۳. راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور کدام‌ها هستند؟

روش تحقیق

این تحقیق به دنبال بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی بوده و تحقیق به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است.

تحلیل یافته‌های تحقیق

در این جا به نتایج بررسی سؤال‌های تحقیق، پرداخته شده است:

بررسی سؤال اول تحقیق

اولین سؤال تحقیق عبارت بود از این‌که؛ مفهوم کیفیت در تحصیلات عالی چیست؟ کیفیت در تحصیلات عالی مفهومی بسیار بحث برانگیز بوده و اغلب توسط ذی‌نفعان به‌منظور مشروعیت بخشیدن به دیدگاه‌ها و علایق خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. دو دلیل عمده برای دشواری تعریف کیفیت در تحصیلات عالی وجود دارد. در خصوص دلیل اول باید اذعان نمود؛ علی‌رغم این‌که پرورش نیروی انسانی ماهر، آموزش افراد برای حرفه تحقیق، تربیت مدیران کارآمد و تقویت حس آینده‌نگری افراد از جمله اهداف تحصیلات عالی است؛ ولی اتفاق نظری در خصوص اهداف دقیق آن وجود ندارد و دلیل دیگر این‌که؛ تحصیلات عالی مانند انواع دیگر آموزش، فرایندی پیچیده و چند بُعدی است که مبتنی بر ارتباط متقابل بین اعضای هیئت علمی و محصلان بوده و فهم آن امری مشکل است. هم‌چنان تحصیلات عالی توسعه‌یافته‌تر و محصلان ناهم‌گون‌تر می‌شوند، تقاضا برای ورود به مؤسسات تحصیلات عالی و ارائه دوره‌های تحصیلی جدید نیز افزایش می‌یابد. بنابراین ممکن است آن‌چه برای تعریف کیفیت یک مؤسسه تحصیلات عالی یا دوره تحصیلی مناسب باشد، برای سایر مؤسسات و دوره‌های دیگر، نامناسب تلقی شود (مارتین و استیلا، ۱۳۸۸).

شبکه بین‌المللی نهادهای تضمین کیفیت در تحصیلات عالی، در تعریف کیفیت، تطابق با استانداردهای از قبل تعیین‌شده و نیل به اهداف تعیین‌شده را مبنا قرار داده است (Graft, 1995). سنجش کیفیت در تحصیلات عالی، مستلزم آن است که قضاوت بر پایه مجموعه‌ای از استانداردهای از قبل تعیین‌شده صورت گیرد. وقتی چنین استانداردهای مشخص وجود نداشته باشد، کیفیت به‌وسیله میزان تحقق اهداف تصریح شده، ذی‌نفعان و ذی‌ربط‌های آموزشی، سنجیده می‌شود. مسئولان پوهنتون، مدیران گروه‌های آموزشی، محصلان، قانون‌گذاران تحصیلات عالی و اعضای هیئت علمی خود قضاوت می‌کنند که آموزش، تحقیق و خدمات نظام مورد نظر تا چه اندازه با معیارها و اهداف تصریح شده هم‌خوانی دارد (McGinn and Borden, 1995).

بازرگان (۱۹۹۸)، با در نظر گرفتن الگوی عناصر سازمانی؛ فرایندها، پیامدها و ارزش افزوده، کیفیت تحصیلات عالی را تعریف نموده است. از نظر وی کیفیت تحصیلات عالی، تطابق درون دادها، فرایندها، محصولات، بیرون دادها و پیامدهای این نظام با استانداردهای است که به منظور بهبود فعالیت های تحصیلات عالی و با توجه به رسالت ها، اهداف و انتظارات تحصیلات عالی تعریف و تدوین شده است. یونسکو (۲۰۰۲)، معتقد است؛ کیفیت در تحصیلات عالی، مفهومی چندبعدی است که باید تمام کارکردها و فعالیت ها از جمله؛ آموزش، تحقیق، کارکنان، محصلان، امکانات و تجهیزات، خدمات به اқشار جامعه و پوهنتون را در بر گیرد و آن را به میزان زیادی به وضعیت محیطی نظام پوهنتون، مأموریت یا شرایط و استانداردها در رشته های پوهنتون بستگی دارد.

مارتین و استیلا (۱۳۸۸)، کیفیت در تحصیلات عالی را به دو مفهوم (استاندارد محور) در مقابل (تناسب با هدف) تعریف و تشریح نموده اند. براساس مفهوم اول شناسایی و کمی کردن جوانب خاصی از تحصیلات عالی امکان پذیر بوده و استانداردها یا ملاک های یک سان را می توان برای همه مؤسسات یا دوره های تحصیلات عالی مورد استفاده قرار داد. این مفهوم عمدتاً بر این دیدگاه استوار است که با عنایت به اهداف کاملاً مشخص پوهنتون ها (استانداردهای طلایی) وجود دارد که در همه حال باید حفظ شود. مفهوم دوم کیفیت بر این فرض استوار است که پوهنتون ها مأموریت و اهداف متفاوتی دارند. گرچه ممکن است هدف اغلب آن ها انجام تحقیقات وسیع علمی باشد؛ بعضی از آن ها به تدریس رو آورده و بعضی دیگر به ارائه تحصیلات عالی برای اقلیت های قومی و غیره می پردازند.

در مجموع باید اذعان نمود؛ در گذشته مفهوم اصلی کیفیت در تحصیلات عالی عمدتاً مبتنی بر انطباق دست آوردها با برخی از معیارهای ملی و بین المللی، بهبود سطوح آموزش / یادگیری و حفظ آن و نحوه ای تأمین بودجه و سایر منابع به منظور تحقق کیفیت تحصیلات عالی بوده است؛ ولی بحث کیفیت در رویکردهای جدید، اصولاً به تحقیق کیفیت برون دادها، ایجاد فرایندهای مطلوب مدیریت، به منظور نظارت بر موقعیت و میزان تحقق اهداف و مقاصد، ارزیابی نسبت فارغ التحصیلان به بازار کار و مشاغل موجود و نیز فراهم کردن اطلاعات لازم برای افراد ذی نفع به منظور اطمینان بخشی آن ها از کیفیت و اعتبار برون دادها معطوف است (Harman and Meek, 2000).

بررسی سؤال دوم تحقیق

سؤال دوم تحقیق عبارت بود از این که؛ مشکلات توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی چیست؟

نتایج تحقیقات و بررسی های انجام شده، نشان می دهد که نظام تحصیلات عالی از نظر کیفی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار ندارد و نتایج مطالعات در خصوص اثربخشی این دوره ها حاکی از فقر کیفیت

و پائین بودن میزان مطلوبیت این دوره‌ها است و هنوز پس از گذشت چند دهه، چارچوب ادراکی معینی برای ارزیابی کیفیت در نظام تحصیلات عالی وجود ندارد. اگرچه اقداماتی در سطح ارزیابی داخلی در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی انجام می‌شود، ولی به دلایل زیادی این ارزش‌یابی‌ها برای دستیابی به سطح مطلوب و قانع‌کننده‌ای از کیفیت نبوده است و کافی هم نیستند. در این زمینه می‌توان به تجربیات علمای ذیل اشاره نمود:

بهرامی (۱۹۹۵)، «ضعف‌ها و نارسایی‌های موجود در فرایندهای یاددهی و یادگیری و نیز فعالیت‌های تحقیقی پوهنتون‌های کشور نشان از فقدان سازوکارهای مناسب برای توسعه کیفی تحصیلات عالی است». خلیجی (۱۳۷۶)، «ضعف بنیه‌ای ورودی‌ها به دلیل غلبه‌ی یک‌جانبه پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی، عدم تناسب خروجی‌ها با تقاضای بازار کار و نیازهای متحول و متنوع جامعه، مدرک‌گرایی و فقدان بهره‌وری از منابع محدود عمومی در تحصیلات عالی». وزیری (۱۳۷۸)، «نظام تحصیلات عالی نوین در دوران مختلف از فرازاها و فرودهای مختلف عبور نموده است و با تشدید رشد کمی در جمعیت محصلان، آشکارا به‌سوی تمرکزگرایی مفرط سیر نموده است که نتیجه آن کاهش شاخص‌های کیفی مراکز تحصیلات عالی بوده است». مختاریان و محمدی (۱۳۸۷)، «عدم ایجاد ساختار ارزش‌یابی، فقدان بستر و فرهنگ خود ارزش‌یابی، فقدان وجود استانداردهای ارزش‌یابی کیفیت، عدم وجود پایگاه اطلاعاتی مناسب و به‌روز در اکثر پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی و نیز فقدان وجود تمهیدات اشاعه و کاربرست یافته‌ها، از عمده‌ترین مشکلاتی فراروی نظام ارزش‌یابی تحصیلات عالی است» و بازرگان و اسحاقی (۱۳۸۷)، «در دهه‌های اخیر نسبت جمعیت محصلان به افراد گروه سنی ۱۸ الی ۲۴ سال از ۵ فیصد به بیش از ۲۰ فیصد افزایش یافته است، ولی نسبت افزایش سایر عوامل نظام تحصیلات عالی از جمله؛ هیئت علمی، فضای آموزشی و غیره با رشد جمعیت محصلان همراه نبوده است».

در این راستا؛ محتوای رشته‌های تخصصی پوهنتون‌ها، حاکی از ضعف نظام تحصیلات عالی در همراهی نظام‌دار و هم‌افزا با توسعه روزآمد است. ارزیابی برنامه‌های توسعه تحصیلات عالی نیز بیان‌گر این واقعیت است که اهداف عمده برنامه‌های مذکور به‌ویژه در برنامه توسعه سوم نیز نظیر؛ ایجاد هماهنگی بیش‌تر بین توسعه نظام تحصیلات عالی و توسعه ملی، تنوع‌بخشی به نظام تحصیلات عالی، بازنگری برنامه‌های درسی، توسعه دانش سازمان‌یافته، توسعه همکاری‌های بین‌المللی، رشد استعدادها درخشان، گسترش دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی، بهبود نظام‌های ارزش‌یابی، متعادل نمودن تدریس و تحقیق در مؤسسات تحصیلات عالی، متنوع ساختن منابع مالی مؤسسات و افزایش بودجه تحقیقی، حمایت از ایجاد سازمان‌ها و انجمن‌های محصلان در زمینه‌های علمی و فرهنگی، توسعه تحصیلات

عالی و دوره‌های علمی و کاربردی، توسعه آموزش مجازی و غیره محقق نه‌شده است (عزیزی، ۱۳۸۵). به‌علاوه؛ عدم لحاظ ضوابط مشخص و قابل قبولی برای ورود به پوهنتون و عدم رعایت استانداردهای علمی در پذیرش محصلان که در ترکیب ناهماهنگ محصلان پدید می‌یابد و عدم اعمال معیارهای مطلوب علمی و ضوابط تدریس و تحقیق سبب تنزل سطح کیفیت آموزش گردیده است (کدیور، ۱۳۸۲).

اشتغالات بیش از حد اعضای هیئت علمی (تدریس یا مشاغل دیگر)، آنان را از مطالعه و به‌روز بودن علمی دور ساخته و به فرهنگ علمی پوهنتون‌ها آسیب رسانده است. هم‌چنین، باید خاطر نشان کرد که سرعت تغییرات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی و خدماتی (به‌طور کلی ماهیت مشاغل در شرایط حاضر) از یک سوء تغییرپذیری بسیار کم‌محتوا و سر فصل‌های دروس پوهنتون از سوی دیگر زمینه ضعف کیفیت فعالیت‌های علمی و مهارتی را در محصلان نظام تحصیلات عالی، تشدید نموده است (عزیزی، ۱۳۸۳).

تنزل کیفیت دوره‌های تحصیلی نیز، مشکل اساسی پیش‌روی نظام تحصیلات عالی است. در بین دوره‌های مختلف تحصیلات عالی، تحصیلات عالی دارای نقش و منزلتی والا است؛ زیرا وظیفه تربیت نیروی انسانی متخصص در عرصه‌های آموزش، تحقیق و خدمات را برعهده دارد. در سال‌های اخیر رشد کمی تحصیلات عالی، رشد روزافزونی داشته است و اکنون توسعه کیفی آن مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان نظام تحصیلات عالی است (نیلی و همکاران، ۲۰۰۵). گسترش کمی در مقاطع مختلف تحصیلی بدون توجه به توسعه کیفی، ضررهای جبران‌ناپذیری بر دانش وارد می‌کند و سطح کیفی و تخصصی آن‌ها را به شدت کاهش می‌دهد. هم‌اکنون استانداردهای کیفی تحصیلات در پوهنتون‌های کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارد. لذا؛ به نظر می‌رسد جذب محصل در مقطع ماستری در مراکز تحصیلات (پوهنتون‌های مانند پوهنتون کابل، پوهنتون ننگرهار، پوهنتون کندهار و غیره)، نیازمند توقف رشد کمی و توجه به رشد کیفی و عمق علمی است. این درحالی است که در مقطع دکترا، به هر دو بُعد رشد کمی و کیفی نیاز بوده. زیرا؛ در این مقطع نه رشد کمی چندانی صورت گرفته و نه از سطح کیفی قابل قبولی برخوردار است.

بیکاری فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌های کشور عزیز ما افغانستان نیز از جمله مسایل اصلی فراروی نظام تحصیلات عالی کشور است. امروزه به لحاظ کمی جامعه اشباع شده و با تعداد زیادی بیکار مدرک به‌دست رو به رو است، درحالی‌که به شدت به نیروهای کیفی و کاردان نیاز دارد؛ ولی فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌ها فقط مدرک در دست دارند و از تخصص و کارایی کافی برخوردار نیستند. افزایش چشم‌گیر

پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی و ایجاد عطش کاذب گرایش به مدرک و تحصیلات عالی بدون توجه به کیفیت و کارایی، صدمه جدی بر پیکره نظام تحصیلات عالی کشور وارد می‌کند. مشکل مهم دیگر، پیش‌روی نظام تحصیلات عالی در تحقق تضمین کیفیت، مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها است. پدیده مذکور از زمان گذشته در کشور وجود داشته و در این اواخر این روند شتاب فراوانی گرفته است. بسیاری از نخبگان کشور عزیز ما افغانستان و صاحبان رتبه‌های علمی برتر جذب کشورهای توسعه‌یافته شده‌اند.

مشکلات مذکور پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور را برای رسیدن به اهداف و مأموریت‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی خود با محدودیت‌ها و مشکلات مواجه می‌کند. علاوه بر این؛ عدم استقلال پوهنتون‌ها سبب شده دست نظام تحصیلات عالی و پوهنتون‌های کشور را در یافتن راه‌های کارا تر و مناسب‌تر برای خروج از مسایل و مشکلات موجود ببندد. برای حل این مشکلات، اتخاذ راهکارها و سیاست‌هایی در سطح کلان لازم است تا بتوان از یک‌سو، حجم عظیم فارغ‌التحصیلان نظام تحصیلات عالی را جذب بازار کرد و از سوی دیگر، علاوه بر تأمین مالی می‌توان برای افزایش کیفیت دانش‌آموزان، نظام تحصیلات عالی را اصلاح و آن را کارآمدتر کرده و بر کیفیت آن افزود.

بررسی سؤال سوم تحقیق

سؤال سوم تحقیق عبارت بود از این‌که؛ راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی چیست؟

۱. استقلال‌دهی بیش‌تر به پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور زمینه افزایش آزادی علمی، نوآوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی آن‌ها را فراهم خواهد نمود. در پوهنتون‌های مستقل، موضوعات تخصصی به اعضای هیئت علمی واگذار می‌شود که از بالاترین صلاحیت، اجرا و ارائه طرح‌های تحقیقاتی، پذیرش محصل، انتصاب و ارتقای هیئت علمی، تدوین ضوابط اخذ مدرک تحصیلی، تخصیص منابع برای انجام امور علمی و انتخاب مدیران گروه‌های آموزشی برخوردارند. بدیهی است اگر پوهنتون‌ها و اعضای هیئت علمی در اجرای مسئولیت‌های مذکور از استقلال بیش‌تری برخوردار باشند، کیفیت و مسئولیت‌پذیری مؤسسات تحصیلی، اعضای هیئت علمی، مدیران، محصلان و سایر ذی‌نفعان تحصیلات عالی افزایش خواهد یافت و در پرتو این استقلال، مسئولیت‌پذیری و ایجاد تعهد در میان آن‌ها، مؤسسات تحصیلی می‌توانند به‌سوی توسعه کیفی سوق یابند (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳).

۲. هیئت‌های امانا در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی در صورتی‌که اختیارات لازم را داشته باشند؛ می‌توانند به این مؤسسات هویت ویژه بخشند و زمینه‌های استقلال بیش‌تر آن‌ها را فراهم

ساخته و در نتیجه سلسله مراتب اداری، کاستی و تنگ نظری‌های حاکم بر نظام اداری پوهنتون‌ها را کاهش دهند (اجتهادی، ۱۳۷۸). هم‌چنین؛ هیئت‌های امنا می‌توانند امور مربوط به فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی را تسهیل و تسریع کنند و مؤسسات تحصیلات عالی را برای رسیدن به خودکفایی در کشور آماده سازند؛ زیرا با تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوطه می‌توانند اندیشه‌های نو را به مرحله عمل برسانند و پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلی و تحقیقی را برای رویارویی با مشکلات به‌منظور تولید دانش، نظریات و تحلیل‌های جدید و تحقیق‌های بنیادی و کاربردی آماده کنند (بنی سی، ۱۳۸۶). به‌علاوه؛ با تدوین آیین‌نامه‌ها، پایه اولیه ارزیابی را در پوهنتون بر ارزیابی کیفی قرار دهند. بنابراین ضروری است که وزارت تحصیلات عالی، تحقیقات و فن‌آوری به مسأله تدوین شاخص‌های هیئت امنا توجه ویژه‌ای نمایند و با تشکیل کمیته‌های تخصصی زمینه‌های افزایش اطمینان از کیفیت انجام فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی در هیئت امنای پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی فراهم نمایند.

۳. الگوی اعتبارسنجی تحصیلات عالی با همکاری و تعامل شبکه از کلیه ذی‌نفعان هم‌چون؛ پوهنتون‌ها، انجمن‌های علمی، نهادهای غیردولتی، دولت، بازار کار و غیره الگوی مناسب‌تری برای دوره‌گذار تحصیلات عالی کشور به کیفیت جهانی است. ارزیابی داخلی در دیپارتمنت‌های پوهنتون‌ها و به‌صورت درون‌زا با مشارکت اعضای هیئت علمی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی و به دور از شائبه صوری و فرمایشی بودن، پایه اصلی توسعه کیفیت در تحصیلات عالی است و این امر مستلزم به رسمیت شناختن استقلال پوهنتون‌ها، آزادی علمی، ابتکار عمل داخلی پوهنتون‌ها، سازوکارهای انگیزشی کافی برای آن و ترتیب اثر دادن به یافته‌ها و نتایج آن است.

۴. برقراری ارتباطات بین‌المللی در نظام تحصیلات عالی، نقش مهمی در توسعه کیفی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور نقش مهمی ایفا می‌کند. از جمله فنون مؤثر جهت ارتباطات بین‌المللی در تحصیلات عالی، اعزام محصلان به خارج است. تجارب تحصیل در کشورهای پیشرفته در افزایش کیفیت نظام‌های تحصیلات عالی تأثیر به‌سزایی دارند و فارغ‌التحصیلان خارج از کشور در اداره امور علمی کشور خود نقش مهمی ایفا می‌کنند. اعزام محصلان به خارج از کشور به‌ویژه در دوره‌های تحصیلات عالی به‌عنوان راهبردی برای ارتقای نیروی انسانی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشورها است. حتی کشورهای پیشرفته جهان نیز خود را بی‌نیاز از اعزام محصل به خارج از کشور نمی‌دانند و اعزام محصل به خارج از کشور را جزء اولویت‌های خاص خود قرار داده‌اند. با توجه به سیاست تمرکززدایی در تحصیلات عالی کشور و تلاش به‌منظور اعطای استقلال

بیش‌تر به پوهنتون‌ها شایسته است که اعزام محصلان به خارج از کشور توسط مراکز تحصیلات عالی انجام شود. سیاست مذکور، زمانی با موفقیت و اثربخشی همراه خواهد بود که با حمایت‌های دولت همراه باشد.

۵. توجه به جایگاه نخبگان و اتخاذ سیاست‌های در راستای ایجاد و توسعه شبکه‌های از نخبگان و استعداددهای برتر خارج از کشور به‌منظور استفاده هرچه بیش‌تر از توان و ظرفیت آن‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت در نظام تحصیلات عالی کشور کمک نماید. در چارچوب این شبکه‌ها انواع همکاری‌های پاره وقت بین متخصصان افغانی مقیم خارج و پوهنتون‌ها و مراکز علمی و فنی داخلی، امکان‌پذیر می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت از طرف اساتید افغانی خارج از کشور، برگذاری کارگاه‌های آموزشی و تحقیقی، سمینارهای تخصصی و فنی، ایجاد هماهنگی برای استفاده از دوره‌های آموزشی خارج از کشور برای محققان داخلی، اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی با همکاری نخبگان و متخصصان افغانی خارج از کشور و محققان داخلی و غیره اشاره نمود.

۶. آموزش‌ها در نظام تحصیلات عالی متناسب با نیازهای جامعه و منطبق با اهداف ملی برنامه‌ریزی شود تا علاوه بر ایجاد رغبت و انگیزه در فراگیران، آموزش و تدریس برای استاد، فراگیر و یادگیری پایدارتر و عمیق‌تر فراهم شود. در زمینه انتخاب محصلان و اعضای هیئت علمی، صلاحیت‌ها، مهارت‌ها، دانایی‌ها و توانایی‌های لازم با توجه به فلسفه مسلط اجتماعی در نظر گرفته شده تا ساختار وجودی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی متناسب با سیستم ارزشی جامعه شکل گیرد و از حمایت‌های اجتماعی لازم برخوردار گردد (سبحانی نژاد و افشار، ۱۳۸۷).

۷. دیدگاه‌های محصلان از منابع مورد اعتبار در ارزشیابی کیفیت یاددهی-یادگیری در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی به‌شمار رود. ارزشیابی محصلان از صنف درسی، استاد می‌تواند به نوبه‌ای خود به تضمین و ارتقای کیفیت در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کمک نماید؛ اما این کار مستلزم آن است که رویه‌های اجرایی، شیوه‌ها، ابزارها و محتویات آن اصلاح شود و تحلیل و تعقیب نتایج آن با اصول و هنجارهای علمی و مدیریتی پوهنتون‌ها منطبق باشد. از این‌رو، ضروری است که ارزشیابی مذکور و اعمال نتایج آن در برنامه‌های آتی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور لحاظ شود (فراستخواه، ۱۳۸۸).

۸. دولت با کاهش تمرکز در تحصیلات عالی امکان مشارکت گسترده مردم و سرمایه‌گذاری بیش‌تر بخش خصوصی در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی را فراهم نماید. هم‌چنین؛ زمینه‌ها و

تسهیلات لازم را برای سرمایه‌گذاری مراکز تحصیلات عالی بین‌المللی را در نظام تحصیلات عالی را میسر سازد. این امر با به‌وجود آوردن فضای رقابتی بین پوهنتون‌های بخش دولتی و خصوصی و مؤسسات بین‌المللی تحصیلات عالی، زمینه را برای افزایش کیفیت آموزشی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی فراهم می‌کند.

۹. نظام تحصیلات عالی با فراهم کردن تسهیلات لازم، امکان انجام بیش‌تر پروژه‌ها و برنامه‌های علمی، تحقیقاتی مختلف را در رشته‌های مختلف پوهنتون‌ها به‌صورت مشترک با پوهنتون‌های سایر کشورها را به‌وجود آورند. یقیناً تجربه حاصل از این پروژه‌ها و برنامه‌های مشترک و انتقال این تجارب به مؤسسات تحصیلی داخلی و ارائه آن‌ها در صنف‌های درسی پوهنتون‌ها و کاربرد آن‌ها در تحقیقات نقش مهمی در بهبود کیفیت آموزشی و تحقیقی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی دارد (شهیدی و همکاران، ۱۳۸۵).
۱۰. فضای فیزیکی یکی از عوامل اثرگذار بر عملکرد کیفی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی به‌ویژه در فضای کنونی حاکم بر جهان است. ساختمان‌های قدیمی، نبود امکانات آموزشی مانند صنف، کتابخانه، تأسیسات رفاهی، بناهای نه‌چندان مناسب و تراکم پوهنتون‌ها در فضای محدود به‌همراه انواع تراکم‌ها و آلودگی‌های مختلف، فضاهای فیزیکی مناسب با جو علمی و پوهنتون‌ها را از محصلان سلب می‌کند. بنابراین سرمایه‌گذاری دولت در طرح‌های عمرانی و توسعه فضاهای فیزیکی و زیربنایی مراکز تحصیلات عالی جهت بهبود و ارتقای کیفیت، ضرورت انکارناپذیر است (آراسته و همکاران، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

با درنظرداشت یافته‌های تحقیق فوق، نظام تحصیلات عالی کشور تا هنوز به شدت با مسأله فقر و کاهش کیفیت دست به‌گریبان است، اگر در صورتی که کیفیت تحصیلات عالی مطلوب نباشد، آینده‌ی علمی و فنی و به عبارتی توسعه نسبتاً پایدار کشور با مشکلات و بحران‌های عظیم مواجه خواهد شد. کیفیت پائین تحصیلات عالی، منجر به فقر نیروی انسانی متخصص و ماهر شده و در نتیجه اهداف برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد نمود.

لذا؛ این مسأله جایگاه پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور را زیر سؤال می‌برد؛ چرا که نقش اساسی آن‌ها، همانا اتخاذ استراتژی‌های سنجیده برای توسعه و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر به‌منظور رشد و توسعه پایدار کشور است. در مجموع و با عنایت به مسایل داخلی و خارجی فراروی نظام تحصیلات عالی کشور عزیز ما افغانستان باید اذعان نمود. مسأله کاهش کیفیت و لزوم توجه به آن پیامدهای ناگواری به‌وجود خواهد آورد. لذا؛ توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور از ضرورت اساسی برخوردار است. بدیهی است اصلاح و بهبود کیفیت نظام تحصیلی مستلزم بازاندیشی و بازسازی در ساختارها، کارکردها و برنامه‌های تحصیلات عالی است.

منابع

- اجتهادی، م. (۱۳۸۷). اختیارات مدیران پوهنتون‌ها در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- آراسته، حمیدرضا؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ همایی، رضا. (۱۳۸۷). وضعیت پوهنتون‌های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه محصلان، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۰.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۱). ارزش‌یابی آموزشی (مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی)، تهران: انتشارات سمت.
- بازرگان، عباس؛ اسحاقی، اسحاقی، فاخته (۱۳۸۷). تحلیل فرایند هدف‌گذاری در ارزیابی درونی کیفیت گروه‌های آموزشی پوهنتونی: مطالعه موردی، فصل‌نامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، پوهنتون فردوسی مشهد، شماره ۹ (۱)، صص ۵۷-۷۲.
- بنی سی، پرنیاز. (۱۳۸۶). جایگاه هیئت امانا در نظام آموزش عالی کشور، فصل‌نامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره دوم.
- خلیجی، محسن. (۱۳۷۶). نگاهی به نظام آموزش عالی ایران: گذشته، حال، آینده، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: انتشارات پوهنتون علامه طباطبائی.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ افشار، عبدالله. (۱۳۸۷). تبیین ماهیت و مؤلفه‌های کیفیت سنجی نظام آموزش عالی به‌منظور شناخت چالش‌ها و طرح پاره‌ای راهکارهای نوآورانه، پوهنتون اسلامی ۴۰، سال دوازدهم، شماره ۴.
- شهیدی، نیما؛ رضویه، اصغر؛ امین شایان جهرمی، شاپور؛ سیدی، سید مسعود. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر جهانی شدن آموزش عالی بر کیفیت آموزشی پوهنتون‌ها از دیدگاه استادان پوهنتون‌های شیراز، فصل‌نامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره اول.
- عزیزی، نعمت‌الله. (۱۳۸۳). اشتغال و آموزش عالی: راه‌های پیوند آموزش عالی با نیازهای بازار کار، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دهم، شماره ۲۰.
- فراس‌تخواه، مقصود. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر فرایند ارزیابی درونی بر برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت گروه‌های آموزشی پوهنتونی: تحلیل مقایسه‌ای از نظر اجرا یا عدم اجرای ارزیابی درونی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹.
- قورچیان، نادرقلی. (۱۳۷۳). تحلیلی بر مکعب کیفیت در نظام آموزش عالی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸، صص ۱۳-۲۰.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۲). مصاحبه با ژیلای بنی یعقوب، روزنامه اس‌نو، ۲۸ اردیبهشت.
- مارتین، میخائیل؛ استیلا، آنتونی. (۱۳۸۸). تضمین کیفیت در مؤسسات آموزشی، ترجمه محمدرضا کرامتی، تهران: رسانه تخصصی، چاپ اول.
- مختاریان، فرانک؛ محمدی، رضا. (۱۳۸۷). ارزش‌یابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی کشور هند، تهران: البرز فردانش.
- وزیری، مزده. (۱۳۷۸). نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران: ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها، رساله دکتورا، پوهنتون تربیت مدرس.

- Bahrami, Mohsen. (1995). "Necessity of Approach Renewing in Goals Epistles and Structures of Higher Education"; Rahyaf, No. 11 (in Persian).
- Bazargan, Abbas. (1998). Introduction to Assessing Quality in Higher Education in Iran; Research and Planning in Higher Education.
- CHEA. (2003). Introducing the CHEA Almanac of External Quality Review. Washington DC: Council for Higher Education Accreditation.
- Graft, A. (1995); International Developments in Assuring Quality in Higher Education; London: Flmer.
- Harman, G., & Meek, V. L. (2000). Repositioning Quality Assurance and Accreditation in Australian Higher Education. Canberra: DETYA.
- McGinn, N. F. & A. M. Borden. (1995). Framing Question, Constructing Answers: Linking Research with Educational Policy for Developing Countries; Cambridg, MA: Harvard University Press.
- UNESCO. (2002). Higher Education in the twenty first century. Word conference on Higher Education, UNESCO: Paris.

نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور

پوهنمل فریده سروری^۱، زلمی سروری^۲

^۱دپارتمنت جغرافیه، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان

^۲دپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، مؤسسه تحصیلات عالی خصوصی نورین، کابل، افغانستان

ایمیل: faridasarwari69@gmail.com

چکیده

در عصر جدید رقابت میان کشورها از یک سو نقش تحصیلات عالی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور از سوی دیگر بحث اجتناب ناپذیر است. در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، حل مسایل و رفع نیازمندی های کشور وابسته به پوهنتون ها، اساتید و روشن فکران است. اختلاف اصلی که باعث تفاوت معنادر بین وضعیت کشورهای پیشرفته، توسعه یافته و در حال توسعه شده، نوع نگرش و ارزش گذاری آنان به توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی است. هر چه آموزش با کیفیت بهتر ارائه شود، توسعه ملی سریع تر صورت خواهد گرفت و منجر به توسعه اقتصادی و اجتماعی می شود. بررسی ها نشان می دهد که بین تحصیلات عالی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها رابطه نزدیک و معناداری وجود دارد که منجر به ارائه خدمات بهتر می گردد، هم چنان در این مقاله ای علمی؛ ابزار جمع آوری اطلاعات اسنادی بوده که مبتنی بر روش تحلیل گرایانه اسنادی صورت گرفته است.

اصطلاحات کلیدی: تحصیلات عالی؛ توسعه؛ انکشاف؛ اقتصادی؛ اجتماعی؛ کشور

The Role of Higher Education in the Economic-Social Development of the Country

Sr. Teaching Asstt. Farida Sarwari¹, Zalmai Sarwari²

¹Department of Geography, Faculty of Social science, Kabul University of Education, Kabul, Afghanistan

²Department of History, Faculty of Social Science, Nourin Private Higher Education Institute, Kabul, Afghanistan

Email: faridasarwari69@gmail.com

Abstract

In the modern era characterized by intense global competition among nations, the indispensable role of higher education in fostering economic and social development cannot be overstated. Developed and developing countries rely on universities, professors, and intellectuals to address challenges and meet their nations' needs. A key differentiating factor between advanced, developed nations and their developing counterparts lies in their attitudes and emphasis on scientific, economic, and social development. Providing high-quality education correlates positively with the pace of national development, ultimately culminating in robust economic and social progress. Extensive research underscores the close and substantial interconnection between higher education and a country's economic and social development, translating into improved service delivery and overall societal advancement. This scientific article adopts a documentary analytical approach to collect and analyze pertinent information, contributing to the discourse on the symbiotic relationship between higher education and national progress.

Keywords: Higher Education; Development; Economic; Social; Country

بیان مسأله تحقیق

وزارت تحصیلات عالی و پوهنتونها به عنوان مدیران سیستم رسمی آموزش، کانون پرورش نخبگان، برگزیده گان و کارگزاران اصلی کشور است که در آن محصلان به مدارج عالی تربیه و پرورش می یابند تا مصدر خدمت به کشور شوند. بحث مورد نظر ما این است که خدمات تحصیلات عالی می تواند در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور کمک نماید. اگر گسترش خدمات پوهنتونها با توسعه و پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی از نظر زمانی قرین باشد و نوسانات مثبت و فراز و نشیب های توسعه یکی با دیگری منطبق شود؛ می تواند تا اندازه یی بر نوعی همبستگی بین آنها دلالت داشته باشد.

هدف اصلی تحقیق

معرفی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور.

هدف های فرعی تحقیق

۱. معرفی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی کشور.
۲. معرفی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی کشور.

سؤال اصلی تحقیق

تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان چه نقش دارد؟

سؤال های فرعی تحقیق

۱. آیا تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی کشور تأثیرگذار است؟
۲. آیا تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی کشور تأثیرگذار است؟

اهمیت تحقیق

امروز با توجه به اهمیت تحصیلات عالی و نقش آن در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور لزوم توجه به این کانون پرورش و تلاش برای توانمند نمودن آن با تأکید بر اهمیت اقتصادی و اجتماعی امری ضروری است و سرمایه گذاری در این عرصه دارای آثار و تبعات ارزنده بوده که به عنوان وسیع ترین و متنوع ترین کانون آموزش با تأکید بر برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی در سطوح محلی، ملی و بین المللی می باشد و با سرعت پر شتاب خود جایگاه ویژه ای را در کشور و جهان برای خود به وجود آورده است.

ضرورت تحقیق

بنابراین ضرورت می باشد با بررسی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور را مورد مطالعه قرار داده و با ارائه راهکارهای مناسب جهت توانمند نمودن تحصیلات عالی

گامی مؤثر برداشته شود و از آن در راه توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور استفاده بهینه صورت گیرد.

روش تحقیق کیفی

در این مقاله‌ای علمی ابزار جمع‌آوری اطلاعات اسنادی بوده که شامل، کتب، مقاله، فصل‌نامه، مجله و ... می‌باشد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

در زمینه نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور تا حال کدام تحقیق همه‌جانبه صورت نگرفته است؛ ولی به شکل جداگانه صورت گرفته که محقق به بررسی و مرور پیشینه‌ی تاریخی آن می‌پردازد که به چند نقل قول از نویسندگان اشاره می‌شود:

منصوری، رضا (۱۳۸۰) در مقاله خویش تحت نام «پوهنتون و تعریف آن» چنین می‌نویسد: «تحصیلات عالی مجموعه‌ای از دوره‌های تحصیلی است که متقاضیان می‌توانند پس از پایان تعلیمات لیسه به آن راه یابند و پوهنتون به محلی اطلاق می‌شود که براساس دید اصولی وارده‌های آن شامل سرمایه ساختمان، تجهیزات، برنامه، امکانات، نیروی انسانی و در نهایت محصل است» (منصوری، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

فیوضات، یحیی (۱۳۸۲) در کتاب خویش تحت نام نقش پوهنتون در توسعه ملی، چنین می‌نویسد: «خدمات تحصیلات عالی می‌تواند به روشن ساختن ارتباط پوهنتون در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند؛ زیرا اگر در طول تاریخ گسترش خدمات پوهنتونی با رشد و توسعه و پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی منطبق شود، می‌تواند تا اندازه‌ای بر نوعی هم‌بستگی بین آن‌ها دلالت داشته باشد (فیوضات، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

کاترین، گران (۲۰۱۷) در کتاب خویش تحت نام؛ سهم آموزش و پرورش در رشد اقتصادی چنین می‌نویسد: «کشورهای درحال توسعه پیشرفت قابل توجهی در کاهش شکاف با کشورهای توسعه‌یافته از نظر پیشرفت تحصیلی داشته‌اند؛ اما تحقیقات بر اهمیت مهارت‌های شناختی برای رشد اقتصادی تأکید کرده است» (کاترین، ۲۰۱۷، ص ۳).

کامرانی، احسان (۱۳۸۳) در کتاب خویش تحت نام، نقش آموزش عالی در توسعه پایدار چنین نظر خود را می‌نویسد: «توسعه اقتصادی نیازمند حرکت به سوی علم و تکنالوژی، چه در تدریس و چه در تحقیق پوهنتونی است و آموزش عالی به جای دانش به سوی مهارت‌های حرفه‌ای و استعدادها سوق داده شود، نقش اقتصادی مؤثرتری ایفا می‌کند» (کامرانی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

شیخ علی‌زاده، سیاوش (۱۳۸۳) در مقاله خویش تحت نام «آموزش عالی، پوهنتون و توسعه ملی» نظر خویش را چنین می‌نویسد: «امروزه نقش زیربنایی تحصیلات عالی و آموزش در توسعه فردی و اجتماعی به صورت یک حقوق پایه‌ای بشر و ارزش جهانی به رسمیت شناخته شده است، به همین دلیل طراوت زندگی در جوامع به تحصیلات عالی گره خورده است» (شیخ علی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷).

تحصیلات عالی و اهداف اساسی آن

هدف‌های عمده نظام تحصیلات عالی در هر کشور را می‌توان در ۴ محور خلاصه کرد:

۱. کمک به تحقق هدف‌های اجتماعی از طریق فراهم آوردن برابری در استفاده از فرصت‌های تحصیلات عالی.
 ۲. برآوردن تقاضای اجتماعی برای تحصیلات عالی متناسب با انگیزه‌ها و انتظارات و تحصیل افراد و امکانات پروسه یادگیری مستمر.
 ۳. پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسایل اقتصادی و اجتماعی جامعه.
 ۴. پیش‌برد مهارت‌های دانش و تولید دانش نو در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی.
- به دلیل تحولات جدی که امروزه دنیای ما را تحت تأثیر قرار داده است، تحصیلات عالی کشور ما باید در کانون توجه قرار گیرد. چون پوهنتون به عنوان هدایت‌گر و مربی اخلاقی جامعه بوده از ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی نشأت می‌گیرد (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۷۵).

تحصیلات عالی از دو نظر در توسعه اقتصادی و اجتماعی مؤثر است:

۱. یکی از نظر تأمین نیروی انسانی کارآمد و یا افزایش کارایی و بهره‌وری افراد.
 ۲. دوم از نظر گسترش مرزهای دانش و فن و پیش‌بردن تکنالوژی، چون مسئولیت پرورش نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری و کارایی در سطوح بالای تخصص بر عهده تحصیلات عالی است.
- بنابراین؛ تحصیلات عالی در توسعه اقتصادی نقش زیربنایی دارد (کامرانی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی کشور

توسعه در معنای وسیع و کلی آن اقتصاد و سایر شئون یک جامعه را در بر می‌گیرد. اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده پیشرفت و توسعه جامعه در شرایط متحول کنونی جهان، میزان برخورداری از نیروی انسانی کارا و خلاق است که این خود به میزان برخورداری جامعه از دانش، آموزش و تحقیقات بستگی دارد. برتری یک کشور بیش از آن‌که به منابع طبیعی یا ظرفیت‌های موجود صنعتی متکی باشد، به میزان بهره‌مندی آن کشور از علوم و مهارت که حاصل توسعه علمی است و نیز به پویایی نظام تحصیلات عالی

آن کشور وابسته است. نظام آموزش تحصیلات عالی نقش اساسی و محوری در پروسه توسعه انکشاف اقتصادی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف توسعه یافتگی کشور دارد. سرمایه گذاری اصولی در این بخش نقش مهمی در ایجاد امکانات و تسهیلات برای نسل های آینده و اقدام صحیح جهت توسعه علمی کشور ایفا می کند. بررسی های که در زمینه دست آوردهای کشورهای توسعه یافته و تازه توسعه یافته صورت گرفته است؛ برای ما آشکار می سازد که چگونه این کشورها با تعیین اهداف و مشخص کردن مقاصد خود در زمینه های علم و تکنالوژی جهت دستیابی به سطوح بالاتر پیشرفت و توسعه حرکت کرده اند (نوابخش، ۱۳۸۸، ص ۸۰).

با این وجود؛ سرمایه انسانی سهم قابل ملاحظه ای در رشد اقتصادی کشور داشته است. سرمایه انسانی عبارت از دانش و مهارت های نیروی کار است که از طریق آموزش و تجربه به دست می آید. فراگیری مهارت و کسب تجربه از طریق آموزش در پوهنتون ها ممکن می شود. این امر بدیهی است که نیروی کار باسواد و ماهر نسبت به دیگران فعال تر و سازنده تر است. از این رو؛ یک رابطه مستقیم میان بهره وری نیروی کار و رشد اقتصادی وجود دارد (امین، ۱۴۰۰، ص ۲). این روند به میزان دسترسی امکانات آموزشی و تحصیلات عالی مردم یک کشور بستگی دارد (غرجستانی، ۱۳۹۹، ص ۵۰).

سرمایه انسانی در کنار دیگر عوامل تولید، از مهم ترین و موثرترین عوامل دستیابی به رشد اقتصادی به شمار می رود (امین، ۱۴۰۰، ص ۱). به عنوان محرک رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه محسوب می گردد که به پیشرفت تحصیلی آن ها توجه شده و به بالا بردن کیفیت تحصیلات عالی خویش توجه می کنند (کاترین، ۲۰۱۷، ص ۳). بنابراین؛ برای دستیابی به چنین موقعیتی باید به سمت جامعه ای خواهان توسعه، حمایت کننده و آگاه به نقش علم در تولید دانش و تکنالوژی حرکت کنیم. پیشرفت در سایر اهداف توسعه، بیش تر تحت تأثیر تکمیل تحصیلات عالی قرار گرفته؛ به ویژه توسط زنان، که در حال حاضر نیاز مبرم جامعه ما نیز است. به عنوان مثال زنان با تحصیلات عالی به دنبال مراقبت های دوران بارداری و درمان بهتر صحنی هستند؛ اقدامات بیش تری برای بهبود سلامت فرزندان خود انجام می دهند؛ ازدواج را به تأخیر می اندازند و فرزندان کم تری دارند؛ فرزندان خود را به مکتب می فرستند و با فرصت های اقتصادی بیش تر، فقر و گرسنگی را کاهش می دهند. پس می توان گفت که رشد تحصیلات عالی باعث پیشرفت می شود و یا واضح تر بگوییم که تحصیلات عالی نقش اساسی در رشد جامعه از بُعد اقتصادی را دارا است (کاترین، ۲۰۱۷، ص ۴). به این اساس؛ توسعه به مثابه سایر پدیده ها، متغیر وابسته ای است که علل و عوامل مختلفی در آن نقش آفرین اند. یکی از مهم ترین این متغیرها، مسأله نقش وزارت تحصیلات عالی در امر آموزش است (نوابخش، ۱۳۸۸، ص ۸۰). از این رو؛ عوامل انکشاف

توسعه اقتصادی جامعه را در بر می گیرد. علم زیربنای هر حرکت و تحول بنیادی به شمار می آید (نوری نائینی، ۱۳۷۳، ص ۳۹).

به جرأت می توان گفت که « تفکر علمی » و « رشد علمی » موجب تحولات و پیشرفت های وسیعی در زمینه های اقتصادی شده است که فقدان یا کم بود آن از موانع توسعه ملی به شمار می آید. اگر جامعه ای از « تفکر علمی و اختراعات صنعتی » باز ایستاد و یا حتی قدرت تولید آن را نداشته باشد، نمی تواند به مرحله ای از توسعه اقتصادی نایل آید. بنابراین؛ ما ناگزیریم که خود را برای اتخاذ یک رهیافت دراز مدت در توسعه علم و تکنالوژی آماده کنیم. این کار باید براساس ارزیابی موقعیت فعلی تحصیلات عالی کشور، قابلیت ها و استعدادها، گرایش ها و تمایلات آینده و فرصت های اقتصادی مناسب صورت گیرد. بنابراین؛ علم به عنوان محور توسعه جوامع بشری است و برنامه ریزی برای رسیدن به توسعه اقتصادی بدون اتخاذ شیوه های علمی نمی تواند تدوین شود (نوابخش، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱).

دلایل زیادی برای اهمیت تحصیلات عالی در رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد، آموزش عالی در پوهنتون را می توان به عنوان مجموعه ای از مهارت ها، شایستگی و سایر ویژگی های افزایش بهره وری تعریف کرد. به طور کلی، آموزش عالی به عنوان یک جزء حیاتی از سرمایه انسانی یک کشور، کارایی هر کارگر را افزایش می دهد و به توسعه ی اقتصاد کمک می کند تا زنجیره ارزش را فراتر از وظایف دستی یا پروسه های تولید ساده پیش ببرند. سرمایه انسانی از دیرباز متمایزترین ویژگی نظام اقتصادی در نظر گرفته شده است و تأثیر آموزش بر رشد بهره وری را به صورت تجربی ثابت کرده است. مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۶ سه کانال را پیشنهاد کرد که از طریق آن ها تحصیلات عالی بر بهره وری یک کشور تأثیر می گذارد:

۱. توانایی جمعی نیروی کار را برای انجام سریع تر وظایف موجود افزایش می دهد.
۲. آموزش تحصیلات عالی به ویژه انتقال دانش در مورد اطلاعات جدید، محصولات و تکنالوژی های ایجاد شده توسط دیگران را تسهیل می کند.
۳. در نهایت، با افزایش خلاقیت، ظرفیت خود کشور برای ایجاد دانش، محصولات و تکنالوژی های جدید افزایش می یابد.

وضعیت تحصیلات عالی نقش مهمی در توسعه اقتصادی یک کشور ایفا می کند، آموزش عالی بهتر نه تنها به درآمد فردی بالاتر منجر می شود، بلکه یک پیش شرط ضروری برای رشد اقتصادی درازمدت است. جدیدترین شواهد تجربی نشان می دهد که نقش تحصیلات عالی برای رفاه فردی و اجتماعی مهم بوده است. تحصیلات عالی عامل اصلی رشد اقتصادی، اشتغال و درآمد است. نادیده گرفتن بُعد

اقتصادی تحصیلات عالی، رفاه‌ی نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد، با پیامدهای گسترده فقر، طرد اجتماعی و عدم پایداری سیستم‌های تأمین اجتماعی مواجه می‌گردد. هانوشک و همکاران (۲۰۱۰) نقش تحصیلات عالی در ارتقای رشد اقتصادی را با تمرکز ویژه بر نقش کیفیت آموزشی بررسی می‌کنند (کاترین، ۲۰۱۷، صص ۳، ۲).

توسعه اقتصادی به پروسه‌ی اشاره می‌کند که هدف‌اش به وجود آوردن رفاه جامعه از طریق افزایش تولیدات، استفاده بهینه از منابع طبیعی، بالا بردن سطح اشتغال و درآمد، توزیع عادلانه درآمد، مهیا کردن شرایط بهتر مصرف کالا و خدمات است؛ توسعه اقتصادی چیزی بیش از رشد اقتصادی است و می‌توان گفت که توسعه به معنای رشد به اضافه تغییر است (شیخ علی زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵).

تحقیقات بلوم و همکاران (۲۰۰۶) از این ایده حمایت می‌کنند که گسترش تحصیلات عالی ممکن است باعث افزایش سریع‌تر تکنالوژی شود و توانایی یک کشور برای به حداکثر رساندن بازده اقتصادی خود را بهبود بخشد. با این حال؛ (هانوشک، ۲۰۱۶) پیشنهاد می‌کند که کیفیت مهارت‌ها، پایه‌ی کلیدی است و تحصیلات عالی بیش‌تر بدون مهارت‌های پایه‌ی خوب، سودی ندارد. آموزش عالی برای مشاغل ماهر مهم است؛ اما اگر پوهنتون‌ها با محصلان با مهارت‌های قوی‌تر شروع کنند، کارمندان و کارگران ماهر بهتری را تولید می‌کنند. با نگاهی به کشورها، به نظر می‌رسد انجیران بهتری که در کشورهایی با سرمایه دانش بیش‌تر تولید می‌شوند، تأثیر مشخصی بر تفاوت‌های رشد دارند. در حقیقت آن‌ها ظرفیت‌هایی برای عملکرد بهتر هستند. سطوح بیش‌تر مهارت را تقویت می‌کند و تحرک اقتصادی را ارتقا می‌دهد. آن‌ها بهره‌وری اقتصادی را ایجاد می‌کنند و به افراد اختیار می‌دهند تا زندگی خود را شکل دهند و شکوفا شوند. توسعه مهارت‌ها در کاهش بیکاری، نابرابری، فقر و ارتقای رشد اجتماعی، تأثیرگذار منطقی و اقتصادی است. لوتز و همکاران استدلال می‌کنند که آموزش به‌طور قابل توجهی در سطح رشد اقتصادی کل کشور تأثیرگذار است. برای رونق در رشد اقتصادی و اجتماعی کشور که آن‌را از فقر خارج کند، نقش تحصیلات عالی شرط حتمی بوده و آموزش عالی باید همگانی شود تا جامعه به ترقی و پیشرفت دست یابد (کاترین، ۲۰۱۷، صص ۱۳، ۱۰).

افغانستان در طی سال‌های اخیر به دلایل گوناگون رشد نزولی اقتصادی را تجربه کرده است؛ چون میزان باسوادی در کشور ما به دلایل گوناگون فرهنگی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و چهار دهه جنگ بسیار پایین است. هرچند طی ۲۰ سال اخیر شماری دانش‌آموزان و محصلان رشد بسیار چشم‌گیری داشته است؛ اما در مسیر آموزش عالی باکیفیت تا هنوز مشکلات و چالش‌های بسیاری وجود دارد. به‌طور کلی

در سال ۱۳۹۲ حدود ۲۸،۱ درصد و در سال ۱۳۹۷، ۳۴ درصد مردم افغانستان باسواد گزارش شده است که در سطح جهان و منطقه، یک رقم بسیار پایین تلقی می‌شود (غرجستانی، ۱۳۹۹، ص ۵۰).

نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی

اساس توسعه اجتماعی هر کشوری را نیروی انسانی ماهر و متخصص تشکیل می‌دهد. در واقع؛ نیروی انسانی متخصص عامل اساسی تحول و تکامل است؛ چرا که با درک و شناخت علمی قوانین حاکم بر پدیده‌های جامعه و طبیعت، راه تکامل را هموار می‌سازد. نیروهای متخصص توان‌مندی جامعه را در حل مسایل اجتماعی بالا برده و قابلیت توسعه جامعه را تقویت می‌نمایند و چنین نیروهایی صرفاً تحت آموزش منظم شکل می‌گیرند. از آغاز تمدن تا حال علم سرمایه عظیم و گران‌بهای انسان‌ها و شاید بزرگ‌ترین نیرویی بوده است که بشر در اختیار دارد. در جهان امروز داشتن استقلال مالی، بهره‌مندی از توسعه و پیشرفت اجتماعی و برخورداری از رفاه‌های اجتماعی، تنها به یاری سود جستن از پیشرفت‌های علمی میسر خواهد بود. از این‌روست که کشورهای قدرت‌مند جهان، منابع انسانی و مالی فراوان را در خدمت بخش تحقیقات علمی قرار می‌دهند (ورجاوند، ۱۳۶۸، ص ۱۰۱).

توسعه منابع انسانی موضوع جدیدی نیست، بلکه سابقه آن به قدامت پیدایش انسان می‌رسد. اگرچه در ابتدا تعلیم دادن از نوع آموزش‌های رسمی امروزی نبوده؛ اما می‌توان گفت که برای معاش و بقای حیات بوده است. در آریانا قبل از اسلام، به‌ویژه در دوره پیشدادیان، یونان - باختر و کنشکای کبیر، انواع کارآموزی‌ها بر پایه استاد - شاگردی بود (ابراهیم، ۱۳۷۲، ص ۸۴).

به اعتقاد نادلر (Nadler)، توسعه‌ی منابع انسانی عبارت است از آموزش‌های منظم در مدت زمان معین به‌منظور افزایش احتمالی رشد افراد در انجام دادن کارهای شان. نادلر در مورد انواع آموزش‌ها معتقد است که آموزش و یادگیری می‌تواند به دو صورت تصادفی و منظم صورت گیرد (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸). امروزه باید پیش‌بینی‌های در موارد مختلف نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده مورد نیاز در طراحی توسعه تحصیلات عالی صورت گیرد. به دلیل این‌که تحقق میزان مطلوب آموزش برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده برای رشد، تنها از این طریق میسر است (parens, 1962, 10).

به‌طور کلی شرط اساسی شکوفایی و بالندگی اجتماعی هر جامعه در توسعه سرمایه‌های انسانی و تربیت آن نیز نهفته است که از طریق تحصیلات عالی و آموزش محقق خواهد شد. نقش تحصیلات عالی در توسعه فردی و توسعه اجتماعی به‌صورت ارزش جهانی به رسمیت شناخته شده است. به همین دلیل جایگاه آن به "قلب جامعه" تشبیه شده است. توسعه اجتماعی فرایندی است که ساختارهای اجتماعی را از شکل کهن به‌شکل نوین تغییر می‌دهد و نهادهای ساخته می‌شوند که موجب انسجام و همبستگی در

درون جامعه می‌شوند. راه‌های که آموزش می‌تواند به توسعه اجتماعی کمک کند نوین‌سازی است. وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها به‌عنوان کانون رسمی آموزش به پرورش محصلان نخبه، برگزیده کشور می‌پردازند. دانش و بینشی که این افراد در پوهنتون‌ها کسب می‌کنند و به‌صورت توانایی‌های تخصصی و گرایش‌ها در آنان ظاهر می‌شود.

گسترش آموزش عالی در جوامع امروزی که با معیارهای نظیر افزایش تعداد محصلان و مراکز عالی تحقیقاتی و آموزشی در کنار تربیت تحصیل‌کردگان از قشرهای مختلف مردم سنجیده می‌شود، در ایجاد این زیرساخت‌های ضروری برای دستیابی به جامعه‌ای توسعه‌یافته که به‌صورت طبیعی و پایدار توسعه اجتماعی را تجربه و گسترش داده باشد، از پیش شرط‌های ضروری و اساسی جامعه تلقی می‌شود. عامل بسیار مؤثری در شکل‌گیری خوی و منش اجتماعی و پیشرفت آن‌ها می‌شود و در حقیقت آینده اجتماع را پی‌ریزی می‌کند (شیخ علی زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷). هر اندازه که تحصیلات عالی در اشکال دولتی و خصوصی آن بتواند در سطوح گسترده‌تر و ژرفای عمیق‌تری از جامعه نفوذ کند، دامنه تأثیرات آن در اجتماع آشکارا چشم‌گیرتر خواهد بود. لذا؛ تلقی براین است که آموزش عالی نقش مهم و اساسی در مؤلفه محوری و کلیدی توسعه اجتماعی مردم ایفا می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

الت باخ (Altbach, 1987) در "مروری بر مسائل آموزش عالی در جهان سوم" چنین نتیجه می‌گیرد: تحصیلات عالی در جهان سوم نهاد بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد، نه تنها از نظر این‌که تربیت نخبگان را بر عهده دارد و مبنایی برای جامعه‌ای برخوردار از تکنالوژی مهیا می‌کند، بلکه از این نظر که مهم‌ترین نهاد فکری است که تأثیری بسیار گسترده‌ای بر رشد اجتماعی دارد، پوهنتون‌ها به آفرینش و به‌خصوص به ترویج دانش در جوامعی که "نخبگان علمی" اندک‌اند کمک می‌کنند. دانش‌آموختگان نه تنها از طریق نوشتن و تألیف، نقش عمده‌ای در جامعه ایفا می‌کنند، بلکه با دادن مشاوره به دولت و بخش صنعت در حیات فکری و نظایر آن نیز مشارکت می‌نمایند. پوهنتون‌ها بخشی از یک شبکه بین‌المللی دانش‌اند که از ریشه‌های تاریخی و ابعاد امروزی برخوردارند، منجر به توسعه اجتماعی می‌گردد و به‌طور واقعی تحول پیدا می‌کند (Altbach, 1987, 25).

فرصت‌های آموزشی در تمام سطوح اولین گام برای توسعه اجتماعی پایدار در آینده است. آموزش با توجه به پنج روش زیر باعث ایجاد مقدمات توسعه اجتماعی در کشور می‌شود.

۱. گسترش آموزش به مردم کمک می‌کند تا رفتار و افکار بسته خود را کنار گذاشته و با به‌کار بردن اصول اخلاقی، عادات و رسوم اجتماعی و ارزش‌های انسانی به جهان واقعی نزدیک‌تر شوند. آموزش باعث ترویج رضایت‌مندی در میان تمام بخش‌های جامعه می‌شود. بر علاوه افزایش دانش

مردم، افزایش توانایی تحلیل اطلاعات و آماده کردن منابع انسانی برای پاسخ مناسب به چالش‌های پیش‌روی جامعه انسانی، تحرک اجتماعی را افزایش داده و به افزایش نوآوری مردم کمک می‌کند. از این‌رو موجب افزایش فعالیت‌های اجتماعی گشته و توسعه ملی را سرعت می‌بخشد.

۲. آموزش با باورهای نادرست فرهنگی و اجتماعی و خرافات بی‌پایه و اساس، مردم که سبب عقب افتادگی جامعه می‌شود، مبارزه می‌کند. با آموزش، مردم به‌طور قابل‌توجهی به چگونگی زندگی اجتماعی در عصر جدید و فضای جدید کسب و کار در دنیا آشنا می‌شوند و تلاش می‌کنند که خود را به این سمت و سو بکشانند.

۳. ایجاد نیروی کار مولدتر و تقویت و افزایش دانش و مهارت‌های که تولید را افزایش می‌دهند.

۴. از افراد تحصیل‌کرده برای پر کردن موقعیت‌های خالی در خدمات دولتی، شرکت‌های عمومی، حرفه‌ها و کسب و کارهای خصوصی.

۵. ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد برای معلمان، کارمندان و کارگران ساختمانی، چاپ کتاب‌های درسی، تولیدات ... و غیره.

بنابراین تحصیلات عالی در افغانستان، انتقال از جوامع سنتی به مدرن را که بر پایه دانش فنی و علمی دقیق استوار است، را کمک می‌کند. با توجه به موارد بالا می‌توان به راحتی اثر آموزش عالی را بر اقتصاد و آینده توسعه اجتماعی متوجه شد. جامعه ما، علم‌پرور و فرهنگ‌دوست هستند. امروزه نیز علاقه بسیاری به کسب علم برای رهایی از عقب‌ماندگی و توسعه دارند. نهایتاً آموزش، اجتماعی شدن را تسهیل می‌کند و خدمات اجتماعی را ارتقا می‌دهد و در مجموع رفاه اجتماعی را به حداکثر می‌رساند. یعنی منافع مصرفی آموزش به‌صورت بهداشت بهتر خانواده، پس‌انداز بیشتر، مدیریت بهتر خانه و افزایش رفاه اجتماعی نمایان می‌شود. تمام این‌ها به خوشبختی و زندگی موفق کمک می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۳).

نتیجه‌گیری

نظر به تحقیق انجام شده به این نتیجه می‌رسیم که از آن چه راجع به توسعه و ابعاد مختلف آن از قبیل توسعه اقتصادی، اجتماعی و ارتباط آن‌ها با نقش تحصیلات عالی گفته شد؛ چنین نتیجه‌گیری می‌شود که خدمات پوهنتون برای توسعه اقتصادی و اجتماعی لازم است و نقش زیربنایی دارد. از این نظر پوهنتون‌ها در ارتباط با توسعه ملی نقش ریشه را ایفا می‌کند و خدمات پوهنتون‌ها برای توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش روشنی دارد؛ یعنی جزء هدف و غایت توسعه به‌شمار می‌آید. از این نظر در ارتباط با توسعه کشور نقش میوه را ایفا می‌کند و ملزوم و حاصل توسعه شناخته می‌شود. حل مشکلات و رفع نیازهای توسعه ملی غالب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به‌وسیله پوهنتون‌ها و در سایه انجام یافتن

تحقیقات علمی و نوآوری‌های استادان و محققان صورت پذیرفته است. پس می‌توان اظهار داشت که هرگاه وزارت تحصیلات عالی آموزش عالی را چه به شکل دولتی و یا خصوصی آن بتواند در سطوح گسترده و عمیق‌تر با معیارهای جامع آن را گسترش دهد، دامنه تأثیرات توسعه آن، چه در بُعد اقتصادی و اجتماعی قابل مشاهده خواهد بود و تحصیلات عالی نقش مهم و اساسی را در این مؤلفه کلیدی ایفا می‌کند و به خوبی می‌تواند توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار را در جامعه تسهیل و تضمین کند.

پیشنهادهای

دولت برای ارتقای تحصیلات عالی و رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی راهکارهای زیر را باید طرح و تطبیق کند:

۱. دولت افغانستان باید برای توسعه آموزش عالی و دسترسی به آن را در تمام سطح کشور در اولویت‌های استراتژی خود قرار دهد.
۲. برگزاری سمینارها و ارائه برنامه‌های آموزشی برای ارتقای ظرفیت استادان و کارمندان تحصیلات عالی.
۳. افزایش سرمایه‌گذاری روی محصلان با مهارت‌های لازم علمی و مسلکی جهت کاهش بیکاری و تأثیرات مثبت اجتماعی.
۴. تقویت منابع انسانی و مهارت‌های مدیریتی وزارت تحصیلات عالی جهت رشد و مدیریت هر چه بیش‌تر آموزش عالی در کشور.
۵. افزایش هزینه‌های آموزشی و سایر خدمات اجتماعی در بودجه ملی توسط حکومت.
۶. ایجاد پوهنتون‌های بیش‌تر مجهز با تمام امکانات آموزشی از قبیل: کتابخانه‌ها، لابراتوارها و دیگر مراکز تحقیقاتی در کشور.
۷. ایجاد برنامه‌های ارتقای تحصیلی (ماستری و دکترا) مطابق به رشته‌های تحصیلی در تمام پوهنتون‌های کشور.
۸. سرمایه‌گذاری در بخش ارتباطات و فراهم‌سازی سهولت‌ها جهت دسترسی استادان و محصلان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی.

منابع

- ابراهیم، عبدالرحیم. (۱۳۷۲). کارگاه‌های آموزشی روشی برای توسعه انسان با تحلیل موردی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳، سال اول، فصل خزان. تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۸۳). آموزش عالی و توسعه سیاسی پایدار، تهران، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش عالی، جلد اول، ماه دلو، تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- امین، احمدسهم. (۱۴۰۰). نقش آموزش و سرمایه انسانی در رشد اقتصادی افغانستان، کابل: روزنامه ۸ صبح، روایت دیروز، آیین امروز و نوید فردا، ۲۲ ماه ثور ۱۴۰۰.
- شیخ‌علی زاده، سیاوش. (۱۳۸۳). آموزش عالی، پوهنتون و توسعه ملی، مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش، جلد اول، تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- صادقی، عباس. (۱۳۸۳). نقش پوهنتون و تحقیق پوهنتون‌ها در فرایند توسعه، مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش، جلد اول، تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- غرجستانی، محمدتوسلی. (۱۳۹۹). اقتصاد افغانستان، ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهکارها، چاپ سوم، کابل: انتشارات مؤسسه نشر واژه.
- فیوضات، یحیی. (۱۳۸۲). نقش پوهنتون در توسعه ملی، تهران: موسسه نشراتی ارس‌باران.
- کاترین، گرات. (۲۰۱۷). سهم آموزش و پرورش در رشد اقتصادی، برایتون، انگلستان: نشریه موسسه مطالعات توسعه.
- کامرانی، احسان. (۱۳۸۳). نقش آموزش عالی در توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش عالی، جلد اول، ماه دلو، انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدی، محمد داوود. (۱۳۹۹). افغانستان در مسیر اقتصاد آموزش، مقاله علمی، کابل: نشریه روزنامه افغانستان ما، شنبه ۲۲ سرطان ۱۳۹۹.
- منصوری، رضا. (۱۳۸۰). پوهنتون و تعریف آن؛ فصل‌نامه رهیافت، شماره ۲۴۰، ماه سرطان، ایران: نشریه رهیافت.
- نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نوری نائینی، محمدسعید. (۱۳۷۳). نقش تحقیق در توسعه کشاورزی، مجله برنامه و توسعه، دوره اول، شماره هفتم، ماه جوزا، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۶۸). پیشرفت و توسعه بر مبنای هویت فرهنگی، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- Altbach, P.G., (۱۹۸۷) China's Universities and Western Academic Models, From Dependence to Autonomy: The Development of Asian Universities; Netherlands: Kluwer Academic Publishers, p. 25 – 67, 1987.
- Parnes, E., (۱۹۶۲) Corporate Management and the Institutions of Higher Education; Australian Universities Review, 2, 10 – 13, 1962.

درآمدی بر تقویت نظام تحصیلات عالی افغانستان

پوهنمل محمد مسعود نیکنام

دیپارتمنت اقتصاد زراعتی، پوهنځی زراعت، پوهنتون غزنی، غزنی، افغانستان

ایمیل: masoodnicnam@gmail.com

چکیده

راجع به بهبود نظام تحصیلی افغانستان انگشت شماری از دانش‌مندان توجه خویش را مبذول داشته‌اند. به همین دلیل تلاش صورت گرفت تا در رابطه به وضعیت فعلی نظام تحصیلی کشور، چالش‌ها و راه‌های بیرون رفت ممکنه آن جستجو گردد. بنابراین درین مجموعه توجه صورت گرفته است تا مسأله، با به‌کارگیری ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌یی و ساحوی به بحث گرفته شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که افزون بر مشکلات در بخش‌های زیربنایی و بودجه پوهنتون‌ها، در بخش‌های دیگری چون کم‌بود استادان و کارمندان مسلکی، تجهیزات لازم نوین تدریس، تأمین برق و خدمات انترنت با ثبات پوهنتون‌ها نیز مشکلات وجود دارد. هم‌چنان در خیلی از موارد فارغان پوهنتون‌ها از دانش و مهارت‌های لازم کاری برخوردار نبوده تا جذب کار در مؤسسات معتبر و یا بازارهای کاری منطقه شوند. بازنگری نصاب‌های تحصیلی، استقلالیت مالی پوهنتون‌ها، ظرفیت‌سازی و سایر راه‌های بیرون رفت که در لابلای این مجموعه ذکر شده‌اند؛ توقع می‌رود که پالیسی‌سازان و برنامه‌ریزان کشور را در امر بهبود و تقویت نظام تحصیلی کشور کمک نماید.

اصطلاحات کلیدی: افغانستان؛ تحصیلات عالی؛ پوهنتون‌ها؛ نصاب‌های تحصیلی؛ چالش‌ها؛ انکشاف

Insight on the Enhancement of Higher Education System in Afghanistan

Sr. Teaching Asstt. Mohammad Masood Nicnam

Department of Agricultural Economics, Faculty of Agriculture, Ghazni University,
Ghazni, Afghanistan

Email: masoodnicnam@gmail.com

Abstract

While numerous studies have explored developmental issues in Afghanistan, there is a notable dearth of information pertaining to improvements in the education sector. This study employs a combination of field surveys and literature reviews to collect and analyze data. The findings highlight significant challenges within the higher education sector, including budgetary constraints, inadequate infrastructure, a shortage of qualified academic staff, insufficient equipment, and unstable power and internet services. The study suggests that implementing measures such as gaining financial autonomy, conducting curriculum reviews, and capacity-building programs can partially address these challenges and improve the current state of Afghanistan's higher education system.

Keywords: Afghanistan; Higher Education; Universities; Curriculum; Challenges; Development

مقدمه

تعلیم و تربیه اساس و تهداب انکشاف ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و کشوری را در جهان سراغ نداریم که بدون سرمایه‌گذاری و توجه لازم بالای سکتور معارف و تحصیلات عالی به رفاه و توسعه پایدار رسیده باشد (گزارش استراتژی ملی انکشاف افغانستان، ۱۳۸۷). دانش‌مندان را عقیده بر آن است که بدون آموزش و پرورش، انسان‌ها بدون آینده درخشان‌اند و در جاهایی که مردم و مسئولین به آموزش کم‌تر ارزش قایلند، دیده شده است که از کاروان تمدن بشریت خیلی‌ها فاصله داشته و در رنج، تنگ‌دستی، فقر و گرسنگی به سر می‌برند. بخشی از عقب‌مانده‌گی افغانستان نیز ارتباط مستقیم به این دارد که در دوره‌های گذشته طوری که لازم است برنامه‌های درست آموزشی مطابق به تقاضای جامعه و تحولات چشم‌گیر قرون ۲۰ و ۲۱ طراحی، هماهنگ و تطبیق نشده است (فروتن، ۱۳۸۳).

به اساس پلان عملیاتی ملی سواد وزارت معارف کشور در سال ۲۰۱۲ سطح عمومی سواد در افغانستان ۳۴٪ گزارش شده است (NLAP, 2012). این درحالی است که در مطابقت به گزارش فقر چند بعدی افغانستان که در سال ۱۳۹۵ توسط اداره ملی احصایه و معلومات به دست نشر سپرده شده است نشان می‌دهد که در سروی مذکور ۷۵٪ زنان و ۴۷٪ مردان در کشور از نعمت تعلیم محروم بوده‌اند. افغانستان با جمعیت بلند بی‌سواد یکی از کشورهای بزرگ بی‌سواد دنیاست.

بنا بر نبود یک نظام تعلیمی فراگیر و توانمند و به همین ترتیب فقدان سرمایه انسانی یک عامل عمده کندی روند رشد و انکشاف اقتصادی در افغانستان به‌شمار می‌رود (NCPR, 2010). به روایت تاریخ یکی از ریشه‌های اصلی بحران در افغانستان پایین بودن سطح آموزش به‌شمار رفته است (علی‌آبادی، ۱۳۸۲).

پیشینه تحقیق و بیان مسأله

هر چند در دهه‌های اخیر در بخش‌های معارف و تحصیلات عالی کشور تا حدی اقداماتی صورت گرفته است؛ اما تلاش‌های انجام شده با توجه به نیازمندی‌های مبرم جامعه افغانی و بازار کار منطقه و جهان کافی و بسنده نبوده است (پروژه تحقیقاتی دیپارتمنت اقتصاد، ۱۳۸۸). بر مبنای ارقام رسمی اداره ملی احصایه و معلومات افغانستان تعداد پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی در سال ۱۳۹۹ هجری شمسی به ۱۶۷ باب رسیده که از جمله ۱۲۸ آن خصوصی و ۳۹ آن دولتی می‌باشد. هم‌چنان مجموع استادان پوهنتون‌های دولتی و خصوصی در سال ۱۳۹۹ به ۱۸۹۹۸ نفر رسیده که از آن جمله ۲۶۱۷ نفر آن زن و ۱۶۳۸۱ نفر مرد می‌باشد. علاوه بر آن ارقام رسمی بیان‌گر آن است که در سال ۱۳۹۹ هجری شمسی مجموع محصلان پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی بالغ بر

۳۸۷۹۴۶ نفر می‌گردد که ۲۷۹۰۹۴ تن آن‌را محصلان ذکور و ۱۰۸۸۵۲ تن آن‌را محصلان اناث تشکیل می‌دهد (سالنامه احصائیوی، ۱۳۹۹).

مسئله مهم این جاست که با وجود وافر بودن نهادهای تحصیلی در کشور چرا این نهادها هنوز مؤثریت، عملکرد و کارایی لازم خود را ندارند و اکثر فارغان آن از دانش و مهارت‌های خوبی برای کشور و منطقه برخوردار نیستند و همه‌روزه سطح بیکاری در کشور گسترده‌تر شده و دامنه فقر وسعت پیدا می‌کند. به همین دلیل تأمل در بخش دگرگونی نظام تحصیلی کشور و ملحقات آن لازم دیده می‌شود (کارولینا، ۲۰۱۷).

روش تحقیق

درین تحقیق از روش‌های کتابخانه‌یی و ساحوی به‌خاطر گردآوری معلومات استفاده شده است. برای گردآوری معلومات اولی با ۳۰ تن از کارشناسان و متخصصین بخش تحصیلات عالی مصاحبه صورت گرفته است. هم‌چنان معلومات ثانوی با استفاده از آثار چاپی کتابخانه‌ها، مجلات و گزارش‌های مؤثق علمی جمع‌آوری شده است. از جانب دیگر لازم به یادآوری است که جهت غنای تحقیق منابع معتبر علمی که در جهان مجازی پیرامون موضوع موجود اند، نیز مرور شده است.

اهداف تحقیق

۱. تلاش می‌شود تا از چالش‌های عمده نظام تحصیلی کشور پرده برداشته شود.
۲. با توجه به چالش‌های موجوده برای بهبود و تقویت نظام تحصیلی کشور راه‌های بیرون‌رفت جستجو گردد.

یافته‌های تحقیق

چنان‌چه قبلاً راجع به اهمیت سکنتور تحصیلات عالی در جامعه تذکر به عمل آمد، تقویه این سکنتور نقش قابل‌ملاحظه و بی‌بدیل در انکشاف کشورها بازی می‌کند. با درنظرداشت تجارب گذشته و نظریات کارشناسان و اهل خبره، اینک برخی موارد عمده به‌خاطر بهبود و تقویه نظام تحصیلی کشور یادآوری می‌شوند:

۱. **بازنگری و عصری‌سازی نصاب‌های تحصیلی:** نصاب تحصیلی به مثابه یکی از عناصر کلیدی نظام آموزش تحصیلات عالی در پروسه آموزش، تولید، انتقال و تعمیم از جایگاه ویژه برخوردار می‌باشد (رهنمود بازنگری و انکشاف تحصیلات عالی، ۱۳۹۹).

رشته‌ها و برنامه‌ها باید از عمومیت و عام بودن به‌طرف تخصصی شدن سوق یابند. اگر نظر اندازیم برخی از رشته‌ها در چوکات پوهنتون‌ها به‌خصوص نصاب‌های درسی و مواد درسی شان جنبه عمومی دارد،

سروی‌شده‌گان این تحقیق، پیشنهاد می‌نمایند که چنین رشته‌ها باید بیش‌تر مسلکی و اختصاصی شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) خاطر نشان ساخته‌اند که عمومیت برنامه‌ها و هماهنگی کم‌تر میان برنامه‌های علمی جزء چالش‌های اساسی در نظام تحصیلات عالی پاکستان به‌شمار می‌رود.

نصاب‌های تحصیلی باید مطابق بازار کار و نیازهای مبرم جامعه افغانی، منطقوی و جهانی به‌روزرسانی و بازنگری شوند، انتظار می‌رود که فارغان پوهنتون‌های افغانستان در بازارهای منطقه و جهان کار کرده بتوانند؛ باید نیازها و تقاضای بازار کار منطقوی و جهانی از طرف نهادهای تحصیلی کشور در کریکولم‌های برنامه‌های علمی در نظر گرفته شوند و نیز لازم است که فارغان باید به دانش و تکنالوژی روز ملبس و آراسته شوند. هم‌چنان زیر ساخت‌ها و ملحقاتی که ذریعه آن نصاب تحصیلی جنبه تطبیقی و عملی پیدا می‌کنند؛ چون لابراتوارهای مجهز و عصری، محکمه‌های تمثیلی، شفاخانه‌های کادری، فارم‌های تحقیقاتی و اجرای کارهای عملی و سایر لوازم ضروری نیز فراهم شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱). احمد و همکاران (۲۰۱۴) و شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) جهت تقویت نظام تحصیلات عالی، بازنگری و عصری‌سازی نصاب‌های تحصیلی پوهنتون‌های پاکستان را پیشنهاد نموده‌اند.

۲. **از صرف محلی بودن باید به منطقوی‌شدن و جهانی‌شدن برویم:** فارغین پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور صرفاً نباید به‌خاطر کار کردن در افغانستان تریه شوند؛ بلکه چنان با مهارت‌های لازم و دانش آراسته شوند که بتوانند در بازارهای منطقه و جهان نیز کار نمایند و فرصت‌های کاری را از آن خود سازند. علاوه بر آن؛ افغانستان باید حداقل چند پوهنتون در بین ۱۰۰۰-۲۰۰۰ پوهنتون‌های برتر جهان داشته باشد. به‌عباره دیگر به رده‌بندی (Ranking) جهانی پوهنتون‌های برتر باید توجه شود. فعلاً در رده‌بندی بین ۲۰۰۰ پوهنتون برتر جهان از کشورهای همسایه یک یا چند پوهنتون به‌نظر می‌خورد؛ ولی از افغانستان در این کتگوری هیچ پوهنتون دیده نمی‌شود. با توجه به معیارهای جهانی حداقل یک یا چند پوهنتون افغانستان باید عیار گردد و شامل کتگوری فوق شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

بر علاوه؛ در پهلوی تدریس به زبان‌های ملی در پوهنتون‌های کشور، باید به زبان‌های بین‌المللی و منطقوی نیز توجه شوند. فارغان پوهنتون‌ها حداقل به یک الی چند زبان بین‌المللی باید قابلیت تکلم و کار را داشته باشند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۳. **مبدل ساختن پوهنتون‌ها از مراکز صرف تدریس به تحقیق و تدریس:** از آنجایی که تحقیقات علمی یک رکن اساسی پیشرفت و انکشاف کشور را در عرصه‌های مختلف تشکیل می‌دهد، نهادهای اکادمیک باید به تولید دانش از طریق انجام تحقیقات علمی توجه بیش‌تر نمایند. در زمینه مشوق‌های

خوبی برای محققین باید مدنظر گرفته شوند. هم‌چنان بودجه لازم در زمینه به‌خاطر پرداختن و انجام کارهای تحقیقی باید در نظر گرفته شود. مراکز تحقیق پوهنتون‌ها ایجاد و حمایت بیش‌تر شوند. مجله‌های علمی پوهنتون‌ها ایجاد شوند و اگر از قبل ایجاد شده‌اند؛ باید از لحاظ کیفی تقویت شوند. فعلاً اکثر پوهنتون‌ها بیش‌تر وظیفه تدریس را دارند و انجام تحقیقات علمی شان کم‌رنگ است. انجام تحقیقات وافر و نشر آن در ژورنال‌های ملی و بین‌المللی به اعتبار نهادهای آکادمیک می‌افزاید (سروی خودی، ۱۴۰۱). هم‌چنان ایجاد ژورنال‌های بین‌المللی یا حداقل همکاری در ایجاد آن که باید به زبان‌های بین‌المللی نشر شوند و در آن نه تنها مقاله‌های تحقیقی اعضای کادر علمی افغانستان نشر شود؛ بلکه نتایج تحقیقات علمی از محققین و اساتید سایر کشورهای همکار نیز در آن به چاپ برسند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) جهت تقویت نظام تحصیلات عالی، تقویت و ایجاد مراکز تحقیقی را در پوهنتون‌های پاکستان پیشنهاد نموده‌اند.

۴. توجه بیش‌تر در بخش تحصیلات عالی از کمیت به کیفیت: در ۵ سال آینده توجه بیش‌تر به کیفیت تحصیلات عالی صورت گیرد؛ چون در سال‌های اخیر سکتور تحصیلات عالی از لحاظ کمیت رشد قابل‌ملاحظه داشته است. با توجه به نظریات کارشناسان برخی پوهنتون‌های خصوصی به تولید درآمد خویش بیش‌تر فکر کرده و به کیفیت تحصیلات عالی کم‌تر می‌اندیشند و حتی برخی دیگر ملوث به فساد تحصیلی‌اند که این امر مستلزم نظارت دوام‌دار و جدی و برخورد قانونی مسئولین را می‌نماید (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) در پاکستان و کومار (۲۰۲۱) در هندوستان نیز توجه به کیفیت را یکی از گام‌های مؤثر برای بهبود نظام آموزشی مطرح نموده‌اند.

۵. تبدیل نمودن پوهنتون‌ها از حالت کاملاً مصرفی به عایداتی: فعلاً پوهنتون‌های دولتی کاملاً مصرفی و از لحاظ عواید و بودجه بار دوش حکومت مرکزی است. پوهنتون‌های دولتی باید از لحاظ درآمد، مولد باشند و به تدریج سر پای خود ایستاد شده و از لحاظ مالی استقلالیت خود را به تدریج مطابق مقررہ استقلالیت مالی به‌دست بگیرند. پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در بخش بودجه و مسایل مالی خویش مستقل‌اند. درحالی‌که دست و پای اکثر پوهنتون‌های دولتی در زمینه بسته است و بیش‌تر آن‌ها وابسته به حمایت‌های مالی دولتی می‌باشند. باید به پوهنتون‌های دولتی بیش‌تر فرصت داده شود که آن‌ها خود مطابق قانون به جستجوی سرچشمه‌های عایداتی و منابع و حمایت‌های مالی بگردند و یک بخش مشکلات مالی خود را فراتر از بودجه وزارت، سراغ نمایند. البته در عین حال

توجه به مبارزه به فساد مالی و اداری نیز باید معطوف باشد (سروی خودی، ۱۴۰۱). احمد و همکاران (۲۰۱۴)، شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) ابراز نموده‌اند که محدودیت مالی در نظام تحصیلات عالی پاکستان نیز جزء چالش‌های اساسی است.

۶. شیوه تدریس معلم‌محوری و غیر فعال باید به شیوه تدریس شاگرد‌محوری و مبتنی بر نتایج و فعال تغییر کند: با توجه به مشاهداتی که از نهادهای اکادمیک صورت گرفته نشان می‌دهد که گاهی از روش‌های نوین تدریس در نهادهای اکادمیک استفاده شده؛ ولی بیش‌تر از روش‌های کهنه و غیر فعال کار گرفته می‌شود. شیوه‌های تدریس در نهادهای اکادمیک به شکل تدریجی با فراهم‌آوری تجهیزات آموزش عصری (OBE, SCL) و تدارک برق و خدمات اینترنت معیاری فراهم شود (سروی خودی، ۱۴۰۱).

کومار (۲۰۲۱) تغییر روش‌های کلاسیک تدریس را به روش‌های نوین تدریس به‌خاطر تقویت نظام تحصیلات عالی هندوستان پیشنهاد نموده است.

۷. از کارهای روتین و تکراری روزمره در پوهنتون‌ها باید به طرف خلاقیت و نوآوری‌ها حرکت شود: مراکز خلاقیت و نوآوری در پوهنتون‌ها باید ایجاد شوند و افکار مبتکرانه باید تشویق و ترغیب شوند. رهبری پوهنتون‌ها نباید تمام انرژی و ظرفیت خود را صرف کارهای روزمره و تکراری نمایند؛ بلکه در کنار آن باید تفکر استراتژیک و خلاقانه نیز داشته باشند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

کومار (۲۰۲۱) نیز تقویت خلاقیت و نوآوری را در نظام تحصیلات عالی هندوستان مطرح نموده‌اند.

۸. دسترسی همه افغان‌ها به تحصیلات عالی با کیفیت: از آنجایی که سرمایه انسانی جزء ثروت‌های ملی و عامل اساسی توسعه پایدار کشورهاست و این امر بدون سکتور معارف و تحصیلات عالی امکان‌پذیر نیست. بنابراین لازم دیده می‌شود که به‌خاطر انکشاف مهارت‌ها و سطح معیشت؛ همه افغان‌ها باید بدون درنظرداشت جنسیت، قومیت، مذهب، سمت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و زبان به معارف و تحصیلات عالی با کیفیت با رعایت ارزش‌های اسلامی دسترسی داشته باشند (ANDS, 1387).

۹. افزایش آزادی‌های اکادمیک و اداری پوهنتون‌ها: صلاحیت‌ها و مسئولیت‌ها به‌صورت متناسب باید از وزارت به پوهنتون‌ها واگذار شود. ملاحظه می‌شود که حتی تصمیم‌آخذ امتحانات وسط سمستر، نهایی و شروع و ختم سمستر تحصیلی در پوهنتون‌ها را نیز وزارت می‌گیرد. هر پوهنتون با درنظرداشت وضعیت اقلیمی و محیطی خویش باید تقویم اکادمیک به‌خصوص خود را داشته باشند و از طریق شوراهای علمی آن‌ها تأییدی بگیرد. اهداف و اولویت‌های استراتژیک پوهنتون‌ها که مندرج پلان‌های

استراتژیک آن‌ها می‌باشند؛ باید در برنامه‌های انکشافی وزارت به آن توجه شود. اندازه و حدود آزادی‌های اکادمیک و اداری پوهنتون‌ها را باید لایحه تنظیم نماید (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۰. **مدنظر گرفتن اهداف انکشاف پایدار:** در پلان استراتژیک آینده وزارت تحصیلات عالی و پلان‌های استراتژیک پوهنتون‌ها باید اهداف انکشاف پایدار (SDG) تا حدی مدنظر گرفته شوند. به این صورت اهداف استراتژیک ۵ سال آینده تحصیلات عالی کشور و پوهنتون‌ها با اهداف استراتژیک ملی و جهانی بیش‌تر هماهنگ شده و زمینه جذب مالی و همکاری دوزرها و سازمان‌های همکاری‌های منطقوی و جهانی بیش‌تر فراهم خواهند شد. البته ارزش‌های اسلامی و فرهنگ اصیل افغانی در زمینه نیز رعایت شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۱. **بازنگری و نظرسنجی پیرامون برنامه‌های علمی موجوده:** افزون بر تجدید و بازنگری نصاب‌های تحصیلی که قبلاً ذکر شد، از فارغان برنامه‌های علمی، استخدام‌کننده‌ها، استادان، محصلان و سایر شرکای کاری تمام برنامه‌های علمی و رشته‌های موجوده پوهنتون‌ها باید مفیدیت و کارآمدی برنامه‌های شان نظر سنجی شوند. در صورتی که برنامه‌های علمی موجوده به‌درد بخور جامعه و بازار کار نباشند؛ باید لغو و مسدود شده و به‌جای آن برنامه‌های کارآمد و مفید جدید برای جامعه و بازارهای کار ملی و جهانی در چوکات پوهنتون‌ها ایجاد شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۲. **رشته‌بندی صنوف مکاتب بعد از صنف نهم به رشته‌های اختصاصی:** نظرسنجی که از کارشناسان صورت گرفته است، نشان می‌دهد که برخی محصلان جدیدالشمول پوهنخی‌های اختصاصی از معلومات و دانش کافی ابتدایی رشته مربوطه خویش برخوردار نیستند و یا علاقه‌مندی به رشته کامیاب شده ندارند. در صورتی که مکاتب از صنف نهم به بعد (علوم ساینسی، علوم دینی، السنه و زبان‌ها، علوم اجتماعی و...) به همکاری و هماهنگی وزارت معارف کشور رشته‌بندی گردند و متعلمان بتوانند بعد از فراغت از طریق امتحان کانکور به رشته‌های مورد علاقه خویش در پوهنتون‌ها موفق شوند این کار بالای پروسه آموزش در نهادهای اکادمیک مؤثریت بیش‌تر پیدا کرده و فارغان به زیور دانش بهتر آراسته می‌شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۳. **جدی گرفتن تضمین کیفیت و اعتباردهی نهادهای اکادمیک:** موضوع اعتباردهی و تضمین کیفیت پوهنتون‌های دولتی و خصوصی باید نهایت جدی گرفته شود تا ارائه خدمات نهادهای تحصیلی معیاری شوند. هم‌چنان مداخلات سیاسی از بدنه تحصیلات عالی باید دور نگه داشته شود (قانون تحصیلات عالی ملکی، ۱۳۹۴). اجازه دادن مداخلات سیاسی در بدنه تحصیلات عالی کشور به‌معنای آتش زدن ارزش‌ها و فرار از تطبیق حاکمیت قانون و مقررات است (سروی خودی، ۱۴۰۱).

به منظور این که از رهگذر اعتباردهی و تضمین کیفیت ظرفیت پوهنتون های افغانستان بالا برود، ارتباط و عضویت با نهادهای اعتباردهی منطقوی و جهانی باید برقرار شود؛ به طور مثال با شبکه جهانی نهادهای تضمین کیفیت تحصیلات عالی (INQAAHE) و شبکه تضمین کیفیت آسیا پاسیفیک (APQN) (پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۵).

۱۴. تحکیم روابط وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون های کشور با مؤسسات همکار داخلی و خارجی: وزارت تحصیلات عالی، پوهنتون ها و حتی هر پوهنخی با درنظرداشت استقامت و رشته کاری خویش با نهادهای دولتی و خصوصی در مرکز و ولایات باید روابط محکم برقرار نموده و زمینه همکاری های متقابل را فراهم نمایند (سروی خودی، ۱۴۰۱). هم چنان پوهنتون های افغانستان به خصوص اکثر پوهنتون های ولایتی رابطه ضعیف و یا هیچ رابطه رسمی با مراکز تحصیلی خارجی ندارند. برای به دست آوردن همکاری های متقابل علمی آن ها برای رشد و توسعه سکتور تحصیلات عالی کشور رابطه فعلی پوهنتون ها با جهان کافی نیست؛ باید توسعه بیش تر یابد. در زمینه توأمیت های علمی و تفاهم نامه های همکاری در هماهنگی نهادهای مسئول کشور باید فی مابین پوهنتون های افغانستان و پوهنتون های کشورهای همکاری صورت گیرد. طی مراحل چنین تفاهم نامه ها از سوی حکومت مرکزی باید تشویق، تسهیل، تسریع و حمایت گردد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) تقویت روابط متقابل نهادهای اکادمیک را با مراکز علمی جهان خارج یکی از گام های مؤثر برای بهبود نظام آموزشی پاکستان مطرح نموده اند.

۱۵. تدویر برنامه های ارتقای ظرفیت: فراهم سازی زمینه برنامه های ارتقای ظرفیت کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت تحصیلی برای اعضای کادر علمی و اداری وزارت تحصیلات عالی به اساس میکانیزم شفاف و عادلانه که همه در آن خود را دریابند. این روند بعد از نیازسنجی دقیق و همه جانبه بعد از اولویت بندی با درنظرداشت امکانات موجود می تواند عملی گردد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

احمد و همکاران (۲۰۱۴)، شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) ظرفیت سازی را یکی از گام های مؤثر برای نظام آموزشی پاکستان مطرح نموده اند.

۱۶. انکشاف زیربناها و فراهم سازی تجهیزات کاری و آموزشی: در بخش انکشاف زیربناها در کنار اعمار تعمیرات تدریسی و اداری، سرک های داخلی پوهنتون ها خوب است که طی پلان منظم موضوع سرپناه و نمرات رهاشی برای اعضای کادر علمی و اداری پوهنتون ها تحت شرایط خاص در نظر گرفته شود. عدم داشتن سرپناه لازم منسوبین پوهنتون ها یک چالش است؛ به خصوص برای استادانی که سرپناه شان در یک ولایت و وظیفه شان در ولایت دیگر است. قابل یادآوری است که فراهم سازی لوازم کاری

کارکنان و ملحقات تطبیق نصاب‌های تحصیلی که قبلاً در بخش نصاب از آن یادآوری شده است، مهم می‌باشد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

احمد و همکاران (۲۰۱۴) و کومار (۲۰۲۱) نیز از مشکلات در بخش زیربناها و تجهیزات ناکافی در نظام تحصیلات عالی پاکستان و هندوستان اشاره داشته‌اند.

۱۷. انکشاف متوازن و عادلانه پوهنتون‌ها باید یک اصل استراتژیک برای وزارت تحصیلات عالی باشد: جلب همکاری‌ها و توجه مؤسسات همکار بین‌المللی و سفارت‌خانه‌ها صرف باید به پوهنتون‌های مرکز و پوهنتون‌های برتر کشور معطوف نباشد؛ بلکه همه پوهنتون‌های کشور و پوهنتون‌هایی که در انزوا و ولایات دوردست قرار دارند؛ نیز از این مزیت‌ها چه در بخش برنامه‌های ارتقای ظرفیت و توزیع بورسیه‌های تحصیلی باشد و چه در بخش‌های زیربنایی و تجهیزات به‌صورت متوازن و عادلانه مستفید گردند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۸. بازنگری قانون تحصیلات عالی، پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی و سایر اسناد تقنینی مربوطه تحصیلات عالی: قبلاً اسناد تقنینی (مقرره‌ها، لوایح، رهنمودها، پالیسی‌ها و طرز‌العمل‌ها) زیادی از طرف ادارات مسئول در بخش تحصیلات عالی تصویب گردیده است؛ اما با توجه به مقتضیات روز و اخذ مشورت از اهل خبره و متخصصین باید در زمینه بازنگری صورت گیرد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۹. در حصه استخدام کادر علمی و اداری اناث در مؤسسات تحصیلات عالی توجه بیش‌تر شود: از آنجایی که درحال حاضر صنوف درسی اناث و ذکور در پوهنتون‌های دولتی جدا می‌باشند و اکثر پوهنتون‌ها به کم‌بود استادان اناث مواجه‌اند، نیاز دیده می‌شود که در بخش استخدام استادان و کارمندان اناث توجه لازم اتخاذ شود. به‌خاطر تحقق این امر لازم است که اسناد تقنینی این بخش بازنگری شده تا سهولت‌های بیش‌تر تقرری برای استادان اناث مساعد شود (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۲۰. افزایش امتیازات و معاش اعضای کادر علمی پوهنتون‌ها: نظرسنجی‌های تحقیق نشان می‌دهند که در پهلوی انگیزه دادن برای استادان برای خدمت به اولاد وطن و کشور رنج‌دیده، باید امتیازات و معاشات اعضای کادر علمی نیز افزایش یابد تا بدین وسیله زمینه جذب استادان ورزیده بیش‌تر مساعد شده و از فرار اعضای کادر علمی به خارج و یا ترک پوهنتون‌ها جلوگیری شود. کم شدن معاشات اعضای کادر علمی درحالی‌که قیمت مواد غذایی و نرخ سایر خدمات بلند رفته است. اعضای کادر علمی را به مشکلات جدی مالی مواجه ساخته است (سروی خودی، ۱۴۰۱ و مقرر معاش و امتیازات اعضای کادر علمی، ۱۳۹۸).

احمد و همکاران (۲۰۱۴) از معاش ناکافی نیز به عنوان یک چالش در بخش تحصیلات عالی پاکستان یادآوری نموده‌اند.

۲۱. بلند بردن ظرفیت جذب پوهنتون‌ها: هرچند تناسب استاد و محصل نظر به رشته تفاوت دارد؛ اما نسبت حداقل ۳۰/۱ استاد بر محصل باید در عموم رعایت شود (پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۵). ملاحظه شده که در اکثر موارد محصلان جدیدالشمول بیش‌تر از ظرفیت جذب پوهنتون‌های دولتی از سوی اداره ملی کانکور معرفی شده است. تربیه درست جدیدالشمولان به اعضای کادر علمی و اداری کافی، صنوف و تجهیزات لازم درسی و بودجه نیازمند است (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۲۲. تشکیلات پوهنتون‌های خصوصی باید مطابق قانون رسمی و دایمی گردد: تقررهای اعضای کادر علمی و اداری پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی باید از طریق رقابت آزاد مطابق قانون طی مراحل گردد. مشاهده شده است که در برخی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی استادان قراردادی کم تجربه و غیر واجدالشرايط را با حق‌الزحمه اندک استخدام نموده‌اند. این روند بالای کیفیت تحصیلات عالی کشور تأثیر ناگوار دارد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۲۳. درکنار انکشاف نظام تحصیلی باید سایر بخش‌های اقتصاد ملی نیز انکشاف نمایند: به‌خاطر این‌که از ظرفیت‌های فارغان پوهنتون‌ها استفاده لازم صورت گیرد؛ باید توسط حکومت مرکزی تمام عرصه‌های انکشافی جامعه به همکاری سکتور خصوصی تقویت شوند و پروژه‌ها و برنامه‌های جدید عمرانی راه‌اندازی شوند تا شغل‌زایی صورت گیرد و سطح بیکاری در جامعه کاهش یابد. هم‌چنان اصل شفافیت و شایسته‌سالاری حین پروسه استخدام و تقررهای باید رعایت شود. در کنار آن برای محصلان انگیزه داده شود که بعد از فراغت در جامعه باید کارآفرین باشند نه صرفاً منتظر فرصت‌های شغلی توسط دیگران (سروی خودی، ۱۴۰۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که چالش‌های عدیده در بخش تحصیلات عالی کشور چون کم‌بود استادان مسلکی، مشکلات در بخش نصاب‌های تحصیلی و عدم تطبیق همه‌جانبه آن، پایین بودن ظرفیت علمی محصلان جدیدالشمول در پوهنتون‌ها و نیز کم‌بود تجهیزات و زیر ساخت‌های تدریسی که به‌صورت تفصیل‌وار در لابلای این مجموعه از آن یادآوری شده است، وجود دارد. به‌خاطر رفع این معضلات جذب استادان مسلکی، رشته‌بندی متعلمین دوره ثانوی مکاتب، فراهم‌سازی تجهیزات و سرمایه‌گذاری در بخش زیربنای پوهنتون‌ها و سایر راه‌حل‌های ممکنه در لابلای این مقاله یادآوری شده که ممکن پالیسی‌سازان و مسئولین را در بخش برنامه‌ریزی‌های آینده به‌خاطر داشتن نظام تحصیلی پویا و مؤثر در کشور کمک نماید.

منابع

- اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۳۹۵). شاخص فقر چندبعدی افغانستان، تحلیل و گزارش، ص ۸.
- اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۳۹۹). سال‌نامه احصائیوی نسخه اول، ص ۴.
- پالیسی تحقیقات علمی. (بدون سال). وزارت تحصیلات عالی افغانستان، صص ۲-۵.
- پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی. (۱۳۹۵). وزارت تحصیلات عالی، جمهوری اسلامی افغانستان، ص ۲۱.
- رهنمود بازنگری و انکشاف تحصیلات عالی. (۱۳۹۹). معینیت علمی وزارت تحصیلات عالی، صص ۱-۴.
- علی آبادی، علی رضا. (۱۳۸۲). افغانستان مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، وزارت امور خارجه ایران، دفتر مطالعات سیاسی، ص ۲۸.
- فروتن، خوشبخت. (۱۳۸۳). روش‌های نوین تدریس، انتشارات سعید، صص ۱۰۶-۱۰۷.
- قانون تحصیلات عالی ملکی. (۱۳۹۴). وزارت تحصیلات عالی افغانستان، ص ۳۱.
- مقرره معاش و امتیازات اعضای کادر علمی. (۱۳۹۸). وزارت عدلیه، جمهوری اسلامی افغانستان، صص ۶۲-۶۳.
- مرکز ملی تحقیقات پالیسی. (۲۰۱۰/۱۳۸۸). دلایل انکشاف بطی اقتصاد افغانستان، پروژه تحقیقاتی دیپارتمنت اقتصاد پوهنتون کابل، صص ۳۴-۳۵.
- Afghanistan National Literacy Action Plan (2012) Ministry of Education. Literacy Department. Available on: <http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/ED/pdf/Afghanistan.pdf>
- Ahmad, Iqbal; Kahil ur Rahman; Ali, Asghar; Khan Itbar; and Fazl, Akbar Khan (2014) Critical Analysis of the Problems of Education in Pakistan: Possible Solutions. A research paper published on International Journal of Evaluation and Research In Education. Vol. 3. No. 2. P 79-84. Available on: <http://www.iaesjournal.com/online/index.php/IJERE>
- Islamic Republic of Afghanistan, National Strategic Planning Report (ANDS) (2008) First Annual Report. P 17 and 36.
- Karolina, Wilk (2017) The Best Education System in the World. Holistica. Vol. No. 8. Issue 3. P 113-114.
- Kumar, Dilip (2021) Higher Education in India: A Critical Analysis. Research Paper. International Journal for Innovative Research in Multidisciplinary field. P 159-161. Available on: <http://www.IJIRMF.com>
- Shamail, Amir; Sharf, Noshaba, Sharf; and Rizwan, Ali Khan (2020) Pakistan's Education System: An Analysis of Education Policies and Drawbacks. Electronic Research Journal of Social Sciences and Humanities. Vol. 2. Issue No. 1. P 8-9. Available on: <http://www.eresearchjournal.com>

په سيد جمال الدين افغان پوهنتون-كونړ کې د برېښنايي زده کړو د تطبيق پر وړاندې ستونزې او فرصتونه

پوهنيار امان الله توتاخېل

د سافټویر انجینرینګ ډیپارټمنټ، د کمپیوټر ساینس پوهنځی، د پکتیکا پوهنتون، پکتیکا، افغانستان

ایمیل: Amanullah.tutakhail@gmail.com

لنډيز

په تعليمي مرکزونو کې د برېښنايي زده کړو پلي کول يوه غوره تگلاره ده ځکه چې د برېښنايي زده کړو په وسيله د زده کړو ښه زمينه سازي کيږي. ددې څيړنيز اثر په وسيله په سيد جمال الدين افغان پوهنتون کې د برېښنايي زده کړو د تطبيق پروړاندې شته خنډونه او فرصتونه ارزول شوي. د ډيټا په راټولولو کې د همدې او تصادفي ميتودونو څخه کار اخيستل شوي او د سروې په بڼه د پوښتنليکونو او انټرويوگانو په اساس ډيټا راټوله شوي. د يادې سروې د موندنو څخه دا جوتيږي چې د برېښنايي زده کړو د تطبيق په برخه کې يو لړ ستونزې او فرصتونه شتون لري او همدا راز د برېښنايي زده کړو غوره تطبيق لپاره سپارښتنې او حل لارې وړاندې شوي کوم چې د پوهنتون او وزارت رهبري سره به په تصميم نيونه کې مرسته وکړي.

کلیدي اصطلاحات: تعليمي سکتور، سيد جمال الدين افغان پوهنتون، برېښنايي زده کړې، ستونزې، فرصتونه، حل لار

Challenges and opportunities for the implementation of e-learning at Syed Jamaluddin Afghani University-Kunar

Jr. Teaching Asst. Amanullah Totakhail

Department of Software Engineering, Faculty of Computer Science, Paktika Higher Education University, Paktika, Afghanistan
Email: Amanullah.Tutakhail@gmail.com

Abstract

E-learning is recognized as a valuable strategy for enhancing the educational sector, creating an enriched learning environment. This research focuses on evaluating the challenges and opportunities associated with implementing e-learning at Syed Jamaluddin Afghani University. Data was collected through purposive and random sampling methods, utilizing questionnaires and interviews. The findings highlight specific challenges and opportunities within the e-learning implementation. The study proposes recommendations and solutions to facilitate effective e-learning integration, supporting informed decision-making for university leadership and the Ministry of Higher Education.

Keywords: Educational Sector; Syed Jamaluddin Afghani University; e-Learning; Challenges; Opportunities; Solution

سریزه

د تکنالوژۍ پرمختګ په ډیرو برخو کې په لویه کچه اسانتیاوې رامنځ ته کړي چې ددې جملې څخه یې یوه هم تعلیمي برخه ده هغه ځکه چې تکنالوژۍ د تدریس بڼه تغیر کړې زده کوونکې او استادان یې سره جلا کړي او د مختلفو سافټویرونو او تکنالوژيو څخه د ګټې اخیستنې په وسیله درسي مواد او نظریات سره شریک کوي (Mahmud & Gope, 2009). ډیرو پرمختللو او مخ پر ودې هیوادونو په علمي مرکزونو کې بریښنايي زده کړې تطبیق کړي او خپلو هېوادوالو ته یې ګڼې اسانتیاوې رامنځ ته کړي ترڅو هر شخص وکولای شي هروخت او له هرځایه خپلو زده کړو ته دوام ورکړي (Aslam et al., 2021) (Moakofhi et al., 2017) دا چې په هېواد کې هم تکنالوژي د پرمختګ په حال کې ده او په مختلفو برخو کې د چارو ترسره کولو په پار ګټه ترې اخستل کیږي ولې څرنگه چې لازم وه تراوسه په تعلیمي برخه کې ترې مؤثره ګټه نده اخیستل شوې. دا چې ډیری هیوادوال مو د زده کړو د دوام لپوالتیا لري ولې د ځینو محدودیتونو اوستونزو له امله نشي کولای په حضورۍ بڼه ټولګي ته حاضر شي او خپلو زده کړو ته دوام ورکړي دوی لپواله وي ترڅو پرته له فزیکي شتون څخه له هرځایه خپلو زده کړو ته دوام ورکړي. بیا بریښنايي زده کړې د زده کړو پراختیا په برخه کې نوښتګر او اغیزمنه تګلاره ده کوم چې پورته ذکر شوي محدودیتونه له مینځه وړي او ډیرې اسانتیاوې یې رامنځته کړي د بیلګې په ډول: انلاین ویډیو چټ، زده کوونکو لپاره په انلاین بڼه په ټولګي کې د ګډون اسانتیا، درسي موادو ته هروخت او له هرځایه لاسرسی (Almutairi, 2017).

د بریښنايي زده کړو پیژندنه: په ښوونیزه برخه کې د تکنالوژۍ په وسیله د درسي موادو شریکولو ته بریښنايي زده کړې ویل کیږي (Rana & Lal, 2014). بریښنايي زده کړې هغه ځانګړې تګلاره ده کوم چې پرمټ یې کولای شو د وخت اوځای له هرڅه محدودیتونو پرته درسي مواد سره شریک کړو (Qureshi et al., 2012). بریښنايي زده کړې په دوه ډولو ویشل شوي (Aldowah et al., 2015): همغږی بریښنايي زده کړې Synchronous: دا هغه ډول بریښنايي زده کړې دي کوم چې زده کوونکي باید په ټاکلې وخت کې له هرځایه په انلاین بڼه په ټولګي کې ګډون وکړي او له استاد سره د تدریس په وخت کې برخه واخلي.

نه همغږی بریښنايي زده کړې Asynchronous: دا هغه ډول بریښنايي زده کړې دي کوم چې ټاکلې وخت ته اړتیا نلري زده کوونکي کولای شي هروخت او له هرځایه خپل مواد ترلاسه کړي او اړتیا نشته چې په انلاین ډول په ټاکلې وخت کې په ټولګي کې ګډون وکړي.

د بریښنايي زده کړو گټې

لاسرسی: بریښنايي زده کړو زده کونکو ته زمینه مساعد کړې ترڅو په انفرادي ډول خپله مطالعه وکړي او د اړتیا په صورت کې هر وخت او له هرځایه درسي موادو ته لاسرسی ولري (Saay & Norta, 2018). په کم لگښت د موادو شریکول: کله چې یو ځل بریښنايي مواد چمتو شي او سرور کمپیوتر ته پورته شي بیا زده کوونکې او استادان هروخت او له هرځایه ورته لاسرسی لري (Aldowah et al., 2015). په ځانگړې سیستم پورې د استعمال نه محدودیت: استادان او محصلان کولای شي د هر نوع کمپیوتر او زیرک تلیفونونو په وسیله موادو ته لاسرسی ولري. په داسې یوه ځانگړې سیستم پورې تړاو نلري هر یو شخص کولای شي له هرې ممکنه لارې درسي موادو ته لاسرسی پیدا کړي (Datuk & Ali, 2004). د تغیرورکولو او پراختیا اسانتیاوې: کله چې یو ځل د بریښنايي موادو زیرمه رامینځته شي بیا یې مواد هروخت او په ډیرې اسانۍ تغیر او تبدیل کیدای شي. کله چې موادو کې هرډول تغیرات راشي په ډیرې اسانۍ پرته له کوم اضافه لگښت او هڅو له زده کونکو او استادانو سره شریک کیدای شي. ددې سربیره پرته لدې چې د زده کړیالانو او استادانو ترمنځ رابطه پری شي کولای شو یاد سیستم او موادو ته پراختیا ورکړو (Moakofhi et al., 2017).

د ستونزې بیان

په هېواد کې د کرونا وبا دخپريدو سره سم د حضورې زده کړو پرځای نامخامخ/ انلاین زده کړې پیل شوې په داسې حال کې چې تردې مخکې کوم چمتووالی موجود نه وو محصلان او استادان له گڼو ستونزو سره مخ شول څرنگه چې لازم وو هماغسې په مؤثره توگه بریښنايي زده کړې تطبیق نشوې. کله چې مخ پرودې هیوادونه د تکنالوژۍ په برخه کې نوی مفهوم تطبیق کوي غوره داده ترڅو مخکې له مخکې د هغه د تطبیق لپاره د شته فرصتونو او خنډونو ارزونه وشي ترڅو په تطبیق کې یې له ستونزو سره مخ نشي.

د څېړنې پوښتنې

۱. په سید جمال‌الدین افغان پوهنتون کې د بریښنايي زده کړو د تطبیق پروړاندې کومې ستونزې شته؟
۲. په سید جمال‌الدین افغان پوهنتون کې د بریښنايي زده کړو د تطبیق لپاره کوم فرصتونه شته؟

د څېړنې شالید

بریښنايي زده کړې د تدریس او زده کړو بهیر د ساده کولو خورا مهمه تگلاره ده چې د زده کړو دودیز بهیر څخه په متفاوته بڼه د تدریس چارې پرمخ وړل کیږي. د دومره اهمیت او گټو سربیره چې په سربزه کې په تفصیلي بڼه ذکر شوي په تعلیمي برخو کې د بریښنايي زده کړو تطبیق دومره اسانه او ساده کار ندی. ډیری پرمختللي او مخ پرودې هیوادونه په تعلیمي برخو کې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې له

گڼو ستونزو سره مخ شوي (Aggarwal, 2009). اړونده څېړنې ته په کتو په ځینو هیوادونو کې د بریښنايي زده کړو د تطبیق خنډونه مطالعه کړي.

بنگله دیش هم په خپلو تعلیمي برخو کې د بریښنايي زده کړو د تطبیق هڅه کړې ترڅو د ښوونکو او زده کوونکو ترمینځ د پوهې د لیرد پروسه پراخه او اسانه کړي. ولې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې له گڼو ستونزو سره مخ شوي د بیلگې په توگه د معلوماتي تکنالوژۍ د سرچینو کمښت، د انټرنټ سرعت کموالی، انلاین سافتویرونو سره د زده کوونکو د بلدتیا ستونزه، د کمپیوټر سره نه بلدتیا، د بریښنايي زده کړو په برخه کې د عامه پوهاوي کموالی، د بریښنا او تیرینگونو کموالی (Mahmud & Gope, 2009).

د بریښنايي زده کړو اهمیت ته په کتو پاکستان هم هڅه کړې ترڅو خپلو تعلیمي مرکزونو کې بریښنايي زده کړې تطبیق کړي ولې باوجود د دومره امکاناتو په اقرا پوهنتون کې ترسره شوې څېړنې ته په کتو د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې د یو لړ ستونزو سره مخ شوي د بیلگې په توگه: تخنیکي ستونزې، کمپیوټر ته د لاسرسي او پوهې کچې ټیټوالی، دانګلیسي ژبې سره نه بلدتیا، د مخامخ زده کړو سره لیوالتیا، د عامه پوهاوي کموالی، محرمیت او خونديتوب (Qureshi et al., 2012).

همدارنگه په نایجریا کې د بریښنايي زده کړو پلې کوونکي هم خصوصي او دولتي مرکزونه ول یاد مرکزونه هم د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې د یو لړ ستونزو سره مخ ول او یادې ستونزې کولای شي د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې لوی خنډ رامنځته کړي د بیلگې په ډول: د عامه پوهاي کموالی، د کمپیوټر د پوهیدو کچې ټیټوالی، د انټرنټ سرعت کموالی، بریښنايي موادو زیربناوي کموالی، د ژبې ستونزه، د انلاین سافتویرونو سره د زده کوونکو نه بلدتیا (Kamba, 2009).

د څېړنې میتود

نوموړې څېړنه د Case Study په ډول په سیدجمال الدین افغان پوهنتون کې ترسره شوی او یوه تحلیلی کيفي څېړنه ده کوم چې د ډیټا په ترلاسه کولو کې د هدفی او تصادفي میتودونو څخه کار اخیستل شوي. په یاده سروی کې په انلاین بڼه پوښتنلیک چمتو شوی او د یاد پوهنتون له پنځه گونو پوهنځیو محصلانو، استادانو او کارمندانو سره شریک شوی په یاده سروی کې ۷۰ نفرو گډون کړی او پوښتنلیکونه یې ځواب کړي. دویم داچې د انټرویو لپاره د موضوع مسلکیتوب ته په کتو کسان مخکې له مخکې مشخص شوي او له هغوی سره د ډیټا په راټولولو کې ناستې شوي ترڅو په سمه توگه ستونزې او فرصتونه مشخص شي.

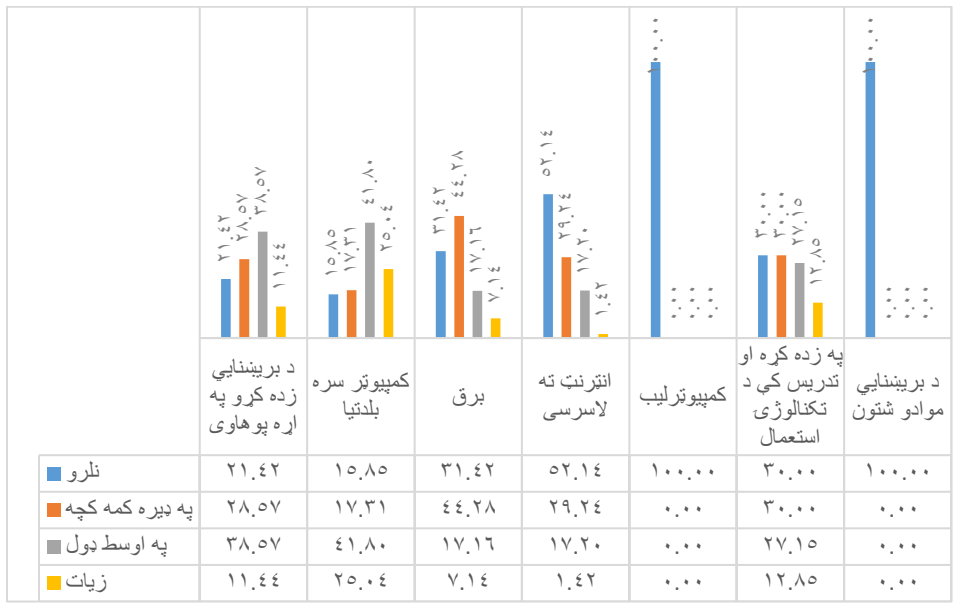
لومړۍ جدول: د مسلک له مخې د ګډونوالو ویش

د مسلک له مخې ګډونوال	د ګډونوالو شمېر
استادان	۲۰
اداري او تخنیکي کسان	۴
زده کړیالان	۴۶
مجموعه	۷۰

د څېړنې موندنې

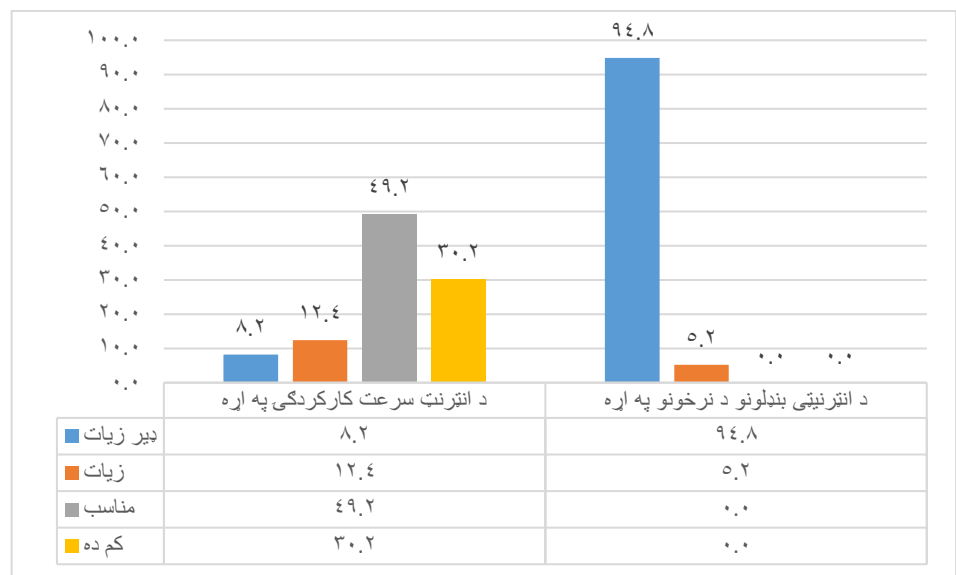
ترلاسه شوې ډیټا مو د فیصد په اساس د اکسیل سافټویر په وسیله تحلیل کړې او په تفصیلي بڼه تشریح شوې. د برېښنايي زده کړو په اړه د ترسره شوې سروې په اساس ۲۱،۴۲ فیصد ګډونوال هیڅ پوهاوی نلري، ۲۸،۵۷ فیصد ګډونوال په ډیره کمه کچه پوهیږي، ۳۸،۵۷ فیصد په اوسط ډول او ۱۱،۴۴ فیصد په زیاته کچه پوهاوی لري. د کمپیوټرسره د بلدتیا په برخه کې ۱۵،۸۵ فیصد هیڅ بلدتیا نلري، ۱۷،۳۱ فیصد په کمه کچه، ۴۱،۸ فیصد په اوسط ډول او ۲۵،۰۴ فیصد په زیاته کچه بلدتیا لري. د برېښنا په هکله د ګډونوالو نظر ۳۱،۴۲ فیصد برېښنا نلري، ۴۴،۲۸ فیصد په کمه کچه برېښنا لري، ۱۷،۱۶ فیصد په اوسط ډول او ۷،۱۴ فیصد په زیاته کچه برېښنا لري.

په یاده سروې کې انټرنټ ته د لاسرسۍ په باره کې ۵۲،۱۴ فیصد ګډونوال هیڅ لاسرسۍ نلري، ۲۹،۲۴ فیصد په کمه کچه، ۱۷،۲ فیصد په اوسط ډول او ۱،۴۲ فیصد په زیاته کچه انټرنټ ته لاسرسۍ لري. د کمپیوټر لیب په اړه ۱۰۰ فیصد ټولو ګډونوالو ویلی چې په خپلو څانګو او پوهنځیو کې کمپیوټر لیب نلري، په تدریس او زده کړو کې ۳۰ فیصد ګډونوال ټکنالوژۍ نه استعمالوي، ۳۰ فیصد ګډونوال یې په کمه کچه استعمالوي، ۲۷،۱۵ فیصد یې په اوسط ډول او ۱۲،۸۵ فیصد په زیاته کچه ټکنالوژۍ استعمالوي. د برېښنايي موادو په اړه د ټولو ګډونوالو ځواب داده چې په برېښنايي بڼه د موادو زیرمه شتون نلري.



لومړی انځور: په فیصد سره د بریښنايي زده کړو د ستونزو ښوونه

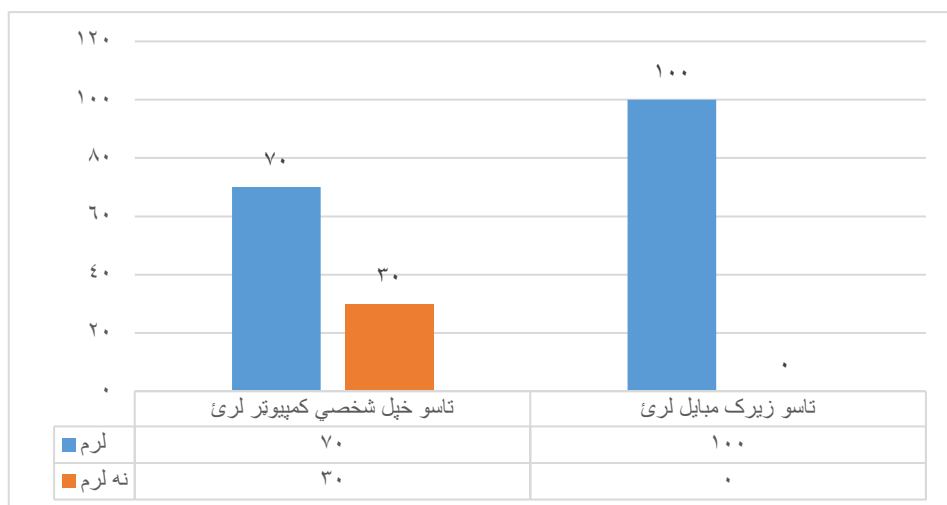
په سروې کې د ګډونوالو له جملې څخه د انټرنټ سرعت او کارکردګۍ په اړه ۳۰،۲ فیصده کم ده، ۴۹،۲ فیصده مناسب، ۱۲،۴ فیصده زیات او ۸،۲ فیصده په ډیره زیاته کچه سرعت کار کوي. ددې سربیره د انټرنیټي ښلولونو د نرخونو لوړوالي په اړه ۹۴،۸ فیصده ګډونوالو له نظره نرخونه ډیر لوړ دي او ۵،۲ فیصده ګډونوالو له نظره نرخ لوړ ده.



دویم انځور: د انټرنیټ سرعت او انټرنیټي ښلولونو د نرخونو څخه د رضایت په اساس د ګډونوالو ویش

فرصتونه

د ترلاسه شوي ډیټا څخه دا معلومېږي چې په یاد پوهنتون کې د بریښنايي زده کړو د تطبیق لپاره فرصتونه شته او د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې مرسته کولای شي. په سروې کې د ګډونوالو له جملې څخه یې په زیاته کچه خپل شخصي زیرک تېلفونونه او کمپیوټرونه لري کولای شي زده کوونکي او استادان د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې ترې موثره ګټه واخلي.



دریم انځور: د زیرک موبایل او کمپیوټر د لرلو په اساس د ګډونوالو ویش

۱. د پوهنتون په کچه ښه مجهز کمپیوټر لیب چې ټول کمپیوټرونه د انټرنټ سره وصل دي شتون لري کوم چې د بریښنايي زده کړو لپاره ډیر موثر تمامیدای شي.
۲. د پوهنتون اکثریت استاذان د بریښنايي زده کړو په برخه کې ښه پوهاوی او ذهنت لري کولای شي په پوهنتون کې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې موثر تمام شي.

مناقشه

ددې څېړنیز اثر په وسیله په سیدجمالالدین افغان پوهنتون کې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې شته ستونزې او فرصتونه مشخص کړي. له موندنو دا جوتیږي چې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې یو لړ ستونزې شتون لري کوم چې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې لوی خنډ رامنځته کوي او همدارنګه د ځینو شته فرصتونو څخه په استفاده د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې مرسته وکړي. د بریښنايي زده کړو په اړه په ډیره کمه کچه د ګډونوالو عامه پوهاوی، د بریښنايي زده کړو لپاره په کافي اندازه د زیربناوو او سرچینو (برق، انټرنټ ته لاسرسی او کمپیوټر لیب) نه شتون، په کمه کچه دکمپیوټرسره بلدتیا، د بریښنايي موادو نشتون،

په سیمه کې د انټرنټ کمزورتیا او د انټرنټ بڼه لرونو لوړ نرخونه. نوموړې هغه ستونزې دي کوم چې په مؤثره توګه د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې لوی خنډونه رامنځ ته کوي.

ددې سربیره د نوموړو ستونزو ترڅنګ یو لږ فرصتونه هم شتون لري کوم چې کولای شي د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې مرسته وکړي د یادو موندنو څخه دا جوتیري چې په سروې کې د ګډونوالو څخه یې ټول خپل شخصي زیرک تېلفونونه او په زیاته کچه خپل کمپیوټرونه او همدارنګه د پوهنتون په کچه یو لوی مجهز کمپیوټر لږ چې ټول ۹۶ کمپیوټرونه لري او ټول د انټرنټ سره وصل دي شتون لري.

کله چې وغواړو په مؤثره توګه یو نوی مفهوم/کانسپټ تطبیق کړو ترټولو غوره تګلاره داده چې لومړی د هغه په تطبیق کې دشته خنډونو او فرصتونو ارزونه وشي. ددې څیړنیز اثر اهمیت او اړتیا هم په دې کې ده ترڅو په سیدجمال الدین افغان پوهنتون کې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې شته ستونزې او فرصتونه تشخیص کړي. ددې سربیره د څیړنې په بشپړولو کې ځینې محدودیتونو شتون درلود د بیلګې په ډول د څیړنې بشپړولو لپاره د کافی وخت نه شتون او په سروې کې د زیاتو کسانو نه ګډون که د څیړنې مخینې ته څیرشو د ځینو هیوادونو په تعلیمي مرکزونو کې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې خنډونه مطالعه شوي او ذکر شوي هیوادونه د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې له ګڼو ستونزو سره مخ شوي. بنګله دیش هیواد د معلوماتي تکنالوژۍ د سرچینو کمښت، د انټرنټ سرعت مسله، انلاین پلټنیزمونه/ سافټویرونه سره د زده کونکو د بلدتیا ستونزه، د کمپیوټر په کارولو کې ستونزه، د بریښنايي زده کړو په برخه کې د عامه پوهاوي کموالی، د برق او ورکشاپونو کموالی (Mahmud & Gope, 2009).

د بریښنايي زده کړو اهمیت ته په کتو پاکستان هم هڅه کړې ترڅو خپلو تعلیمي مرکزونو کې بریښنايي زده کړې تطبیق کړي ولې د دومره امکاناتو باوجود بیا یې هم په تطبیق کې د یو لږ ستونزو سره مخ شوي د بیلګې په ډول اقرا پوهنتون کې د ترسره شوې څیړنې په اساس کوم چې له ستونزو سره مخ شوی ول: تخنیکي ستونزې، کمپیوټر ته د لاسرسي او پوهې کچې ټیټوالی، د انگلیسي ژبې سره نه بلدتیا، د مخامخ زده کړو لیوالتیا، د عامه پوهاوي کموالی، محرمیت او خوندیتوب (Qureshi et al., 2012).

همدارنګه په مالیزیا هیواد کې د بریښنايي زده کړو پلې کونکي خصوصي او دولتي انستیتونه ول کوم چې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې د ګڼو ستونزو سره مخ شوي ول کوم چې په مؤثره توګه د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې لوی خنډونه جوړ کړي وو د بیلګې په ډول د عامه پوهاوي کموالی، د کمپیوټر د پوهې کچې ټیټوالی، د انټرنټ سرعت او بریښنايي موادو د زیربناوو کموالی، د ژبې ستونزه، د انلاین سافټویرونو سره د زده کونکو نه بلدتیا (Ali, 2004).

د ترسره شوې څېړنیز اثر له موندنو داجوتیري چې ترلاسه شوې ستونزې د پورته ذکر شویو هیوادونو له ستونزو سره تر زیاته کچه ورته والی لري او په مؤثره توګه دبرېښنايي زده کړو تطبیق له ننگونو سره مخ کوي. په سیدجمال الدین افغان پوهنتون کې دبرېښنايي زده کړو په تطبیق کې د ترسره شوې سروې په اساس جوتیري چې دبرېښنايي زده کړو دتطبیق پروراندې یولړستونزې شتون لري او اړوندستونزې کولای شي د برېښنايي زده کړو په تطبیق کې لوی خنډونه رامنځته کړي. مخکې تردې چې د پوهنتون او لوړو زده کړو وزارت رهبري په سیدجمال الدین افغان پوهنتون کې په بریالۍ او مؤثره توګه غواړي برېښنايي زده کړې تطبیق کړي غوره به داوی ترڅو له لاندې ذکر شویو حل لارو څخه ګټه پورته کړي او په مؤثره توګه په یاد پوهنتون کې برېښنايي زده کړې تطبیق کړي او نوموړې حل لارې کولای شي د رهبرۍ سره به په تصمیم نیونه کې ډیره مرسته وکړي.

۱. د برېښنايي زده کړو په برخه کې باید د اړتیا، اهمیت او ګټو په اړه سیمینارونه چمتو شي ترڅو د عامه پوهاوي کچه لوړه شي.
۲. د برېښنايي زده کړو په مؤثره تطبیق کې زیربناوې او سرچینې ډیر مهم فکتورونه شمیرل کېږي د پایداره برق لپاره زمینه سازي وشي او ددې سربیره ټولو زده کړیالانو ته باید انټرنټ ته د لاسرسي زمینه سازي وشي او همدارنګه هر پوهنځي ته په کافي اندازه د زده کړیالانو تناسب ته په کتو کمپیوټر لب جوړ شي.
۳. په پوهنتون کې دبرېښنايي موادونه شتون لویه ننگونه ده او دبرېښنايي زده کړو لپاره ټول درسي مواد باید په برېښنايي بڼه چمتو شي ترڅو زده کړیالان او استادان ورته په اسانۍ لاسرسی ولري.
۴. په سیدجمال الدین افغان پوهنتون او دګډونوالو په سیمو کې دانټرنټ کمزورتیا اوسم کار نه کول یوه لویه ستونزه ده چې دبرېښنايي زده کړو په تطبیق کې لوی خنډ جوړوي. باید د اړوند ادارو سره پدې برخه کې موضوع شریکه شي ترڅو په یاده برخه کې د انټرنټ د کارکردګۍ کچه پراخه شي.
۵. د انټرنټ بڼلرونو نرخونه ډیر لوړ دي په شخصي لګښت ګډونوال نشي کولای چې پدې قیمتونو په دوامداره توګه د انټرنټ بڼلرونه فعاله کړي. رهبري باید د برېښنايي زده کړو دتطبیق څخه د مخه اړوندستونزه له مربوطه مراجعوسره شریکه کړي ترڅو د امکان تر حده رسیده ګي ورته وشي.
۶. غوره به داوي چې د مروج درسي بهیر ترڅنګ د امکان په صورت کې برېښنايي زده کړې هم پرمخ ویوړل شي. استادان باید درسي مواد په انلاین بڼه له زده کړیالانو سره شریک کړي، د استاد او زده کړیال ترمنځ ټولې اړیکې باید په انلاین بڼه پرمخ ولاړي شي.

سپارښتنې

په راتلونکې کې باید د زون په کچه هراړخیزه څېړنه وشي ترڅو شته ستونزې او فرصتونه په پراخه کچه په گوته شي او ترهغه وروسته بیا دهیواد په کچه څېړنې ترسره شي ترڅو په بریالۍ او مؤثره توګه په تعلیمي مرکزونو کې د بریښنايي زده کړو له تطبیق څخه مستفید شو. او ددې سربیره باید په راتلونکې کې په سیدجمال الدین افغان پوهنتون کې په پراخه کچه څېړنه ترسره شي د هر پوهنځي له هر ټولګي څخه نمونه ګیري وشي او حد اقل تر ۱۰۰۰ زیاتو کسانو څخه معلومات ترلاسه شي ترڅو په سمه توګه شته ستونزې تشخیص شي.

پایلي

دا چې تکنالوژي ورځ تربلې د پرمختګ او بدلون په حال کې ده او د ژوند په ټولو برخو کې یې ډیرې اسانتیاوې رامینځته کړي ددې جملې څخه یې یو هم تعلیمي سکتور ده. کله چې په داسې مهم سکتور کې د یونوي کانسیټ/مفهوم پلي کوو نو غوره داده ترڅو داړوند موضوع لپاره لومړی باید هراړخیزه څېړنه ترسره شي د تطبیق پروړاندې یې شته ستونزې او فرصتونه په ډاګه شي. که چیرې دا چاره ترسره نشي نو بیا په راتلونکې کې به له ګڼو ستونزو سره مخ شي چې بیا به د ننګونو څخه وتل سخت او د جبران وړ نه وي. ددې څېړنیز اثر له موندنو څخه دا په ډاګه جوتیږي چې په سیدجمال الدین افغان پوهنتون کې د بریښنايي زده کړو د تطبیق پروړاندې ځینې خنډونه شتون لري. غوره به دا وي ترڅو د بریښنايي زده کړو له تطبیق مخکې د امکان تر حده شته ستونزې حل شي او بیا پلي شي. ترهغه چې شته ستونزو ته مناسبه حل لارونه لټول شي او کچه یې راټیټه نشي د بریښنايي زده کړو تطبیق هیڅ ګټه نکوي او په بریالۍ ډول نشو کولای چې پلي یې کړو. ددې سربیره د شته ستونزو باوجود یو لړ فرصتونه هم شتون لري چې د بریښنايي زده کړو په تطبیق کې مرسته کوي او غوره به دا وي چې شته فرصتونه ته په کتو په تدریجي ډول د حضورې زده کړو ترڅنګ بریښنايي زده کړې هم پلي شي ترڅو د بریښنايي زده کړو په اړه یو ښه ذهنیت او عامه پوهاوی رامینځ ته شي.

نوموړې څېړنه د پوهنتون او وزارت له رهبرۍ سره دا مرسته کوي ترڅو ستونزې درک کړي او د اړوند مراجعو سره یې د حل په موخه کوټلي ګامونه واخلي او همدارنګه شته ستونزو ته په کتو حل لارې هم وړاندې شي او دا به د رهبرۍ سره په تصمیم نیونه کې پوره مرسته وکړي.

- Aggarwal, D. (2009). Role of e-Learning in A Developing Country Like India.
- Aldowah, H., Ghazal, S., & Muniandy, B. (2015). Issues and Challenges of Using E-Learning in a Yemeni Public University. *Indian Journal of Science and Technology*. <https://doi.org/10.17485/ijst/2015/v8i32/92160>
- Almutairi, M. M. (2017). A Review of the Potential of Cloud Computing in Education in Saudi Arabia.
- Aslam, S. M., Jilani, A. K., Sultana, J., & Almutairi, L. (2021). Feature Evaluation of Emerging E-Learning Systems Using Machine Learning: An Extensive Survey. *IEEE Access*, 9, 69573–69587. <https://doi.org/10.1109/ACCESS.2021.3077663>
- Datuk, T. S., & Ali, A. (n.d.). ISSUES & CHALLENGES IN IMPLEMENTING E-LEARNING IN MALAYSIA.
- Kamba, M. A. (2009). Problems, challenges and benefits of implementing e-learning in Nigerian universities: An empirical study. *International Journal of Emerging Technologies in Learning*. <https://doi.org/10.3991/ijet.v4i1.653>
- Mahmud, K., & Gope, K. (2009). Challenges of Implementing E-learning for Higher Education in Least Developed Countries: A Case Study on Bangladesh. <https://doi.org/10.1109/ICIMT.2009.27>
- Moakofhi, M., Leteane, O., Phiri, T., Pholele, T., & Sebalatlheng, P. (2017). Challenges of introducing e-learning at Botswana University of Agriculture and Natural Resources: Lecturers' perspective. *International Journal of Education and Development Using Information and Communication Technology*, 13(2), 4–20.
- Qureshi, I. A., Ilyas, K., Yasmin, R., & Whitty, M. (2012). Challenges of implementing e-learning in a Pakistani university. *Knowledge Management and E-Learning*.
- Rana, H., & Lal, M. (2014). E -learning : Issues and Challenges. *International Journal of Computer Applications*, 97(5), 975–8887. <https://doi.org/10.5120/17004-7154>

تحصیلات عالی و نقش آن در تحقق اهداف انکشاف پایدار

پوهنځیاری عینیت الله اکبری^۱، پوهنځیاری نجیب الله مجددی^۲

^{۱،۲} د پارتمنت علوم سیاسي و روابط بین الملل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، پوهنتون البیروني، کاپیسا، افغانستان

ایمیل: Enayatullah.akbari2@gmail.com

چکیده

تحصیلات عالی از ابزار مهم برای رسیدن به اهداف انکشاف پایدار است. رشد فکری، تربیه معنوی و توسعه مادی کشورها در گرو کارکرد تحصیلات عالی مبتنی بر ارزش های علمی جهان مدرن است. هدف دستور کار اهداف انکشاف پایدار مقابله با مبرم ترین چالش های جهان تا سال ۲۰۳۰ است که حل این چالش ها بدون بلند رفتن کیفی تحصیلات عالی ناممکن می باشد. از این رو؛ دانش و تخصصی را که مؤسسات تحصیلات عالی می توانند، ارائه دهند، ابزار استراتژیک برای رسیدن به آن اهداف پنداشته می شود. هدف این مطالعه بررسی نقش تحصیلات عالی در دستیابی به اهداف انکشاف پایدار است. این تحقیق با روش کیفی مبتنی بر داده های کتابخانه ای دریافته است که تحصیلات عالی می تواند از طریق آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی نقش مهمی را در تحقق اهداف انکشاف پایدار بازی نماید. نتایج حاصله تحقیق نشان می دهد که با وجود تلاش های انجام شده، هنوز هم نهادهای تحصیلات عالی در مسیر دستیابی به نتایج پایداری با چالش های مواجهه اند.

اصطلاحات کلیدی: انکشاف پایدار؛ اهداف انکشاف پایدار؛ تحصیلات عالی؛ موانع؛ نقش

Higher Education and its Role in Achieving Sustainable Development Goals

Teaching Asstt. Enayatullah Akbari¹ & Teaching Asstt. Najibullah Mujadidi²

^{1,2}Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Alberoni University, Kapisa, Afghanistan

Email: Enayatullah.akbari2@gmail.com

Abstract

Higher education serves as a crucial catalyst for realizing sustainable development goals, encompassing intellectual growth, spiritual enlightenment, and material progress. As we navigate the sustainable development goals agenda intending to address the world's most urgent challenges by 2030, it becomes evident that improving the quality of higher education is imperative for success. The knowledge and expertise imparted by higher education institutions emerge as strategic assets in our collective endeavor to attain these goals. This study aims to investigate the role of higher education in realizing sustainable development goals. This study, employing qualitative methods grounded in library data, explores how higher education institutions can significantly contribute to sustainable development through education, research, operational practices, and active societal engagement. However, despite commendable efforts, higher education institutions continue to grapple with challenges in the quest for sustainable outcomes.

Keywords: Afghanistan; Higher Education; Obstacles; Role; Sustainable Development; Sustainable Development Goals

مقدمه

جهان در قرن بیست و یک با مسائل مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است که به معضلات جهانی تبدیل شده‌اند. بدین ملحوظ، انکشاف پایدار از نظر بسیاری تنها راه جلوگیری از فاجعه زیست‌محیطی و اجتماعی و اقتصادی است (Brudtland, 2019)، چون‌که به هدف حل نابرابری زندگی مدرن طراحی شده است. در واقع هدف دستور کار اهداف انکشاف پایدار مقابله با مبرم‌ترین چالش‌های جهان مانند فقر، رفاه اقتصادی، نابرابری اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی صلح و حکم‌رانی خوب است که باید تا سال ۲۰۳۰ محقق شود. از این‌رو؛ دانش و تخصصی را که نهادهای تحصیلات عالی ارائه می‌دهند، می‌تواند ابزارهای ضروری برای پیش‌برد این دستور کار باشد. بنابراین تحصیلات عالی قدرت‌مندترین و استراتژیک‌ترین ابزار نه‌تنها برای ایجاد دانش جدید، بلکه بخش بسیار مهمی برای رشد و توسعه نیروی انسانی است که می‌تواند مسئولیت رشد اقتصادی، اجتماعی، علمی و توسعه پایدار کشور را بر عهده بگیرد. دستیابی به اهداف انکشاف پایدار درحال حاضر مستلزم اقدام جمعی و تسریع پیشرفت است (Guterres, 2019) که به اقدامات انجام شده توسط همه ذی‌نفعان از جمله دولت‌ها، مشاغل، جامعه مدنی و حتی افراد بستگی دارد؛ ولی در این میان نقش نهادهای تحصیلات عالی به‌عنوان تولیدکنندگان دانش که بر طرز تفکر مردم و میزان توان‌مندی شان تأثیرگذار است، مهم به‌نظر می‌رسد، چون‌که آن‌ها عوامل کلیدی در آموزش رهبران آینده هستند که به اجرای موفق اهداف توسعه پایدار کمک خواهند نمود. این نوشتار با استفاده از روش کیفی مبتنی بر کتاب‌خانه‌ای و چارچوب ادغام آموزش برای توسعه پایدار به بررسی مفهوم انکشاف پایدار، دستور کار اهداف انکشاف پایدار، نقش و موانع تحصیلات عالی در تحقق آن‌ها پرداخته است.

بیان مسأله

انکشاف پایدار به دلیل تغییرات اساسی در وضعیت جهانی هم‌چون گرمایش جهانی و نگرانی‌های تغییرات اقلیمی بیش از سی سال می‌شود که در دستور کار سیاسی قرار گرفته است. در عین حال، از اجرای شدن دستور کار جدید انکشاف پایدار هفت سال می‌گذرد؛ اما چالش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای درحال توسعه همانند افغانستان کماکان به حالت خود باقی مانده است. پایداری هرچند مفهومی است غالب، اما دستیابی به آن کار ساده‌ای نیست، چون‌که اجرای عملی آن به دلیل نیاز به کسب دانش جدید و تغییر نگرش و رفتار دشوار به‌نظر می‌رسد. ازین‌رو، رفع این دشواری مستلزم آموزش با کیفیت است که خود هدف شماره چهارم دستور کار اهداف انکشاف پایدار را تشکیل می‌دهد. دستیابی به اهداف انکشاف پایدار به اقدامات انجام شده توسط همه‌ی

ذی‌نفعان و سهام‌داران - دولت‌ها، مشاغل، جامعه‌ی مدنی گرفته تا افراد - بستگی دارد. اما مؤسسات تحصیلات عالی به‌عنوان تولیدکنندگان دانش می‌توانند نقش سازنده‌ای را در تحقق آن داشته باشند. این‌که چگونه؟ این مطالعه در صدد یافتن پاسخ آن است تا با برجسته شدن آن، نهادهای تحصیلات عالی کشور عزیز ما افغانستان فعالیت‌های اکادمیک، استراتژی‌ها و فرهنگ سازمانی خویش را منطبق به آن آماده نموده و به شناسایی موانع و چالش‌های فرا راه تحقق آن اهداف بپردازند. مقالات زیادی در مورد انکشاف پایدار نوشته شده؛ اما کم‌تر نوشته‌ای را می‌توان یافت که به نقش تحصیلات عالی در تحقق اهداف انکشاف پایدار پرداخته باشد. از این‌رو، برای رفع خلای تحقیقاتی ضرورت به تحقیقات بیش‌تر در این خصوص در آینده می‌باشد.

سؤالات تحقیق

این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش‌ها است:

۱. چگونه دستور کار جدید اهداف انکشاف پایدار در سال ۲۰۱۵ مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت؟
۲. چگونه تحصیلات عالی می‌تواند در تحقق اهداف انکشاف پایدار مشارکت داشته باشد؟
۳. موانع و چالش‌های نهادهای تحصیلات عالی در افغانستان برای اجرای اهداف انکشاف پایدار کدام‌ها اند؟

مروری بر ادبیات تحقیق

با مرور بر ادبیات موضوع، به نظر می‌رسد که در رابطه به تحصیلات عالی و نقش آن در تحقق اهداف انکشاف پایدار تا هنوز در افغانستان کدام تحقیق خاص صورت نگرفته، هر چند در خصوص اهداف انکشاف پایدار سند تقنینی و مقالاتی تحریر یافته است.

از جمله اهداف انکشاف پایدار افغانستان - ۲۰۱۵-۲۰۳۰: (اهداف، تارگی‌ها و شاخص‌های ملی) عنوان سند معتبری است که در سال ۱۳۹۸ توسط وزارت محترم اقتصاد ترتیب گردیده است. تمام اهداف، تارگی‌ها (اهداف کوچک) و شاخص‌های اهداف انکشاف پایدار افغانستان در قالب هشت سکتور امنیت، حکومت‌داری، زیربنا و منابع طبیعی، زراعت و انکشاف دهات، معارف، صحت، مصئونیت اجتماعی و اقتصاد و انکشاف سکتور خصوصی تهیه گردیده است. بر مبنای این سند سکتور معارف (وزارت معارف، تحصیلات عالی و اداره مستقل تعلیمات تخنیکی و مسلکی) مأموریت گرفتند تا به هدف تطبیق هدف شماره چهارم اهداف انکشاف پایدار (آموزش با کیفیت) ۷ تارگی (هدف کوچک) را عملی سازند. از جمله حصول اطمینان از این‌که الی سال ۲۰۳۰ تمامی دانش‌آموزان به تعلیم و

مهارت‌های مورد نیاز برای ترویج انکشاف پایدار، از جمله ترویج آن به دیگران، از طریق آموزش برای انکشاف پایدار و سبک زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروندی جهانی و ارج نهادن به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگی برای انکشاف پایدار، دست یابند. ولی مکانیزم عملی آن تا هنوز در دست نیست، اگر وجود هم دارد استادان و محصلین از آن آگاه نیستند.

Jaiswal & Gupta (2022) در مقاله خویش تحت عنوان "نقش تحصیلات عالی برای توسعه پایدار" ضمن بررسی مفهوم و ابعاد انکشاف پایدار، نقش تحصیلات عالی در تحقق این اهداف را در سه محور خلاصه نموده اند: ۱. نهادهای تحصیلات عالی به‌ویژه پوهنتون‌ها مسئول تحقیق در مورد اهداف انکشاف پایدار اند. بنابراین بهبود علمی و فن‌آوری برای تولید پایداری باید توسط محققان در پوهنتون‌ها انجام شود؛ ۲. تحصیلات عالی شامل مؤسساتی است که معلمان را برای آموزش‌های مختلف تربیت و پرورش می‌دهند. از این رو، آموزش با کیفیت کاملاً به استادان واجد شرایط بستگی دارد و آموزش برای توسعه پایدار تنها از طریق معلمانی که آموزش دیده‌اند و از ارزش‌ها و دیدگاه‌های پایداری آگاه شده‌اند؛ قابل انجام است؛ ۳. تحصیلات عالی هم‌چنین رهبران و نخبگان کشور را تولید می‌کنند که احزاب سیاسی، بوروکراسی‌های دولتی، مؤسسات اقتصادی و صنایع خصوصی - همه ذی‌نفعان توسعه پایدار - را هدایت و مدیریت می‌کنند. به این خاطر، اگر تحصیلات عالی نتواند محصلان را برای پایداری آموزش دهد، رهبران آینده بخش‌ها نمی‌توانند عوامل واجد شرایط توسعه پایدار باشند.

با مرور بر ادبیات موضوع می‌توان دریافت که هیچ نوشته‌ای تا هنوز تصویر کامل از نقش تحصیلات عالی در دستیابی به اهداف انکشاف پایدار ارائه نمی‌دهند که ایجاب می‌کند مبتنی به نظام تحصیلات عالی افغانستان تحقیقی صورت گیرد که مستقیماً به نقش تحصیلات عالی در افغانستان برای تحقق اهداف انکشاف پایدار پرداخته باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده که بر اساس رهیافت ادغام آموزش برای توسعه پایدار تبیین شده است. برای ارائه پاسخ به سؤالات تحقیق اطلاعات ثانویه با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، مجلات و تحقیقات قبلی جمع‌آوری گردیده است. قبل از استفاده آن‌ها، معیارهایی چون مناسب بودن، قابل اعتبار بودن و کفایت داده‌ها نیز رعایت گردیده است.

یافته‌های تحقیق

مفهوم‌شناسی انکشاف یا توسعه پایدار

از توسعه پایدار تعبی‌رهای مختلفی صورت گرفته است. به گفته Di Giulio (2006) بیش از ۳۰۰ تعریف از توسعه پایدار وجود دارد. با این حال، این مفهوم رویکردی نسبت به توسعه است که به دنبال ایجاد توازن بین نیازهای مختلف زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی ما به عنوان یک جامعه است.

برخی برای توسعه پایدار سه رکن اساسی متصور شده‌اند: پایداری زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی (Levesque, 2019). از این رو، کارآمدی هر سیستمی به لحاظ کردن هر سه بعد پایداری است. به زعم گارسیا اگر توسعه پایدار را به سقف یک ساختمان تشبیه کنیم، ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی ستون‌های آن را تشکیل می‌دهند بر فرهنگ جامعه که زیربنای ساختمان است، استوار شده‌اند (Arasteh & Ameri, 2014:71). پایداری الگویی برای اندیشیدن به آینده است که در آن ملاحظات زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به یک زندگی با کیفیت در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، یک جامعه مرفه به محیط زیست سالم برای تأمین غذا و منابع، آب آشامیدنی سالم و هوای پاک برای شهروندان خود احتیاج دارد (Hola, 2009).

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه معروف به کمیسیون بروندلند در توصیف از توسعه پایدار می‌افزاید: توسعه پایدار یعنی "توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را بدون خدشه وارد کردن به توانایی‌های نسل‌های آتی در تأمین نیازهای شان، تأمین نماید" (WECD, 1987). بنابراین گفته می‌توانیم که توسعه پایدار به دنبال توسعه‌ای است که در آن برای نسل‌های فعلی و آینده از قلمروهای زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی صیانت و از تخریب آن‌ها جلوگیری شود.

مفهوم توسعه پایدار برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ در کنفرانس سازمان ملل در مورد "محیط زیست انسانی" که در استکهلم برگزار شد، به رسمیت شناخته شد هرچند که این اصطلاح به صراحت به کار گرفته نشده بود. این اولین کنفرانس کشورهای عضو سازمان ملل بود که تشخیص داد اقتصاد از یک سو و محیط زیست از سوی دیگر در مسیر برخورد قرار دارند؛ چون وزن فزاینده فعالیت‌های انسانی بر طبیعت منجر به خطرات زیست محیطی در مقیاس بی سابقه‌ای می‌گردد. بعدها به دلیل توجه به رشد اقتصادی ناپایدار، سازمان ملل در سال ۱۹۸۳ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه موسوم به کمیسیون بروندلند را به رهبری دکتر گرو هالم براندلند تأسیس کرد (Ghorbani, 2020). در گزارش این کمیسیون که در سال ۱۹۸۷ تحت عنوان "آینده مشترک ما" منتشر شد، اولین تعریف معتبر در مورد توسعه پایدار را ارائه داد. توسعه

پایدار بر اساس این گزارش به‌عنوان "توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده می‌کند، بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای شان" توصیف شده است (WECD, 1987). متعاقباً سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ کنفرانسی را در مورد محیط‌زیست و توسعه در ریودوژانیرو برگزار نمود. این اجلاس اولین تلاش بین‌المللی را برای ترسیم برنامه‌های اقدام و راهبردهایی برای حرکت به سمت الگوی توسعه پایدارتر نشان داد. بیش از ۱۰۰ رئیس دولت و نمایندگان ۱۷۸ دولت ملی در آن شرکت کردند. در این اجلاس هم‌چنین نمایندگانی از طیف وسیعی از سازمان‌های دیگر به نمایندگی از جامعه مدنی حضور داشتند. تنها در این اجلاس بود که رهبران بزرگ جهان، توسعه پایدار را به‌عنوان چالش اصلی امروز تشخیص دادند.

با پایان یافتن دوره زمانی اهداف توسعه هزاره که در بزرگ‌ترین گردهمایی سران دولت‌ها در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در نیویارک به تصویب رسیده بود، فرایند تدوین اهداف انکشاف پایدار و اجندای پسا ۲۰۱۵، در اجلاس ریو به علاوه ۲۰ (Rio20+) ریودوژانیرو کشور برازیل در سال ۲۰۱۲ که روی وضعیت زمین تمرکز داشت، مورد بحث و مشوره قرار گرفت. پس از تعاملات و رای‌زنی‌های دوام‌دار با گروه‌های مختلف و متخصصین علوم معاصر، بالاخره، اجندای انکشافی ۲۰۳۰ با عنوان "تغییر جهان ما" در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ و در نشست سران کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل مورد تصویب ۱۹۳ کشور جهان قرار گرفت (اهداف انکشاف پایدار افغانستان، ۱۳۹۸، ص ۹). دستور کار جدید که به‌منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری طرح گردیده دارای ۱۷ هدف؛ ۱۶۹ تارگیت (هدف کوچک) و ۲۳۲ شاخص انکشافی می‌باشد. میلیون‌ها نفر از نقاط مختلف جهان نظرات خود را در فرایند مشاوره برای کمک به شکل دادن آن بیان کردند. در فهرست اولیه حدود ۳۰۰ هدف پیشنهادی طی سه سال مورد مذاکره و اولویت‌بندی قرار گرفت تا آن‌که تا اواسط سال ۲۰۱۵ به ۱۷ هدف رسید (Ghorbani, 2020).

براساس تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اهداف انکشاف پایدار، از اول جنوری ۲۰۱۶ لازم‌الاجرا قرار گرفت و از همه کشورهای جهان تقاضا به‌عمل آمد تا فعالیت‌های استراتژیک شان را به‌منظور تطبیق شاخص‌ها و حصول اهداف، برای ۱۵ سال آینده، به‌شکل سیستماتیک و معیاری تدوین و از روند تطبیق به‌گونه مستمر نظارت و گزارشات در خصوص میزان پیشرفت آن‌را به‌گونه سالانه و بعد از تأییدی کابینه کشور شان از طریق مراجع دیپلماتیک به سازمان ملل ارسال دارند (اهداف انکشاف پایدار افغانستان، ۱۳۹۸، ص ۹).

اهداف انکشاف پایدار



شکل ۴: اهداف انکشاف پایدار (وزارت اقتصاد)

تحصیلات عالی و توسعه پایدار

نهادهای تحصیلات عالی به عنوان شاخص ترین نهاد علمی که به امر پردازش انسان ها اهتمام می ورزد؛ موتور محرکه و مغز متفکر جامعه بوده و سکان دار حرکت به سمت توسعه پایدار می باشد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱)، چون که آن ها مأموریت دارند تا توسعه را از طریق تحقیق و تدریس و هم چنین از طریق انتشار دانش جدید برای محصلین خود جهت ارتقای قابلیت های آن ها انتقال دهند (Lazano, 2009). به باور Cortese (۲۰۰۳) هدف نهایی تحصیلات عالی برای توسعه پایدار انتقال دانش، ارزش ها، نگرش ها و مهارت های مورد نیاز برای توانمندسازی افراد جهت ایجاد تغییرات مورد نیاز برای دستیابی به پایداری است. به این ترتیب، نهادهای تحصیلات عالی از طریق فعالیت های آموزشی و یادگیری گسترده خود (تدریس در مقطع لیسانس و فوق لیسانس، آموزش حرفه ای، آموزش اجرایی و بزرگ سالان، یادگیری آنلاین، فعالیت های برنامه درسی مشترک با سایر نهادها و مجامع محصلی) نقش مهمی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار دارند (یونسکو، ۲۰۱۷).

به صورت کل، نهادهای تحصیلات عالی در اجرای هریک از اهداف پایدار نقش کلیدی داشته که اینک به طور خلاصه ذکر می گردد:

۱. پایان دادن به فقر: دسترسی به تحصیلات عالی باعث کاهش فقر می شود؛ زیرا یک جمعیت تحصیل کرده می تواند تصمیمات آگاهانه ای را در خصوص حقوق برابر، منابع طبیعی و اعطای خدمات اساسی برای همه از جمله مالکیت، کنترل بر زمین، دارایی، ارث و سایر خدمات مالی و فن آوری اتخاذ کند. از این رو تحصیلات عالی می تواند دری را به روی مشاغل، منابع و مهارت های باز کند که به فرد کمک نماید که نه تنها زنده بماند، بلکه پیشرفت کند. براساس گزارش یونسکو، اگر همه دانش آموزان در کشورهای کم درآمد فقط مهارت های اولیه خواندن را داشته باشند (هیچ چیز دیگری)، حدود ۱۷۱ میلیون نفر می توانند از فقر شدید فرار کنند. اگر همه بزرگسالان تحصیلات متوسطه را تکمیل کنند، می توانیم نرخ فقر جهانی را بیش از نصف کاهش دهیم.
۲. پایان دادن به گرسنگی: تحصیلات عالی کلید کسب دانش لازم برای کاهش سوء تغذیه و گرسنگی و نیز افزایش تولیدات کشاورزی است. به نقل از گزارش بانک جهانی با بهبود سطح تحصیلات برای جوانان روستایی، آن ها می توانند به طیف وسیع تری از مشاغل غیر کشاورزی وارد شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۷). نهادهای تحصیلات عالی به افراد تحصیل کرده کمک می کنند تا در مورد بیماری ها اطلاعات بیش تری کسب نمایند، اقدامات پیش گیرانه را انجام دهند، نشانه های بیماری را زود تشخیص دهند و همین طور از خدمات مراقبت های بهداشتی استفاده کنند.
۳. زندگی سالم و ارتقاء رفاه: تحصیلات عالی نقش کلیدی را در خصوص سوء مصرف مواد مخدر، الککل، بهداشت روانی، بهداشت باروری و تنظیم خانواده بازی می نماید. جوانان تحصیل کرده تمایل بیش تری به کنترل اندازه خانواده و سرمایه گذاری در سلامت و رفاه فرزندان خود دارند. این تأثیرات به ویژه برای زنان قوی است.
۴. آموزش با کیفیت: نهادهای تحصیلات عالی با ارائه آموزش با کیفیت، مهارت و انگیزه به محصلان نقش سازنده ای را در تحقق اهداف انکشاف پایدار بازی می کنند.
۵. برابری جنسیتی: نهادهای تحصیلات عالی با ارائه آموزش فرصت ها مشارکت دختران و پسران را در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی و عمومی با حفظ پوشش شرعی و حقوق انسانی تشویق می کنند. تحصیلات عالی به اعمال و سنت هایی که سلامت جسمی، روانی زنان و مردان را مختل می کند، کمک می کنند.
۶. آب پاکیزه و بهداشت: تحصیلات عالی با ارائه برنامه های آموزشی و اطلاعاتی ابزارهای لازم را برای نظارت بر کیفیت آب به منظور کاهش آلودگی فراهم می کند. از این رو، نهادهای تحصیلات عالی با افزایش آگاهی در میان جوامع کمک می کنند تا اطمینان حاصل شود که مردم نقش فعالی در بهبود

مدیریت و بهداشت آب دارند و بنابراین برنامه‌های آموزشی و اطلاعاتی پوهنتون‌ها به‌عنوان شرایطی برای ارتقای مدیریت یک‌پارچه منابع آب در نظر گرفته می‌شوند.

۷. دسترسی به انرژی پاک و مقرون به صرفه: تحصیلات عالی با ارتقای بهره‌وری انرژی به ما می‌آموزاند که فن‌آوری‌های را توسعه دهیم که انرژی کم‌تری را هدر می‌دهند. بنابراین نهادهای تحصیلات عالی از طیف کامل رویکردهای تحقیقاتی مورد نیاز برای رسیدگی به اهداف توسعه پایدار از جمله تحقیق و توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر و سایر انرژی‌های پاک حمایت می‌کنند.

۸. رشد اقتصادی پایدار و کار شایسته: پوهنتون‌ها نقش کلیدی در کاهش تعداد جوانان بیکار از طریق افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی را دارند. چون افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش منجر به ایجاد اشتغال با دست‌مزد بالا و افزایش رشد بهره‌وری و اقتصادی می‌شود.

۹. ارتقاء زیرساخت‌های، تاب‌آور و صنعتی فراگیر: پوهنتون‌ها با تقویت تحقیقات علمی، تشویق به نوآوری و افزایش تعداد محققین به ارتقای قابلیت‌های فنی بخش‌های صنعتی و زیرساخت‌ها در همه کشورها کمک می‌کند.

۱۰. کاهش نابرابری: تحصیلات عالی به‌عنوان ابزار توانمندسازی مردم آگاهی را در مورد نابرابری‌های موجود افزایش می‌دهد و به توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همه، صرف‌نظر از سن، جنس، نژاد، قومیت، و یا وضعیت اقتصادی کمک می‌کند.

۱۱. شهرها و جوامع پایدار و تاب‌آور: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق رویکردهای مشارکتی جوامع را برای مدیریت صحیح منابع خود و نیز مقابله با تغییرات اقلیمی آماده نموده و برای بهبود شهرها برنامه‌ریزی نمایند.

۱۲. الگوی تولید و مصرف پایدار: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش عموم جامعه را به‌سوی الگوهای مصرف و تولید پایدار سوق دهند و مشخصاً به کاهش تولید زباله از طریق معرفی و تمرین چهار "Rs" کاهش (Reduce)، استفاده مجدد (Reuse)، بازیافت (Recycle) و بازیابی (Recover) کمک کند.

۱۳. اقدامات جهت مبارزه با تغییرات اقلیم: تحصیلات عالی آگاهی را در مورد ظرفیت انسانی و سازمانی در کاهش تغییرات آب و هوا افزایش می‌دهد و می‌تواند به ایجاد تغییرات رفتاری مورد نیاز برای مبارزه با آن کمک نماید. تأثیرات تغییرات اقلیمی در میان عوامل دیگر به آموزش بستگی دارد که خوب‌تر توسط نهادهای تحصیلات عالی ارائه می‌شود.

۱۴. استفاده پایدار از اقیانوس و دریاها: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق همکاری‌های علمی و توسعه ظرفیت تحقیقاتی به استفاده پایدار از اقیانوس‌ها و دریاها کمک نمایند.

۱۵. ارتقای اکوسیستم و جلوگیری از بین رفتن تنوع زیستی: پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق آموزش تنوع زیستی به ادغام ارزش‌های اکوسیستم حفاظتی و درک تنوع زیستی و ارتباط آن با رفاه انسان کمک نمایند.

۱۶. جامعه پایدار و صلح آمیز: تحصیلات عالی به‌طور گسترده به‌عنوان ابزاری برای ترویج صلح، عدالت و برابری برای توسعه پایدار تلقی می‌شود.

۱۷. احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار: پوهنتون‌ها به‌عنوان مراکز تعامل اجتماعی می‌توانند با تقویت آگاهی و مشارکت عمومی و نیز ایجاد و تسهیل گفت‌گوی بین نهادی به اجرای بهتر اهداف توسعه پایدار کمک نمایند.

هدف دستور کار اهداف توسعه پایدار مقابله با مبرم‌ترین چالش‌های جهان مانند فقر، رفاه اقتصادی، نابرابری، شمول اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی، صلح و حکمرانی خوب تا سال ۲۰۳۰ است. از این‌رو، دانش و تخصصی را که مؤسسات تحصیلات عالی می‌توانند ارائه دهند، ابزارهای ضروری برای پیش‌برد دستور کار هستند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نهادهای تحصیلات عالی می‌توانند از چهار طبقه اصلی در اجرای اهداف انکشاف پایدار مشارکت داشته و نقش بازی نمایند. این چهار طبقه عبارت‌اند از: آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی که هر کدام ذیلاً توضیح داده شده است.

۱. آموزش (Education)

آموزش را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند نهادینه شده با هدف تحقق اهداف یادگیری تعریف شده برای گروه‌های مشخص تعریف شده توصیف کرد (Holmberg & Samuelsson, 2005). همان‌طوری‌که گفته شد هدف نهایی تحصیلات عالی برای توسعه پایدار، انتقال دانش، ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای توانمندسازی افراد جهت ایجاد تغییرات مورد نیاز برای دستیابی به پایداری است، نهادهای تحصیلات عالی می‌توانند از طریق ارائه دانش، مهارت و انگیزه به محصلان برای درک و رسیدگی به چالش‌های توسعه پایدار و نیز ارائه آموزش عمیق آکادمیک یا حرفه‌ای برای اجرای راه‌حل‌های آن نقش سازنده‌ای را در تحقق اهداف توسعه پایدار اجرا کنند. راهبردهای متعددی گنجانیدن پایداری در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های درسی مشترک وجود دارد که پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلی می‌توانند به این اهداف نایل شوند. اولین مورد ایجاد یک دوره خاص پایداری است که دانش

و آگاهی محصلین را در مورد پایداری افزایش دهد. راه دیگر برای ادغام پایداری در برنامه درسی، گنجاندن مفاهیم پایداری در سراسر برنامه درسی و القای آن‌ها در تمام دوره‌های فارغ‌التحصیلی صرف نظر از رشته تحصیلی است. به عنوان مثال، پوهنتون کلرادو یک الزام آموزشی عمومی جدید ایجاد کرده است تا دانش آموزان برای فارغ‌التحصیل شدن باید دوره پایداری را بگذرانند (Beyer, 2010). در نهایت، ایجاد رشته مرتبط با پایداری راه دیگری برای افزایش بازنمایی پایداری در برنامه درسی نهادهای تحصیلات عالی است. پوهنتون ایالتی آریزونا یکی از مؤسساتی است که مدارک خاص پایداری را ارائه می‌دهد. فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی می‌توانند لیسانس در پایداری یا یک برنامه تسریع شده لیسانس و کارشناسی ارشد را دنبال کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد با مدرک کارشناسی ارشد در راه‌حل‌های پایداری فارغ‌التحصیل شوند "برنامه‌های مقطع کارشناسی". هم‌چنین، پوهنتون فورمن نهاد دیگری است که مدرکی در علوم پایداری ارائه می‌دهد (Levesque, 2019).

در عین حال، پوهنتون‌ها می‌توانند غرض بلند بردن آگاهی محصلین در خصوص دانش پایداری به ترویج فعالیت‌های داوطلبانه محصلین بپردازد. به‌طور مثال پوهنتون جورجیا یکی از مؤسساتی است که طیف گسترده‌ای از این فعالیت‌ها را برای محصلان علاقه‌مند به پایداری دارد. یکی از گروه‌های داوطلب «Dawgs Ditch the Dumpster and Donate» نام دارد که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا اساسیه، لباس و سایر وسایل اتاق خواب‌گاه را در پایان سال به‌جای دور انداختن به آن‌ها اهدا کنند. این اقدام سپس به سازمان‌های غیر انتفاعی داده می‌شود. علاوه براین؛ این پوهنتون دارای طیف گسترده‌ای از سازمان‌های محصلی است که بر ایجاد مشارکت، آگاهی و تعامل محصلان با پایداری متمرکز شده‌اند. برخی از این سازمان‌ها عبارتند از EcoTones، یک گروه cappella برای علاقه‌مندان به موسیقی و محیط زیست و یا سازمان Food2Kids برای حمایت بهتر از کودکان آسیب‌دیده از ناامنی غذایی، آگاهی‌دهی نموده و کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌نماید (2019, "Campus Labs Involvement Network").

به‌طور خلاصه برای کمک به اهداف توسعه پایداری از طریق آموزش، پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلات عالی می‌توانند:

- دستور کار اهداف توسعه پایداری و اصول آموزش برای توسعه پایداری را در تمام دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و در آموزش تحقیقات تکمیلی بگنجانند؛
- فعالیت‌های داوطلبانه دانش‌آموزان را که به اهداف توسعه پایداری می‌پردازند، ترویج دهند (افزایش برنامه‌های مشترک آموزش پایداری با محصلان)؛

- ارائه آموزش اجرایی و دوره‌های ظرفیت‌سازی برای سایر ذی‌نفعان/سهام‌داران خارجی و نهادهای که در تحقق اهداف توسعه پایدار مسئولیت دارند؛
- برقراری روابط با پوهنتون‌های کشورهای درحال توسعه و آن‌های که به برنامه‌های آموزشی برای رسیدگی به اهداف توسعه پایدار می‌پردازند.

۲. تحقیق (Research)

تحقیق به کارهای انجام شده توسط اساتید و محصلان در مؤسسات آموزش عالی اشاره دارد که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا درک بهتری از مفاهیم خاص زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با چالش‌های پایداری امروزی به‌دست آورند (Levesque, 2019). به‌نظر بوومیک (۲۰۱۸) تحقیقات می‌تواند دانش فعلی را در مورد مسایل پایداری گسترش دهد و به توسعه استراتژی‌های برای کاهش این مشکلات کمک کند. بنابراین افزایش کار میان‌رشته‌ای و مشارکت قوی اساتید و محصلان با چالش‌های پایداری عناصر حیاتی برای پیش‌برد تحقیقات پایداری هستند (Aktas, 2015; Brundiers & Wiek, 2010). تحقیق میان‌رشته‌ای برای مسایل پایداری از آن جهت مهم‌اند که چالش‌های پایداری شامل به‌هم پیوستگی انواع موضوعات مختلف است (Waas, 2010). برای حمایت از این کار باید گروه‌های تحقیقی کوچک و بین‌رشته‌ای که در آن اعضای هیئت علمی در پروژه‌های تحقیقاتی پایداری همکاری می‌کنند مورد حمایت مالی قرار گرفته و تأمین مالی گردند. آبر و ویک (۲۰۰۹) پیشنهاد می‌کنند که انواع تحقیقات انجام شده در پوهنتون‌ها بیش از تصمیمات اداری به علایق و سوابق اعضای هیئت علمی بستگی دارد و این با سایر حوزه‌های محتوای برنامه درسی، عملیات پوهنتون و مشارکت جامعه، که اغلب به انتخاب‌های مقامات پوهنتون مرتبط است، متفاوت می‌باشد (Aber & Wake, 2009). استراتژی‌های دیگری که پوهنتون‌ها می‌توانند برای پیش‌برد تحقیقات پایداری استفاده کنند. شامل تشریح این مسأله است که چگونه اهداف تحقیقاتی در سطح پوهنتون می‌توانند به بهترین نحو با موضوعات مرتبط به پایداری هماهنگ شوند و جوایز و سایر تقدیرنامه‌ها برای کسانی تعلق گیرد که با محتوای پایداری درگیر هستند (بوومیک، ۲۰۱۸).

به‌طور خلاصه پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلات عالی از طریق تحقیق می‌توانند:

- به تشویق و ترویج اهداف توسعه پایدار به‌عنوان موضوع تحقیق در پوهنتون بپردازند؛
- از طیف کامل رویکردهای تحقیقاتی مورد نیاز برای رسیدگی به اهداف توسعه پایدار از جمله تحقیقات بین‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای حمایت کنید؛
- از برنامه‌های ملی و هماهنگی تحقیقات در مورد اهداف توسعه پایدار حمایت کنند؛

- نوآوری‌های رسیدگی به چالش‌های اهداف توسعه پایدار را برای محققان در پوهنتون و سایر ذی‌نفعان خارجی ترتیب نموده و از رشد نوآوری برای راه‌حل‌های توسعه پایدار حمایت نمایند؛
- نحوه هماهنگی تحقیقات و نیز نقاط قوت تحقیقات انجام شده توسط سایر نهادهای معتبر علمی در مورد اهداف توسعه پایدار را ترسیم و محققان کلیدی را شناسایی کنند.

۳. عملیات (Operations)

عملیات یک پوهنتون را می‌توان به‌عنوان خدمات روزمره‌ای که برای ادامه عملکرد درست خویش ارائه می‌کند تعریف کرد (Levesque, 2019). برخی از این اقدامات شامل ساخت و ساز ساختمان و مدیریت حمل و نقل در محوطه پوهنتون، دفع زباله، تهیه انرژی و آب، سیستم غذایی و تهیه مواد است. توجه به این‌که پوهنتون در کجا و چگونه پول خرج می‌کند نیز مرتبط است (Razman, 2016). پوهنتون‌های پایدار براین موضوع تمرکز می‌کنند که چگونه می‌توانند شیوه‌های مفید زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی را در وظایف روزمره خود ادغام کنند. این را می‌توان با تشویق طراحی ساختمان سبز، حمل و نقل سبزتر، بازیافت و مدیریت صحیح انرژی و آب مشاهده کرد (Calder & Dautremont-Smith, 2009; Patrick, 2008). انتخاب‌های پایداری در سطح پوهنتون می‌تواند به نفع کل جمعیت پوهنتون و هم‌چنین ساکنان اطراف باشد، چون‌که پوهنتون‌ها و سایر نهادهای تحصیلات عالی به‌عنوان مراکز تعامل اجتماعی آموزش، مسکن، غذا، آب، مراقبت‌های صحتی و غیره را برای جمعیت محصلی و هم‌چنین برخی از اعضای هیئت علمی و بازدیدکنندگان ارائه می‌کنند و نیز تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که بر همه اعضای آن تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و انتخاب مواد غذایی مغذی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر سلامت بسیاری از محصلان، اساتید و بازدیدکنندگان داشته باشد (Razman, 2016). یکی دیگر از راه‌های مهم برای ادغام پایداری در عملکردهای روزانه پردیس، کاهش تولید زباله‌های پوهنتون و مشارکت در محل دفن زباله است. به‌عنوان مثال می‌توان از ممنوعیت استفاده از کیسه‌های پلاستیکی و بوتل‌های پلاستیکی آب در محوطه پوهنتون، افزایش آگاهی محصلان از بازیافت و قرار دادن سطل‌های بازیافت بیش‌تر در ساختمان‌ها و کلاس‌های درس نام برد (O'Connor, 2013; Patrick, 2008).

۴. مشارکت اجتماعی (Community partnerships)

مشارکت اجتماعی به همکاری پوهنتون با شرکای خارجی در جامعه اشاره دارد (Levesque, 2019). به نظر Crown (۲۰۱۹) موفقیت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار عمدتاً به همکاری و مشارکت همه بازی‌گران بستگی دارد. استراتژی‌های مشارکت اجتماعی شامل میزبانی سخنرانی‌ها یا رویدادها در مورد موضوعات پایداری، همکاری با تصمیم‌گیرندگان و سایر سهام‌داران کلیدی در مورد موضوعات خاص،

و تعامل با پوهنتون‌های دیگر برای یادگیری و کار با آن‌ها است (بوومیک، ۲۰۱۸). کار با ذی‌نفعان می‌تواند شامل توسعه راه‌حل‌ها و بهترین شیوه‌ها برای بهبود بهره‌وری انرژی، ایجاد شبکه‌های هوشمند و استفاده فن‌آوری‌های تجدیدپذیر باشد. مشارکت با اعضای جامعه یا سازمان‌ها از آن جهت سودمند است، چون‌که مسایل پایداری به افراد با پیشینه‌های مختلف نیاز دارد که با هم کار کنند تا احتمال رسیدگی به یک مشکل به اندازه کافی افزایش یابد (Trencher et al., 2013).

بنابراین پوهنتون‌ها می‌توانند از طریق موارد زیر به این موارد دست یابند:

- تقویت آگاهی و مشارکت عمومی در رسیدگی به اهداف توسعه پایدار؛
- ایجاد و تسهیل گفتگوی بین نهادی و برنامه عمل برای اجرا اهداف توسعه پایدار؛
- ایفای نقش پیش‌رو در توسعه سیاست و حمایت از توسعه پایدار؛
- نشان دادن تعهد و اهمیت پوهنتون‌ها در اجرای اهداف توسعه پایدار.

موانع و چالش‌های نهادهای تحصیلات عالی در افغانستان برای اجرای اهداف انکشاف پایدار

علی‌رغم دست‌آوردهای نظام تحصیلی افغانستان در خصوص ارتقای ظرفیت استادان، به‌روز کریکلم درسی، تأسیس ریاست تحقیق و تالیف، تضمین کیفیت و اعتباردهی، هنوز هم نهادهای تحصیلات عالی افغانستان در مسیر دستیابی به نتایج پایداری با چالش‌های مواجه‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کم‌بود آگاهی استادان و محصلین در مورد توسعه پایدار و کم‌بود منابع برای اجرای آن، نارسایی در مورد گنجاندن آموزش توسعه پایدار در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فرا درسی، اولویت‌بندی پائین، نبود استقلالیت اکادمیک و مالی پوهنتون‌ها، نبود هم‌آهنگی با نهادهای دولتی و خصوصی در زمینه نیازسنجی ملی و شناسایی نیروی بشری مورد ضرورت این نهادها و نیز مقاومت در برابر تغییر اشاره نمود. به‌طور مثال بین وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها از یک‌طرف و وزارت‌های متصدی انکشاف اقتصادی مانند وزارت‌های اقتصادی، فواید عامه، ترانسپورت، معادن، زراعت، انرژی و آب، صحت عامه، کار امور اجتماعی هیچ‌گونه ارتباط و هماهنگی در زمینه نیازسنجی ملی وجود ندارد. از طرف دیگر، بین دوره‌ی تحصیلی و مواد درسی پوهنتون با آن‌چه بازار کار از بعد مهارت فنی و علمی می‌طلبد تناسب منطقی برقرار نشده است که این امر منجر به افزایش مستمر نرخ بیکار فارغ التحصیلان پوهنتون‌ها می‌شود.

تحقیق میان رشته‌ای و مشارکت قوی اساتید و محصلین برای مسایل پایداری به دلیل عدم شناخت استاد و محصل از پایداری و نیز نبود بودجه و حمایت مالی تا هنوز در پوهنتون‌های افغانستان معمول نگردیده است. وقتی انواع تحقیقات انجام شده در پوهنتون‌ها بیش از تصمیمات اداری به علایق و سوابق اعضای

هئیت علمی بستگی داشته باشد (آبرو ویک، ۲۰۰۹) که خود در زمینه پایداری ناگاه باشند، نمی‌توان توقع داشت که فارغ‌التحصیلان آن واجد شرایط اجرای اهداف انکشاف پایدار باشند. در همین حال؛ هاپکینز (۲۰۰۵) معتقد است که فقدان منابع، مانند دستور کار تحقیقاتی موجود برای توسعه پایدار آموزش عالی، توسعه آن را در محیط نهادی نیز به تأخیر انداخته است. Lambrechts و Verhulst (۲۰۱۵) عدم آگاهی از پایداری، ساختار آموزش عالی و کم‌بود منابع در دست‌رس را به ترتیب از موانع ادغام سیستماتیک آموزش پایداری در تحصیلات عالی می‌پندارند. علاوه بر این؛ تعداد محصلان در دهه‌های گذشته افزایش یافته است؛ اما مدیریت داخلی و ساختارهای اداری در انطباق با این افزایش عقب مانده است (لوزانو، ۲۰۰۹). در همین حال؛ یکی از دلایلی که بسیاری از کارشناسان تصور می‌کنند از زمان اجلاس سران زمین در سال ۱۹۹۲ پیشرفت کمی در مورد آموزش توسعه پایدار حاصل شده است، این می‌باشد که منابع مالی کمی برای تغییر جهت آموزش برای پرداختن به پایداری اختصاص یافته است که افغانستان نمی‌تواند از آن مستثنی باشد. چالش‌های ذکر شده را می‌توان به عنوان فقدان رهبری استراتژیک، تقاضای کم از سوی اکثر ذی‌نفعان داخلی و خارجی، از جمله محصلان و کارفرمایان، ارتباطات ضعیف در مورد مفهوم توسعه پایدار و نحوه اعمال آن ذکر کرد (جانستون، ۲۰۰۷).

مناقشه

با توجه به اهمیت جایگاه تحصیلات عالی به عنوان شاخص‌ترین نهاد علمی که در امر پرورش انسان‌ها اهتمام می‌ورزد، حصول نتایج پیش‌بینی شده در خصوص نقش آن در تحقق اهداف انکشاف پایدار ممکن بود چون‌که تحصیلات عالی از طریق آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی نقش کلیدی در آموزش رهبران آینده دارد که به اجرای موفق آن کمک خواهند نمود. از مقایسه نتایج به دست آمده با مطالعات پیشین این مسأله واضح می‌گردد که با گذشت شش سال از اجرایی شدن دستور کار جدید انکشاف پایدار تا هنوز کار تحقیقاتی و آگاهی‌دهی حرفه‌ای چندانی در زمینه در افغانستان صورت نگرفته است. اهمیت تحقیق حاضر در آن است که ضمن بر طرف نمودن خلای علمی موجود، یک اسلوب ساده که در توان نهادهای تحصیلات عالی است که به مشارکت آن‌ها در تحقق اهداف انکشاف پایدار پرداخته. در صورت توجه به موارد ذکر شده نتایج قابل ملاحظه‌ای به دست خواهد آمد. محدودیت محتوایی وضع شده و ناکافی بودن زمان نقاط ضعف این تحقیق را تشکیل می‌دهد. از این‌رو؛ پیشنهاد می‌شود تا در آینده تحقیقات بیش‌تری با روش‌های متفاوت در مورد رابطه و جایگاه اهداف انکشاف پایدار در پالیسی‌ها، کریکولم جدید تحصیلی، نقش استادان و هئیت علمی در انتقال آموزش پایدار به محصلین و نیز میزان آگاهی استادان و محصلین انجام شود.

نتیجه‌گیری

این یک واقعیت تاریخی است که آموزش نقش تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور ایفا می‌کند و هر حوزه را به میزان قابل‌توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر می‌خواهیم با چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی قرن حاضر مقابله نمایم؛ باید آگاهی‌پایداری را عمیق‌تر کنیم؛ آگاهی‌پایداری خود مستلزم آموزش با کیفیت است که هدف شماره چهارم دستور کار اهداف انکشاف پایدار را تشکیل می‌دهد. با توجه به اهمیت آموزش بود که کنفرانس سازمان ملل متحد برای محیط‌زیست و توسعه موسوم به سران زمین که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیور برگزار شده بود. آموزش برای دستیابی به انکشاف پایدار را حیاتی و نهادهای تحصیلات عالی را به‌عنوان انتشاردهنده کلیدی ایده انکشاف پایدار تلقی نمود و متعاقباً در سال ۲۰۰۲ سازمان ملل سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۴ را دهه جهانی برای انکشاف پایدار اعلام نمود

بنابراین موثرترین راه برای ارتقای توسعه پایدار، توسعه ظرفیت همه ذی‌نفعان و سهام‌داران از طریق آموزش است. دستور کار اهداف انکشاف پایدار در تلاش است تا فقر را ریشه‌کن کند و در عین حال به نیازهای اجتماعی مانند آموزش، صحت، حمایت اجتماعی، فرصت‌های شغلی، تغییرات اقلیمی، امنیت غذایی و حفاظت از محیط‌زیست توجه کند. بنابراین دانش و تخصصی را که نهادهای تحصیلات عالی ارائه می‌دهند، می‌تواند ابزار ضروری برای پیش‌برد این دستور کار باشد. اگر چه اهمیت همه ذی‌نفعان برای اجرا و تحقق دستور کار اهداف انکشاف پایدار مهم است، اما تحصیلات عالی می‌تواند از طریق آموزش، تحقیق، عملیات و مشارکت اجتماعی با سایر نهادهای دولتی و غیر دولتی آگاهی، دانش، ارزش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای توان‌مندسازی افراد جهت تغییرات مورد نیاز برای دستیابی به پایداری را فراهم کند. این هدف به آسانی به‌دست نخواهد آمد مگر این‌که برنامه‌های درسی و مواد آموزشی نهادهای تحصیلات عالی به‌طور مستمر بررسی و به‌روز شود. صرفاً افزودن چند دوره آموزشی در مورد مسایل زیست‌محیطی، پایداری، رهبری، و... در دوره‌های لیسانس و مافوق لیسانس برای تغییر پارادایم کافی نیست؛ بلکه نیاز فوری به برداشتن گام‌های جدی در این زمینه وجود دارد تا دروس، رهبری، پالیسی و برنامه‌های عملیاتی مؤسسات تحصیلات عالی با توجه به اصول توسعه پایدار، نیازهای بازار کار و تقاضای نوین جامعه آماده شود. براساس این تلقی و جهت‌گیری، وضعیت کنونی آموزش عالی باید مورد بازنگری قرار گیرد و به‌طور انتقادی مورد پرسش قرار گیرد که تا چه اندازه پوهنتون‌های ما نسبت به اهداف توسعه پایدار مسئول و پاسخ‌گو هستند و چگونه می‌توان آموزش عالی را اصلاح و نوآوری کرد تا به اهداف توسعه پایدار برسیم.

از این رو، مؤسسات تحصیلات عالی اعم از دولتی و خصوصی هر دو باید مأموریت و اهداف خود را باز تعریف نموده و اولویت‌های خویش را براساس اصول توسعه پایدار و نیازهای عینی جامعه تعیین نمایند. سمینارها، کنفرانس‌ها، کارگاه‌ها و غیره خوب و مهم هستند؛ اما ضروری است که راه‌اندازی این نوع همایش‌ها منجر به اقدامات عملی و ملموس در خصوص تطبیق اهداف تعیین شده گردند. بنابراین توسعه افراد پایدار و پس از آن جوامع پایدار باید یکی از اهداف اصلی نظام تحصیلات عالی در سطح ملی و جهانی باشد.

منابع

- اکبری، احمد و دیهیم، جواد و دهنوی، مریم. (۱۳۹۵). نقش سیاست‌های آموزش عالی در تحقق برنامه‌های توسعه پایدار، <https://civilica.com/doc/705428>
- ثابتی. مریم، سپهر، محمد هارون، احمدی، فخرالدین. (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در توسعه ملی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم/شماره چهارم.
- Aber, J, & Wake, C. (2009). Creating the intellectual basis for sustainability. In J. Aber, T. Kelly, & B. Mallory (Eds.). The sustainable learning community: one university's journey to the future. Lebanon, NH: University Press of New England.
- Aktas, C. B. (2015). Reflections on interdisciplinary sustainability research with undergraduate students. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 16(3), 354-366. <https://doi.org/10.1108/>
- Arasteh, H., & Amiri (2011). The role of university in sustainable development. *Journal of Neshae Elm*, 2(2) (in Persian).
- Beyer, V. Sustainability integrated into general education requirements. Retrieved from https://www.uccs.edu/Documents/sustain/GenEdRequireArticle_final.pdf
- Bhowmik, J., Selim., S. A., & Huq, S. (2018). The role of universities in achieving the sustainable development goals (Policy brief). Retrieved from <http://www.icccad.net/wp-content/uploads/2015/12/Policy-Brief-on-role-of-Universities-in-achieving-SDGs.pdf>
- Brundtland, G. H. (2019). The Future Is Now: The Science for Achieving Sustainable Development, Global Sustainable Development Report 2019. Department of Economic and Social Affairs, United Nations. Retrieved November 17, 2020, from https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/24797GSDR_report_2019.pdf.
- Calder, W., & Dautremont-Smith, J. (2009). Higher education: emerging laboratories for inventing a sustainable future. In J.C. Dernbach (Ed.). *Agenda for a sustainable America*. Washington, D.C.: ELI Press (Environmental Law Institute).
- Campus labs involvement network. (2019). Retrieved from <https://uga.campuslabs.com/engage/organizations?categories=7624>.
- Foley, H. (2021). Education for Sustainable Development Barriers, *Journal of Sustainable Development*; Vol. 14, No. 1; 2021, <https://doi.org/10.5539/jsd.v14n1p52>.
- Guterres, A. (2019). The Future Is Now: The Science for Achieving Sustainable Development, Global Sustainable Development Report 2019. Department of Economic and Social Affairs, United Nations. Retrieved November 17 2020, from https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/24797GSDR_report_2019.pdf.
- Jaiswal, V & Gupta, P. (2022). Role of Higher Education for Sustainable Development. http://educationindiajournal.org/home_art_avl.php?path=&id=20.
- O'Connor, R., Lerman, D.C., Fritz, J.N., & Hodde, H. B. (2013). Effects of number and location of bins on plastic recycling at a university. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 43(4), 711-715. <https://doi.org/10.1901/jaba.2010.43-711>

- Razman, R., Abdullah, A. H., & Wahid, Abdul. (2016). Sustainable development in higher education institutions (HEIs): towards sustainable campus operations (SCO). ARPN Journal of Engineering and Applied Sciences, 11. 11823-11826.
- Trencher, G., Yarime, M., & Kharrazi, A. (2013). Co-creating sustainability: cross-sector university collaborations for driving sustainable urban transformations. Journal of Cleaner Production, 50, 40-55. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2012.11.047>
- Waas, T., Verbruggen, A., & Wright, T. (2010). University research for sustainable development: definitions and characteristics explored. Journal of Cleaner Production, 18(7), 629-636. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2009.09.017>
- World Commission on Environment and Development. (1987). "Our Common Future". Oxford: Oxford University Press.
- <https://8am.media/what-is-the-significance-of-the-un-sustainable-development-goals-for-afghanistan/>.